

ذکر نور

در حضور مشتاقان ظہور

مفید فیاضی



ذکر نور

در حضور مشتاقان ظهور



مجلس شورای اسلامی ایران

-
- | | |
|---------------|---|
| ■ نام کتاب: | □ ذکر نور در حضور مشتاقان ظهور |
| ■ مؤلف: | □ مفید فیاضی |
| ■ صفحه آرا: | □ امیرسعید سعیدی |
| ■ ویرایش: | □ واحد پژوهش انتشارات مسجد مقدّس جمکران |
| ■ ناشر: | □ انتشارات مسجد مقدّس جمکران |
| ■ تاریخ نشر: | □ زمستان ۱۳۸۵ |
| ■ نوبت چاپ: | □ اوّل |
| ■ چاپ: | □ اسوه |
| ■ تیراژ: | □ ۳۰۰۰ جلد |
| ■ قیمت شومیز: | □ ۲۴۰۰ تومان |
| ■ قیمت زرکوب: | □ ۳۰۰۰ تومان |
| ■ شابک: | □ ۹۶۴ - ۹۷۳ - ۰۶۴ - ۸ |
-

- | | |
|-------------|---|
| ■ مرکز پخش: | □ انتشارات مسجد مقدّس جمکران |
| | □ فروشگاه بزرگ کتاب واقع در صحن مسجد مقدّس جمکران |

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

این هدیه بی مقدار را تقدیم می‌کنم به:

ارواح همه منتظرانی که در انتظار منتظر و فراق «حجت ثانی عشر»
سوختند و به آرزو نرسیده، سر به تیره تراب گذاشتند، خاصه بنیانگذار
پرافتخار جمهوری اسلامی ایران حضرت امام خمینی و شهدای
گرانقدر؛ به ویژه شهید مرتضی محبّی، و شهید حجة الاسلام
و المسلمین مهندس ابراهیم فیاضی.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا، وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ،
اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ، وَصَلِّ عَلَى وَلِيِّ الْحَسَنِ وَوَصِيِّهِ
وَوَارِثِهِ، الْقَائِمِ بِأَمْرِكَ وَالْغَائِبِ فِي خَلْقِكَ وَالْمُنْتَظَرِ لِإِذْنِكَ. اللَّهُمَّ
صَلِّ عَلَيْهِ وَقَرِّبْ بُعْدَهُ، وَأَنْجِزْ وَعْدَهُ وَأَوْفِ عَهْدَهُ، وَاكْشِفْ عَنْ
بَاسِهِ حِجَابَ الْغَيْبَةِ، وَأَظْهِرْ بِظُهُورِهِ صَحَائِفَ الْمِخْنَةِ، وَقَدِّمِ أَمَامَهُ
الرُّعْبَ، وَثَبِّتْ بِهِ الْقَلْبَ وَأَقِمْ بِهِ الْحَرْبَ، وَأَيِّدْهُ بِجُنْدٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ
مُسَوِّمِينَ، وَسَلِّطْهُ عَلَى أَعْدَاءِ دِينِكَ أَجْمَعِينَ.

فهرست

پیشگفتار	۹
دلایل لزوم شناخت امام (۱)	۱۳
ادامه دلایل لزوم معرفت امام زمان <small>علیه السلام</small> (۲)	۲۱
شخصیت مادر امام زمان <small>علیه السلام</small>	۲۹
شرح ولادت امام زمان <small>علیه السلام</small>	۳۶
دوران کودکی امام زمان <small>علیه السلام</small>	۴۲
آغاز امامت امام زمان <small>علیه السلام</small>	۴۸
شرح غیبت صغرا و کبرای امام زمان <small>علیه السلام</small>	۵۴
مکان زندگی امام زمان <small>علیه السلام</small>	۶۲
موضوع طول عمر امام زمان <small>علیه السلام</small>	۶۸
انتظار فرج، اعتقاد مشترک پیروان مکاتب	۷۵
مشکل دینداری و وظیفه دینداران در عصر غیبت امام زمان <small>علیه السلام</small>	۸۹
وظایف شیعیان و نظارت ائمه بر اعمال آنان در عصر غیبت	۹۳
برخی از وظایف شیعیان در قبال امام زمان <small>علیه السلام</small> در عصر غیبت	۹۸
عنایت و لطف امام زمان <small>علیه السلام</small> نسبت به شیعیان	۱۰۶
عنایت خاص امام زمان <small>علیه السلام</small> نسبت به شیعیان	۱۱۲
امکان ملاقات با امام زمان <small>علیه السلام</small>	۱۱۷
شرایط کسب لیاقت ملاقات با امام زمان <small>علیه السلام</small>	۱۲۲
علائم ظهور و فواید و آثار اعتقاد به آن	۱۳۱
علائم ظهور حادث شده امام زمان <small>علیه السلام</small>	۱۳۸
فتنه دجال	۱۴۵
علائم حتمیه در آستانه ظهور امام زمان <small>علیه السلام</small>	۱۵۰
اوضاع جهان قبل از ظهور امام زمان <small>علیه السلام</small>	۱۵۷

۱۶۲	علائم هنگام ظهور امام زمان <small>علیه السلام</small>
۱۶۸	اوصاف یاران امام زمان <small>علیه السلام</small>
۱۷۶	نقش زنان در جمع یاران امام زمان <small>علیه السلام</small>
۱۸۱	نشانه‌های شخصی امام زمان <small>علیه السلام</small> به هنگام ظهور
۱۸۷	ویژگی‌های لشکریان امام زمان <small>علیه السلام</small>
۱۹۳	چگونگی غلبه امام زمان <small>علیه السلام</small> بر دشمنان
۲۰۰	آغاز جهاد و تشکیل حکومت و محل حکومت امام زمان <small>علیه السلام</small>
۲۰۷	وضعیت فکری و اعتقادی مردم در عصر حکومت امام زمان <small>علیه السلام</small>
۲۱۳	حاکمیت عدل در حکومت امام زمان <small>علیه السلام</small>
۲۱۹	ارتقاء فرهنگ و آداب اجتماعی در عصر حکومت امام زمان <small>علیه السلام</small>
۲۲۵	امنیت عمومی در عصر حکومت امام زمان <small>علیه السلام</small>
۲۳۰	وضعیت اقتصادی جامعه در عصر حکومت امام زمان <small>علیه السلام</small>
۲۳۶	پیشرفت اطلاعات و تکنیک در عصر حکومت امام زمان <small>علیه السلام</small>
۲۴۴	پیشرفت علمی و صنعتی در عصر ظهور امام زمان <small>علیه السلام</small>
۲۵۱	سرانجام حکومت امام زمان <small>علیه السلام</small>
۲۵۶	دلایل اثبات رجعت و تعریف آن
۲۶۳	بررسی موضوع رجعت در عصر حکومت امام زمان <small>علیه السلام</small>
۲۶۹	بررسی رجعت و استمرار حکومت بعد از امام زمان <small>علیه السلام</small>

پیشگفتار

الحمد لله الذي هدانا لهذا وما كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله

سپاس و شکر به درگاه ایزد منان که به ما عنایت فرمود و قلب ما را متوجه خود و اولیای کرام خویش نموده است و ما را در صلب اجداد و رحم جداتی قرار داد که از میان عقاید و آرا، عقیده حقه الهی و شریعت تامه محمدی و ولایت کامله علوی را پذیرفتند و راه روشن هدایت را پیش روی ما باز نمودند؛ خدایشان رحمت کناد و در جوار پیامبر و آل ماوایشان دهادا!

چراغ هدایتی که خداوند به وسیله انبیاء، فرا راه بشر قرار داد، بعثت خاتم الانبیاء علیهم الصلوات و التحیات بود، خورشید تابناکی که کران تا کران جهان را نورانی ساخت، با امثال فرمان «بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ»^۱، با نصب علی علیه السلام به امامت امت، استمرار این نعمت عظمی تحقق یافت و با خاتمیت و صایت مهدی امم تفسیر آیه کریمه نور «يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ»^۲ ولایت الهی تمامت یافت. «الحمد لله على ما هدانا و له الشكر على ما اولانا».

تلاش دشمنان انوار الهی و هدایت بشری با شهادت امامان نور و رحمت، بشریت را از حضور در محضر امام حاضر محروم و چهره تابناک امام عصر را در پس پرده غیبت مستور ساخت. و پس از قطع رشته وحی با ارتحال رسول خاتم علیه افضل التحیه و الکرم، غیبت امام، بزرگترین حادثه غمبار بر بشریت است. «اللهم إنا نشكو إليك فقد نبينا و غيبة و لينا و كثرة عدونا و قلة عددنا و شدة الفتن بنا و تظاهر الزمان علينا».

۲. سوره صف، آیه ۸

۱. سوره مائده، آیه ۶۷

در اوج حاکمیت ظلم و ستم و فرمانروایی قدرت‌های کفر و دنیا پرستی، بار دیگر به برکت قرآن، اسلام، ولایت و رهبری امام خمینی علیه السلام که منادی دین و شریعت بود، دنیا شاهد شکوفایی اسلام و حاکمیت حق شد. در این عصر مهم‌ترین وظیفه متدینین و صاحبان قلم و کرسی‌های خطابه، پرداختن به مسأله مهدویت و آشنا ساختن خود و جامعه نسبت به امام عصر علیه السلام به عنوان بالاترین نیاز بشریت می‌باشد. خداوند به حکمت بالغه و قدرت فائده خود، احساس نیاز همه نیازمندان را اشباع و حاجت همه موجودات زنده را با چشمه‌های زلال و آب خوشگوار و خوارکی‌های رنگارنگ، پاسخ گفته است؛ نیازهای روحی و معنوی بشریت را به نیکوترین اسلوب، و عالی‌ترین روش تأمین نموده است؛ احساس نیاز به عدالت و امنیت در عرصه‌های مختلف زندگی جزو خصایص بشریت است که در طول تاریخ پرماجرایی جوامع بشری، جریان‌های باطل مانع تحقق آن شدند و کام جان انسان‌ها را تشنه نگاه داشتند همچنان نیز موانع زیادی در راه تحقق عدالت در عرصه‌های بین‌المللی وجود دارد؛ امنیت نیز دُر گران‌بهایی است که در انحصار قدرتمندان عالم است و با ابزار مدرن، جوامع بشری را در جنگ و خونریزی و غارت فرو برده‌اند.

تمام انسان‌ها، با هر نژاد و زبان و قبیله و رنگ، امیدوار چشم به افق دوخته‌اند و یکصد منادی عدالت و امنیت را زمزمه می‌کنند. و هر یک بر اساس تفکرات دینی و فرهنگی خود نامی بر او نهاده و در انتظار او دلی پر از امید دارند. در میان همه عقاید و آرای بشری و مکاتب فکری و اخلاقی، اعتقاد به مهدویت در آیین اسلام، خاصه در اسلام اهل بیت علیهم السلام یعنی تشیع، جایگاه رفیع و بسیار با ارزش و کارسازی دارد که از جمیع جهات به عنوان یک اندیشه مترقی، خردمندان و صاحب نظران را متوجه خود کرده تا در این راه با بنان و بیان به اظهار نظر پرداخته و کارهای با ارزش فکری از خود بروز داده‌اند.

از این منظر که هر متاع با ارزش و مورد نیاز همگان، ممکن است مورد سوء

استفاده سودجویان و دنیاپرستان گردد و با عرضه جنس‌های بدلی و متاع قلابی به منافع شیطانی خود برسند و از نیاز جدی جامعه، در آن زمینه بهره فساد خویش ببرند، تنها چیزی که می‌تواند خنثی‌کننده اهداف شوم آنان گردد، آگاهی و شناخت جامعه‌ای است که آن متاع مورد نیاز را می‌خواهد و انتخاب می‌کند. و به همین جهت در طول سالیان غیبت حضرت مهدی علیه السلام که ظهور و حضورش از مهم‌ترین نیازهای بشریت بوده و هست، اربابان مطامع شیطانی و دلدادگان خواسته‌های حیوانی از این نیاز، زمینه‌ای برای تحقق خواسته‌های دنیوی خودشان بهره بردند و ادعای مهدویت کردند و نوعاً نیز با حمایت دستگاه‌های قدرتمند حاکم داخلی و جهانی پشتیبانی شدند، و موجب تشطط آرا و تفرق اعضای جامعه دینی گردیدند؛ در این عرصه نیز تنها عاملی که این توطئه را خنثی و توطئه‌گران را رسوا کرده و می‌کند، آگاهی و شناخت جامعه نسبت به حضرت مهدی علیه السلام و عقیده به مهدویت است.

از این رو از مهم‌ترین وظایف مؤمنین و متدینین، کسب آگاهی و معرفت، نسبت به معارف دینی و شناخت امام عصر علیه السلام است.

از آنجایی که به لطف خداوند و به برکت اسلام، قرآن و رهبری قائد عظیم الشان، امام خمینی علیه السلام و خون شهدای گرانقدر انقلاب اسلامی، سنت با ارزش نبوی؛ نماز جمعه و سنگر مستحکم وحدت و حضور یکپارچه مؤمنین در سراسر کشور احیا گردید و در شهرستان نور هم از ابتدای سال‌های پیروزی انقلاب اسلامی این نعمت بزرگ نصیب مردم ما شد و حقیر سالیان سال مفتخر به امامت جمعه بودم، وظیفه خود دیدم درباره حضرت مهدی علیه السلام، در حد فرصت حاضران و توان خود، در خطبه‌های نماز جمعه، با تکیه بر آیات و روایات، مطالبی را تقدیم حضور مشتاقان ظهور امام زمان علیه السلام نمایم، در نتیجه طی چهل جمعه، خطبه‌های اول نماز جمعه را به این موضوع اختصاص دادم که اینک به صورت کتاب حاضر، چاپ و تحت عنوان «ذکر نور در حضور مشتاقان ظهور» در اختیار مؤمنین قرار می‌گیرد. مطمئن هستم

در خور شأن مخاطبان و خوانندگان ارجمند صاحب نظر و شایسته جایگاه رفیع مهدویت نیست، فقط برای رفع نیاز خود و انجام وظیفه در این سنگر، مطالب عرضه گردید.

با اعتذار از صاحب نظران و خوانندگان و با امید پذیرش این اقدام بی مقدار از جانب عزیز فاطمه حضرت مهدی عج می گویم: «يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ مَسَّنَا وَأَهْلَنَا الضُّرُّ وَجِئْنَا بِبِضَاعَةٍ مُزْجِيَاةٍ فَأَوْفِ لَنَا الْكَيْلَ وَتَصَدَّقْ عَلَيْنَا إِنَّ اللَّهَ يَجْزِي الْمُتَصَدِّقِينَ»^۱.
در پایان از خدمات دوستان عزیز، اعضای محترم ستاد نماز جمعه شهرستان نور که در این راه همکاری خالصانه داشتند و از فرزندانم که در پیاده کردن نوار و تنظیم آن با علاقه به ساحت مقدس امام عصر عج زحمت بی ریا کشیدند و از انتشارات مسجد مقدس جمکران صمیمانه سپاسگزاری می نمایم و اجر آنان را از خداوند مسألت دارم.

والسلام عليكم ورحمة الله

نور - مفید فیاضی

تابستان ۱۳۸۵

دلایل لزوم شناخت امام (۱)

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على سيد الأنبياء والمرسلين
ولعنة الله على أعدائهم اجمعين

تصمیم گرفتیم تا به حول و قوه الهی از این هفته در خطبه‌های اول نماز جمعه درباره وجود مقدس امام زمان علیه السلام در حد وسع و توان خود، با فرصتی که در اختیار هست صحبت کنیم.

از چند جهت احساس کردم که طرح این بحث (وجود مقدس امام) امری ضروری است؛ از جمله این که روز جمعه، متعلق به وجود مقدس امام زمان علیه السلام است، چنان که در زیارت امام زمان علیه السلام که مخصوص روز جمعه است، این جمله آمده است: «هَذَا يَوْمُ الْجُمُعَةِ وَهُوَ يَوْمُكَ الْمَتَوَقَّعُ فِيهِ ظُهُورُكَ، وَالْفَرَجُ فِيهِ لِلْمُؤْمِنِينَ عَلَى يَدَيْكَ؛ يَا إِمَامَ زَمَانٍ! امْرُوزَ جُمُعَةٍ اسْتِ وَرَوْزَ جُمُعَةٍ مَتَعَلِّقٌ بِه شِمَاسْتِ. رَوْزَ جُمُعَةٍ، رَوْزِي اسْتِ كِه اِنْتِظَارِ مِي‌رُودِ دَرِ چِنِينِ رَوْزِي ظُهُورِ كِنِي وَخِداوندِ مَتَعَالِ بِه دَسْتِ شِمَا مُؤْمِنَانِ رَا نِجَاتِ دَادِه وَكَشَايِشِ وَفَرَجِ بَرَايِ اَن‌ها اِيجَادِ نَمَايِدِ وَبِه دَسْتِ وَشَمَشِيرِ شِمَا، كَافِرِينِ رَا نَابُودِ كِنْدِ».

رابطه بین جمعه و امام زمان

رابطه بین جمعه و امام زمان علیه السلام قابل توجه است؛ ولادتش روز جمعه بود و اولین روز امامت او در روز جمعه آغاز شد و یکی از نام‌های ایشان جمعه است. بر حسب روایات؛ امام زمان علیه السلام در روز جمعه‌ای ظهور خواهند کرد و بر همین اساس بوده که

شیعیان از دیرباز، حتی در موقعیتی که حکومت در دست دشمنان دین بوده، در روز جمعه، خود را برای پذیرش امام زمان علیه السلام آماده می‌کردند که به صورت سنت در آمد، و گاهی سوار بر اسب می‌شدند و مسلح به بیرون شهر می‌رفتند و معتقد بودند چون امام زمان علیه السلام در روز جمعه ظهور می‌کند باید آماده باشیم. و همچنین امام جمعه، در روز جمعه که در جایگاه خطابه قرار می‌گیرد، مستحب است که تکیه بر سلاح نموده و روبه روی نمازگزاران بایستد و نمازگزاران هم در مقابل امام جمعه بنشینند و به سخنان وی در حالتی که تکیه بر سلاح کرده است گوش فرادهند.

شاید همه این‌ها بیانگر این پیام باشد که امام جمعه و مأمومین که در روز جمعه در محل نماز جمعه حضور پیدا می‌کنند، در حقیقت، به معنی اعلام آمادگی برای حضور در رکاب امام زمان علیه السلام باشد و معنای انتظار فرج را با این حضور مسلحانه و آماده‌باش عمومی اعلام می‌کنند. بر همین اساس فکر کردم وظیفه‌ای که داریم درباره این امر مهم؛ یعنی شناخت امام زمان علیه السلام در این جایگاه مقدس نماز جمعه و در چنین روزی که متعلق به وجود عزیز امام زمان علیه السلام است با شما که از بهترین مؤمنین هستید و هر هفته در مراسم نماز جمعه شرکت می‌کنید، بهترین و ضروری‌ترین موضوع را مطرح کنم. باشد که ان شاء الله خداوند ما را جزء منتظران ظهور امام زمان علیه السلام قرار دهد.

ضرورت شناخت امام زمان علیه السلام

نکته اولی که باید مطرح شود، درباره معرفت و شناخت امام زمان علیه السلام است که بر حسب دلایلی که ذکر خواهد شد وظیفه داریم تا درباره ائمه علیهم السلام عموماً و درباره امام زمان علیه السلام خصوصاً اطلاعاتی داشته باشیم و با شناخت و فهم نسبت به این رکن رکن دین خودمان، آگاهی و اعتقاد همراه با بصیرت داشته باشیم.

امامت عامه و خاصه

در مباحث مربوط به امامت، آن را به دو بخش امامت عامه و خاصه تقسیم

کرده‌اند که بحث پیرامون امام عصر علیه السلام بخشی از امامت خاصه است که به نوبه خود آن را به دو دسته تقسیم می‌کنیم؛ یعنی زمانی که می‌خواهیم درباره امام زمان علیه السلام تحقیق کنیم و او را بشناسیم باید دو نوع شناخت نسبت به آن حضرت پیدا کنیم:

شناخت اوّل

اولین شناخت، درباره ویژگی‌های شخص امام است؛ یعنی او کیست؟ فرزند چه کسی است؟ کی و کجا متولد شده است؟ اخلاق فردی و اجتماعی اش چگونه بوده؟ رفتار عبادی اش به چه صورت است؟ و بالاخره با آنچه به زندگی شخصی او برمی‌گردد و به عنوان ویژگی فردی او به حساب می‌آید آشنا شویم. اهمیت این نوع شناخت نسبت به شناختی که بعداً ذکر خواهد شد کمتر است. در حقیقت این شناخت، مقدمه و وسیله‌ای است که ما را نسبت به صلاحیت و شایستگی امامت آن حضرت مطمئن‌تر می‌کند.

شناخت دوّم

دومین شناخت، به شناخت شخصیت امام مربوط می‌شود و در آن به مقام و جایگاه امام توجه می‌شود. در این باره دو نوع بحث می‌کنیم؛ یک بحث در رابطه با امامت عامّه که شامل امامت به معنای عمومی می‌شود که گاهی شامل بعضی از انبیای عظام الهی هم می‌شود و بحث دیگر درباره امامت خاصه است؛ یعنی درباره جانشینان پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله که اول ایشان امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام و آخرشان هم حضرت مهدی علیه السلام است. و ما می‌خواهیم در این بخش که راجع به امامت خاصه است آن هم پیرامون آخرین وصی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و جایگاه و شخصیت او بحث نماییم و معرفت درستی درباره امام عصر خود یعنی امام دوازدهم حضرت حجة بن الحسن العسکری علیه السلام پیدا کنیم. اما ابتدا دلایلی که می‌تواند به عنوان دلیل ضرورت شناخت امام به حساب آید را به اختصار مطرح می‌نماییم.

دلیل اول:

تبعیت از حق، یک اصل عقلی است؛ یعنی هر انسان عاقلی خود را موظف می‌داند که از حق تبعیت کند و تبعیت از حق نیز یک امر عقلی است و فرع بر شناخت حق است؛ یعنی اول باید حق را بشناسیم آن‌گاه از آن تبعیت نماییم و تا حق را شناسیم طبیعی است که نمی‌توانیم از آن تبعیت کنیم.

قرآن کریم هم این اصل عقلی را این‌گونه بیان می‌فرماید: «أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمْ مَنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يُهْدَىٰ؟»^۱ «آیا کسی که به حق هدایت شده است سزاوارتر است از این‌که مورد اطاعت قرار بگیرد یا آن کسی که هدایت نشده است. مگر این‌که او هدایت شود».

یعنی اگر امر دایر باشد بر این‌که انسان باید از کسی تبعیت بکند و دو مأخذ یا منبع وجود داشته باشد؛ یکی منبعی که به حق هدایت شده است و منبع دیگری که خودش به حق هدایت نشده است مگر این‌که مورد هدایت قرار بگیرد، حالا می‌بایست از کدام منبع اطاعت نماییم و شایستگی کدام بیشتر است؟ طبعاً حکم عقل این است که باید از آن کسی که حق است و به حق هدایت شده است تبعیت بکنیم، نه از کسی که بر حق نیست و یا هدایت به حق نشده است. خداوند کسی را که بر خلاف شیوه عقل معتقد باشد مورد مؤاخذه قرار می‌دهد و انتقاد می‌کند و می‌فرماید: «فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ؟»^۲ «شما را چه شده که این‌گونه حکم می‌کنید».

یعنی عقل می‌گوید که انسان باید از حق تبعیت کند نه از غیر حق. حال بر اساس این آیه شریفه، طبعاً آن کسی که اصالتاً حق است باید مورد اطاعت قرار بگیرد. پس خداوند و نیز هر کسی که خداوند او را به حق هدایت نموده است و برای هدایت کردن دیگران مبعوث کرده و یا کسی که پیغمبر اکرم ﷺ او را برای هدایت منصوب کرده؛ همانند امیرالمؤمنین و ائمه معصومین علیهم‌السلام شایستگی اطاعت و تبعیت از آن‌ها برای مردم یک ضرورت عقلی است.

۱. سوره یونس، آیه ۳۵

۲. همان.

پس نتیجه می‌گیریم در آغاز باید امام عصری که از جانب خدا برای هدایت انسان‌ها تعیین شده است و باید مورد اطاعت قرار بگیرد را ابتدائاً بشناسیم و بدانیم که کیست، چه می‌گوید و از ما چه می‌خواهد تا بتوانیم از او اطاعت کنیم. این است که می‌گوییم اطاعت، فرع بر معرفت است؛ یعنی اول باید معرفت و شناخت پیدا کنیم سپس از او تبعیت نماییم.

ما اکنون باید تابع حق و مطیع امامت بر حق باشیم. اما اولین سؤالی که مطرح است این است که امامت چیست؟ چه جایگاه و شأنی دارد؟

در همین مورد امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «علیکم بطاعة من لا تُعذرون بجهالته؛ وظيفه شماست که از کسی اطاعت کنید که نشناختنش برای شما عذری نیست؛ یعنی باید نسبت به او شناخت پیدا کنید»^۱ از این بیان امیرالمؤمنین علیه السلام ضرورت شناخت امام زمان علیه السلام را در می‌یابیم و می‌فهمیم باید ابتدا از آن کسی که اطاعت می‌کنیم شناخت داشته باشیم سپس از او تبعیت کنیم.

دلیل دوم:

ما معتقدیم که شناخت و بصیرت و کسب آگاهی در دین به عنوان یکی از ضروریات اعتقادی ماست؛ به خصوص درباره مسائل اصول دین. و اصولاً اعتقاد ما شیعیان این است که چه اصول دین و چه فروع دین بدون شناخت و آگاهی اگر مورد تبعیت قرار بگیرد، بی‌ارزش است و عمل به اصول یا فروع دین باید همراه با بصیرت و آگاهی باشد.

اصول دین را حتماً باید هر کسی خودش اجتهاد کند و با دلایلی که در اختیار خودش قرار می‌دهد بفهمد. در فروع دین هم اگر خودش متخصص نشد و نتوانست اجتهاد بکند، باید از کسی که در زمینه فروع دین مجتهد و صاحب نظر شده تبعیت نماید. لذا ما در فروع دین معتقدیم که تقلید اعلم واجب است. پس شناخت دین یک امر ضروری است.

مهم‌ترین مبانی اعتقادی

اما دین بر چه چیزهایی استوار است که باید آن‌ها را بشناسیم؟
 امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ: عَلَى الصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَالصَّوْمِ وَالْحَجِّ وَالْوَلَايَةِ»^۱ اسلام بر پنج چیز بنا نهاده شده است؛ (به عبارت دیگر اساس اسلام پنج چیز است) نماز، زکات، روزه، حج و ولایت. و بعد می‌فرماید: «وَلَمْ يَنَادِ بِشَيْءٍ مِّثْلَ مَا نُوْدِيَ بِالْوَلَايَةِ» در این پنج چیز تأکیدی که درباره ولایت شده است راجع به هیچکدام نشده؛ یعنی ولایت و امامت در دین از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. نقش نماز برقراری ارتباط است بین انسان با خالقش. نماز بین بنده و خدا ارتباط و پیوند برقرار می‌کند. زکات وسیله پیوند اقتصادی بین طبقه محروم جامعه با طبقه متمول است که بیش از نیاز خود توان اقتصادی دارند. روزه وسیله‌ای است که انسان با رعایت آداب روزه دارای، نفس اماره و خواهش‌های حیوانی خودش را کنترل و تعدیل، و نفس سرکش خود را تربیت می‌کند و آن را در کنترل خودش می‌گیرد تا او را منحرف نکند و برقراری ارتباط درست انسان با شخصیت اصلی خودش هست. و حج نیز علاوه بر سیر الی الله و خود سازی، به معنای برقراری ارتباط بین انسان مسلمان با افراد دیگر و پیوند معنوی و الهی و سیاسی جوامع اسلامی سراسر عالم اسلام با همدیگر و آشنا شدن با فرهنگ، تمدن و آداب و رسوم سایر بلاد اسلامی است، پس حج کنگره بزرگ الهی است. اما ولایت ارزش دهنده همه آنچه را که پایه‌های دین قرار می‌گیرد و اصول دین است می‌باشد و ارزش نماز، روزه، زکات و حج، همه به ولایت و امامت بستگی دارد، بلکه شرط قبولی توحید از بهترین موضوعات شناخت در دین است پس ضرورت دارد تا امام را بشناسیم و گرنه گمراه می‌شویم و باید به کمک امامت و ولایت، مفهوم اصلی نظری و عملی توحید، نماز، روزه و... را بفهمیم.

از طریق شیعه و اهل سنت نقل شده که امام صادق علیه السلام فرموده است: یکی از مهم‌ترین وظایف شیعه آن است که در زمان غیبت کبرای امام زمان علیه السلام بعد از فریضه‌های خودش یا در حالت‌های دیگر این دعا را بخواند: «اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي نَفْسَكَ،

۱. و نیز حدیث سلسله الذهب: کلمة لا اله الا الله حصنی ومن دخل حصنی امن من عذابی... بشرطها وانا من شروطها.

فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعْرِفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ نَبِيَّكَ. اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي رَسُولَكَ، فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعْرِفْنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ. اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي حُجَّتَكَ، فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعْرِفْنِي حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي؛^۱ خدایا! خودت را به من بشناسان که اگر تو را نشناسم نبیّات را نمی‌شناسم. خدایا! پیغمبرت را به من بشناسان که اگر پیامبرت را نشناسم حجتت را نمی‌شناسم. خدایا! حجت و امامت را به من بشناسان که اگر امام را نشناسم در دینم گمراه می‌شوم».

پس شناختن حجت خدا و امام، یک امر ضروری است که اگر نشناسیم در دین گمراه می‌شویم، لذا هدایت و ضلالت به شناخت و عدم شناخت امام و امامت بستگی دارد که به عنوان دلیل می‌توانیم به آن تکیه کنیم.

دلیل سوم:

ما معتقدیم یکی از راه‌های شناخت خداوند، شناخت امام است؛ یعنی اگر ما بخواهیم خدا را بشناسیم، زمینه‌سازی معرفت خدا، شناخت امام است. به جمله‌ای از امام سوم شیعیان حضرت سیدالشهداء علیه السلام توجه فرمایید که مؤید همین نکته می‌باشد و به عنوان یک دلیل برای ضرورت معرفت امام محسوب می‌شود.

از امام حسین علیه السلام پرسیدند: «فما معرفة الله؟؛ شناخت خدا چیست؟»

امام حسین علیه السلام فرمود: «معرفة اهل كل زمان، امامهم الذي يجب عليهم طاعته؛^۲ معرفت خدا عبارت است از این‌که، مردم هر زمانه امامی را که باید از او اطاعت کنند بشناسند».

منظور، بیان این نکته است که امام حسین علیه السلام جواب فرموده که معرفت خداوند به وسیله شناخت مردم هر زمانه از امامی که بر آن‌ها اطاعتش واجب است امکان‌پذیر است.

اکنون در عصر غیبت کبرای امام زمان علیه السلام زندگی می‌کنیم، امامی که ولی عصر ما و حجت برحق خدا و بقیه‌الله است. تفاوتی که بین او و دیگر ائمه علیهم السلام است این است که ائمه دیگر در عصر امامت خودشان ظاهر بودند و قابل رؤیت و دسترسی برای عموم بودند، اما امام زمان علیه السلام طبق مصالحی که وجود دارد (و طبعاً در بحث‌های

۱. جمال الاسبوع، سیدبن طاووس.

۲. بحارالانوار، ج ۵، ص ۳۱۲.

آینده به آن خواهیم پرداخت) در معرض دید عموم پیروان و شیعیان خودش نیست. پس امامی که اطاعت او بر همه واجب است، امام زمان علیه السلام حضرت حجة بن الحسن العسکری علیه السلام است.

امام حسین علیه السلام می فرماید: معرفت خدا به این است که هر کسی در هر زمانی که زندگی می کند، لازم است امامی که اطاعتش بر او واجب است را بشناسد. در حقیقت امام حسین علیه السلام به مردم عصر ما می گوید: شمایی که در عصر غیبت زندگی می کنید و اطاعت شما از امام دوازدهم واجب است باید تلاش کنید تا امام زمان علیه السلام خودتان را بشناسید.

اینک به عنوان حسن ختام در باب ضرورت شناخت امام، حدیثی از رسول خدا صلی الله علیه و آله تقدیم حضور شما می نمایم؛ به امید آن که خداوند کمک فرماید تا پیامبر و ائمه معصومین علیهم السلام و امام زمان علیه السلام را آن گونه که هستند در حد توان و قدرت و نیاز خود بشناسیم. این حدیث هم در مأخذ اهل سنت و هم در مأخذ تشیع با مختصر تفاوتی آمده است: «مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً؛^۱ هرکسی بمیرد در حالی که امام دوران خودش را نشناسد به مردن جاهلیت از دنیا رفته است». یعنی مؤمن از دنیا نرفته است. پس ما باید قبل از آن که از دنیا برویم در این دنیایی که زندگی می کنیم امام زمان علیه السلام خودمان را بشناسیم تا بتوانیم از او به عنوان امام بر حق؛ به عنوان مظهر هدایت و وسیله هدایت الهی که خداوند در اختیار ما قرار داده تبعیت کنیم. امیدواریم که خدا ما را در این امر مهم «معرفت حجت و شناخت امام» مساعدت و کمک فرماید و درهای معرفت خود و حجت خود را به سوی ما بگشاید. ان شاء الله.

ادامه دلایل لزوم معرفت امام زمان عج (۲)

درباره شخصیت امام زمان عج نکاتی را مطرح می‌کنیم:

واسطه فیض

۱) ما معتقدیم فیض الهی، بدون واسطه برای بشر قابل دریافت نیست و حتماً باید بین خدا و بشر، شخصیت‌هایی وجود داشته باشد که از نظر لیاقت و شایستگی، توان درک فیض الهی را داشته باشند چرا که انسان‌ها با توجه به آن‌که موجود مادی و خاکی و دارای غرایز و احساسات حیوانی هستند، قادر به درک فیض الهی بدون واسطه نیستند مگر آن‌که همین انسان خاکی دارای یک سلسه شایستگی‌های الهی باشد تا بتواند از آن دریچه، عنایت‌های خاص الهی و صلاحیت‌های شخصی خودش را از منبع فیض «ذات اقدس الهی» دریافت و به بشریت منتقل کند و واسطه بین خدا و خلق در درک فیوضات الهی باشد.

طرفداران مکاتب الهی هر کدام در یک مقطع زمانی، فیض الهی را توسط انبیا و اولیا برای بشر قابل دریافت می‌دانستند و پس از آن قائل به این معنی نیستند. از جمله کلیمیان بعد از وجود مقدس حضرت موسی عج دیگر قائل نیستند که انسان زنده‌ای واسطه فیض باشد و مسیحیان هم بعد از حضرت عیسی مسیح عج این نظر را دارند البته آن‌ها قائل به کشته شدن حضرت عیسی عج هستند، اما بر اساس نص صریح قرآن کریم قائلیم که عیسی عج زنده است و جزو کسانی خواهد بود که به هنگام ظهور امام زمان عج حاضر خواهد شد، اما بر اساس عقیده مسیحیان بعد از کشته شدن حضرت مسیح عج کسی واسطه فیض بین خدا و خلق نیست.

اهل سنت هم معتقدند که بعد از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله بین خدا و خلق واسطه زنده‌ای وجود ندارد.

در این میان ما شیعیان معتقد هستیم که این واسطه فیض بین خدا و خلق استمرار داشته و آن واسطه انسانی زنده است که امامت انسان‌ها از جانب خدا به او واگذار شده است و او منصوب از جانب خداوند برای رهبری و هدایت جامعه است و واسطه فیض، بین خدا و خلق است و فیض خدا را به جامعه منتقل می‌کند. هر عصری باید دارای امام حی و زنده‌ای باشد که معصوم نیز بوده و دارای لیاقت الهی باشد و از جانب خدا برای واسطه بودن نصب شده باشد. در تفسیر آیه شریفه: «يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ»^۱؛ «روز قیامت هر انسانی را با امامش فرا خواهیم خواند». یعنی هر کسی در کنار امامش حضور پیدا خواهد کرد. در دنبال این آیه شریفه، مفسرین ما با استفاده از احادیث ائمه معصومین علیهم السلام اظهار می‌فرمایند که منظور این است که در روز قیامت هر کسی با امامی که در زمان او زنده بوده است حاضر خواهند شد. در ذیل همین آیه در تفسیر البیان از قول حضرت امام رضا علیه السلام آمده است که آن حضرت فرمود: «یدعی کل اناس بإمام زمانهم و کتاب ربهم و سنة نبیهم»^۲.

یعنی انسان در روز قیامت با سه چیز در آنجا فرا خوانده می‌شود:

اول: امامی که در زمان او زنده بود، دوم: کتاب خدایی که او تابع آن بود، سوم سنت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله.

شیعیان با این سه چیز؛ یعنی با امام دوران و زمانی که زندگی می‌کردند و کتاب خدا؛ یعنی قرآن کریم و سنت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله در روز قیامت حاضر خواهند شد. مقصود این است که هر انسانی موظف است تابع این سه منبع باشد: ۱- کتاب خدا ۲- سنت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله ۳- امامت و رهبری‌های امام معصوم.

با توجه به این حدیث نتیجه می‌گیریم که باید در هر عصری امام زنده‌ای باشد تا واسطه بین خدا و خلق باشد و بعد از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله بشر به وسیله او فیض خدا را دریافت کند. پس ضرورت دارد که ما امام زنده را که فیض الهی توسط او به

۲. مجمع البیان.

۱. سوره اسراء، آیه ۷۱

ما منتقل می‌شود بشناسیم و این نکته بسیار مهمی است که توجه به آن امر ضروری است، در آیه شریفه دیگر قرآن کریم می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ»^۱.

شما برای آن‌که به سوی خدا سیر داشته و معرفت به خدا پیدا کنید و تابع دستورات خدا باشید، باید با تمسک و توسل به وسیله‌ای که خدا برای شما معین کرده است این سیر را ادامه دهید. مفسران می‌گویند: منظور از وسیله «امام» است؛ یعنی انسان باید به وسیله امامی که واسطه فیض میان او و خداست، خدا را بشناسد و راه خدا را طی کند و در سبیل الله حرکت کند.

شناخت جایگاه امام

نکته دیگری که باز به عنوان دلیل ضرورت شناخت امام هست این است که باید جایگاه امام را در عالم بشناسیم که امام از چه جایگاه مهمی برخوردار است و چه تأثیری بر موجودات عالم دارد. ما معتقدیم که این عالم به عنوان مظهر حکمت الهی است؛ اولاً خلقت عالم و ثانیاً دوام و استمرار وجود عالم، از قدرت و حکمت خداوند است و این عالم برای این آفریده شده که بیان‌کننده حکمت کمال مطلق پروردگار باشد. در صورتی این هدف تحقق پیدا خواهد کرد که در عالم، موجود کاملی وجود داشته باشد و این موجود کامل یا انسان کامل، همان کسی است که ما به عنوان واسطه بین خدا و خلق آن را معرفی می‌کنیم؛ یعنی وجود پیامبران و رسول گرامی اسلام و ائمه معصومین علیهم‌السلام و واسطه فیض خدا هستند هم در ایجاد خلقت و هم وسیله فیض استمرار وجود عالم و آدم هستند. یعنی اگر پیامبر و اهل بیت نبودند، خدا عالم را نمی‌آفرید. حدیث شریف قدسی همین است: «لولاك لما خلقت الافلاك»^۲ اگر به خاطر تو نمی‌بود افلاک را نمی‌آفریدم». و نیز اگر پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و آلش علیهم‌السلام نبودند عالم وسیله قرار و دوام خود را از دست می‌داد.

در حدیث شریفی از امیرالمؤمنین علیه‌السلام نقل است که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به او فرموده است

۱. سوره مائده آیه ۳۵.

۲. بحارالانوار: ۴۰۵/۱۶.

«یا علی لولا نحن لما خلق الله آدم وحواء ولا الجنة ولا النار ولا السماء ولا الأرض؛^۱ ای علی! اگر ما اهل بیت نبودیم خداوند آدم و حوا و بهشت و آسمان و زمین را نمی آفرید». خداوند این‌ها را به طفیل وجود پیغمبر و آلش آفریده است. مفهوم حدیث شریف کساء را هم اگر مراجعه بفرمایید تصریح به همین معنا دارد که در این حدیث شریف اصل خلقت عالم را به خاطر پیغمبر اکرم و اهل بیت او می‌داند. دوام و استمرار وجود این عالم هم به وجود پیغمبر اکرم و آل او بستگی دارد. یعنی باید در این عالم خلقت، کسی از خاندان پیغمبر به عنوان حجت خداوند در زمین باشد تا آسمان و زمین برقرار باشد. و در آن حدیث شریف است: «لو خلت الارض ساعة واحدة من حجة لله لساخت باهلها؛^۲ اگر زمین ساعتی از حجت خدا خالی باشد زمین اهلش را فرومی‌برد».

به برکت وجود امام زمان است که همه هستی روزی می‌برند و به برکت وجود امام زمان است که آسمان و زمین در مدار خودشان به طور منظم در گردشند و نظم هستی برقرار است.

پس در حقیقت تعبیری که در روایات می‌شود، امام را به عنوان قطب عالم امکان تلقی می‌کنند. یعنی همان طوری که در بدن انسان، قلب سکان دار اصلی حیات بشر است و اگر قلب وضعش مختل شود، انسان حیاتش در مخاطره جدی قرار می‌گیرد، در این عالم هستی هم امام زمان قلب عالم است.^۳ پس ما باید نسبت به چنین شخصیتی که همه وجود و هستی ما و عالمی که در آن زندگی می‌کنیم به وجود او بستگی دارد، معرفت و شناخت درستی داشته باشیم.

شناخت شخص امام زمان

آخرین حجت بر حق خدا و خاتم اوصیاء محمد مصطفی امام زمان است که خلاصه‌ای از زندگی وجود مقدس ایشان تقدیم حضور شما می‌گردد.

۱. سیمای آفتاب به نقل از کلمات مکنونه، فیض کاشانی، ص ۱۲۷.

۲. غیبت نعمانی، ۱۴۱.

۳. در خطبه ششقیه، علی جایگاه خود را در میان مؤمنین به جایگاه قطب سنگ آسیاب تشبیه کردند.

امام زمان علیه السلام این آخرین امام برای بشریت در سال ۲۵۵ هجری قمری در لحظات طلوع فجر روز جمعه در شهر سامرا یا «سرّ من رأی» چشم به جهان گشود. از نظر پدری متصل به پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله است. پدر آن حضرت امام یازدهم شیعیان حضرت امام حسن عسکری علیه السلام است. مادر آن حضرت جناب نرجس خاتون (ملیکه) از نوادگان یکی از حواریون حضرت عیسی و نوه پادشاه روم است (درباره شخصیت آن بانوی با فضیلت مفصل توضیح خواهیم داد).

ما معتقد هستیم که امام زمان علیه السلام، امام موعود از نسل پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله است. موعود یعنی کسی که باید آخرالزمان بیاید و دنیا را از عدل و داد پر کند و تقریباً همه اقوام و ملل متفق القول هستند که پایان کار جهان به حاکمیت عدالت منتهی خواهد شد؛ اما در این مورد اختلاف نظر هم وجود دارد. گروه‌های مختلف اسلامی اصولاً متفقند که پایان کار عالم و حاکمیت حق مؤمنین به رهبری شخصی است به نام مهدی علیه السلام که میان اهل سنت و شیعیان وحدت نظر وجود دارد که حضرت مهدی علیه السلام از نسل رسول خدا صلی الله علیه و آله و از فرزندان حضرت فاطمه زهرا علیها السلام است. چیزی که هست اهل سنت عقیده دارند که این فرد هنوز متولد نشده و می‌گویند در آینده در آخرالزمان از نسل حضرت زهرا علیها السلام فردی متولد خواهد شد و دنیا را از عدل و داد پر خواهد کرد، اما ما به همان دلائلی که قبلاً مطرح کردیم، معتقدیم که این امام، الآن حضور دارد و زنده است. دلائل زیادی هم داریم که امام زمان علیه السلام اکنون در حال حیات و زندگی هستند، و باعث زندگی همه موجودات و استمرار حیات است.

در روایات اسلامی و اسناد فریقین درباره شخصیت امام زمان علیه السلام از این که از نسل پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله است احادیث، و اخبار فراوانی وجود دارد که به چند نمونه از آن احادیث در باب وجود مقدّس امام زمان علیه السلام اشاره می‌کنم.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «المهدي من ولدي اسمه اسمي وكنيته كنيته أشبه الناس بي خلقاً وخلقاً تكون له غيبة وحيرة تضلّ فيه الأمم ثم يقبل كالشهاب الثاقب ويملاها عدلاً وقسطاً كما ملئت ظلماً وجوراً»^۱ مهدی از فرزندان من و هم‌نام من است، کنیه‌اش کنیه من

و شبیه‌ترین انسان‌ها به من از نظر شکل و قیافه و از نظر اخلاق و رفتار است. برای این فرزند من غیبتی است طولانی که باعث نگرانی می‌شود».

چون غیبت طولانی شود بعضی از انسان‌ها و امت‌ها گمراه می‌شوند. (حالا چرا گمراه می‌شوند در طول بحث مطرح خواهیم کرد.) خلاصه این حدیث که امام زمان علیه السلام مانند خورشید فروزنده طلوع می‌کند و دنیا را پر از عدل و داد خواهد کرد همچنان که پر از ظلم شده باشد. در این حدیث می‌بینیم که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله با صراحت می‌فرماید که مهدی علیه السلام فرزند من است و غیبت او هم طولانی است. در نتیجه این طور نیست که در همان عصری که بخواهد ظهور کند متولد شود.

ام سلمه از قول رسول اکرم صلی الله علیه و آله نقل می‌کند که مهدی از فرزندان حضرت زهرا علیها السلام است و حدیثی جالب‌تر که حدیثی از قول رسول اکرم صلی الله علیه و آله نقل می‌کند: «خطبنا رسول الله صلی الله علیه و آله: فذكر لنا ما هو كائن ثم قال: لو لم يبق من الدنيا إلا يوم واحد لطول الله عز وجل ذلك اليوم حتى يبعث رجلاً من ولدي اسمه إسمي. وقال سلمان: يا رسول الله! من أنى ولد هو؟ قال: من ولدي هذا وضرب بيده على الحسين علیه السلام»^۱.

روزی پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله برای ما درباره چیزهایی که در آینده باید اتفاق بیفتد صحبت می‌کرد یعنی از آینده خبر می‌داد، سپس فرمود: اگر از عمر دنیا جز یک روز باقی نمانده باشد خدا این یک روز را آن چنان طولانی می‌کند تا این که فرزندی از فرزندان مرا مبعوث کند که نامش نام من است. در این حال سلمان فارسی به پاخواست و از رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسید: یا رسول الله! این کسی که شما می‌گویید و فرزند شماست کیست و از کدامیک از فرزندان شما باید به وجود بیاید؟ پیامبر دست روی امام حسین علیه السلام گذاشت و فرمود: از این فرزند من هست؛ یعنی امام زمان علیه السلام از نسل ابا عبدالله الحسین علیه السلام پا به عرصه وجود خواهد گذاشت و دنیا را پر از عدل و داد خواهد کرد. درباره شخصیت ظاهری و از نظر خلقت و شکل و شمایل، همان طوری که در این احادیث آمد، از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله کرازا نقل شده که حضرت او را به خودش تشبیه فرمود.

در حدیث دیگری پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «المهدی رجل منی وجهه ککوکب دري؛^۱ مهدی از مردان من است، چهره او مثل ستاره درخشان است».

درباره زیبایی پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله به ملاحظت، روایات زیادی وارد شده است. چهره امام زمان علیه السلام و چهره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله شبیه به هم است.

در کتاب بحار الانوار جلد ۵۱ حدیثی از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده که حضرت در حال سخنرانی برای مردم بود که فرمودند: از فرزندان من شخصی خروج می کند و دنیا را پر از عدل و داد خواهد کرد، چهره او سفید مایل به سرخی است (چهره گلگون دارد) و شکل و قیافه و ویژگی های انسانی که از نظر جسمی بسیار توانمند است و فرمود: ران های او محکم، استوار و ستبر و شکم او پهن است^۲ و در غالب احادیث چهره و پیشانی او را کشیده ذکر کردند. به گونه ای که پیشانی او به سمت فرق سر از دو طرف پیشروی می کند، قامت رشیدی دارد و بین دندان های او هم فاصله است؛ یعنی دندان های به هم پیوسته ای ندارد، بین دندان های ثنایای او فاصله و فرجه و روزنه است (به هم چسبیده نیست). ویژگی های دیگری که برای امام زمان علیه السلام ذکر می کنند مربوط به ویژگی های مربوط به ویژگی های جسمی است که در کتب معتبره، احادیث زیادی در این باره نقل شده است که اگر در این احادیث دقت شود متوجه می شویم که غالب این احادیث قبل از ولادت امام زمان علیه السلام و از زبان رسول خدا صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین، امام باقر و امام صادق علیهما السلام نقل شده است. در هر مقطعی که لازم می دیدند درباره این امر مهم؛ یعنی امامت حجت برحق خدا صحبت می کردند و می خواستند اعتقاد به امام غایب را در میان پیروان خودشان به عنوان یک مسأله قطعی و یک امر حقیقی و جدی تثبیت کنند. و نیز در حدیثی می خوانیم وقتی پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله از آینده خبر می دهد یکی از اتفاق های مهم را ظهور امام زمان علیه السلام نقل می کند.

نکته دیگر، درباره رشد جسمی امام زمان علیه السلام است، از قول جناب حکیمه خاتون خواهر امام هادی و عمه امام عسکری علیهما السلام که در تاریخ امام زمان علیه السلام حضور این بانو

۱. الازبعین حدیثا فی المهدی، ۸ حافظ ابو...
 ۲. بحار الانوار: ۴۰/۵۱.

بسیار فعال بوده و یکی از شخصیت‌هایی است که بسیاری از اطلاعات از جانب او به جامعه دینی منتقل می‌شده، نقل می‌کند که من چهل روز پس از ولادت امام زمان علیه السلام به محضر امام عسکری علیه السلام رسیدم و دیدم که امام کودکی را به من نشان می‌دهد که به قد و قواره بچه دو ساله است. من تعجب کردم و گفتم که این آقازاده کیست؟ فرمود: این فرزند نرجس است.^۱

درباره انبیای عظام الهی و سفرای الهی و اوصیای آنها که خداوند آنها را برای اطاعت بندگانش مبعوث کرده است، استثنائاتی وجود دارد که خلقت آنها یکی از آن استثنائات است و فرزندی که در آینده به عنوان رهبران الهی منصوب می‌شوند، رشد یک ماهه آنها به اندازه یک سال رشد کودک معمولی است. ویژگی‌های دیگری هم در این حدیث و احادیث دیگر برای آن حضرت ذکر شده که برای کسب اطلاعات افزون‌تر به کتب معتبر مراجعه شود.

شخصیت مادر امام زمان علیه السلام

در این قسمت دربارهٔ مادر امام زمان علیه السلام به اختصار مطالبی تقدیم حضور می‌نمایم. در تاریخ برای مادر امام زمان علیه السلام، چند اسم ذکر شده است: ملیکه یا ملیکا، نرجس خاتون، ریحانه، سوسن و صیقل که از همه معروف‌تر همان نرگس خاتون یا نرجس خاتون است. هر چند ممکن است علت تکثر نام حضرت به صورت مستعار برای مصالح امنیتی بوده باشد.

این بانوی مکرم اصالتاً اروپایی و دختر پشوعاست. یشوعا فرزند پادشاه روم شرقی است و از طرف مادر به شمعون که از جمله حواریون و یاران نزدیک حضرت عیسی علیه السلام است منتهی می‌شود. از نظر شخصیت، به عنوان یکی از پاک‌ترین، باشخصیت‌ترین و عفیف‌ترین بانوان تاریخ اسلام است که از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. با آن‌که از نظر پدر و مادر در میان مسلمانان زندگی نکرد اما در تاریخ داریم که حضرت حکیمه خاتون که دختر امام جواد و خواهر امام هادی و عمه امام عسکری علیه السلام و از جهات مختلف متصل به معصوم است، وقتی که نرجس خاتون، ایشان را با عنوان «یا سیدتی» صدا زد، حکیمه خاتون فرمود: نه، تو سیده و خانم من هستی؛ یعنی برای او شخصیتی برجسته‌تر از شخصیت خودش قائل شده است.

در تاریخ است که نرجس خاتون در محیط خانوادگی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بود. جدّ او یعنی قیصر روم توجه خاصی به او داشت و شدیداً به او علاقه‌مند بود و او را به عنوان یک دختر استثنایی در محیط خانوادگی خودش تلقی می‌کرد، به همین خاطر خانمی را که به چند زبان مسلط بود به عنوان مربی او گماشت و او از آن خانم، زبان عربی را به خوبی یاد گرفت.

داستان سعادت با فرجام

درباره شخصیت این خانم سرگذشتی است که معمولاً علمای بزرگ شیعه این سرگذشت را در کتاب‌های خودشان مفصل ذکر کرده‌اند؛ از جمله در کتاب «غیبت» مرحوم شیخ طوسی، در «کمال الدین» شیخ صدوق در «بحار الانوار» مرحوم مجلسی و نیز در کتاب «نجم الثاقب» مرحوم محدث نوری و کتب معتبره دیگر داستان این بانو به طور تفصیل نوشته شده که گوشه‌ای از این داستان را به صورت خلاصه خدمتتان بیان می‌کنیم. امیدواریم که ما بتوانیم با کسب معرفت صحیح از این شخصیت‌های الهی، بخشی از رسالتی که راجع به شناخت مفاخر اسلام و دودمان پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله به عهده داریم انجام بدهیم، ان شاء الله.

روایت این است: فردی به نام بُشر بن سلیمان که از شخصیت‌های بسیار مورد اعتماد امام هادی و امام عسکری علیه السلام است و از نوادگان ابویوب انصاری است^۱ و در شهر سامرا و در همسایگی امام هادی علیه السلام زندگی می‌کرد می‌گوید: روزی یکی از خدمتگزاران امام هادی علیه السلام به نام «کافور» به دنبال من آمد که امام تو را احضار کرده است. من به خدمت امام هادی علیه السلام شرفیاب شدم و امام هادی علیه السلام روبه من کرد و فرمود: ای بُشر بن سلیمان! تو و خانواده‌ات به عنوان انصار پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و محبان اهل بیت علیهم السلام محسوب می‌شوید و این افتخار محبت خاندان ما در خانواده شما ریشه‌دار است، می‌خواهم به تو رازی را بگویم و کاری را به تو بسپارم که به عنوان یکی از افتخارات در زندگی شما ثبت شود. پذیرفتم، آن‌گاه ایشان نامه‌ای را به زبان و خط رومی نوشت و به همراه یک کیسه زرد رنگی که در آن دویست و بیست دینار اشرفی بود به من داد و فرمود: این نامه و این پول را بردار و به بغداد برو و در کنار پل بغداد منتظر باش. وقتی برده فروشان آمدند، در میان آنان شخصی به نام عمر بن زید هست، در میان کنیزان و برده‌هایی که در معرض فروش قرار داده می‌شوند خانمی هست با این خصوصیات و با این ویژگی‌ها که در پوششی، خود را مخفی کرده

۱. ابویوب انصاری همان کسی است که هنگامی که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله به مدینه مهاجرت کرد بر او وارد شد و او مورد عنایت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله بود و دودمان او همیشه به عنوان انصار رسول خدا و اهل بیت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله بوده‌اند.

است و با عفاف و عفت و حجاب بسیار خوب، سعی می‌کند تا خود را از معرض دید افراد مخفی نگه دارد و گاهی هم به دلیل این حالتی که برای او پیش آمده با زبان رومی یا عربی از این وضع خودش شکایت می‌کند و ناراحت است که چطور در این وضعیت قرار گرفته است و زودتر به وضعش پایان داده نمی‌شود؟ و چرا در معرض دید دیگران است؟

در این حال شخصی می‌آید که وقتی نگاهش به چهره این خانم می‌افتد، حاضر می‌شود به دلیل حجب و بزرگواری این خانم او را به سیصد درهم از عمر بن زید برده فروش بخرد، اما این بانو به زبان عربی به او می‌گوید: پولت را برای خرید من سرمایه گذاری نکن؛ زیرا من به هیچ وجه به تو رغبتی ندارم و در اختیار تو قرار نخواهم گرفت. برده فروش می‌گوید: به هر حال من باید تو را به فروش برسانم. او در جواب می‌گوید: «عجله نکن، آن کسی که مشتری من است و من به او رغبت دارم ان شاء الله خواهد آمد و تو هم به پولت خواهی رسید.» بعد شما جلو رفته و نامه را به آن برده فروش بده و برای خرید وارد معامله شو. این نامه را وقتی به برده فروش دادی، با این پولی که به تو داده‌ام راضی خواهد شد و معامله صورت خواهد گرفت.

من نامه و پول را از امام هادی علیه السلام تحویل گرفتم و به سمت بغداد حرکت کردم. خودم را به بغداد رساندم و طبق دستور، به پل بغداد، در کنار رود دجله رفتم. برده فروش آمد، مشتری‌های برده با همان ویژگی‌هایی که امام فرموده بودند حاضر شدند. در میان بردگان، همان شخصیتی که امام هادی علیه السلام نشانه‌اش را داده بود مشاهده کردم و دیدم دختری است در نهایت عفاف، حجاب و متانت و وقار. آن‌گاه شخصی که امام هادی علیه السلام نشانه‌اش را گفته بودند جلو آمد و در ازای خرید این بانو حاضر به پرداخت سیصد دینار شد، اما این خانم از پذیرش معامله و تسلیم کردن خود به این خریدار ابا کرد و از فروشنده درخواست کرد که مهلت بدهد و عجله و شتاب نکند. در این حال من جلو رفتم و نامه را به دست برده فروش دادم. وقتی که او این نامه را نگاه کرد. گفتم این نامه به زبان رومی و توسط یکی از

شخصیت‌های شریف و برجسته نوشته شده که برای خرید یکی از بردگان که همین خانم است نوشته شده، من مأموریت پیدا کردم که به نیابت او را خریداری نمایم. او نامه را گرفت و به دست آن خانم داد. خانم نامه را خواند و به چشم خودش مالید و احترام زیادی برای آن نامه قائل شد و به برده فروش اصرار کرد که مرا به نماینده نویسنده این نامه بفروشد. وارد قیمتش شدیم و به هر حال برده فروش با همان دویست و بیست دینار که امام داده بود حاضر به فروش شد. من او را خریداری کردم و به اتفاق به شهر بغداد آمدیم و در مسافرخانه‌ای، جایی را اجاره کردیم تا قدری بیاساییم و سپس به سمت سامرا حرکت کنیم.

من در اینجا از او پرسیدم که شما چگونه به این نامه که نویسنده‌اش را نمی‌شناختی آنقدر اظهار علاقه می‌کنی، به چشم می‌مالی، از شوقش گریه می‌کنی؟ او گفت: من او را می‌شناسم اما تو او را نمی‌شناسی. او جمله‌ای گفت که عین جمله در تاریخ ضبط شد: «أيتها العاجز الضعيف المعرفة بالمحل اولاد الأنبياء أعرنى سمعك وفرغ لي قلبك أنا مليكة بنت يشوعا ابن القيصر؛^۱ ای ناتوان که معرفتت نسبت به جایگاه اولاد پیامبران ضعیف است، به من گوش فراده و قلبت را از همه چیز فارغ کن (کاملاً متوجه سخن من باش) من ملیکه دختر یشوعا فرزند پادشاه روم هستم».

از من می‌پرسی چگونه با این که نویسنده نامه را ندیده‌ام به او علاقمند شدم؟ تو مثل این که توانایی لازم را نسبت به معرفت و شناخت فرزندان پیغمبر نداری؟

گفتم: پس تو دختر یشوعا، نوه پادشاه روم در میان بردگان چه می‌کنی؟ او سرگذشتش را برای من تعریف کرد، گفت: من از کودکی شدیداً مورد توجه و عنایت جدّم بودم، او علاقمند بود که مرا به عقد برادر زاده خودش در بیاورد، در حالی که من هیچ علاقه‌ای به آن شخص نداشتم. اما جدّم در حالی که من ۱۳ ساله بودم، تصمیم ازدواج من با برادر زاده خودش را گرفت و برای این منظور دستور داد تختی را مرصع از جواهرات که بر چهل پایه بود استوار کردند، علامت‌های صلیب را بر روی آن نصب نمودند. سپس انجیل‌های مختلف را باز کرده و سیصد نفر از

رهبانان و قسیسین نصاری در جلسه حضور پیدا کردند و بیش از چهار هزار نفر از شخصیت‌های کشوری و لشگری در این جلسه حاضر شدند تا مرا به عقد برادرزاده جدم در بیاورند. ولی در این حال که آن جوان را در بالای آن تخت نشانند و اسقف‌ها و کشیش‌ها آماده بودند که مراسم عقد را اجرا کنند، ناگهان تخت در هم شکست، صلیب‌ها فروریخت و آن جوان روی زمین به حالت بیهوش افتاد. رهبانان از این ماجرا برداشت بدی کردند و آن را به فال بد گرفتند و بزرگ اسقف‌ها به جدم گفت این ازدواج مبارک و میمون نیست، حاضر به انجام آن مباش که این نشانه زوال دین حضرت مسیح علیه السلام و پادشاهی توست. اما جدم شدیداً علاقمند بود که این کار صورت بگیرد لذا، در عین نگرانی و اوج ناراحتی مجدداً دستور برپایی تخت و صلیب و صحنه سازی را داد که باز همان حالت تکرار شد و تخت شکست و صلیب‌ها فروریخت و جوان از بالای تخت بر زمین افتاد و غش کرد و جدم که شدیداً سرخورده و ناراحت و غمگین شده بود به خانه برگشت.

من نیز به خانه برگشتم اما از این که این مجلس عقد پا نگرفت، خوشحال بودم. آن شب در عالم رؤیا دیدم حضرت مسیح علیه السلام و یسوعا و شمعون و گروهی از حواریون وارد کاخ جدم شدند و در گوشه کاخ و در جای تخت و مکان سبزی که نور از آن می درخشید قرار گرفته و منتظر مانده‌اند، ناگاه دیدم که چهره نورانی شخصی ظاهر شد که بعد فهمیدم او محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله است که در کنارش، وصی و دامادش علی بن ابی طالب علیه السلام است. آن‌گاه حضرت رسول صلی الله علیه و آله رو کرد به حضرت مسیح علیه السلام و فرمود: یا روح الله! من آمدم دختر حواری تو را برای فرزندم خواستگاری کنم. آن‌گاه نگاهی به حسن بن هادی علیه السلام کرد. حضرت عیسی علیه السلام رو کرد به شمعون و یسوعا و فرمود: لطف الهی شامل حال شما شده است و عنایت و برکات پروردگاره شما رو آورده است. آن‌ها نیز موافقت کردند و در نتیجه مرا به عقد فرزند پیغمبر در آوردند.

از خواب بیدار شدم. بسیار خوشحال شدم و از طرفی شگفت زده بودم. مدتی گذشت و از بیم جان، خواب را به احدی نگفتم. قلبم مملو از محبت و علاقه نسبت

به امام حسن علیه السلام شده بود. از خوردن و آشامیدن بازماندم و لاغر و رنجور شدم و جدم بعد از مداوای فراوان از بهبودی ام ناامید شد، از من خواست که هر خواهسته‌ای دارم بگویم. گفتم اگر اسیران مسلمین را آزاد کنی شاید عیسی مسیح علیه السلام و مادرش مرا شفا دهند. جدم تقاضای مرا پذیرفت و من مقداری احساس رضایت کردم و غذا خوردم.

بعد از چهارده روز حضرت مریم علیها السلام به خواب من آمد که دیدم در کنار او بانوی مجلله‌ای قرار گرفته است که فهمیدم حضرت زهرا علیها السلام است. حضرت مریم علیها السلام روبه من کرد و فرمود: این بانوی جهان و مادر شوهر توست. من دامن حضرت زهرا علیها السلام را چسبیدم، عجز و ناله کردم و گفتم: ای دختر رسول خدا! آن آقایی که پدرت مرا به عقد او درآورده است، او را به من بنمایان. او در جواب فرمود: چون تو هنوز به دین پدرم و اسلام درنیامده‌ای، او به سراغ شما نخواهد آمد. من هم در آنجا به دست حضرت زهرا علیها السلام در عالم خواب اسلام اختیار کردم و حضرت فاطمه علیها السلام مرا در آغوش گرفت و حالم بهبود یافت. از آن پس دائماً در عالم خواب حسن بن امام هادی علیه السلام را ملاقات می‌کردم و از او کمک می‌خواستم.

بُشرین سلیمان گفت: به او گفتم که خوب چطور شد که شما به عنوان اسیر در اختیار سربازان اسلام قرار گرفتید؟ گفت: یک شب که امام عسکری علیه السلام به خواب من آمد به من فرمود: گروهی از سربازان جدّ تو در حمله به مسلمانان به اسارت خواهند افتاد و تو اسیر خواهی شد. من دستور او را اطاعت کردم و با لباس خدمتگزاران و کنیزان در جمع سربازانی که به مسلمانان حمله کردند قرار گرفتم، در نتیجه به اسارت مسلمانان درآمدم و به همان حالتی که مشاهده کردی، من سهم پیرمردی از مسلمانان شدم که او از من اسم مرا پرسید و من در جواب گفتم، اسمم نرجس است.

بُشر می‌گوید: گفتم تو رومی هستی، چگونه زبان عربی را به خوبی می‌دانی؟ گفت: جدم به خاطر علاقه‌ای که به من داشت خانمی را که به چند زبان مسلط بود برای تعلیم من انتخاب کرد و من از او زبان عربی را یاد گرفتم.

بُشر می‌گوید: پس از بغداد به همراه او به شهر سامرا آمدم و به خدمت امام هادی علیه السلام

شرفیاب شدم و عرض کردم: امر شما اطاعت شد و این بانو را در ازای پولی که داده بودید از آن برده فروش تحویل گرفتم و امام هادی علیه السلام به نرجس خوش آمد گفت.^۱ داستان بُشر بن سلیمان در اینجا پایان یافت اما جناب نرجس خاتون بعدها فرمود: امام هادی علیه السلام به من فرمود که این دو پیشنهاد کدام برای تو بهتر است؟ آیا حاضری ده هزار دینار طلا به تو بدهم یا تو را به یک مژده مسرت بخش خوشحال کنم؟ من فهمیدم که او چه می خواهد بگوید. گفتم: نه این طلا و دینار را نمی خواهم، همان مژده ای که داری به من بده و او مژده مادر امام زمان علیه السلام شدن را به من داد و من این افتخار را بر همه آن چه در دنیاست ترجیح دادم. آن گاه امام هادی علیه السلام خواهر خود، جناب حکیمه خاتون را صدا زد و جناب نرجس خاتون را در اختیار او گذاشت و به او فرمود: این بانوی مجلله را تحت تعلیمات صحیح اسلامی قرار بده. او هم که از نظر شخصیت از خاندان عصمت و طهارت، فرزند امام، خواهر امام، عمه امام و یک شخصیت برجسته ای بود، این بانو را به خوبی تحت تعلیم قرار داد و به سرعت این شخصیت و این میهمان، بانوی این خانه شد.

بنا به قولی نرجس خاتون در سال ۲۶۱ هجری قمری یعنی یک سال پس از شهادت امام حسن عسکری علیه السلام از دنیا رفت و در شهر سامرا در کنار امام هادی و امام عسکری علیه السلام و حکیمه خاتون مدفون گشت و اکنون همگی در یک ضریح قرار دارند.

مشیت و حکمت الهی را ببین که دختر مسیحی و نوه قیصر روم شرقی، با چه وضعی به جهان اسلام منتقل می شود و توفیق زندگی در کنار امامان را پیدا می کند و سپس مادر شخصیتی می شود که باید دنیا به وسیله وجود او پر از عدل و داد شود و در آخر زندگی هم توفیق دفن در مجاورت قبر دو امام و قبر دختر امام نصیبش شود.

امروز زائرین امام هادی علیه السلام و امام عسکری علیه السلام زائرین این بانوی با عظمت هم هستند. خداوند به زودی زیارت آنها را نصیب ما فرماید، و چشم ما و همه محبان اهل بیت علیهم السلام را به جمال امام زمان علیه السلام روشن فرماید و ما را جزوارادتمندان و مشتاقان ظهورش قرار بدهد.

شرح ولادت امام زمان علیه السلام

حساسیت زمان ولادت

قبلاً این نکته را بیان کنم که دوران ولادت امام زمان علیه السلام دوران بسیار حساس و اختناق آمیزی بوده است. بنی عباس از زمان امام رضا علیه السلام سیاستی را اتخاذ کردند که ائمه معصومین علیهم السلام را در کنار خود داشته باشند و زندگی آنها را تحت نظر بگیرند تا بین ائمه و مردم فاصله ایجاد کنند.

به همین منظور، امام رضا علیه السلام را به جبر به طوس آوردند. بعد از شهادت امام رضا علیه السلام نیز همین حصر و مراقبت شدید را برای امام جواد علیه السلام اعمال کردند، لکن به این صورت که مأمون دختر خود، ام الفضل را به ازدواج امام جواد علیه السلام در آورد تا از درون خانه، آن حضرت را تحت کنترل داشته باشد.

سرانجام از همین طریق امام جواد علیه السلام را به شهادت رساندند و امام هادی و امام عسکری علیهم السلام را در کنار زندگی شاهانه و حکومت جبارانه خود، تحت نظر گرفتند و در شهر سامرا این دو امام را یکی پس از دیگری در یک محیط نظامی سکونت دادند و در اطراف آنها نیروهای مسلح مخصوص دربار خود را گماشتند تا کاملاً آنها را در کنترل داشته باشند؛ لذا به عسکرین ملقب شدند.

در چنین وضعیتی بایستی خداوند وعده خود را محقق کند و امام دوازدهم را به بشریت هدیه نماید. لکن با توجه به وضعیت اختناق آمیز و در محاصره بودن زندگی امام حسن عسکری علیه السلام، ولادت امام زمان علیه السلام هم در پرده‌ای از پنهان کاری و رازداری از جانب خدا صورت می‌گیرد.

بنی عباس شدیداً در این فکر بودند که از نسل امام عسکری علیه السلام فرزندی به جای نماند تا مبادا او بر حسب پیش بینی هایی که در روایات شده، حکومت ظالمانه آنها را سرنگون کنند.

برای این که از این خطر در امان باشند تصمیم شان این بود که نگذارند از امام عسکری علیه السلام فرزندی به دنیا بیاید و پسری از او بماند که زمامدار امت اسلامی گردد. به همین خاطر می بینیم ظاهراً امام عسکری علیه السلام از دواج دائم انجام نداد و نیز ولادت امام زمان علیه السلام به صورت رازآلود و در پرده و پوششی از پنهان کاری صورت می گیرد. به عنوان مثال اسم مادر امام زمان علیه السلام متعدد است. همان طور که قبلاً اشاره شد اسمش ملیکه، نرجس خاتون، سوسن، و بعضی دیگر اسامی مثل ریحانه بوده که یکی از علت های این بود تا کسی متوجه نشود وضعیت و شخصیت مادر امام زمان علیه السلام چیست و کدامیک از زنانی است که در آن محیط و خانواده زندگی می کنند. جایگاه نرگس خاتون، جایگاهی است که بایستی به عنوان همسر امام عسکری علیه السلام دارای فرزندی شود و این در حقیقت مثل اسم مستعاری که مصطلح است یک نوع پنهان کاری بود.

بسیاری از اخباری که ما درباره ولادت امام زمان علیه السلام داریم، ظاهراً تنها از طریق حکیمه خاتون عمه امام عسکری علیه السلام است. روایتی که از حکیمه خاتون نقل می شود مختلف است، البته با یکدیگر تناقض ندارد ولی به گونه ای است که بخشی از خبرها را به کسی می گوید و حرف های دیگری را به شخص دیگری می گوید و آن حرف های قبلی را نقض نمی کند؛ بلکه حرف های کامل تری به او می گوید و علتش این است که اینان می دانستند مسئله امام زمان علیه السلام و وجود مبارکش مسأله ای است که باید در راز و رمز بماند. ایشان اخبار ولادت را به افرادی که مورد اعتماد بودند، به نوعی به آنها منتقل می کرد، لذا اخباری که در کتب مختلف می بینیم به صورت پاره پاره برای افراد نقل شده است، دقیقاً به همین خاطر است که می خواهند راز قضیه برای همه روشن نشود.

ما بعد از شهادت امام عسکری علیه السلام که به همین نکته می‌رسیم می‌بینیم امام عسکری علیه السلام به محض این‌که به شهادت رسید، معتمد عباسی دستور داد بروند خانه امام حسن عسکری علیه السلام را تفتیش کنند و آن را مهر و موم نمایند، به تعبیر امروزی لاک مهر کنند.

کنیزانی که در این خانه بودند توسط زن‌های متخصص و قابله‌ها معاینه شدند تا ببینند کدامیک از آن‌ها باردار هستند. اتفاقاً یکی از خانم‌ها را که باردار بود به زندان منتقل کردند و تحت نظر داشتند. در پاورقی کتاب بحارالانوار در جلد ۵۱ یک نکته تاریخی نقل شده است که توسط جعفر، برادر امام عسکری علیه السلام به دستگاه بنی عباس خبر داده شده که نرجس خاتون جزو همان خانم‌هایی هست که ممکن است از او فرزندی به دنیا بیاید یا فرزندی از او به دنیا آمده باشد. آن‌ها حضرت نرجس خاتون را بازداشت کردند و از او راجع به فرزند امام عسکری علیه السلام پرسیدند و او اظهار بی‌اطلاعی کرد. آن‌ها که فکر می‌کردند شاید نرجس خاتون باردار باشد لذا او را به دست قاضی مورد وثوق دستگاه عباسی به نام «ابن الشوراب» سپردند که چون فرزندی متولد شود بکشد. ناگاه عییدالله بن یحیی وزیر از دنیا رفت و صاحب الزنج در بصره خروج کرد و آن‌ها مشغول فرو نشانیدن قائله شدند که از حال نرجس خاتون غافل و آن حضرت به خانه خود بازگشت و نجات پیدا کرد.^۱

این‌ها همه بیانگر آن است که آن‌ها شدیداً در فکر بودند که نگذارند فرزندی از امام عسکری علیه السلام به دنیا بیاید اما: «يُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَنْ يُتِمَّ نُورَهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ».^۲ خدا آنچه که اراده فرموده انجام می‌شود و کسی جلوی اراده خدا را نمی‌تواند بگیرد، این وعده را خدا محقق کرده است و این فرزند را به دنیا آورده است و تقدیم بشریت نموده است.

در اینجا ماجرای ولادت امام زمان علیه السلام را که از کتب معتبره‌ای مثل کمال الدین شیخ صدوق، بحارالانوار علامه مجلسی، نجم الثاقب محدث نوری و کتاب غیبت مرحوم شیخ طوسی نقل شده است به اختصار ذکر می‌کنیم.

۱. منتهی الامال . ۲ ص ۴۶۹ . ۲ . - . ۳۲ . آ . ۳۲ .

۱. منتهی الامال . ۲ ص ۴۶۹ .

ولادت با سعادت

از قول حضرت حکیمه خاتون چنین نقل شده است: در روز جمعه و به هنگام طلوع فجر در سال ۲۵۵ هـ ق در شهر سامرا، وجود مقدس امام زمان علیه السلام از نرجس خاتون متولد شد، بدین ترتیب که من در روز ۱۴ ماه شعبان سال ۲۵۵ طبق معمول به محضر امام عسکری علیه السلام رسیدم - معمولاً هم علاقه و ارادتی بین من و امام عسکری علیه السلام بوده است. همیشه هم برای او دعا می‌کردم که خداوند به او فرزندی عنایت کند - افطار کردم و وقتی خواستم برگردم، امام فرمود: عمه جان امشب پیش ما بمان چرا که خداوند امشب می‌خواهد فرزندی به من عنایت کند که وصی من و آخرین وصی پیغمبر خداست.

من از حضرت پرسیدم: از کدام بانو؟ فرمود: از نرجس خاتون. من اطاعت کردم و آن شب را خدمتشان ماندم، اما وقتی خدمت نرجس خاتون رسیدم هیچ نشانه‌ای از خبری که امام عسکری علیه السلام به من داده بود ندیدم. به امام عسکری علیه السلام عرض کردم: من هیچ نشانه‌ای از تحقق این خبر در وجود این بانو نمی‌بینم. امام علیه السلام جمله‌ای فرمودند: «لان مثلها مثل أم موسى لم يظهر بها الحبل ولم يعلم بها أحد إلى وقت ولادتها! مثل این بانو، مثل مادر حضرت موسی بن عمران است که هیچ کسی ظهور و بروز حالت بارداری را در مادر حضرت موسی علیه السلام ندید در این بانو هم هیچ کسی این آثار را نمی‌بیند مگر وقت ولادتش».

در نتیجه به فرمان امام یقین کردم و شب را کنار نرجس خاتون خوابیدم. من زودتر برای انجام نافله شب حرکت کردم. دیدم که حالت او عادی است و راحت خوابیده. گفتم خبری که امام معصوم داد قطعی است اما در این خانم هیچ حالتی نمی‌بینم. امام حسن عسکری علیه السلام از پشت پرده صدا زد: عمه جان! تردید به خودت راه مده که وعده خداوند نزدیک است تحقق یابد. آن‌گاه نرجس خاتون برای نماز شب برخاست. وضو ساخت و مشغول نماز شد. سپس روبه من کرد و گفت: در خود

احساس درد و ناراحتی می‌کنم. وقتی حالش را به من ابلاغ کرد او را دلداری دادم و در همین حال بود که امام عسکری علیه السلام هم متوجه شد و به من فرمود: عمّه جان! سوره «انا انزلناه» را قرائت کن و من سوره «انا انزلناه» را قرائت می‌کردم اما با کمال تعجب دیدم کودکی در رحم این بانوی پاک است که به همراه من سوره انا انزلناه را قرائت می‌کند. تعجب من بیشتر شد و در همین حال امام عسکری علیه السلام به من فرمود: عمّه جان! این فرزند، حجت خدا است و خداوند او را جانشین من و آخرین وصی پیامبر و حجت خودش برای مردم قرار داده است. تعجب مکن که خداوند در کودکی نطق ما را به کلام خودش گویا کرده است و ما را بین خود و مردم حجت قرار داده است. همین طور که با امام سخن می‌گفتم دیدم که بین من و جناب نرجس خاتون پرده‌ای حایل شد و دیگر او را ندیدم، آمدم به سمت امام عسکری علیه السلام. آن حضرت به من فرمود: نگران نباش! برگرد که مجدداً نرجس خاتون را خواهی یافت. وقتی برگشتم در این حال بود که دیدم کودکی نورانی در کنار اوست و هم از چهره نرجس خاتون نورانیت خاصی را احساس کردم که محیط را روشن کرده است و این کودک سر بر سجده گذاشته، سایر مواضع سجده‌اش بر زمین و انگشت سبابه‌اش به سمت آسمان بلند شد و در همان حال این عبارت را به زبان آورد: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ جَدِّي رَسُولُ اللَّهِ وَأَشْهَدُ أَنَّ أَبِي امِيرَ الْمُؤْمِنِينَ». و یک یک اسم ائمه علیهم السلام را شمرد و شهادت به امامتشان داد و تا به اسم خودش رسید این جمله‌ها را فرمود: «اللَّهُمَّ أَنْجِزْ لِي وَعْدِي وَأَتَمِّمْ لِي أَمْرِي وَثَبِّتْ وَطْأَتِي وَأَمَلْهُمُ الْأَرْضَ بِي عَدْلًا وَقِسْطًا؛ بار پروردگارا! وعده‌ای که در حق من داده‌ای محقق کن و برای من آماده ساز و گام مرا در راه انجام وظیفه ثابت کن و زمین را به وسیله‌ام پر از عدل و داد نما».

در همین حین دیدم این کودک مطهر و پاکیزه است. امام عسکری علیه السلام به من فرمود: عمّه جان! کودک را بیاور و به من بده.

کودک را برداشته و به خدمت امام عسکری علیه السلام آوردم. امام وقتی می‌خواست کودک را از من تحویل بگیرد کودک با زبان رسا به پدر سلام کرد. پدر او را در آغوش گرفت و آن‌گاه زبان در کلام او نهاده و علم امامت را به او منتقل کرد. آن‌گاه او را به من سپرد تا برای شیر دادن به مادرش برگردانم.

پس از شیر خوردن، مجدداً امام عسکری علیه السلام به من فرمود: عمّه جان! کودک را به من برگردان. وقتی کودک را به او برگرداندم این بار دیدم که به همراه امام عسکری علیه السلام آیه شریفه: «وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ»^۱ را که طبق نقل مفسرین درباره امام زمان علیه السلام است قرائت کرد. همه این‌ها دلالت بر عظمت، کرامت و امامت امام زمان علیه السلام دارد.

نکته دیگری مرحوم محدث نوری در کتاب نجم الثاقب و در بعضی از کتب معتبره از قول حکیمه خاتون نقل کردند که فرمود: در این حال دیدم پرندگان آمدند بال‌های خودشان را بر صورت و چهره و بدن این کودک می‌مالیدند، در میان پرندگان پرنده‌ای بود که در همه پرندگان به جلالت ظاهر بیشتر و بهتری می‌رسید و امام عسکری علیه السلام این کودک را به او سپرد. آن پرنده این کودک را برداشت و بالا برد. من گفتم: یا بن رسول الله! این پرندگان کیستند؟ فرمود: این‌ها فرشتگان الهی‌اند که تو آن‌ها را به صورت پرنده دیده‌ای. او روح القدس جبرئیل امین است که پاسبان و حافظ وجود ائمه معصومین علیهم السلام و حجت‌های الهی است و آن کسی است که بایستی علم الهی و حفاظت و امنیت الهی را در ارتباط با این کودک بر عهده بگیرد. این خبر به طور مفصل در کتب معتبره نقل شده است.

از آن پس تاکنون این فرزند صالح که لقبش هم صالح است و اباصالح کنیه اوست، در پس پرده غیبت است و بر حسب آیات قرآن که مفسرین ما به حق آن را تفسیر کرده‌اند باید وعده خدا که تحققش قطعی است، به وسیله این حجت بر حق خدا، محقق شود و جهان را از عدل و داد پر کند.

دوران کودکی امام زمان علیه السلام

نکته اول: مسأله نام امام زمان علیه السلام است

آن گونه که از روایات و احادیث برمی آید؛ مهم ترین نام امام زمان علیه السلام نام پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله است و مهم ترین کنیه اش، کنیه رسول خدا می باشد. احادیث زیادی در این زمینه نقل شده است که به یکی از آنها اشاره می کنیم.

جناب جابر بن عبدالله انصاری که از نزدیک ترین یاران و صحابه رسول خدا و از ارادتمندان به ساحت مقدس عترت علیهم السلام بوده است نقل می کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «المهدي من ولدي اسمه اسمي وكنيته كنيته أشبه الناس بي خلقاً وخلقاً تكون له غيبة وحيرة تضل فيه الأمم ثم يقبل كالشهاب الثاقب ويملاها عدلاً وقسطاً كما ملئت ظلماً وجوراً»^۱ مهدی از فرزندان من است، اسم او اسم من و کنیه او کنیه من است، او شبیه ترین انسان ها از نظر خلق و خلقت - یعنی از نظر اخلاق و شکل و قیافه - به من است برای او غیبتی است و زمان غیبت هم طولانی است و در این غیبت طولانی است که امت ها گرفتار گمراهی می شوند؛ ولی او ناگهان مثل شهاب آسمانی ظهور می کند و دنیا را پر از عدل و داد می نماید پس از آن که پر از ظلم و بی عدالتی شده باشد.

از این روایت به صراحت فهمیده می شود که نام مبارک امام زمان علیه السلام همان نام پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله است و کنیه ایشان هم کنیه رسول خدا است. لکن در کتب معتبره که پیرامون زندگی امام زمان علیه السلام تدوین شده است، با استفاده از آیات و روایات، اسم ها و القاب زیادی برای امام زمان علیه السلام قائل شده اند که فقط آدرس آنها را ذکر می کنیم که

یکصد و هشتاد و دو اسم و لقب در کتاب شریف «نجم الثاقب» مرحوم محدث نوری ذکر شده است که این اسامی و القاب از کتب آسمانی تورات، انجیل، کتاب دینی زرتشتیان، کتب ادیان مختلفی که در دنیا وجود دارد و نیز از فرهنگ‌های مختلف و اعتقادات متفاوتی که در دنیا هست و نیز از روی آیات و روایاتی که از پیامبر و ائمه معصومین علیهم‌السلام نقل شده، استخراج گردیده است. در این کتاب آیات قرآنی هم که در ارتباط با امام زمان علیه‌السلام و تعبیری که برای ایشان شده، همه را نقل می‌کند که هر کدام دارای پیامی هست؛ یعنی هر اسمی که برای امام زمان علیه‌السلام ذکر می‌کند در بردارنده محتوای خاصی است. کتاب نجم الثاقب دقیقاً آن‌ها را ذکر کرده، پیام و مفهوم و بار معنوی این اسامی را هم در آنجا آورده که بسیار قابل استفاده است.

نکته دوم: رشد معنوی

از نظر رشد معنوی و فکری ائمه معصومین و حجج الهی علیهم‌السلام بنا بر لطف خداوندی و سایر تفضلات الهی قبل از ولادتشان و در شکم مادر، دارای رشد معنوی می‌باشند. درباره امام زمان علیه‌السلام هم همین طور است و حدیثی را بیان می‌کنیم که امام زمان علیه‌السلام از رشد معنوی و فکری و عقلانی، حتی در رحم مادر هم برخوردار است را مشخص می‌کند. بر حسب روایات و اعتقاد ما شیعیان، امام حتی در رحم مادر دارای همان ویژگی‌هایی است که در زمان تصدی ولایت الهی برخوردار می‌باشد و در کودکی نیز آن ویژگی‌ها را دارا می‌باشند. امام عسکری علیه‌السلام فرمود: وان الصبی منا لیتکلم فی بطن أمه و یقرء القرآن و یعبد ربه عزوجل؛^۱ همانا کودک ما در شکم مادر سخن می‌گوید و قرآن قرائت می‌کند و خدایش را پرستش می‌نماید.

نکته سوم: رشد جسمی امام زمان علیه‌السلام

نکته دیگر بعد از ولادت امام زمان علیه‌السلام رشد جسمی ایشان است.

رشد جسمی ایشان هم مثل دیگر اولیای خدا رشد غیر عادی بود؛ یعنی به لحاظ رشد جسمی مثل دیگر فرزندان انسان‌ها عادی و معمولی نبوده است بلکه رشد ایشان به صورت استثنایی همانند اولیای خدا و انبیا و فرزندان انبیا می‌باشد. در این زمینه حدیثی از کتاب شریف بحار الانوار مرحوم علامه مجلسی ذکر می‌کنم که راوی این حدیث هم حکیمه خاتون است و علت آن هم قبلاً ذکر شد چون شرایطی که امام زمان علیه السلام قبل از ولادت و هنگام ولادت داشت وضعیت بسیار استثنایی و خطرناکی بود که قبلاً شرح دادم و لذا معمولاً احادیثی که در ارتباط با طفولیت امام زمان علیه السلام هست مأخذش معدود است. از جمله کسانی که از ایشان حدیث زیاد نقل شده حکیمه خاتون عمه امام عسکری علیه السلام است که می‌فرماید: من پس از چهل روز که از ولادت امام زمان علیه السلام گذشت، به محضر امام عسکری علیه السلام شرفیاب شدم، دیدم کودکی تقریباً دو ساله از نظر شکل و قیافه که چون قرص خورشید نورانی و زیباست جلوی امام عسکری علیه السلام راه می‌رود. من تعجب کردم و از امام عسکری علیه السلام پرسیدم: این آقا زاده کیست؟ حضرت با تبسم فرمود: این فرزند نرجس است. گفتم: عجب، به این سرعت رشد به این خوبی داشته، الحمد لله. امام عسکری علیه السلام فرمود: «إِنَّ أَوْلَادَ الْأَنْبِيَاءِ وَالْأَوْصِيَاءِ إِذَا كَانُوا أُمَّةً يَنْشُتُونَ بِخِلَافِ مَا يَنْشَأُ غَيْرَهُمْ؛ فَرِزْنَدَانِ پيغمبران و اوصیاء که قرار شود به مقام وصایت یا خلافت برسند، رشد و نمویشان به اندازه‌ای است که دیگران ندارند»؛ یعنی رشد آن‌ها غیر عادی است. بعد فرمود: «وَإِنَّ الصَّبِيَّ مَنَّا إِذَا أَتَى عَلَيْهِ شَهْرٌ كَانَ كَمَنْ يَأْتِي عَلَيْهِ سَنَةٌ؛^۱ فَرِزْنَدَانِ مَا هُمْ كَمَا هُمْ قَرَارٌ اسْتَبَدَّ بِمَقَامِ وَلايَتِ بَرَسَنَدِ وَوَقْتِي كَمَا يَكُ مَاهُ مِنْ عَمْرِشَانِ كُذِّبَتْ بِهٖ اَنْدَازَهٗ يَكُ كَوْدِكُ يَكُ سَالَهٗ مِي شَوْنَدِ.» و فرزند من هم که حالا چهل روز از تولدش می‌گذرد را به شکل و قیافه کودک دو ساله می‌بینید. بعد امام ادامه داد: «وَإِنَّ الصَّبِيَّ مَنَّا لِيَتَكَلَّمَ فِي بَطْنِ أُمِّهِ؛ فَرِزْنَدَانِ مَا دَرِ شَكْمِ مَادَرِشَانِ حَرْفِ مِي زَنْدِ.»

«وَيَقْرَأُ الْقُرْآنَ وَيُعْبَدُ رَبَّهُ؛ وَقُرْآنَ قَرَأَتْ مِي كَنْدِ وَپَرُورِدْگَارِشَانِ رَا عِبَادَتِ مِي كَنْدِ.»

«وعند الرضاع تطيعه الملائكة وتنزل عليه [كل] صباح [و] مساء؛ ووقتی به هنگام شیر خواری رسیدند فرشتگان از آن‌ها اطاعت می‌کنند و به هنگام هر صبح و شام فرشتگان بر آن‌ها وارد می‌شوند».

این توضیحاتی بود که امام عسکری علیه السلام در مورد رشد جسمی امام زمان علیه السلام دادند که شامل رشد معنوی ایشان هم می‌شود. درباره ائمه دیگر نیز همین نکات را در روایات داریم. معمولاً امام زمان علیه السلام رشدشان به سرعت صورت گرفته، تا جایی که جناب حکیمه خاتون در ادامه همین حدیث می‌فرماید: بار دیگر که یک مدت کوتاهی قبل از شهادت امام عسکری علیه السلام خدمت ایشان شرفیاب شدم، دیدم نوجوانی که به قیافه مردی است آنجا حضور دارد. امام عسکری علیه السلام به من فرمود: در کنار او بنشین. من گفتم: این آقا کیست که مرا دعوت می‌کند کنار او بنشینم؟ فرمود: این همان فرزند نرجس است.

گفتم الحمد لله! بعد فرمود: شک مکن که او حجت خدا و وصی من است و من به زودی به شهادت می‌رسم و تو بعد از من از او اطاعت کن. در روایات هم داریم که وقتی امام عسکری علیه السلام به درجه رفیع شهادت رسیدند اولین بار برادرش، جعفر برای اقامه نماز بر جنازه مطهر امام عسکری علیه السلام حاضر شد و باز مینه‌سازی‌های فراوانی که دستگاه بنی عباس انجام داده بودند، می‌خواستند موقعیت جعفر را به عنوان امام شیعیان تثبیت کنند؛ ولی در همین حال دیدند که نوجوانی آمد و دست بر سینه عمویش زد و او را به کنار هدایت کرد و خودش بر جنازه امام عسکری علیه السلام نماز گزارد. بعد فهمیدند که او فرزند امام عسکری علیه السلام حضرت مهدی علیه السلام است.

نکته چهارم: اقدامات مربوط به دوران کودکی امام زمان علیه السلام

نکته قابل توجه در رابطه با امام زمان علیه السلام این است که بر اساس موقعیت حساسی که وجود داشت، طبیعی بود که امام زمان علیه السلام می‌بایست در پس پرده و اختفا نگهداری شود و با روایاتی که نقل شد، حضرت مهدی علیه السلام با عنایات الهی در زمان

حیات پدر در پس پرده نگهداری می شد و کسی نمی توانست ایشان را ببیند، البته این موضوع که در آینده ممکن است امام عسکری علیه السلام از دنیا برود و اگر امام زمان علیه السلام بیاید و ادعا کند که من فرزند امام یازدهم هستم شاید قضیه برای بعضی ها جان افتاده باشد و شیعیان هم ممکن است بگویند ما از امام عسکری علیه السلام پسری ندیدیم، و این موضوع ممکن بود آن ها را از نظر اعتقادی متزلزل سازد و پذیرش وجود امام زمان علیه السلام را برای آن ها مشکل نماید. از این رو برای آن که چنین حادثه ای پیش نیاید و عده ای امام زمان علیه السلام را بتوانند ببینند و خطری ایشان را تهدید نکند و بعدها شهادت بدهند که ما دیدیم که امام عسکری علیه السلام فرزندی داشت، در تاریخ داریم که یک عده معدودی از افراد خاص و مورد اعتماد ائمه معصومین علیهم السلام وجود مقدس امام زمان علیه السلام را در کودکی زیارت کردند و امام عسکری علیه السلام آن حضرت را به آن ها نشان داد که این ها می توانند به عنوان یک سند و حجتی برای شیعیان باشند و شهادت آن ها را مورد قبول قرار بدهند که امام زمان علیه السلام فرزند امام عسکری علیه السلام است و در زمان امام عسکری علیه السلام به دنیا آمد و دیگران هم این شهادت را از قول آن ها پذیرند، علاوه بر کرامات و معجزاتی که از امام زمان علیه السلام می دیدند.

از جمله کسانی که مورد اعتماد امام عسکری علیه السلام بود و امام زمان علیه السلام را زیارت کرد و بعدها هم این شهادت را داد؛ یکی از دوستان نزدیک و از ارادتمندان امام عسکری علیه السلام به نام «احمد بن اسحاق» است. احمد بن اسحاق می گوید: من یک روز خواستم خدمت امام عسکری علیه السلام شرفیاب شوم و از او راجع به جانشین ایشان سؤال کنم. خدمت ایشان رفتم و به محض این که وارد شدم، قبل از آن که من از ایشان بپرسم امام عسکری علیه السلام شروع به سخن کرد و فرمود:

ای احمد بن اسحاق! از زمان حضرت آدم، خداوند زمین را خالی از حجت نگذاشت و تا قیام قیامت هم زمین را خالی از حجت نخواهد گذاشت، حجت خدا همیشه در زمین هست که خداوند به برکت او، نعمت خود را از زمین در اختیار خلق قرار می دهد، آسمان باران خودش را به برکت حجت خدا بر اهل زمین نازل و به وسیله حجت است که بلا را از مردم دور می کند.

این‌ها را شرح داد. سپس من از امام عسکری علیه السلام پرسیدم: یا بن رسول الله! جانشین شما چه کسی است؟ امام بلافاصله از نزد من به اتاق اندرونی رفت و کودک تقریباً سه ساله‌ای را در آغوش گرفت و به سمت من آمد و فرمود: «این فرزند من است و حجت بر حق خداست و وصی من است و آخرین وصی پیغمبر خداست. امام و جانشینی که تو از آن پرسیدی این فرزند است.»

امام عسکری علیه السلام صحبت‌های دیگری نیز فرمودند. من گفتم: همه این‌ها را پذیرفتم، اما برای این که قلب من آرام بگیرد یک نشانه‌ای را هم می‌خواهم ببینم. دیدم که همین کودک سه ساله در آغوش امام عسکری علیه السلام با بیان رسایی به زبان عربی فرمود: «انا بقية الله في الأرض» و مطالب دیگر.

احمد بن اسحاق می‌گوید: من کاملاً بر این که الحمد لله حجت بر حق خدا بعد از امام عسکری علیه السلام وجود دارد و این حقایق را از زبان خود امام عسکری علیه السلام و امام زمان علیه السلام شنیدم، آرامش پیدا کردم.

مجموعاً افرادی اسمشان در تاریخ ذکر شده که امام زمان علیه السلام را در زمان کودکی زیارت کرده‌اند و بعدها هم در ملاّ عام شهادت داده و مسائلی که مربوط به امامت و حجت بودن امام علیه السلام بود، برای مردم نقل کرده‌اند.

البته بعد از این که امام زمان علیه السلام در پس پرده غیبت رفت، عدّه فراوانی وجود مقدّس ایشان را زیارت کردند و زیارت می‌کنند و هر کسی که لیاقت داشته باشد قطعاً در هر کجا و در هر زمان خداوند تفضّل کند و این برکت را نصیب او نماید، می‌تواند وجود مقدّس امام زمان را ببیند، اما این دیدار لیاقت و سعادت می‌خواهد، شرایط دارد و هر چشمی لیاقت دیدن امام زمان علیه السلام را ندارد و هر گوشی لیاقت شنیدن کلام نورانی آن حضرت را ندارد.

آغاز امامت امام زمان علیه السلام

آغاز امامت امام زمان علیه السلام، روز جمعه هشتم ماه ربیع الاول سال ۲۶۵ هـ ق است؛ یعنی روز شهادت امام یازدهم علیه السلام آغاز امامت امام زمان علیه السلام است. جالب است بدانیم که ولادت امام زمان در روز جمعه بوده و اولین روز امامتش روز جمعه و نیز بنا بر نقلی که از نظر شیعه بسیار مشهور است، ظهور امام هم روز جمعه است و همچنین یکی از اسامی آن حضرت نیز جمعه است.

یکی از افراد مورد وثوق و اعتماد ائمه معصومین و خاصه امام عسکری و امام زمان علیه السلام فردی به نام ابوسهل بود. ابوسهل اسماعیل بن علی نوبختی می گوید: پس از آن که معتمد، امام عسکری علیه السلام را به زهر مسموم کرد، من به خدمت امام عسکری شرفیاب شدم، لحظه ای بود که فرزند امام عسکری علیه السلام هم بر پدر وارد شده بود. امام حالش منقلب بود و شدیداً ضعیف شده بودند به گونه ای که وقتی ظرف آب را برای نوشیدن به امام عسکری دادند، قدرت نگهداری ظرف آب را نداشت و می لرزید و دندان های امام عسکری که به کاسه نزدیک شده بود می خورد و من صدایش را می شنیدم. در این لحظه وقتی که امام زمان علیه السلام وارد شد، به محض این که چشم امام عسکری به امام زمان افتاد، بسیار خوشحال شد اما لحظه ای گریست و بعد او را به عنوان آخرین وصی رسول الله و آخرین امام مؤمنین و به عنوان حجت بر حق خدا معرفی کرد و وصیت و سفارش خود را به امام زمان نمود. در این لحظه گویی احساس شد لحظه آغاز قبول مسئولیت امامت امام زمان بود. بعد امام عسکری

رو به امام زمان کرد و فرمود: «یا سید اهل بیته! اسقنی بالماء فانی ذاهب إلی ربی! ای بزرگ خاندان خودت! آبی به من بنوشان؛ زیرا من به زودی به سوی پروردگارم خواهم شتافت».

امام زمان علیه السلام هم آب را به دست پدرش داد و بعد به پدرش کمک کردند تا او وضو بسازد. صحبت‌هایی هم بین امام عسکری و امام زمان علیه السلام صورت گرفت آن گاه امام عسکری علیه السلام به درجه رفیع شهادت نایل گشتند.

البته این مسائلی بود که درباره امام زمان و آغاز امامتشان است، ولی چیزی که باید به عنوان حجت برای مردم باشد این است که برای اثبات حجت بودن امام زمان و امامت ایشان طبیعی است که شیعیان او هم دلایل قانع کننده‌ای که باعث اطمینان خاطر بشود نیاز دارند.

ابوالادیان یکی از خدمتگزاران و یکی از دوستان نزدیک امام عسکری علیه السلام بود. ابن بابویه علیه السلام به نقل از ابوالادیان می‌گوید: امام عسکری علیه السلام به من مأموریتی داد که به مدائن بروم و نامه‌هایی را به آنجا برسانم. امام عسکری علیه السلام به من فرمود: ابوالادیان! وقتی بعد از پانزده روز از مدائن برگشتی، شهر سامرا را پر از شیون و غوغا خواهی یافت؛ زیرا که من به شهادت خواهم رسیدم. من نگران شدم و از امام راجع به جانشین‌شان پرسیدم: وقتی شما به شهادت رسیدید، چه کسی باید امامت امت را به عهده بگیرد؟ امام عسکری در جواب به من سه نشانه داد؛ نشانه اول: آن کسی که بر بدن من نماز بگذارد. دوم: آن کسی که جواب نامه‌ها را از تو طلب کند و نشانه سوم: کسی که بگوید در همیان و کیسه‌ها چه چیزی وجود دارد. حیا مانع شد که راجع به کیسه از آقا بپرسم، نپرسیدم و با نگرانی سفرم را آغاز کردم و به مدائن رفتم. مأموریت را انجام دادم و وقتی برگشتم همان‌گونه که امام عسکری گفته بود، ایشان به شهادت رسیدند. آن‌گاه چیزی که برای من مهم بود این بود که بدانم چه کسی جانشین امام یازدهم و به عنوان امام دوازدهم و حجت بر حق خداست. وارد بیت

امام عسکری شدم، دیدم برادرش جعفر بر جایگاهی نشسته است و همه واردین به او تسلیت می‌گویند. گویی این‌گونه وانمود می‌شود که او به عنوان جانشین امام عسکری است، در حالی که من او را می‌شناختم و می‌دانستم انسانی است بد سابقه و بد عمل که مرتکب محرمات می‌شد. مطمئن بودم که او لیاقت امامت را ندارد اما الآن در چنین جایگاهی قرار گرفته؛ چرا که دستگاه بنی عباس تلاش می‌کرد او را به عنوان جانشین امام عسکری به مردم معرفی کند. در همین حال خبر آوردند که او بیاید و بر پیکر امام عسکری علیه السلام نماز بگذارد.

او از جای خود حرکت کرده، به سمت پیکر مطهر امام عسکری رفت تا نماز بگذارد، دیدم نوجوانی با جمیع شیوه‌ها و شمایل زیبایی که دلربا بود آمد و دامن عمویش را گرفت و گفت: ای عموا کنار برو که من بر نماز گزاردن بر پیکر بابایم شایسته‌ترم.

او را کنار زد و بر پیکر امام عسکری نماز گزارد. با این صحنه مطمئن شدم که یکی از نشانه‌هایی که امام عسکری داده بود تحقق یافت و این شخص بر بدن امام عسکری نماز گزارد، منتظر بودم که نشانه‌های دیگر هم تحقق پیدا کند. در این حالت بود که وقتی نماز تمام شد به من اشاره کرد که جواب نامه‌ها را بده. این هم نشانه دوم؛ چون نامه‌ای که امام عسکری به من سپرده بود و آن را به مدائن بردم، به دوستانی که باید می‌دادم سپردم و جواب نامه‌های آن‌ها را به همراه بیت المال و سهم امامی که داده بودند با خودم آورده و منتقل کرده بودم. منتظر بودم نشانه سوم هم تحقق پیدا کند، در همین حال جمعی از مؤمنین قم آمدند و در میان جمعیت عزادار قرار گرفتند و گفتند: جانشین امام عسکری کیست؟ آن‌ها را به سمت جعفر هدایت کردند. آن‌ها وقتی پیش جعفر رفتند، پرسیدند: شما جانشین امام عسکری هستید؟ پاسخ داد: آری. گفتند: بگوئید که ما حامل چه چیزی هستیم و نامه‌ای که با ماست چه کسی و برای چه کسی نوشته است و چیزی که به همراه ماست آن متاع چیست و چقدر است؟

جعفر با کمال عصبانیت گفت: عجب! مردم را ببینید که از من چه چیزی را درخواست می‌کنند، علم غیب از من طلب می‌کنند؟ من فهمیدم که او امام نیست و جمعیتی که از قم آمده بودند هم با این پاسخ او مطمئن شدند که او امام نیست و چنانشین امام عسکری شخص دیگری است. در همین حال فرستاده‌ای از درون خانه آمد و گفت که حجت خدا (امام زمان) فرمودند: نامه‌هایی که شما اهل قم از فلان شخص و فلان شخص برای امام عسکری آورده‌اید، آن نامه‌ها را بیاورید و به همراه شما همیانی است که هزار اشرفی در آن قرار دارد که از میان هزار اشرفی که به عنوان سهم امام است، ده اشرفی قلابی است که روکش طلا شده و اصل نیست.

آن‌ها باز کردند و دیدند هزار اشرفی سفید هست و آن ده اشرفی را هم شناسایی کردند. ابوالادیان می‌گوید: من دقیقاً به همان نشانه‌هایی که امام حسن عسکری به من داده بود رسیدم و یقین کردم که او امام امت اسلامی و آخرین وصی پیغمبر اکرم ﷺ است و آن پیامی که فرستاده شده از ناحیه امام زمان است و آن فردی که نماز بر پیکر امام عسکری گزارد امام زمان و آخرین امام شیعیان است.^۱

غیبت امام زمان ﷺ

غیبت امام زمان ﷺ از نظر شیعیان به دو بخش تقسیم می‌شود: غیبت صغری و غیبت کبری.

غیبت صغری و نواب اربعه

غیبت صغری یعنی غیبت کوتاه مدت، منتها با یک شیوه خاصی که امام زمان ﷺ به وسیله نایبان خاصی که چهار تن بودند و از جانب او تعیین شده‌اند، با شیعیان ارتباط داشته و جواب نامه‌های آن‌ها را به صورت کتبی و یا شفاهی می‌دادند. این چهار شخصیت به نواب اربعه معروف هستند که اولین آن‌ها شخصیت ارجمند اسلامی «عثمان بن سعید عمروی» است. عثمان بن سعید عمروی هم جزو

۱. منتهی الامال: ۴۹۶/۲.

معمدین و دوستان نزدیک امام هادی علیه السلام بود و هم به عنوان دوست نزدیک و صمیمی و مورد اعتماد امام عسکری علیه السلام بود و بعد هم امام زمان او را به عنوان اولین نایب خاص خودشان و رابط بین خود و شیعیان قرار دادند، به گونه‌ای که جواب سؤالاتی را که شیعیان از امام زمان می‌خواستند بپرسند، می‌گرفتند و مشکلاتی را که امت اسلامی داشتند به این واسطه حل می‌کردند.

بعد از عثمان بن سعید عمروی، پسرش که او هم از شخصیت‌های بسیار با ارزش اسلامی است، به نام محمد بن عثمان بن سعید عمروی دومین نایب خاص امام زمان علیه السلام شد. نماینده سوم امام زمان هم «حسین بن روح» بوده است و آخرین نماینده امام زمان به نام علی بن محمد سمري است که مجموعاً مدت نیابت این چهار نایب که با امام زمان علیه السلام ارتباط داشتند ۶۹ یا ۷۴ سال طول کشید. این غیبت را به عنوان غیبت صغری می‌دانیم.

غیبت کبری

اما غیبت کبری، تقریباً شش روز قبل از آن که علی بن محمد سمري وفات نماید توقیع مبارکی از جانب امام زمان علیه السلام دریافت کرد که با تمجید و تحسین از او به او خبر داد که حداکثر پس از شش روز از دریافت نامه از دنیا خواهی رفت و دیگر بعد از تو نایب خاصی که به عنوان رابط معین میان من و شیعیانم باشد تعیین نمی‌شود، بلکه ویژگی‌های عمومی را در اختیار قرار داد که هر کسی که دارای این ویژگی‌ها باشد او حجت من بر شیعیان است و من حجت خدا هستم.

از لحظه‌ای که آخرین نماینده خاص امام زمان علیه السلام به لقاء الله پیوست تا امروز و تا روزی که امام زمان علیه السلام از پس پرده غیبت بیرون آید، به عنوان غیبت کبری محسوب می‌شود. در زمان غیبت کبری، رابط بین ما و امام زمان علیه السلام فرد خاصی نیست. هر کسی ادعا کند من به عنوان نایب خاص امام زمان علیه السلام هستم و او را مشاهده کردم، بنا بر توقیع امام علیه السلام چنین مردی دروغگو است و قطعاً حرفش صحت ندارد، بلکه با ویژگی‌هایی که امام زمان علیه السلام دادند، از میان فقهای جامع الشرائطی که تحت عنوان

روایات احادیث و اسلام شناس است آن را به عنوان نایب عام امام زمان علیه السلام و حجت ایشان بر خودمان می دانیم و تا روزی که امام علیه السلام در پس پرده غیبت بماند رابط بین ما و امام زمان علیه السلام فقها و مجتهدین واجد شرایط هستند و در عصر حاکمیت حکومت اسلامی و نایب امام زمان علیه السلام و حاکم بر مردم، ولی امر مسلمین و ولی فقیه است که ما او را به عنوان نایب عام امام زمان علیه السلام می شناسیم و اطاعت او را اطاعت از امام زمان علیه السلام می دانیم.

در بیان دیگری که از ائمه معصومین علیهم السلام رسیده است، هر کسی فقها را رد کند و دستور آنها را نپذیرد و حرف آنها را زیر سؤال ببرد و اصالت برای حرف آنها قائل نشود، همانند کسی است که امامان معصوم علیهم السلام را قبول ندارد. در حدیث امام صادق علیه السلام که فرمودند: «الراد علیهم کالراد علینا»^۱ مثل کسانی که فقها را رد نمایند مثل کسانی است که ما را رد می کنند؛ بنابراین بین دستورات فقها و مجتهدین با دستورات امام زمان علیه السلام پیوند خورده است.

و ما در عصر حاکمیت نظام مقدس جمهوری اسلامی، فقیه عالیقدر و ولی امر مسلمین را به عنوان نایب عام امام زمان علیه السلام می دانیم و اطاعت از دستوراتش را به منزله اطاعت از امام زمان علیه السلام تلقی می کنیم.

خداوند به برکت وجود امام زمان علیه السلام و به دعای خاص آن حضرت علیه السلام پرده از رخسار دلربای او بر کشد و چشمان ما را به جمال دلربایش روشن گرداند و به وسیله او مظلومیت جهان اسلام پایان پذیرد و دل های مؤمنین شاد و اولیای خدا عزیز و دشمنان دین خدا ذلیل و خوار گردند، ان شاء الله.

۱. وسائل الشیعه: ۹۸/۱۸، باب ۱۱، ح ۱.

شرح غیبت صغرا و کبرای امام زمان علیه السلام

مسأله غیبت امام زمان علیه السلام یک امر تازه و نویی که پس از تولد او در عقیده شیعه مطرح شده باشد نیست، بلکه از ابتدای اسلام و رسالت نبی مکرم صلی الله علیه و آله به عنوان یکی از مسائل عقیدتی مطرح بود.

از آیات قرآن کریم و نیز روایاتی که از جانب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام به ما رسیده است، کراراً درباره غیبت امام زمان علیه السلام و ظهور آن حضرت و حکومت جهانی و دینی او بحث به میان آمده است که در این فرصت کوتاه به آیات و روایاتی که در این باره آمده است توفیق پرداختن نیست، فقط به نقل یک روایت از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله اکتفا می‌کنم.

جابر بن عبدالله انصاری می‌گوید: من درباره فایده وجود مقدس امام غایب از رسول خدا صلی الله علیه و آله سؤال کردم: یا رسول الله! امامی که شما به عنوان امام غایب و یکی از اوصیا و آخرین وصی خودتان مطرح می‌فرمایید، چه فایده‌ای برای امت اسلامی در زمان غیبت دارد؟

رسول خدا صلی الله علیه و آله در جواب من فرمود: «والذي بعثني بالنبوة إنهم لينتفعون به ويستضيئون بنور ولايته في غيبته كارتفاع الناس بالشمس وإن جللها السحاب؛^۱ قسم به آن خدایی که مرا به نبوت مبعوث کرد، همانا مؤمنین در زمان غیبت امام زمان از ولایت و نور ولایت برخوردارند و از نور ولایت او کسب نور می‌کنند مثل برخورداری مردم از نور خورشید است، هر چند در پس ابر باشد».

چگونه وقتی که خورشید در پس پرده ابر وجود دارد همه مردم از آن بهره

می‌گیرند و از تشعشات آن استفاده می‌کنند و از جذابیت‌های آن برخوردارند و از فوایدی که خدا در خورشید قرار داده، همه بهره‌مند می‌شوند، مؤمنین هم در زمانی که امام عصر علیه السلام در پس پرده غیبت قرار گرفت از نور ولایت او همانند خورشید پشت ابر برخوردارند.

با این حدیث، مفاهیم زیادی را می‌توان استفاده نمود. نکته مورد نظر این است که در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بحث غیبت امام زمان و فایده امام علیه السلام برای مؤمنین مطرح بوده و رسول خدا صلی الله علیه و آله خود این موضوع را تبیین و تشریح فرمودند.

از قول ائمه معصومین علیهم السلام هم در کتب معتبره روایات زیادی در باب غیبت وارد شده است که باید به مصادر و مأخذ آن مراجعه شود.

در باره غیبت امام زمان علیه السلام همان طور که قبلاً اشاره شد به دو غیبت عقیده داریم؛ یکی غیبت صغری است که اگر از زمان ولادت امام زمان در نظر بگیریم تا وفات آخرین نایب امام زمان علیه السلام یعنی علی بن محمد سمري، ۷۴ سال است و اگر از زمان شهادت امام عسکری علیه السلام که آغاز امامت امام زمان علیه السلام است محاسبه شود ۶۹ سال می‌شود. از زمان وفات علی بن محمد سمري که آخرین نایب خاص امام زمان علیه السلام بود تا امروز، به عنوان غیب کبری نام دارد.

یک سؤال

سؤالی که اینجا مطرح است و شاید به ذهن بیاید این است که غیبت کبرای امام زمان علیه السلام چند سال است؟ آیا می‌توانیم پیش بینی کنیم که امام زمان علیه السلام تا چه زمانی در پس پرده غیبت خواهد بود و کی ظهور خواهد کرد؟

جواب این است که هیچ کسی این موضوع را نمی‌داند، حتی در روایاتی آمده که خود امام زمان علیه السلام هم دقیقاً نمی‌داند و سفارشاتى که شده این است که ما از خدا ظهور و فرج امام زمان علیه السلام را مسئلت کنیم، یعنی کسی نمی‌داند پایان غیبت کبری چه زمانی خواهد بود.

اینجاست که بعضی از افراد مخالف و تضعیف کنندگان عقاید حقّه و یا افراد سودجو و شایعه پراکن و یا مخالف دین و ولایت و امامت، هر از گاهی حرف‌هایی را شایع می‌کنند و بر سر زبان‌ها می‌اندازند، چیزهایی را می‌نویسند و دست به دست می‌کنند و می‌گویند مثلاً فلان کس خواب دید که امام زمان علیه السلام کی و کجا خواهد آمد. این‌ها هیچ‌کدام قابل قبول نیست و کسی نمی‌داند امام زمان علیه السلام چه زمانی ظهور خواهد کرد. اسحاق بن یعقوب نقل می‌کند که محمد بن عبدالله عمری به امام زمان علیه السلام نامه‌ای نوشت و حضرت در جواب آن فرمود: «فإنه إلى الله وكذب الوقتون؛^۱ امر آن به دست خداست. و هر کس برای آن زمان تعیین کند دروغگو است».

غیبت کبری امام زمان علیه السلام آغازش زمان وفات آخرین نماینده ایشان، علی بن محمد سمری است و پایانش تا زمانی است که خداوند اراده فرماید و پرده از رخسارش بگیرد و او را به عنوان امام ظاهر به حضور بیاورد و همه از وجود مبارکش برخوردار شوند که خداوند ان شاء الله در ظهور او تعجیل فرماید و دنیا را از حکومت ایشان برخوردار گرداند.

روایاتی که در باب زمان ظهور امام زمان علیه السلام است زیاد است؛ از جمله:

توقیعی است که امام زمان علیه السلام به آخرین نایبش داده‌اند؛ یعنی نامه‌ای که امام زمان علیه السلام قبل از وفات آخرین نایبش، علی بن محمد سمری به او نوشت و در آنجا اشاره فرمود: «فقد وقعت غيبة التامة فلا ظهور إلا بعد اذن الله عزوجل بعد طول الامد وقسوة القلوب وامتلاء الأرض جوراً؛^۲ غیبت کبری آغاز شد، این غیبت پایان نمی‌پذیرد مگر بعد از اجازه خداوند، مگر پس از آن که زمان درازی فاصله شود و دل‌ها در برابر پذیرش حق و خدا، سخت و سنگین شود و زمین از ظلم و جور پر گردد».

در این حدیث می‌بینیم که امام زمان علیه السلام نمی‌گوید چه موقع غیبت کبری تمام

۱. احتجاج طبرسی: ۵۴۳/۲.

۲. سیمای آفتاب، ص ۳۷۷ به نقل از کمال الدین: ۵۱۶/۲.

می شود بلکه می فرماید بستگی به اذن خدا دارد. چیزی که ثابت است طولانی بودن آن است و مشخصاتش این است که افراد جامعه به خاطر گناه زیاد و ضعف ایمان دل هایشان برای پذیرش حق، سخت و سنگین می شود و زمین از ظلم و جور پر می گردد. این خصوصیت و ویژگی عمومی، در دوران ظهور امام زمان علیه السلام است.

حدیثی هم از قول امام جعفر صادق علیه السلام در همین رابطه است و وضعیت زنان دوران ظهور را بیان می کند و مشخص می سازد که زمان غیبت امام زمان علیه السلام بسیار طولانی خواهد بود.

امام صادق علیه السلام فرمود: «والله لتكسرن كسر الزجاج وإن الزجاج يعاد فيعود كما كان والله لتكسرن كسر الفخار وإن الفخار لا يعود كما كان والله لتمحصن والله لتغربلن كما يغربل الزؤان من القمح»^۱ به خدا قسم! همانا شکسته می شوید مانند شکستن شیشه ها و بر می گردند شیشه ها پس از شکستن به حالت اول. به خدا قسم! در دوران غیبت بعضی ها شکسته می شوید مانند شکستن سفال، ولی سفال بعد از شکستن به حالت اول بر نمی گردد. به خدا قسم! در غیبت کبری که طولانی می شود انسان ها امتحان وزیر و رو می شوند، غربال می شوند مثل، غربال شدن دانه ها از گندم؛ یعنی به قدری فشار و تیرگی فساد و ظلم و ستم و انحراف و انحطاط زیاد می شود که انسان ها غربال شده، خوب ها و بدها از هم جدا می شوند.

طول غیبت سبب می شود که بعضی ها که ایمانشان ضعیف است ایمانشان سست شود. طبق روایات، بعضی ها کافر می شوند، بعضی ها می گویند امام زمان علیه السلام نیست، بعضی ها می گویند که آمد و رفت، بنابراین از این روایات استنباط می شود که غیبت کبرای امام زمان علیه السلام طولانی است و الآن هم می بینیم که بیش از هزار و صد سال از غیبت امام زمان علیه السلام می گذرد و بسیار طولانی شده است.

نکته ای که امام صادق علیه السلام در این حدیث فرمود، این است که دو نوع شکستن را بیان فرمود: یک نوع شکستن شیشه و یک نوع شکستن سفال، شاید منظور این

باشد که بعضی از مؤمنین در زمان غیبت طولانی امام زمان علیه السلام فساد و تباهی و جرم و جنایت و تمایلات به مادیات دنیا، آن‌ها را از ایمان بر می‌گرداند. درست مثل این که ظرف شیشه‌ای می‌شکند، ایمانشان می‌شکند اما بعد توبه می‌کنند و به حالت اول بر می‌گردند و ایمان را قبول می‌کنند. اما بعضی از مؤمنین به دلایل مختلف، ضعف و سستی در ایمان آن‌ها ایجاد شده، ایمانشان شکسته می‌شود و دیگر به حالت اول بر نمی‌گردند و بی‌ایمان خواهند مرد.

این است که باید در زمان غیبت، شدیداً از ایمان خود حفاظت کرده مبادا که ایمانمان شکسته شود و اگر خدای ناخواسته در جایی ضعفی ایجاد شد باید دقت کرد که ان شاء الله این ضعف جبران شود و دل‌هایمان در راه اعتقاد به امام زمان علیه السلام و ارادت به آن حضرت و ولایت آن امام محکم و مستحکم بماند.

طرح سؤالی دیگر

نکته‌ای که خوب است در اینجا به اختصار به آن اشاره کنیم این است که چرا امام زمان علیه السلام غایب است؟ آیا خدا نمی‌خواهد این ملت و این امت، در عصر غیبت کبری دارای امام باشند که در حضور و ظهور باشند؟ یا خود امام زمان علیه السلام علاقه به حاکمیت و حضور خودشان ندارند؟

هیچ یک از این دو نظر درست نیست؛ زیرا اولاً خداوند با این لطفی که به بندگان خود دارد، در هیچ عصر و زمانی بندگان خود را از امام حاضر محروم نمی‌کند که خود یک بحث مفصلی در باب قاعده لطف و ضرورت وجود امام و رهبر در جامعه است که خداوند همه ضرورت‌ها و نیازهای بشر را تأمین می‌کند. قطعاً این نیاز اساسی را که داشتن رهبر و امام و پیشوا و قائد معصوم است، خداوند از بشر محروم نمی‌کند.

اما آیا امام زمان علیه السلام دلش نمی‌خواهد که ظهور کند؟ قطعاً این طور نیست. بلکه امام زمان علیه السلام می‌خواهد در جمع مردم به صورت ظاهر و عادی حضور داشته باشد

و جلوی جرم و جنایت را بگیرد و عدل خدا را اجرا کند، همچنان که ائمه دیگر این کار را می‌کردند، پس چرا امام زمان علیه السلام ظاهر نیست؟ چرا در پس پرده غیبت است؟ راز و رمز قضیه چیست؟

با استفاده از حدیثی از رسول خدا صلی الله علیه و آله به یکی از رازهای مسئله غیبت می‌پردازیم. شیخ صدوق - اعلی الله مقامه الشریف - در کتاب «علل الشرایع» از قول امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که فرموده است: از رسول خدا راجع به امام زمان علیه السلام سؤال شد، ایشان فرمودند: «فلا بد للغلام من غیبة فقیل له: ولم یا رسول الله؟ قال: یخاف القتل؛^۱ به ناچار امام زمان علیه السلام باید غیبت کند و غایب باشد پرسیدند چرا؟ فرمود: به دلیل خوفی که از شهادتش می‌رود امام زمان علیه السلام غایب است».

لازم است ماجراهای قبل از امام زمان علیه السلام را ببینیم و بدانیم قبل از امام زمان علیه السلام که یازده امام دیگر بوده‌اند، سرنوشتشان چه شد؟ امیرالمؤمنین با آن همه زجر و شکنجه‌ای که دید، سرنوشتش شهادت بود، آن هم با شمشیر کسانی که به نام دین آیه‌ای از قرآن را تلاوت کردند و در محراب عبادت آن حضرت را به شهادت رساندند. امام حسن علیه السلام را مظلومانه شهید کردند، سیدالشهدا علیه السلام و یارانش را در کربلا به شهادت رساندند، سایر ائمه را نیز یکی پس از دیگری تا امام عسکری علیه السلام مظلومانه به شهادت رساندند و طبیعی است که امام دوازدهم هم اگر حضور می‌داشت او را هم به شهادت می‌رساندند و این چیزی است که تجربه گذشته نشان داده. دشمن که عملیات به شهادت رساندن امام علیه السلام را قبل و بعد از ولادتشان و بعد از غیبتشان آغاز کرد، تمام تلاشش را به کار برد تا دو سال بعد از شهادت امام عسکری علیه السلام امام زمان علیه السلام را پیدا کند و به شهادت برسانند، پس معلوم می‌شود که اگر امام زمان علیه السلام حاضر بود مردم او را می‌کشتند، یعنی توسط همان کسانی که آمدند حکومت را گرفتند، و به دستور آن دنیاطلبان و ریاست‌طلبان به شهادت می‌رسید. واحادیث زیادی در این باب وجود دارد.

خوب از طرفی خداوند نمی خواهد مردم، بدون امام ورهبر باشند؛ یعنی لطف خدا و رحمت او ایجاب می کند که مردم امام داشته باشند. و از طرفی در میان مردم کسانی هستند که نور خدا را نمی پذیرند و می خواهند آن را خاموش کنند: «يُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ»^۱. این کار را در گذشته انجام دادند و خدا هم که می خواهد نور ولایتش امتداد پیدا کند؛ بنابراین یا باید یکی پس از دیگری امام منصوب الهی را به شهادت برسانند و خداوند تا قیام قیامت پی در پی، امام دیگری را جایگزین او کند و یا باید تمهیداتی قائل شود که مردم فاقد امام نباشند و پیکره هستی فاقد قلب نباشد و دوام و استقرار پیدا کند، از طرفی این امام هم مورد آسیب قرار نگیرد، تا زمانی که وضعیت عمومی، شایستگی اش را برای پذیرش امام اثبات کند و امام از پس پرده غیبت بیرون بیاید.

به یک مثال توجه کنید

مثلاً در یک محله ای مردم در تاریکی شب برای رفتن به منزل و برای عبور از معبرها نیاز به چراغ دارند؛ اما افرادی وجود دارند که مخزن و منافع خود را در تاریکی می بینند و هر چراغی را که روشن می شود می شکنند. مسئولی که دل در گرو مردم دارد می خواهد تا محیط امن باشد و مردم گمراه نشوند و راه خانه شان را پیدا کرده و آسیب نبینند. حال اگر این افراد چراغ اول را شکستند، آن مسئول چراغ دیگری جای آن قرار می دهد، اگر باز هم آن را شکستند چراغ دیگری برایش قرار می دهد آخر الامر می بیند که این مردم خیلی بی لیاقتند همه چراغ ها را می شکنند آیا دیگر چراغی نزنند، تا مردم در تاریکی بیفتند؟ خوب طبیعی است که با حکمتش جور در نمی آید. پس چراغ را در یک جدار و پرده قرار می دهد تا هم نورش را برساند که نیازمندان به این نور از آن برخوردار شوند و هم دشمنان نور هدایت نتوانند به آن آسیب بزنند، درست است که وقتی در جدار باشد نورش کمتر می شود

۱. سوره توبه، آیه ۳۲.

امّا به هر ترتیب مانند خورشید پس ابر از آن استفاده می‌کنند. طبق حدیثی که بیان شد بحث غیبت امام زمان علیه السلام چنین واقعیتی است.

در خاتمه جمله‌ای از مرحوم خواجه نصیر الدین طوسی از کتاب تجرید الاعتقادش نقل می‌کنم: «وجوده لطف و تصرفه لطف آخر، و غیبتة منّا؛ وجودش نشانه لطف خداست و تصرف او در امور لطف دیگر خداست امّا موجب و علت غیبت او ما هستیم.»

پس علت غیبت را باید در مردم و جامعه بشری جستجو کرد.

امیدوارم خداوند علت غیبت را بر طرف و اسباب ظهور امام زمان علیه السلام را فراهم و ما را از نعمت حضورش برخوردار نماید.

مکان زندگی امام زمان علیه السلام

یکی از سؤالاتی که درباره وجود مقدس حضرت صاحب الامر امام زمان علیه السلام مطرح است محل زندگی امام زمان علیه السلام است که آیا جای مشخصی هست، یعنی آیا در یک نقطه ثابت و مشخص زندگی می کنند و مثل دیگر انسان ها دارای اهل و عیال و زندگی هم هستند یا خیر؟

تشکیل زندگی

در این قسمت به اختصار با تکیه بر روایات و اقوال مختلف در این مورد بحث می کنیم.

درباره نکته دوم که آیا امام زمان علیه السلام نیز مثل سایر افراد مؤمن تشکیل خانواده داده است یا نه، دو جواب در این مورد وجود دارد:

اول: از آنجایی که مسأله ازدواج و تشکیل خانواده به عنوان یکی از اساسی ترین مسائل مؤمن و سنت نبوی است، عادتاً نباید امام زمان علیه السلام از این سنت مهم رویگردان باشد و سرباز زند، باید مثل دیگر مؤمنین بلکه به عنوان امامی که همه سنت های الهی را انجام می دهد این امر را هم انجام داده باشد.

دوم: این که در برخی از روایات هم به این مطلب اشاره شده که امام زمان علیه السلام دارای اهل و عیال است، گرچه روایاتی هم دیده می شود که تصریح به عدم آن دارند لذا بعضی معتقدند آن حضرت ازدواج نکرده است و دلایلی برای اثبات عقیده خود ارائه می کنند.

اما اگر امام زمان علیه السلام دارای خانواده است چگونه می‌شود ما این خانواده را نشناسیم؟! در این نکته بحث مفصلی است که در کتب مفصل در مورد امام زمان علیه السلام مطرح شده است که می‌توان به آن‌ها مراجعه نمود.

محل زندگی

اما در نکته اول که راجع به محل زندگی امام زمان علیه السلام است؛ اشاراتی وجود دارد که به بخشی از آن اشاره می‌کنم.

در دعای ندبه این جمله به زبان همه افراد جاری است: «أَيْنَ اسْتَقَرَّتْ بِكَ النَّوَى، بَلْ أَيْ أَرْضِ تُفْلِكَ أَوْ تُرَى؟! أِبْرَضَوِي أَوْ غَيْرِهَا، أَمْ ذِي طُوًى؟! عَزِيزُ عَلَيَّ أَنْ أَرَى الْخَلْقَ وَلَا تُرَى، وَلَا أَسْمَعُ لَكَ حَسِيساً وَلَا نَجْوَى؟! ای امام زمان در کجا هستی، کدام سرزمین تو را در بر گرفته است، آیا در رضوی هستی؟ یا در غیر آنجا؟ آیا در «ذی طوی» هستی؟ برای ما بسیار گران است که همه را ببینیم ولی تو دیده نشوی و از تو هیچ نه می‌شنویم و نه تو را می‌بینیم و نه احساسی از صدای تو داریم».

این درد دلی است در دعای ندبه که به ساحت مقدس امام زمان علیه السلام شده است؛ یعنی راجع به محل استقرار و محل زندگی ایشان سؤال می‌شود و جواب این است که ما نمی‌دانیم کجا هستی.

نکته مهمی که در ارتباط با زندگی و محل زندگی امام زمان علیه السلام در کتب تاریخی مطرح شده که بر سر زبان‌ها هم افتاده؛ مثلاً داستان جزیره خضراء آیا واقعاً چنین چیزی صحت دارد؟

در بعضی از کتب مثل بحارالانوار علامه مجلسی و کتاب نجم الثاقب مرحوم علامه محدث نوری و دیگر مآخذ، مطالبی راجع به جزیره خضراء وارد شده است که شرح آن را مطرح نمی‌کنم، اما چیزی که هست این داستان در میان شخصیت‌های برجسته، موافقان و مخالفانی دارد که امام زمان علیه السلام در یک جایگاهی تحت عنوان جزیره خضراء زندگی کنند.

اما درباره موضوع کوه رضوی یا ذی طوی در بعضی منابع، از جمله همین فراز

از دعای ندبه راجع به کوه رضوی یا ذی طوی بحث به میان آمده است. آیا واقعاً حضرت در کوه رضوی و ذی طوی زندگی می‌کند؟ البته کوه رضوی و ذی طوی از کوه‌های اطراف مدینه هستند که به عنوان نقاط مقدّس به حساب می‌آیند و مردم به آنجا توجه می‌کنند. شاید وقتی هم امام زمان علیه السلام در آنجا رؤیت شده باشد، اما به این معنی که در آنجا زندگی کند، به صورت قطعی مورد قبول نیست.

نکته دیگری که باز در افکار عموم مطرح است، سردابی است که در کنار حرم مطهر امام هادی و امام عسکری علیه السلام در شهر سامرا قرار دارد؛ آنجا سردابی است که اکنون آنجا را زیارت می‌کنند، بعضی‌ها فکر می‌کنند یا معتقدند که امام زمان علیه السلام در آنجا مخفی شده است. آیا واقعاً این طور است؟ این هم معقول و مقبول به نظر نمی‌رسد، البته خود سرداب به دلیل این که هم محل زندگی امام هادی علیه السلام و امام عسکری علیه السلام بوده و هم امام زمان علیه السلام در آنجا متولد شده، جایگاه مقدّسی است. و یکی از مصادیق آیه شریفه است که می‌فرماید: «فِي بُيُوتِ الَّذِينَ أَنْزَلْنَا الْقُرْآنَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبَّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ»^۱ که درباره‌ی خانه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است و خانه ائمه معصومین علیهم السلام هم جزو مصادیق این آیه به حساب می‌آیند. پس شاید از جمله مصادیق آن همین جایگاه و سردابی است که در سامرا وجود دارد، اما نه عنوان این که امام زمان علیه السلام در آنجا پنهان باشد. از این جهت این مسأله توسط صاحب نظران مورد دفاع نیست.

به هر ترتیب، نکته‌ای که اینجا قابل بحث است این است که آیا امام زمان علیه السلام پنهان است و در معرض دید حاضر نمی‌شود و یا پنهان نیست و زندگی ناشناخته‌ای دارد که دیگران ممکن است او را ببینند ولی او را نشناسند؟

از روایات در این باب هر دو نظر را می‌توان دریافت، اما آنچه را که غالب روایات و نظرات به آن توجه دارند این است که امام زمان علیه السلام از دید همه پنهان

نیست، امام زمان علیه السلام به آن معنی غایب نیست، به تعبیر حضرت آیت الله حسن زاده آملی که فرمودند «ما غایبیم، او غایب نیست» او هر وقتی که بخواهد می‌تواند هر کجا و هر کسی را ببیند، این ما هستیم که نمی‌توانیم هر وقتی که اراده کنیم او را ببینیم.

در دعای ندبه می‌خوانیم: «بنفسی أنت من مُغَيَّبٍ لم يخلُ منا، بنفسی أنت من نازحٍ ما نرح عتاً؛ جانم فدایت ای پنهانی که از میان ما بیرون نیستی، جانم فدایت ای دور از نظری که از ما دور نیست».

بنابراین امام زمان علیه السلام غایب به معنی پنهان از انظار همه نیست، بلکه پنهان از انظار بعضی‌ها زندگی ناشناخته‌ای دارد که در جمع هست اما جمع او را احساس نمی‌کنند و او را نمی‌بینند و یا او را می‌بینند و نمی‌شناسند.

حال در این باب روایتی را خدمت شما مطرح می‌کنم. در یک جمله‌ای، دومین نایب خاص امام زمان علیه السلام این‌گونه توضیح داده است: «والله! ان صاحب هذا الأمر يحضر الفرائض كل سنة، فيرى الناس يعرفهم و يرونه و لا يعرفونه؛^۱ به خدا قسم صاحب الامر امام زمان علیه السلام در همه مراسم هر ساله (ظاهراً منظورش مراسم حج باشد) حضور پیدا می‌کند، او مردم را می‌بیند و مردم را می‌شناسد، اما مردم او را می‌بینند ولی او را نمی‌شناسند».

با توجه به این جمله، امام زمان علیه السلام در میان مردم حضور پیدا می‌کند، اما مردم او را نمی‌شناسند، منتها نه در جای معین و مشخص که در این باره حرف‌ها و احادیث و اخبار فراوانی وارد شده است.

حدیث دیگری از قول امام صادق علیه السلام است که می‌فرمایند: «إن للقائم غيبتين يرجع في إحداهما والأخرى لا يدري أين هو يشهد المواسم يرى الناس ولا يرونه»^۲.

این حدیث می‌گوید: امام زمان علیه السلام دو غیبت دارد؛ در یک غیبت بر می‌گردد. ظاهراً همان مسأله غیبت صغری است و در غیبت دیگر امام زمان علیه السلام را نمی‌بینند، او مردم را می‌بیند ولی مردم او را نمی‌بینند، در مراسم حضور پیدا می‌کند، اگر هم

۱. مهدی موعود، ص ۹۳۰.

۲. بحارالانوار: ۱۵۶/۵۲.

خداوند بخواهد قدرت دید مردم را می‌گیرد، به گونه‌ای که او در جمع باشد و او را نبینند. به هر ترتیب چیزی که می‌شود بیشتر به آن توجه کرد این است که امام زمان علیه السلام در میان مردم هست، در مراسم شرکت می‌کند. در نقاط مختلف می‌رود، به زندگی عموم خصوصاً شیعیان خودش اشراف دارد و هیچ چیز از نظرش پنهان نیست، اما در جایگاه‌های مقدّس و مشاهد مشرفه رفت و آمد زیادی می‌کند و در شهرهایی؛ مانند مکه، کربلا، نجف، سامرا و همه مکان‌های مقدّسی چون مسجد جمکران، مسجد سهله، مسجد کوفه توسط کسانی که لیاقت رؤیت او را داشته باشند، زیاد دیده می‌شود.

در کتاب غیبت نعمانی روایت دیگری هم که ابو حمزه ثمالی از قول امام صادق علیه السلام یا امام باقر علیه السلام نقل می‌کند، می‌گوید: امام زمان علیه السلام غیبتی دارد که ناگزیر است از این غیبت و زندگی سرّی و ناشناخته، و در جای معینی هم زندگی نمی‌کند. اما در پایان این حدیث این جمله است که: «مدینه جای خوبی است». از این حدیث می‌توان فهمید، جایی که آن حضرت بیشتر مواقع حضور پیدا می‌کند و یا به صورت ناشناخته زندگی می‌کند «مدینه طیبه» است؛ یعنی مدینه النبی صلی الله علیه و آله. بنابراین بر حسب اعتقادی که داریم، امام زمان علیه السلام را ناظر بر همه امور و مشرف بر همه مکان‌ها می‌دانیم و چیزی نمی‌تواند جلوی اطلاعات امام را بگیرد تا اطراف و اکناف عالم از زیر دید و اشراف اطلاعات و علم امام زمان علیه السلام مخفی بماند. ایشان در همه جا حضور دارند اما نه به معنای حضور مادی بلکه اشراف دارد و هر جایی هم که بخواهد حضور پیدا کند، محدودیتی ندارد و ما باید همه جا خودمان، اموالمان و رفتارمان را حفظ کرده و مجالس و معابر، مراسم مذهبی و محیط زندگی خودمان را به گونه‌ای بسازیم که این لیاقت را داشته باشیم تا وجود مقدّس امام زمان علیه السلام هم اگر حضور ناشناخته‌ای پیدا کرد ان شاء الله از رفتار و حالات و اخلاق و اعمال و وضعیت جامعه ما راضی باشد و قلب مقدّسش از همه ما خشنود گردد.

از جمله جاهایی که امام زمان علیه السلام حضور پیدا می‌کند و حضور دائمی دارد و مستمراً می‌رود، کربلای ابا عبدالله الحسین علیه السلام است و این طبیعی است. این یکی از

ظلم‌هایی است که دل امام زمان علیه السلام را داغدار کرده و همیشه انتظار دارد خداوند پرده از رخسارش برکشد تا این مظلومیت را از دنیا برطرف کند و همچنین مظلومیت جدّه سادات حضرت زهرا علیها السلام که مظلومه بزرگ تاریخ است.

امام زمان علیه السلام از جمله اقداماتی که پس از ظهورش انجام می‌دهد، گرفتن انتقام از دشمنان حضرت زهرا علیها السلام است. برای این که یکی از القابشان منتقم است و انتقام خون به ناحق ریخته حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام و انتقام مظلومیت حضرت زهرا علیها السلام را خواهد گرفت.

آیا هیچ مظلومی، مظلوم‌تر از صدیقه طاهره علیها السلام هست؟ با آن همه توصیه‌های خداوند در قرآن کریم به امت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ»؛ «ای پیامبر! بگو جز محبت نزدیکانم، اجری و مزیدی از شما نمی‌خواهم».

از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که نسبت به حرمت خاندانش توصیه اکید می‌فرمود چند روزی بیشتر نمی‌گذرد که درب خانه وحی و رسالت و خانه امامت و ولایت به آتش کشیده می‌شود و یگانه دختر رسول خدا و یادگار مصطفی به جرم دفاع از امامت و ولایت به شهادت می‌رسد و این امام زمان علیه السلام است که باید انتقام این مظلومه را بگیرد.

موضوع طول عمر امام زمان علیه السلام

در سلسله مباحث پیرامون وجود مقدس امام عصر - ارواحنا وارواح العالمین لتراب مقدمه الفدا - به موضوع طول عمر امام زمان علیه السلام اشاراتی خواهم داشت. اصل موضوع بسیار مهم است و باید بحث گسترده‌ای درباره آن انجام بگیرد، اما به دلیل محدودیت فرصت اشاراتی به این مطلب دارم.

پیشینه بحث طول عمر امام زمان علیه السلام

اولین نکته این‌که، بحث طول عمر امام زمان علیه السلام و طولانی شدن غیبت آن حضرت، بحثی است که در آغاز غیبت کبری امام زمان علیه السلام در جامعه مطرح بوده و علما به آن پرداخته‌اند. نشانه این مطلب، که این بحث، تاریخی است و از آغاز غیبت کبری مطرح بوده، نوشتن کتاب‌هایی است پیرامون این مطلب؛ از جمله کتاب «غیبت نعمانی» که توسط مرحوم شیخ مفید برای تبیین و توضیح و توجیه طولانی شدن عمر امام زمان علیه السلام نوشته شده است و اولین کتاب در این زمینه است. تقریباً در سن هشتاد و چند سالگی امام زمان علیه السلام این کتاب به رشته تحریر درآمد؛ یعنی وقتی که امام زمان علیه السلام هشتاد و چند ساله بودند، کتاب «غیبت نعمانی» نوشته شد که در آن راجع به طول عمر امام زمان علیه السلام بحث‌های مستدل شد.

بعد از نعمانی، مرحوم شیخ صدوق تقریباً حدود صد و شصت و چند سالگی عمر امام زمان علیه السلام کتاب «کمال الدین و تمام النعمة» خودش را درباره امام زمان علیه السلام به رشته تحریر درآورد و در آنجا راجع به طول عمر امام زمان علیه السلام بحث کرد.

یا کتاب «غیبت» مرحوم شیخ طوسی در حدود صد و نود سالگی امام زمان علیه السلام

نوشته شد و در آنجا مباحث مبسوط و مستدلی راجع به امکان طولانی بودن عمر امام زمان علیه السلام و قابل دفاع بودن آن را آورد.

این اقدامات بیانگر این است که در آغاز غیبت کبرای امام زمان علیه السلام هم سؤالات و اشکالاتی راجع به طول عمر امام که در پس غیبت است مطرح بوده و علما در این راه به استدلال و اثبات این قضیه پرداختند.

حالا در این فرصت کوتاه از سه جهت، بحث طول عمر امام زمان علیه السلام را مطرح می‌کنم که یک عمل کاملاً ممکن است و امر محالی نیست:

اول از نظر علمی، دوم از نظر تاریخی، سوم با تکیه بر اعتقادات دینی و قدرت الهی.

(۱) از نظر علمی؛

طول عمر بشر محدود به حدّ معینی نیست که بگوییم علم می‌گوید بشر به گونه‌ای است که مثلاً دویست سال بیشتر عمر نمی‌کند.

علم این حرف را نمی‌زند، بلکه در مسائل علمی راجع به طول عمر بشر بحث‌هایی می‌شود که معطوف به این معناست که مرگ انسان به دلیل حوادث یا نقص‌هایی است که در جهت تأمین نیازمندی‌های بدن ممکن است ایجاد شود و حیات پایان می‌پذیرد و مرگ آغاز می‌شود؛ یعنی اگر بشر بتواند از طریق علمی عوامل صحت و عافیت بدن و عوامل تخریب‌کننده صحت و سلامتی بدن را شناسایی نماید و دستور صحت را به کار ببرد، امکان این هست که بتواند هزار ساله و بیش از آن، عمر طولانی داشته باشد. دلیلش این است که می‌گویند در قرن شانزدهم، متوسط عمر انسان‌ها در اروپا ۲۱ سال بود در قرن هجدهم ۲۶ سال و در قرن نوزدهم ۳۶ سال و اوایل قرن بیستم، ۵۰ سال و الآن در اروپا میانگین عمر تقریباً هفتاد سال است. چرا؟ برای این که اطلاعات علمی درباره مسائل بهداشتی، صحت و تأمین نیازمندی‌ها و عوامل تخریب‌کننده سلامت جسم و روان بالا رفت.

وقتی قوانین بهداشتی تن و روان، اصول تغذیه و امور تأمین‌کننده راحتی‌های جسمی، روحی و روانی رعایت شود، طبعاً می‌توانند از عمر بیشتری برخوردار شوند.

یکی از دانشمندان اروپایی^۱ می‌گوید: همچنان که امروز بشر توانسته دیوار صوتی را بشکند، محدودیت عمر بشر هم مثل دیوار صوتی می‌ماند و قابل شکستن است و روزی این محدودیت برطرف می‌شود. یعنی بشر می‌تواند با بالا بردن سطح اطلاعات علمی خودش، دیوار محدودیت‌های عمر را بشکند و عمر طولانی داشته باشد. نه در حد پنجاه و شصت سال، بلکه می‌تواند عمر بسیار طولانی بکند.

باز یکی از دانشمندان انگلیسی در تحلیلی که انجام داده می‌گوید: دانشمندان با تحقیقات و بررسی‌های همه جانبه توانسته‌اند که عمر بعضی گیاهان و یا بعضی از حیوانات را تا نهمصد (۹۰۰) برابر افزایش دهند. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که همین کار را اگر روی انسان انجام بدهیم، می‌توان میانگین عمر که حالا هفتاد سال است را تا نهمصد (۹۰۰) برابر افزایش داد.

از نظر علم، طول عمر یک امر محالی نیست، پس علم هرگز نمی‌گوید یک انسان محال است دو هزار سال یا سه هزار سال عمر کند. این عمر از نظر علم، امر محالی نیست بلکه تحقیقات علمی نشان می‌دهد که این امر، امری ممکن است و می‌شود انسان با بالا بردن آگاهی‌های لازم خودش در زمینه‌های مختلف تأمین سلامت جسم و روان و شناسایی عوامل مختل‌کننده و فرسوده‌کننده بدن و روان، عمری طولانی داشته باشد.

عوامل مؤثر در طول عمر

حالا چه عواملی برای طول عمر مؤثر است، به چند عامل اشاره می‌کنیم:
عامل اول: از مهم‌ترین عواملی که باعث فرسودگی بدن انسان می‌شود مشکلات روحی و روانی است.

اگر ما بتوانیم آرامش روحی خودمان را تأمین کنیم طبیعی است که از فرسودگی جسم ما هم جلوگیری می‌شود، به این نشانی که شما الآن علما و دانشمندان به خصوص علمای دینی را در نظر بگیرید، مراجع عظام تقلید، چه آنهایی که در گذشته زندگی می‌کردند و به جوار رحمت حق رفتند یا آنهایی که الآن زندگی

۱. پرفسور هنری اسمیس.

می‌کنند که خداوند وجودشان را سلامت بدارد معمولاً سنشان بین ۹۰ تا ۱۰۰ سال پایین ۸۰ تا ۹۰ سال است و معمولاً عمر طولانی دارند و علتش این است که آنها از چیزهایی که معمولاً انسان را فرسوده می‌کند اجتناب می‌کنند، نگرانی روحی و روانی زیادی ندارند و آرامش روحی دارند، به ذکر و یاد خدا و با فهمیدن حقایق خودشان را آرام می‌کنند. در زمینه تغذیه و مسائل غریزی تعادل را رعایت می‌نمایند، در نتیجه عمرشان طولانی می‌شود.

عامل دوم: عامل دوم مسأله تغذیه است، تغذیه اگر سالم باشد و جامع، به اندازه باشد نه زیاد و نه کم، و از نظر محتویات و ترکیبات غذا، تأمین کننده نیاز بدن باشد طبعاً در تأمین سلامتی بدن مؤثر است. یکی از چیزهایی که در گذشته باعث مرگ و میر زیاد می‌شد و اکنون نیز در بعضی از جوامع همچنان وجود دارد، سوء تغذیه است. بی‌غذایی یا بدغذایی یا زیاده روی در غذا و عدم دسترسی به غذای سالم همه مؤثر است. اگر علم بتواند جامعیت غذا یعنی نیاز بدن و نظر غذایی بدن را شناسایی کند و حدش را مشخص و تنظیم نماید، یکی از راه‌های تأمین کننده سلامتی بدن و طول عمر است.

عامل سوم: عامل دیگر، محیط زندگی است. محیط می‌تواند در بردارنده مسائل بهداشت‌های مادی و روانی و مسائل مختلف آب و هوایی و موقعیت‌های اجتماعی باشد. اگر محیط زندگی انسان محیطی باشد که منطبق با موازین علمی و سلامتی بدن باشد، در تأمین سلامتی و در طول عمر بشر بسیار مؤثر است. مناطقی که انسان‌ها در گذشته زندگی می‌کردند، مناطقی بی‌لاقی و روستایی بوده، محیطی سالم از نظر روحی، روانی، آرامش، هوا و فضا لذا عمری طولانی‌تر نسبت به کسانی که در جاهای دیگر زندگی می‌کردند و از این امتیازات برخوردار نبودند، داشته‌اند. این‌ها نشانه‌های صحت این ادعاهاست.

عامل چهارم: شرایط کاری و نوع شغل هم می‌تواند عامل مؤثر در تأمین سلامتی باشد. البته مسائلی دیگر از قبیل ورزش و سایر امور هم بسیار مهم است. شناسایی عوامل تخریب کننده صحت بدن هم بسیار کارساز است.

آمار مرگ و میر را در میان نوزادان گذشته ملاحظه کنید که چقدر بالا بود. در گذشته معروف بود که اگر بچه اول می‌مرد به عنوان دلداری می‌گفتند روی بچه اول نباید حساب کرد، اما امروز در کشور ما آمار مرگ و میر نوزادان بسیار کم شده است و علم جلوی مرگ و میرهایی را که قرار نیست اتفاق بیفتد گرفت و از نظر علمی در این مورد مخالفتی نیست.

۲) از نظر تاریخی؛

کتاب‌های فراوانی در رابطه با اثبات امکان مسأله طول عمر و اثبات طولانی شدن عمر مقدس امام زمان علیه السلام به رشته تحریر درآمده است که معمرین را در طول تاریخ شناسایی کردند: افراد نهصد سال و هشتصد سال و بیش از آن را احصا نمودند. در تورات افراد زیادی را نشان دادند که عمرشان را هشتصد سال، نهصد سال، نهصد و اندی سال، ششصد سال ذکر کردند.

در قرآن کریم مدت رسالت و ابلاغ شریعت و تبلیغ حضرت نوح را ۹۵۰ سال ذکر فرموده است.

پس طول عمر امر محالی نیست و در تاریخ به مصادیق زیادی برخورد می‌کنیم که ۲۵۰۰ سال عمر داشتند.

بعضی از کتاب‌هایی که در ارتباط با معمرین نوشته شده، عمر بعضی از افراد از صد تا چهار هزار سال هم ذکر کردند که در دنیا زندگی کردند؛ بنابراین از نظر مصداق‌های خارجی امر محالی نیست که یک انسان بتواند چندین هزار سال در این دنیا زندگی کند و این در حالی است که امام زمان علیه السلام هنوز به هزار و پانصد سال هم عمرشان نرسیده است که خداوند ان شاء الله در ظهور مبارکش تعجیل فرماید.

۳) از نظر قدرت الهی و اعتقادات؛

آیا خداوند متعال می‌تواند یک انسان را تا هر مقدار که بخواهد زنده نگه دارد یا خیر؟ آیا طول عمر امام زمان علیه السلام امر محال ذاتی است؟ پس در برابر قدرت خدا کاملاً ممکن است. قدرت مطلقه خداوندی به امری که جزو محالات عقلی نیست

ممکن است تعلق بگیرد و می بینیم که خداوند در ارتباط با مسأله حیات و ممات به یکی از پیامبرانش این قدرت را داد که عصای چوبین را تبدیل به حیوان زنده نماید. حضرت موسی علیه السلام با تکیه بر قدرت الهی، عصایش را به اژدها تبدیل کرد. حضرت عیسی علیه السلام به اذن الهی، مرده را زنده می کرد. خدا به پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله این قدرت را داد که سنگریزه در دست او به حرف بیاید و خدا را تسبیح گوید. خدا می تواند عوامل تخریب کننده و علت مرگ و میر را از بین ببرد. حضرت ابراهیم علیه السلام را در آتش می اندازند اما آتش ابراهیم علیه السلام را نمی سوزاند: «قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ»^۱.

دشمنان حضرت عیسی علیه السلام خواستند او را به شهادت برسانند خداوند به قدرت خود شخصی را به شکل و قیافه او درآورد و حضرت عیسی علیه السلام را از چنگال آنها نجات داد و به آسمانها برد و همچنان زنده نگه داشته است.

خداوند در قرآن کریم می فرماید: «... وَمَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَبُوهُ وَلَكِنْ شُبِّهَ لَهُمْ وَإِنَّ الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِيهِ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ مَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِلَّا اتِّبَاعَ الظَّنِّ وَمَا قَتَلُوهُ يَقِينًا * بَل رَفَعَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ»^۲ «و گفتارشان که: «ما، مسیح عیسی بن مریم، پیامبر خدا را کشتیم!» در حالی که نه او را کشتند، و نه بر دار آویختند؛ لکن امر بر آنها مشتبه شد. و کسانی که در مورد (قتل) او اختلاف کردند، از آن در شک هستند و علم به آن ندارند و تنها از گمان پیروی می کنند؛ و قطعاً او را نکشتند بلکه خداوند او را به سوی خود بالا برد!».

و نیز درباره حضرت یونس علیه السلام قرآن کریم می فرماید: «فَلَوْلَا أَنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُسَبِّحِينَ * لَلَبِثَ فِي بَطْنِهِ إِلَىٰ يَوْمٍ يُبْعَثُونَ»^۳ یعنی اگر حضرت یونس در شکم ماهی تسبیح خدا نمی کرد و نمی گفت «أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ» خداوند می فرماید او را تا روز قیامت در شکم ماهی (زنده) نگاه می داشتیم، پس با قدرت خدا امکان زنده ماندن در شکم ماهی که همه چیز را هضم می کند امکان پذیر می شود.

۲. سوره نساء، آیه ۱۵۷.

۱. سوره انبیا، آیه ۶۹.

۳. سوره صافات، آیه ۱۴۳ و ۱۴۴.

بنابراین، خداوند درباره انبیای خود، اموری را که محال عادی بودند، محقق ساخته است. بر همین اساس درباره امام زمان علیه السلام نیز امر غیر عادی را عملی می‌سازد و با تعلق اراده مطلقه‌اش، وجود مقدس امام زمان علیه السلام را نگه می‌دارد تا وقتی که خودش بخواهد، پرده از رخسارش بردارد و چشمان مشتاقان را به جمالش روشن می‌نماید.

با توجه به راه‌های سه‌گانه مورد بحث، طول عمر امام زمان علیه السلام قابل قبول و کاملاً ممکن است؛ زیرا امام عصر علیه السلام از نظر علمی و برخوردارگی از دانش در زمینه‌های مختلف در بالاترین سطح قرار دارد و علم او متصل به علم الهی است و اگر قرار باشد با اطلاع از عوامل تأمین کننده سلامت و در امان بودن از عوامل کهولت و فرسودگی و آسیب پذیری از نعمت طول عمر برخوردار شود، امر محالی نخواهد بود. بنابراین از جهت علمی و از جهت دینی و از جهت مصادیق خارجی این یک امر کاملاً ممکن و از نظر ما امر یقینی و قطعی است و امیدوارم که خداوند به عنایات و لطف خودش و به دعای امام زمان علیه السلام چشمان همه ما را به زودی به جمال دل‌آرای امام زمان علیه السلام روشن بفرماید.

انتظار فرج، اعتقاد مشترک پیروان مکاتب

در ادامه بحث پیرامون وجود نازنین امام عصر علیه السلام به اختصار درباره انتظار بحث می‌کنیم. انتظار موعود جهانی و مصلح عالمی، عقیده عمومی و همگانی است و منحصر به پیروان مکتب تشیع نیست، بلکه همه مکاتب الهی و غیر الهی بر این باورند که پایان کار هستی به حاکمیت عدل و قسط منتهی خواهد شد. در این قسمت قبل از این که به بحث انتظار از دیدگاه تشیع پردازیم، نکاتی را پیرامون عقیده اقوام و ملل مختلف درباره منجی جهانی، عیناً از روزنامه جمهوری اسلامی نقل می‌کنیم.^۱

«السَّلَامُ عَلَى مَهْدِي الْأُمَّمِ وَجَامِعِ الْكَلِمِ» سلام بر مهدی علیه السلام که امت‌ها از او سخن گفته‌اند، هم او که همه افکار و اقوام را متحد می‌کند و زیر یک پرچم گرد می‌آورد. با مطالعه در فرهنگ و اعتقادات جوامع مختلف انسان به این نتیجه می‌رسیم که اعتقاد به وجود یک مصلح جهانی (فتوریسیم) در همه جوامع وجود داشته و اکثر ملل، این اصل را باور دارند که روزی، حامی ضعیفان خواهد آمد و داد آن‌ها را از ستمگران و گردن‌کشان خواهد گرفت. این باور نه تنها در پیروان ادیان آسمانی، بلکه در بین مردمی که پیرو آئین‌های سنتی و بومی هم هستند، مطرح می‌باشد و تنها فرقی که این اعتقادات و باورها با هم دارند، نام آن مصلح و موعود است.

مثلاً در آئین بودایی این مصلح دادگر «بودای پنجم» و در کتاب‌های هندوئیسم «فرخنده» و در اوستا، نام وی «سوشیانت» است. با توجه به این اعتقادات و باورها

۱. روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۸۰/۵/۲۵.

در بین امت‌های مختلف، فرازی از زیارت آن حضرت که در بالا آمده است، نمود پیدا می‌کند. به عبارت دیگر این مصلح بزرگ نه تنها به شیعه یا مسلمانان، بلکه به همه جهان و امت‌های مختلف با ایده‌ها و باورهای گوناگون تعلق دارد، هر چند که هر امتی او را با یک نام صدا می‌کند. بدیهی است با ظهور ایشان تمام اسامی مختلف و باورهای مختلف، همه در یک اسم و یک اعتقاد، متجلی خواهند شد.

بی‌مناسبت نیست مطلبی را در این زمینه در اختیار آن دسته از هموطنان و منتظرانی که در این رابطه خواهان اطلاعات بیشتری هستند قرار دهیم که این مطالب تحت عناوین زیر خواهد بود:

۱) انتظار برای آمدن یک مصلح و موعود در بین اقوام و امم

الف: اقوامی که فاقد دین رسمی می‌باشند.

ب: امت‌هایی که فاقد دین رسمی می‌باشند.

پ: امت‌هایی که پیرو ادیان آسمانی هستند.

۲) انتظار در قرآن مجید و احادیث قدسی

۳) انتظار در احادیث چهارده معصوم علیهم‌السلام

۱) انتظار برای یک مصلح و موعود در بین همه امت‌ها

الف: اقوامی که فاقد دین رسمی می‌باشند:

ملت‌هایی که فاقد هرگونه دین، مذهب و ایدئولوژی هستند؛ مانند: سرخ پوستان اطراف کشور مکزیک و مناطق دیگر آمریکا در این گروه به حساب آورده شده‌اند. طبق تحقیقات انجام شده در بین این اقوام، آن‌ها به وجود مصلحی که در آینده خواهد آمد اعتقاد راسخ دارند که در این رابطه استاد علی دوانی در صفحه ۱۷۳ مقدمه کتاب «مهدی موعود» که ترجمه جلد ۱۳ بحارالانوار می‌باشد، مطلب زیبایی را از کتاب «ظهور و علائم ظهور» نوشته هدایت و قائمیان بیان کرده که قسمتی از آن در اینجا نقل می‌گردد: قسمت اعظم متن‌های پهلوی هدایت درباره ظهور و علائم

ظهور است و اگر روی هم رفته به متون نظر کنیم باید بگوییم که تماماً جنبه مذهبی دارند.

ظهور و علائم ظهور موضوعی است که در همه مذاهب بزرگ جهان، واجد اهمیت خاصی است و در همه مذاهب مشترک است و آرزوی مشترک همه معتقدین به مذاهب بزرگ را تشکیل می‌دهد.

از این رو در همه قرون و اعصار، آرزوی یک مصلح بزرگ جهانی در دل‌های خداپرستان وجود داشته است و این آرزو تنها در میان پیروان مذاهب بزرگ؛ مانند زرتشتی، یهودی، مسیحی و مسلمان سابقه ندارد، بلکه آثار آن را در افسانه‌های یونان، در افسانه‌های میترا در ایران، در کتاب‌های قدیم چینیان، در عقاید هندویان، در بین جزایر اسکاندیناوی؛ حتی در میان مصریان قدیم و بومیان مکزیکی نظایر آن‌ها را نیز می‌توان یافت.

ب: امت‌هایی که پیرو ادیان غیر آسمانی هستند

۱. هندوئیسم

در آئین‌های هندوان و در کتاب‌های مذهبی آن‌ها، بشارت‌هایی در مورد دوره آخرالزمان و ظهور منجی و مصلح کل داده شده است که در اینجا از سه کتاب آن‌ها به نام‌های «مهاباراتا» «وشن جک» و «پورافه‌ها» اسم برده می‌شود.

در کتاب «وشن جک» به دوره آخرالزمان اشاره شده و این کتاب از مصلحی به نام «فرخنده» نام برده است که با آمدن او، بشریت در صلح و صفا خواهد زیست. یا در کتاب «پورانا» شرح مفصلی درباره دوره آخرالزمان یا عصر «کالی» داده است. در این کتاب نیز از مصلح بزرگ به نام دهمین «آواتارای ویشنو» یاد شده و منظور از کامی، یعنی دوره قبل از ظهور دهمین «آواتارای ویشنو» می‌باشد.

۲. بودائیزم

آئین بودا که در قسمت شرق آسیا پیروانی دارد و هم اکنون در اکثر کشورهای این منطقه از جمله ژاپن، کره، تایوان و... پیرو آن می‌باشند؛ این آئین نیز به آمدن یک مصلح بزرگ بشارت داده و از این مصلح بزرگ با نام «بودای پنجم» یاد کرده است.

ج: امت‌هایی که پیرو ادیان آسمانی هستند

۱. گروهی از دانشمندان اسلامی عقیده دارند، زرتشت پیامبری است که از طرف خداوند متعال برای راهنمایی انسان‌ها مبعوث شده است و یکی دیگر از افتخارات کشور عزیزمان ایران در این است که زرتشت، ایرانی بوده و در ارومیه به دنیا آمده است. کتب آن‌ها، کتاب اوستا - کتاب جاماسب نامه - کتاب زرتشت نامه - کتاب زند - کتاب داتشتان دینیک می‌باشد.

در این کتاب‌ها مصلح جهانی با نام «سوشیانت» عنوان گردیده و به طور کلی از سه «سوشیانت» نام برده شده که آخرین آن‌ها و در عین حال که مهم‌ترین آن‌ها نیز هست «سوشیانت پیروزگر» می‌باشد.

۲. آئین یهودی

در اکثر آثار دینی قوم یهود، اسفار تورات و دیگر کتاب‌های پیامبران بنی اسرائیل به مصلح جهانی و ظهور موعود اشاره شده و تعدادی از پیغمبران بنی اسرائیل به قوم خود دستور دادند که همواره منتظر این منجی عالم باشند که در ذیل نمونه‌هایی از این کتب خواهد آمد و در برخی از این کتاب‌ها در رابطه با بعثت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و واقعه غدیر خم، واقعه جانسوز کربلا، علائم آخرالزمان و رجعت، مطالب مبسوطی بیان گردیده است، از آن جمله: واقعه کربلا و ظهور حضرت مهدی علیه السلام در کتاب اشعیا.

در کتاب «اشعیا» آمده است: «ای فرزند حبیب من! به خاطر نرسانی که در این زحمت و مصیبت که به مصلحت‌های بسیار گرفته، من تو را فراموش کرده و خلاص نخواهم نمود. خواستم که به واسطه تو حجت‌ها را بر خلق تمام کنم و به این جهت تو را خلاص نکردم و چنان ندانی که تو را فراموش کردم، بلکه اگر مادر فراموش کند، من تو را فراموش نمی‌کنم. پس این است که من تو را با دست قدرت خود در آن شهر علم انداخته بودم با ده نفر دیگر از آن شهر علم به وجود آیند؛ دیوارها و حصارهای آن شهر خواهند بود، آنان که می‌خواهد نسل شما را منقطع کنند ممکن نیست که اراده خود را به اتمام رسانند، بلکه به نفاق و اعمال خود، گرفتار از دنیا خواهد رفت.»

و بعد از آن اخبار می فرماید: «از آن که اولاد آن حضرت زیاد شوند که زمین پرایشان تنگ شود، زمین متعلق به آن حضرت که از جور منافقین خراب و بیابان شد، آباد گرداند، دشمنان و قتله او را در دنیا نیز سخت عذاب خواهد فرمود».

در زیور حضرت داود علیه السلام آمده است: «شریران منقطع می شوند اما متوکلان به خدا، وارث زمین خواهند شد. خداوند روزهای صالحان را می داند و میراث ایشان ابدی خواهد بود. متبرکان خداوند، وارث زمین خواهند شد، اما ملعونان، منقطع خواهند شد، صدیقان، وارث زمین شده، ایداً در آن ساکن خواهند شد».

مطالب فوق که در زیور حضرت داود آمده است، عیناً در قرآن مجید نقل گردیده است: «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ»^۱.

باز در کتاب اشعیا آمده است: «گرگ و برّه با هم خواهند چرید و شیر مثل گاو، گاه خواهد خورد».

«گرگ با برّه سکونت خواهد داشت و پلنگ با بزغاله خواهد خوابید و گوساله و میش با هم طفل کوچک آنها را خواهند راند و گاو با خرس خواهد چرید و بیچه های آنها با هم خواهند خوابید».

اینک چند کتاب دیگر از کتاب های یهودیت و عهد عتیق که در آنها مطالبی درباره موعود آمده است برای طولانی تر شدن مطلب فقط نام برده می شود:
کتاب دانیال پیامبر - کتاب حکای پیامبر - کتاب صفینای پیامبر - کتاب حیقوق پیامبر.

۳. آئین مسیحیت

در کتاب های آئین مسیحیت نیز بشارت های زیادی، درباره موعود آخرالزمان رسیده است و آن هم به دو علت زیر می باشد:

۱ - نزدیک بودن زمان حضرت مسیح علیه السلام به زمان پیامبر آخرالزمان علیه السلام.

۱. سوره انبیا، آیه ۱۰۵.

۲ - در ایام ظهور حضرت ولی عصر علیه السلام حضرت عیسی علیه السلام نیز به زمین خواهند آمد. در کتاب‌های زیر بشارت‌ها و اشارت‌هایی در مورد آخرالزمان آمده است. که نام موعود «فراقلیط» بیان شده است:

انجیل متی - انجیل لوقا - انجیل مرقس - انجیل برنابا - مکاشفات یوحنا که به عنوان نمونه به یک مورد از انجیل متی اکتفا می‌گردد: «پس اگر شما را کسی گوید که اینک مسیح در اینجاست یا در آنجاست، باور ننمایید؛ زیرا که مسیحیان دروغین و پیغمبران کاذب بر خواهند خاست. پس هر گاه، شما را گویند که اینک در صحراست، بیرون نروید، یا آن‌که در خلوتخانه است، باور ننمایید؛ زیرا که چون برق که از مشرق بیرون می‌آید و تا مغرب ظاهر می‌گردد، آمدن فرزند انسان نیز چنین خواهد بود. در آن وقت علامت فرزند انسان بر فلک ظاهر خواهد شد و خواهند دید فرزند انسان را بر ابرهای آسمانی که با قدرت و جلال عظیم می‌آید. فرشته‌های خود را خواهند فرستاد، با صوت بلند برگزیدگانش را جمع خواهند نمود از اطراف اربعه از اقصای فلک یا به طرف دیگر».

د: انتظار موعود از نظر آئین اسلام

قسمت اول: مهدویت از نظر اهل سنت؛

اهل سنت به این مورد که حضرت مهدی علیه السلام فرزند بلا فصل امام عسکری علیه السلام و دوازدهمین امام شیعیان باشد اعتقاد ندارند، اما در این‌که آن حضرت از نسل پیامبر و از فرزندان حضرت زهرا علیها السلام است و زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد، شکی ندارند. نیز معتقدند که حضرت عیسی علیه السلام از آسمان نازل خواهد شد و در پشت سر آن حضرت نماز خواهد خواند، مردم در عصر ظهور آن حضرت در رفاه زندگی می‌کنند و عقیده دارند که امام مهدی، حسینی و از نسل اوست و خصلت‌های امام حسین علیه السلام در آن حضرت است. در این زمینه روایات متواتر زیادی در مآخذ اهل سنت، مثل کتب صحاح سته مسانید اهل سنت وارد شده است که به عنوان نمونه به گفته بعضی از بزرگان آن‌ها اشاره می‌کنم.

(۱) حافظ شافعی متوفای ۶۵۸ هجری قمری

در کتاب فتح الباری که در شرح صحیح بخاری نوشته است، می‌گوید: «تواتر الاخبار بأن المهدی من هذه الأمة و ان عیسی علیه السلام سینزل و یصلی خلفه»^۱ یعنی در اخبار متواتر آمده است که حضرت مهدی علیه السلام از میان امت اسلامی است و حضرت عیسی علیه السلام به زودی از آسمان نازل خواهد شد و در پشت سر حضرت مهدی علیه السلام نماز خواهد خواند.

(۲) حافظ ابو عبدالله گنجی شافعی متوفای ۶۵۸ هجری قمری در کتاب «البیان» می‌گوید: «تواتر الاخبار و استغاثت بکثرة رواها عن المصطفی فی امر مهدی علیه السلام»^۲ اخبار پی در پی و فراوان از محمد مصطفی صلی الله علیه و آله درباره حضرت مهدی علیه السلام نقل شده است.

قسمت دوم: مهدویت از دیدگاه شیعیان؛

اما از نظر ما پیروان مکتب تشیع، بحث انتظار موعود الهی یک امر بسیار مهم، مقدس و قطعی است. قبل از این که به آیات و روایات پیرامون این موضوع پردازیم، این مقدمه را ضروری می‌دانم که بعضی از واژه‌های عقیدتی است که اگر مفهوم صحیح آن روشن نشود، چه بسا در عقیده جنبه تخریبی پیدا کند و موجب انحراف در دین گردد؛ واژه‌هایی مانند شفاعت، تقیه، صبر که اگر به مفهوم واقعی آن پی نبریم نه تنها اثر مثبت ندارد، بلکه به عنوان یک انحراف در عقیده باعث تخریب اعتقادات هم خواهد شد.

یکی از این واژه‌ها واژه انتظار است. درباره انتظار می‌توان دو مفهوم قائل شد؛ یکی مفهوم منفی و دیگری مفهوم مثبت و صحیح است. مفهوم منفی انتظار در میان بعضی از پیروان عقیده به ظهور حضرت مهدی علیه السلام این گونه است که معتقدند چون پایان کار عالم به وسیله مصلح جهانی و الهی است، ما به عنوان منتظران آن مصلح

۱. منتخب الاثر، ص ۳۵.

۲. در این مورد به کتاب منتخب الاثر حضرت آیت الله صافی گلپایگانی (ص ۳۵ و ۳۶) و نیز کتاب «آخرین تحول با حکومت ولی عصر» آقای سید مهدی خلخالی مراجعه فرمایید.

و آن رهبر عدل الهی هستیم و خود هیچ رسالتی در اصلاح جامعه نداریم، بنابراین نابسامانی‌های اجتماعی، دینی، اخلاقی و اعتقادی و امور جهان را باید به انتظار بنشینیم تا آن مصلح الهی بیاید و به سامان برساند و ما فقط باید مواظب شخص خودمان باشیم، اما مواظب شخصیت و رفتار جامعه و اصلاح اوضاع اجتماعی بودن کار ما نیست و از حدود اختیارات ما خارج است. و باید به انتظار روزی بنشینیم که با همه گیر شدن فساد در جامعه، خداوند مصلح عالم، امام زمان ع را برساند و فساد عالم را به دست او از بین ببرد و قسط و عدل را حاکم کند. بر اساس مفاهیمی که به غلط از بعضی از روایات مثلاً: «يَمْلَأُ اللَّهُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا بَعْدَ مَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَجَوْرًا» گرفته‌اند، می‌گویند: اگر ما با ظلم و فساد و جور مبارزه کنیم چه بسا باعث به تأخیر افتادن ظهور حضرت حجت ع باشیم، بلکه ما نباید کاری به این کارها داشته باشیم اصلاً از حدود اختیارات ما خارج است، همه چیزها را خدا به عهده او گذاشته است. طبیعی است که چنین مفهومی نمی‌تواند مفهوم واقعی انتظار باشد و از مذهب و دین مرفقی اسلام چنین مفهومی بر نمی‌آید.

حال قبل از این که مفهوم صحیح انتظار را شرح دهیم، باید راجع به اهمیت انتظار از دیدگاه قرآن و روایات توجه کنیم تا بتوانیم مفهوم صحیح انتظار را بفهمیم. طبعاً آن مفهوم منفی و نادرستی که از بحث انتظار برداشت می‌کنند یک مفهوم عقیدتی و صحیح نیست. منتظر بودن به معنای دست روی گذاشتن و فقط به خود پرداختن و به دیگری و جامعه توجهی نداشتن و دست به اقدام نزدن نیست، بلکه این مفهوم، ناهجا و ناصواب است. اگر این چنین باشد بحث انتظاری که در قرآن و روایات آن همه بر آن تأکید می‌کند، معنی واقعی پیدا نمی‌کند. حداقل در هشت سوره از قرآن کریم آیاتی راجع به مسأله انتظار آمده است که به عنوان نمونه در دو جای قرآن کریم مشابه هم یعنی عین یکدیگر آمده است: «فانتظروا انی معکم من المنتظرین»^۱ «منتظر باشید همانا من هم با شما از منتظران هستم».

آیات دیگری هم با همین مفهوم و معنا هست که مفسرین بزرگ شیعه از معانی آن، انتظار و منتظر فرج امام زمان علیه السلام بودن را می‌دانند. خوب انتظاری که خدا به ما دستور می‌دهد که منتظر باشید و من هم با شما منتظر آن هستم، نمی‌تواند به معنی دست روی دست گذاشتن و همه کار را به عهده مصلح الهی گذاشتن و با فساد و تباهی کاری نداشتن و با مفسد و ظالم برخورد نکردن باشد، بلکه باید معنی و مفهوم مترقی تری داشته باشد. درباره روایاتی که در این زمینه هست به دلیل محدودیت فرصت فقط به یکی دو تا از آن‌ها اشاره می‌کنم. در روایتی از امیرالمؤمنین علیه السلام آمده است: «انتظروا الفرج ولا تياسوا من روح الله، فإن أحب الأعمال إلى الله - عزوجل - انتظار الفرج من الله»^۱ منتظر فرج و گشایش باشید و از روح الهی و آرامشی که خداوند در جامعه بشری باید ایجاد بکند و از رحمت پروردگار که می‌خواهد به وسیله آن فرجی که خودش تصمیم دارد ایجاد کند هرگز ناامید نباشید؛ زیرا بهترین عمل در پیشگاه الهی انتظار فرج از خدا خواستن است».

بهترین عمل، منتظر فرج و گشایش الهی بودن است؛ بهترین عمل، نه بهترین کناره‌گیری از عمل و سکوت و سکون در آرامش و گوشه‌ای نشستن. حدیث دیگری از امام زین العابدین علیه السلام است به فردی به نام ابا خالد که می‌فرماید: «یا اباخالد! إن أهل زمان غیبه، القائلون بإمامته، المنتظرون لظهوره أفضل أهل كل زمان»^۲ ای اباخالد! اهل آن دورانی که امام زمان در پس پرده غیبت است و معتقد به امامتش و منتظر ظهور آن حضرت باشند بهترین آدم‌های هر روزگارند».

اگر ما فرض کنیم آدم گوشه‌نشین و دست روی دست گذاشته‌ای که کاری به کار فساد و تباهی جامعه نداشته، کار به ظالم و ظلم و ستمگران و مظلوم و مظلومیت و عدل و ظلم نداشته، بلکه گوشه‌ای نشسته و می‌گوید ما همه چیز را به عهده امام زمان علیه السلام می‌گذاریم، او بیاید اصلاح کند، آیا همین مقدار اعتقادش می‌تواند این فرد را، یا این مجموعه افراد را به عنوان بهترین شخص یا اشخاص دوران و اهل زمانه به

۱. بحارالانوار: ۹۴/۱۰.

۲. بحارالانوار: ۱۲۲/۵۲.

حساب آورد؟ قطعاً چنین تفکری، نمی تواند منطقی باشد. در روایت دیگری هست که می فرماید: شأن و منزلت انسان هایی که منتظر ظهور امام زمان هستند، به منزله آن هایی هستند که شمشیر به دست گرفته و در کنار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله جهاد می کنند. آیا این گروه یا افرادی که با گوشه نشینی در یک جایی که هیچ مسئولیتی را نمی پذیرند و همه را به عهده دیگری می گذارند، می تواند در یک مرتبه باشند؟

یا در حدیث دیگری هست که منتظرین «بمنزلة من استشهد مع رسول الله» شأن و منزلت و شرف و مقام منتظر ظهور امام زمان، به اندازه آن کسی است که در کنار رسول خدا صلی الله علیه و آله و در نبرد با دشمنان دین، شربت شهادت نوشیده باشد. پس معلوم می شود مفهوم انتظار، آن مفهوم منفی که توضیح دادیم نیست بلکه باید مفهوم مثبت و مترقی داشته باشد.

وظیفه منتظر در جهت اصلاحات

با توجه به مفاهیمی که راجع به ارزش و اهمیت انتظار از آیات و روایات به اختصار بیان داشتیم، مفهوم مثبت انتظار که ما معتقد هستیم این است که انسان در عصر غیبت امام زمان علیه السلام باید در دو جهت تلاش کند:

جهت اول: در اصلاح شخص خویش

جهت دوم: در اصلاح جامعه خویش

اولاً: وی منتظر کسی است که خواهد آمد و آخرین رهبر منصوب از جانب خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله است و رسالت او برداشتن فساد و تباهی و مبارزه با مفسدان و ظالمان و اجرای حاکمیت حق و عدل و پیاده کردن دستورات و احکام الهی و مذهب نبوی است. او اسلام را «کما هو حقه» به مردم می فهماند و اجرا می کند و مردم را در آن جهت تربیت می نماید و به راه می برد. یک چنین شخصیتی باید ظهور کند و انسان منتظر، منتظر ظهور این شخصیت، چشم به راه حکومتی است که این شخصیت الهی باید آن را پیاده کند. پس اگر کسی به انتظار چنین شخصیت الهی باشد، آن هم با چنان اهداف بلند الهی، طبعاً باید خودش را در حال انتظار و با اهدافی که آن رهبر

منتظر دارد، تطبیق دهد. خودش را به گونه‌ای بسازد که اگر امامش ظهور کرد او را به عنوان سرباز خودش بپذیرد، به عنوان یار و یاور خودش قبول کند. اما اگر در جهت عکس اهداف الهی او گام بردارد، طبیعی است که هنگام ظهور، آن حضرت را قبول نکرده و آن حضرت هم او را نپذیرد. مگر این‌که به گونه‌ای تربیت شود که اهداف امام زمان با این تربیت و اخلاق و رفتار و اعتقادات و منش و شخصیت او سازگار باشد. پس انتظار یعنی خود را در آن جهتی که اهداف امام زمان علیه السلام است تربیت نماید و خودش را آماده کند.

ثانیاً: در جهت اصلاح جامعه هم اقدام نماید و دیگران را در همان جهتی که از اهداف بلند حکومت امام زمان است، تشویق نماید و در جهت رفع فساد و تباهی جامعه و اصلاح آن و محیط خانوادهاش تلاش کند.

رسالت فرد منتظر، سازندگی خود و جامعه است. آن برداشت غلطی که پیروان مفهوم منفی انتظار دارند مبنی بر این‌که شرط آمدن امام زمان پر شدن جامعه از ظلم و فساد است، به گونه‌ای که هیچ آثاری از عدل و داد و طرفداری از حق وجود نداشته باشد، صحیح نبوده و به این معنی نیست که در موقع ظهور آن حضرت هیچ انسان خوبی در دنیا یافت نشود و هیچ جامعه خوبی وجود نداشته باشد و یا هیچ مجموعه و جریان اصلاح طلبی پیدا نشود.

مرحوم شیخ صدوق از قول امام صادق علیه السلام نقل می‌کند: معنای این‌که دنیا پر از ظلم و جور می‌شود تا امام بیاید و عالم را پر از عدل و داد کند، این است که در آن زمان طرفداران حق از نظر پیروی از حق به حد اعلای خودشان و طرفداران باطل هم به حد اعلای بطلان و فساد خودشان می‌رسند، نه این‌که اصلاً جریان حق طلبی در دنیا وجود نداشته باشد. اتفاقاً روایاتی داریم که زمینه سازان حکومت عدل امام زمان علیه السلام پیدا می‌شوند، بلکه جریان‌های حق طلب مبارزاتی را پیش می‌گیرند، مبارزاتشان هم به پیروزی می‌رسد، حکومتی درست می‌کنند که زمینه و مقدمه حکومت امام زمان علیه السلام می‌شود. بنابراین مفاهیمی؛ از قبیل پر از ظلم و جور شدن به معنای این‌که اصلاً آدم خوب پیدا نشود و یا هیچ جامعه خوبی پیدا نشود نیست،

بلکه منتظر واقعی باید در صدد باشد خود و خانواده و جامعه‌اش را در آن جهت اصلاح و تربیت صحیح انسانی تشویق و ترغیب نماید، چنین فردی را می‌توان منتظر واقعی دانست.

نحوه ظهور و اقدامات اولیه

حال دو حدیث در باب نحوه ظهور و اقدامات اولیه آن حضرت مطرح می‌کنم تا بیانگر وضعیت یاران امام و سربازان در خدمت آن حضرت باشد. این حدیث شریف از قول امام باقر علیه السلام است که می‌فرماید: «امام زمان علیه السلام وقتی می‌آید با سیره پیامبران می‌آید؛ یعنی امام زمان علیه السلام از هر پیامبر، یک نمونه و نشانه‌ای را در خود دارد، نشانه الهی که مورد نظر بحث ماست از رسول خدا صلی الله علیه و آله است: «وَأَمَّا مِنْ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَالْقِيَامُ بِسِيرَتِهِ وَتَبْيِينُ آثَارِهِ، ثُمَّ يَضَعُ سَيْفَهُ عَلَى عَاتِقِهِ ثَمَانِيَةَ أَشْهُرٍ وَلَا يَزَالُ يَقْتُلُ أَعْدَاءَ اللَّهِ حَتَّى يَرْضَى اللَّهُ. قُلْتُ: وَكَيْفَ يَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ - عَزَّوَجَلَّ - قَدْ رَضِيَ؟ قَالَ: يَلْقَى اللَّهَ - عَزَّوَجَلَّ - فِي قَلْبِهِ الرَّحْمَةَ»^۱ امام زمان علیه السلام با سیره و روش رسول خدا قیام می‌کند یعنی آن طور که پیغمبر بود او نیز همان‌گونه است، آنچه حضرت رسول اکرم می‌خواست او می‌خواهد و آنچه را که رسول خدا انجام می‌داد، اجرای حدود و حقوقی که وجهه همت آن حضرت بود، برای امام زمان نیز مطرح و مهم است.

او می‌خواهد آثار رسول خدا را برای مردم تبیین کند؛ یعنی اسلام ناب را «بما أنزل الله» همه را برای مردم تشریح و تفسیر کند. سپس شمشیر را حمایل کرده، تا هشت ماه جهاد می‌کند، البته این به این معنا نیست که وقتی امام زمان ظهور کرد همان ساعات اول شمشیر را بگیرد و همه مخالفان را نابود کند. وقتی که آمد طبیعی است که به همه دشمنان اعلام عفو بدهد. یوسف زهرا علیها السلام نیز همانند یوسف علیه السلام که وقتی برادرانش او را شناختند، با این که آن همه ستم به او کردند اما در عین حال فرمودند: خداوند شما را بیامرزد: «قَالَ لَا تَثْرِيْبَ عَلَيْكُمْ الْيَوْمَ يَغْفِرُ اللَّهُ لَكُمْ وَهُوَ

أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ»^۱ «(یوسف) گفت: «امروز ملامت و توبیخی بر شما نیست! خداوند شما را می‌بخشد؛ و او مهربان‌ترین مهربانان است.» امام زمان علیه السلام نیز چنین خواهد کرد. پس از عفو عمومی، احکام دین و حقیقت اسلام را تبیین و تشریح می‌فرماید تا همه طالبان حق و مشتاقان حقیقت هدایت شوند. اما جریان‌هایی که در پذیرش اسلام و هدایت، لجاجت و عناد ورزند و با امام زمان علیه السلام به مخالفت پردازند، جریان‌های باطلی که در جاهای مختلف در برابر حق و خدا ایستادگی می‌کنند و همچنان که در طول غیبت صغری و کبری لجاجت می‌کردند، لجاجتشان را ادامه بدهند، امام زمان علیه السلام با آن‌ها مبارزه خواهد کرد، شمشیر را حمایل و در راه خدا، جهاد و مبارزه می‌کند. حال این شمشیر چیست؟ آیا واقعاً همان شمشیر ذوالفقار هست؟ آیا همان شمشیر آهنی و عادی است؟ یا با ابزار دیگر می‌جنگند؟ این شمشیر به عنوان سمبل جهاد و قیام و مبارزه است که در دستش می‌گیرد و با قدرت الهی همه سلاح‌ها را از کار می‌اندازد و او با همان شمشیر مبارزه می‌کند؟

این بحث جداگانه‌ای است که ان شاء الله بعداً در این باره صحبت می‌کنیم. بالاخره امام زمان علیه السلام قیام مسلحانه می‌کند. می‌فرماید که تا هشت ماه می‌جنگد: وَلَا يَزَالُ يَقْتُلُ أَعْدَاءَ اللَّهِ حَتَّىٰ يَرْضَىٰ اللَّهُ، مقاتله می‌کند و بی‌وقفه دشمنان خدا را به قتل می‌رساند، آن‌هایی که منطق را نپذیرفتند، می‌کشد تا خدا راضی شود. راوی می‌گوید: از امام باقر علیه السلام پرسیدم که او چگونه می‌فهمد که خدا راضی شده تا دست از کشتارشان بردارد؟

فرمود: خداوند در دل او محبت و رأفتی ایجاد می‌کند که البته مخالفین اصلی از میان خواهند رفت، آن وقت است که حکومت عدل الهی را پیاده می‌کند. حالا سؤال این است، آدمی که دست روی دست گذاشته و کاری به کار ظالم و مظلوم ندارد و همه چیز را به عهده دیگری می‌گذارد، آیا چنین شخصی را می‌توان منتظر واقعی دانست؟

با عنایت به توضیحات فوق طبعاً نمی‌تواند مفهوم درستی باشد، مفهوم درست این است که انسان مجاهد فی سبیل الله، به تعبیر بنیانگذار پرافتخار جمهوری اسلامی ایران، حضرت امام خمینی علیه السلام مملکت امام زمانی همه‌اش باید بسیجی باشد. یعنی آموزش رزمی و عزم جدی برای اجرای فرمان الهی و عمل به دستورات خدا دارند. این جامعه، جامعه منتظر است و این چنین مردمی، منتظران ظهورند و این مجموعه، مجموعه‌ای است که انتظار امام زمان علیه السلام را دارد که از جهات مختلف خود را برای پذیرفتن امام زمان علیه السلام آماده می‌سازد.

در روایات داریم که اگر کسی این‌گونه تلاش بکند و انتظارش این‌گونه باشد، اگر توفیق درک ظهور امام زمان علیه السلام را در عصر حیات خودش پیدا نکرد و امام زمان پس از فوت او ظهور نماید، به قدرت خدا زنده می‌گردد و جزو سربازان امام زمان خواهد شد؛ بنابراین با عنایت به این دو مفهوم که یکی مفهوم ناصحیح و دیگری مفهوم درست است، ان شاء الله با درک درست از مفهوم مترقی انتظار بتوانیم در عصر غیبت، خودمان را لایق ملاقات و سربازی وجود مقدس امام زمان علیه السلام بنماییم. ان شاء الله

مشکل دینداری و وظیفه دینداران در عصر غیبت امام زمان عج

یکی از مباحثی که باید مورد توجه قرار گیرد مشکلات دینداری در عصر غیبت امام زمان عج است. غیبت امام زمان عج باعث می شود که راه دست اندازی به دین و تزییع حقوق متدینین هموار شود.

«اللَّهُمَّ إِنَّا نَشْكُو إِلَيْكَ فَقَدْ نَبَّيْنَا صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَغَيْبَةَ وَلِيِّنَا وَكَثْرَةَ عَدُوِّنَا، وَقِلَّةَ عَدَدِنَا؛ يَا هَاهَا! مَا بِهِ تَوَشَّكُوا مِنَّا فِي عَصْرِ فَقْدَانِ حُضُورِ رَسُولِنَا وَغَيْبَتِ وَلِيِّنَا؛ يَا هَاهَا! مَا بِهِ تَوَشَّكُوا مِنَّا فِي عَصْرِ فَقْدَانِ حُضُورِ رَسُولِنَا وَغَيْبَتِ وَلِيِّنَا»^۱

این فراز از دعا که در مفاتیح الجنان مرحوم محدث قمی رحمته الله است در حقیقت تبعات عصر غیبت را مطرح می کند.

از روایات هم بر می آید که دینداری در عصر غیبت سخت تر است لذا اجر دینداران این عصر هم از سایر عصرها بیشتر است.

امام زین العابدین عج فرمود: «من ثبت على ولايتنا في غيبة قائمنا أعطاه الله أجر ألف شهيد مثل شهداء بدر وأحد؛^۲ کسی که در عصر غیبت قائم ما بر ولایت و اعتقاد به امامت ما ثابت قدم بماند اجر هزار شهید از شهدای بدر واحد را دارد».

در روایت دیگری رسول خدا صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام می فرماید: «يا علي واعلم أن أعجب الناس إيماناً وأعظمهم يقيناً قوم يکونون في آخر الزمان لم يلحقوا النبي وحب عنهم الحجة فآمنوا بسواد وبياض؛^۳ ای علی! بدان که شگفت آورترین مردم از نظر ایمان و بالاترین مرتبه یقین مردمی هستند که در دوره آخر الزمان می آیند که با پیامبر ملاقات نداشتند

۱. بحار الانوار: ۱۲۵/۵۲.

۲. همان.

و حجت خدا، و امام هم از آن‌ها مخفی است اما به وسیله سیاه و سفید (اخبار و نوشته‌ها) ایمانی محکم دارند».

روزی رسول خدا ﷺ فرمود: «یا لیتنی قد لقیتم إخوانی. فقال له أبوبکر وعمر: أولسنا إخوانک، آمنّا بک وهاجرنا معک؟ قال: قد آمنتم وهاجرتم ویا لیتنی قد لقیتم إخوانی. فأعاد القول، فقال رسول الله ﷺ: أنتم أصحابی ولكن إخوانی الذین یأتون من بعدکم، یؤمنون بی ویحبّونی وینصرونی ویصدّقونی وما رأونی، فیا لیتنی قد لقیتم إخوانی!»^۱ روزی رسول خدا ﷺ فرمود: ای کاش! یا برادرانم ملاقات می‌کردم. ابوبکر و عمر گفتند: آیا ما که به شما ایمان آوردیم و با شما مهاجرت کردیم برادران شما نیستیم؟

رسول خدا ﷺ فرمود: آری شما ایمان آوردید، مهاجرت کردید اما ای کاش با برادرانم ملاقات می‌داشتیم. ابوبکر و عمر باز جمله قبل را تکرار کردند. حضرت فرمود: شما اصحاب من هستید اما برادران من آن‌هایی هستند که بعد از من می‌آیند با این‌که مرا ندیدند اما به من ایمان می‌آورند و مرا دوست دارند و مرا یاری می‌کنند و تأیید می‌کنند در حالی که من را ندیده‌اند. ای کاش! با آن‌ها ملاقات می‌کردم».

این احادیث دلالت بر سخت بودن دینداری در عصر غیبت می‌کند که بهترین عمل و مشکل‌ترین آن است؛ زیرا دین سازان و دین‌بازان و دین‌ستیزان با شیوه‌های مختلف بر سر راه دین داران می‌آیند تا آن‌ها را از راه حق دور سازند.

طولانی شدن غیبت حضرت مهدی ﷺ و ادعای کاذب مدعیان دروغین مهدویت، موجب شد که بسیاری از مؤمنین ساده‌اندیش یا ضعیف‌الایمان به دام شیطانی این مدعیان دروغین گرفتار شوند، لذا مقاومت کردن در برابر این جریان ضد دینی کاری سخت و دشوار است.

امام صادق ﷺ فرمود: «إن لصاحب هذا الأمر غيبة، المتمسک فیها بدینه كالخارط لشوک القتاد بیده - ثم أوما أبو عبد الله ﷺ بیده هكذا - قال: فأیکم تمسک شوک القتاد بیده. ثم أظرق ملیاً ثم قال: إن لصاحب هذا الأمر غيبة، فلیتق الله عبد عند غیبتہ ولیتمسک بدینه»^۲ برای حضرت صاحب الامر ﷺ غیبتی است که دین‌داری در آن عصر مثل این است که

۱. بحار الانوار: ۱۳۲/۵۲.

۲. بحار الانوار: ۱۳۵/۵۲.

کسی با دست خود گیاه تیغ داری را بخواهد بکشد آن گاه با دست اشاره کرد و فرمود چه کسی از شما این گیاه تیغ دار را با دست می‌کشد؟ پس کمی سکوت کردند و ادامه دادند: همانا برای صاحب این امر (امام زمان علیه السلام) غیبتی است که باید برای نجات در این عصر تقوا داشته و به دین خدا متمسک شد.

آنچه که مؤمن را در این عصر در دینداری کمک می‌کند، میزان شناخت او نسبت به امامت و ولایت، شناخت دین خدا و نیز تمسک به تقوی، التزام به دین و تمسک به قرآن و پیروی از علمای دین و تبعیت از ولایت فقیه است. در رویدادها و حوادث باید به بزرگان و علما مراجعه کرد و از آنها پیروی نمود. امام زمان علیه السلام فرمودند: «وَأَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رِوَاةِ حَدِيثِنَا، فَإِنَّهُمْ حَجَّتِي عَلَيْكُمْ وَأَنَا حُجَّةُ اللَّهِ؛^۱ در حوادث و رویدادها باید به راویان احادیث و علمای دین مراجعه کنید؛ زیرا آنها حجت‌های من بر شما و من حجت خدا هستم».

نقش علما در عصر غیبت

امام صادق علیه السلام فرمود: «علماء شيعتنا يرابطون بالثغر الذي يلي ابليس وعفاريته، يمنعونهم عن الخروج على ضعفاء شيعتنا وعن ان يسلط ابليس وشيعته النواصب؛^۲ علمای شیعه ما مرزبانانی هستند در برابر شیطان و دار و دسته بدش که از یورش آنان بر شیعیان مستضعف و نیز از سلطه ابلیس و دنباله‌روهای ولایت ستیزش جلوگیری می‌کنند».

امام هادی علیه السلام فرمود: «لولا من يبقى بعد غيبة قائمكم علیه السلام عن العلماء الداعين إليه والدالين عليه والذابين عن دينه لحجة الله والمنقذين لضعفاء عباد الله من شباك ابليس ومردته ومن فحاخ النواصب لما بقي أحد إلا ارتد عن دين الله ولكنهم الذين يمسكون ازمة قلوب ضعفاء الشيعة كما يمسك صاحب السفينة سكانها، اولئك هم الأفضلون عند الله عز وجل؛^۳ اگر دوران غیبت قائم آل محمد علیهم السلام دانشمندانی نبودند که مردم را به سوی او

۲. وسایل الشیعه: ۱۰۱/۱۸.

۱. بحار الانوار: ۱۸۰/۵۳.

۳. احتجاج: ۵۰۲/۲؛ بحار الانوار: ۶/۵۲.

هدایت و راهنمایی کنند و با حجت‌های الهی از دینش دفاع نمایند و شیعیان ضعیف را از دام‌های شیطان و پیروانش رهایی دهند و از دام‌های ناصبی‌ها (دشمنان اهل بیت علیهم‌السلام) نجات بخشند، کسی در دین خدا پا برجا نمی‌ماند و همه مرتد می‌شدند، ولی آنان رهبری دل‌های شیعیان ضعیف را با قدرت در دست می‌گیرند و حفظ می‌کنند؛ چنان‌که ناخدای کشتی، سکان و فرمان کشتی را نگاه می‌دارد؛ بنابراین آنان نزد خدا والاترین انسان‌ها هستند».

بدین ترتیب، راه حفظ دین و سلوک در راه مستقیم، با شناخت دین از طریق علمای دینی و دین‌شناسان متخصص و پیروی از نظرات آنها و نزدیک شدن به آنها و تخلف نکردن از دستورات عملی و دینی آنان میسر است، در غیر این صورت، دزدان عقیده و راهزنان دینی، متدینین را از دین منحرف می‌سازند. راه دیگر برای حفظ دین و جلوگیری انحطاط، توسل و دعا و تمسک به اهل بیت علیهم‌السلام است. حضرت حجت علیه‌السلام خود دستور و سفارش فرمود که در عصر غیبت، دعای فرج که معروف به دعای غریق است را زیاد بخوانند و در خواندن آن مداومت نمایند که آن دعا این است: «إِلَهِي عَظُمَ الْبَلَاءُ وَبَرِحَ الْخَفَاءُ...».

وظایف شیعیان و نظارت ائمه بر اعمال آنان در عصر غیبت

بحثی که اکنون تقدیم حضور شما مشتاقان ظهور امام زمان عجل الله فرجه می‌کنیم، پیرامون وظایف شیعیان در زمان غیبت امام زمان عجل الله فرجه است.

از وظیفه‌های مهم ما آن است که همیشه موجبات خشنودی خاطر خطیر پیامبر خدا و ائمه هدی را فراهم کنیم و در این عصر هم درباره خشنودی امام زمان عجل الله فرجه تلاش کنیم. حقیقت امر این است که ما هر چه باشیم و هر گونه عمل کنیم عملکرد و اخلاق و رفتار ما برای ائمه مؤثر است، یعنی آن‌ها ناراحت یا خوشحال خواهند شد. این حدیث شریف را بارها شنیده‌اید که امام صادق عجل الله فرجه فرمودند: «کونوا لنا زیناً و لا تکونوا علینا شیناً؛ برای ما زینت باشید و برای ما باعث انفعال و سرشکستگی نباشید».

چگونه فرزند می‌تواند برای پدر و خانواده‌اش باعث زینت و افتخار و سربلندی شود و یا باعث انفعال و ناراحتی و سرشکستگی شود؟ شیعیان هم برای ائمه معصومین عجل الله فرجه این گونه‌اند. می‌توانند باعث زینت و افتخار و سربلندی و یا باعث انفعال و ناراحتی باشند. حدیثی از امام صادق عجل الله فرجه نقل شده که از آن می‌فهمیم عملکرد ما حتی در این عصر هم ممکن است موجب اذیت و آزار و یا خوشحالی وجود مقدس رسول خدا ص باشد. چون ما اعتقاد داریم که وجود مقدس رسول خدا و ائمه هدی عجل الله فرجه از نظر اشراف بر امور ما؛ در زمان حیات و پس از مرگشان تفاوتی ندارند. حدیثی از قول امام صادق عجل الله فرجه است که فرمودند: «اما لکم تسوون رسول الله؛ فقال رجل کیف نسوته؟ فقال عجل الله فرجه: اما تعلمون ان اعمالکم تعرض علیه

فاذا رأى فيها معصية سائته ذلك فلا تسووا رسول الله وسروه؛^۱ چرا شما با پیغمبر خدا بد می‌کنید؟ فردی پرسید: ما چطور به پیغمبر خدا بد می‌کنیم یا ناراحتش می‌نماییم؟ امام صادق فرمود: آیا نمی‌دانید که اعمال شما به محضر رسول خدا عرضه می‌شود؟ مگر نمی‌دانید که اگر عملی انجام دهید، به رسول خدا عرضه می‌کنند (که اَمّت تو، این کار را کرده است) اگر پیغمبر در اعمال شما معصیت و گناهی را ببیند، معصیت و گناه شما او را ناراحت می‌کند. پس به پیغمبر اکرم بدی نکنید ناراحتش نکنید بلکه خوشحالش کنید».

با توجه به مقدمه و حدیث فوق که مطرح شد، متوجه مسؤولیت سنگین خود خواهیم شد؛ یعنی اعمال و رفتار ما می‌تواند موجب ناراحتی و یا موجب سرور و خوشحالی پیامبر و ائمه معصومین علیهم‌السلام باشد. این عقیده ماست که بر حسب مفهوم آیه شریفه‌ای که ذکر خواهد شد اعمال مؤمنین را به پیغمبر خدا و ائمه هدی عرضه می‌کنند. حال، عرضه این اعمال به چه صورت است؟ آیا هر روز یا هر شب و یا هفته‌ای یک بار و یا هفته‌ای دوبار یا روزهای پنج‌شنبه عرضه می‌شود؟

آنچه مسلم است بر حسب آیه شریفه، عرضه اعمال ما به محضر مبارک پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ائمه معصومین علیهم‌السلام یک مسأله عقیدتی است که به آن پایبندیم. خداوند می‌فرماید: «وَقُلْ اَعْمَلُوا فَسَيَرَى اللهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ»؛^۲ «ای پیامبر بگو هر عملی انجام دهید به زودی اعمال شما را خدا و رسول خدا و مؤمنون می‌بینند».

بر حسب نقل احادیث، منظور از مؤمنون که در آیه شریفه هست، ائمه معصومین علیهم‌السلام هستند؛ یعنی قرآن کریم می‌فرماید که اعمال ما را به محضر الهی که اشراف دارد و به محضر رسول اکرم و ائمه هدی عرضه می‌کند بعد می‌فرماید: «وَسْتُرِدُّونَ إِلَى عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» به زودی در قیام قیامت، نتیجه اعمال خودتان را خواهید دید. پس اعمال ما هر چه باشد به محضر پیامبر اکرم و امامان معصوم علیهم‌السلام از جمله در محضر امام زمان علیه‌السلام عرضه خواهد شد. طبق نقل مفسرین شیعه، منظور از مؤمنون، ائمه معصومین علیهم‌السلام هستند. شخصی به

۱. سیمای آفتاب، ص ۳۸۷ به نقل از اصول کافی. ۲. سوره توبه، آیه ۱۰۵.

نام عبدالله بن ابان زیات می‌گوید: به محضر امام رضا علیه السلام شرفیاب شدم و از ایشان درخواست کردم برای من و خانواده‌ام دعا فرمایند امام رضا علیه السلام فرمودند: آیا خیال می‌کنی من برای شما دعا نمی‌کنم، بلکه برای خانواده شما دعا می‌کنم.

آن مرد گفت: چطور؟

امام فرمود: به خدا اعمال شما در هر روز و شب به من عرضه می‌شود. یعنی امام رضا علیه السلام که امام هستند، اعمال شیعیان به محضرشان عرضه می‌شود. امام می‌خواهد به او بفهماند وقتی من بینم اعمال شما وفق دستورات مکتب امامت و ولایت است و گناه و معصیت نیست دعایتان می‌کنم. ابان می‌گوید که این نکته بر من دشوار شد و پذیرفتنش بر من سنگین بود که چگونه می‌شود اعمال همه شیعیان را روز و شب به محضر امام عرضه کنند، امام رضا متوجه برداشت و فهم من شد. به من فرمود: ای ابان! مگر تو قرآن نمی‌خوانی، چرا باور این موضوع برایت سخت است مگر این آیه را نخواندی که خداوند فرموده: ﴿وَقُلِ اعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ﴾.

گفتم: آری خوانده‌ام. امام فرمود: به خدا قسم منظور از مؤمنون، علی بن ابیطالب ائمه معصومین علیهم السلام هستند. بنابراین بر اساس نقل این روایت، اعمال همه مؤمنین شیعیان به محضر امام عرضه می‌شود.

در این صورت، اگر اعمال ما اطاعت و عبادت خدا، دوری از گناه و معصیت، تقوا پرهیزگاری مطابق دستورات ائمه معصومین علیهم السلام باشد امام زمان علیه السلام خوشحال‌اند. آیا غیر از این است که ما دلمان می‌خواهد قلب مقدس آن حضرت از راضی و خوشحال باشد؟ این همه زجر و بلا و شکنجه که در دنیا علیه مؤمنین مسلمین و مظلومین روا می‌دارند همه داغی است بر قلب نازنین امام زمان علیه السلام.

اگر ما شیعیان قلب امام زمان را در این عصر مظلومیت امامت و ولایت، شاد کنیم کاری از این بهتر و خدای ناخواسته اگر امام عصر را با گناه و معصیت و اخلاق شتیمان ناراحت کنیم، چه ظلمی از این بدتر؟

توقیع امام زمان علیه السلام

خود امام زمان در توقیعی که برای شیخ مفید - اعلی الله مقامه الشریف - که از برجسته ترین شخصیت های شیعی است مطالبی را در این زمینه اظهار می فرمایند که طولانی است و ما فقط جمله مورد نظر خود را ذکر می کنیم: «فإننا نحیط علماً بانبائکم ولا یغرب عننا شی من اخبارکم»؛^۱ همانا، ما امامان به خبرهای شما احاطه علمی داریم. چیزی از اخبار پیرامون شما برای ما پوشیده نیست و بر همه کارها آگاهی داریم.

در این بیان امام زمان علیه السلام به شیخ مفید - اعلی الله مقامه الشریف - تصریح می فرماید که ما نسبت به اعمال و رفتار و اخبار شما، احاطه علمی و اشراف داریم که نه زمان جلوی آگاهی و اشراف ائمه را می گیرد و نه مکان معینی، اگر نقطه دوزی هم باشند، فاصله فیزیکی و طبیعی و زمانی نمی تواند جلوی علم و اطلاعات ائمه نسبت به شیعیانشان را بگیرد. چون علم آنها متصل به علم خداست. هنگامی که خداوند اراده فرماید که ائمه معصومین علیهم السلام نسبت به شیعیانشان اشراف داشته باشند این اراده تحقق پیدا می کند.

حکایت

مردی از اهالی کوفه و از پیروان امام صادق علیه السلام به خراسان عزیمت نمود و مردم خراسان را به امامت ایشان دعوت کرد، مردم به سه گروه تقسیم شدند: گروه اول امامت امام صادق علیه السلام را پذیرفتند، گروه دوم امامت آن حضرت را انکار کردند و نپذیرفتند و گروه سوم رعایت احتیاط پیشه کرده، نفیاً و اثباتاً اظهار نظر نکردند. سرانجام قرار شد از هر گروه یک نفر به نمایندگی خدمت امام صادق علیه السلام برسند و این امر را تحقیق نمایند، در نتیجه با همدیگر به سمت مدینه حرکت کردند. در بین راه نماینده گروه به اصطلاح محتاط، به کنیزی که به همراه یکی دیگر از افراد گروه بود طمع کرده و در تاریکی شب به خواست غیر مشروع خود رسید و دامن آلوده کرد.

چون خدمت امام صادق علیه السلام رسیدند، همان شخص سخن آغاز کرد و ماجرای دعوت مرد کوفی و سه گروه شدن مردم منطقه خود را توضیح داد و گفت: من هم جزو گروه سوم و اهل احتیاط هستم.

امام صادق علیه السلام فرمود: پس چرا در فلان شب احتیاط کاری ندانستی و دامن آلوده کردی! بنابراین شاهد تاریخی، امامان معصوم به لطف و عنایت الهی از همه رفتار مردم می‌توانند باخبر باشند.

برادر و خواهر من! هر کسی باشی و در هر کجا و در هر حالت و وضعیتی باشیم باید بدانیم که اعمال ما به محضر پاک امام زمان علیه السلام عرضه می‌شود، اگر اعمال ما مطابق شرع و شریعت و خواسته امام زمان باشد خوشحال می‌شوند و اگر بر عکس، گناه و معصیت باشد امام ناراحت می‌شوند.

پس ما وظیفه داریم، اخلاق و رفتار و اعمال و اعتقادات و عباداتمان را به گونه‌ای تنظیم نماییم که امام زمان علیه السلام از ما راضی باشند. همان‌گونه که ابان به امام رضا علیه السلام گفت برای ما دعا کند.

اگر اعمال ما مطابق دستورات خداوند باشد و آلوده به گناه و معصیت نباشد، امام زمان علیه السلام در حق ما دعا می‌کند و چه بهتر از دعای امام زمان علیه السلام که دعای آن حضرت مستجاب است.

خداوند فرموده: «أَدْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ»^۲ وقتی امام زمان علیه السلام در حق مؤمنین دعا کند، خداوند اجابت می‌کند، پس باید به گونه‌ای عمل کنیم تا خود را مشمول ادعیه زاکیه امام زمان علیه السلام نماییم و از گناه و معصیت و بی‌تقوایی دوری نموده تا ان شاء الله از ما راضی و خشنود گردد.

۱. ملاقات در صاریا به نقل از بصائر الدرجات جزء پنجم باب یازدهم و دوازدهم.

۲. سوره غافر، آیه ۶۰.

برخی از وظایف شیعیان در قبال امام زمان علیه السلام در عصر غیبت

در قسمت قبل درباره وظایف شیعیان از نظر رعایت موازین و دستورات الهی و تبعیت از رسول خدا و ائمه هدی و عرضه اعمال مطالبی را تقدیم نمودیم. در این قسمت نیز نکاتی راجع به وظیفه شیعیان در قبال شخص امام عصر علیه السلام مطرح می‌نماییم.

شکرگزاری از خداوند

در درجه اول شکرگزاری از خدا که ما را به نعمت وجود امام زمان متنعم فرمود که به برکت وجود امام زمان دنیا و آخرتمان ان شاء الله تأمین خواهد شد.

در برابر چنین نعمتی که خداوند نصیب ما فرمود شکر نعمت ضروری است.

اما وظیفه‌ای که در قبال خود امام زمان داریم عطوفت متقابل است؛ یعنی همان‌گونه که امام زمان علیه السلام در مقابل شیعیان عطوفت و مهربانی و دلسوزی و شفقت و علاقه دارد، ما هم بایستی در قبال وجود مقدس امام زمان دارای عشق و عطوفت و علاقه باشیم. قرآن کریم درباره پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ»^۱ یعنی برای شما از بین خودتان پیغمبری آمد که این پیغمبر آنچه برای شما سختی و دشواری و مشکلات است برای او نیز سخت است، وقتی دشواری‌های شما را ببیند برای او هم مشکل است، درست مثل پدر که وقتی ببیند فرزندانش دچار مشکلند رنج می‌برد، پیغمبر هم این‌گونه است.

«حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ» نسبت به خوشبختی و سعادت و نیک‌بختی و ایمان و هدایت

مؤمنین شدیداً حرص دارد، دلش می خواهد همه ایمان بیاورند و ایمانشان کامل باشد همچنان که پدر و مادر علاقمند به هدایت و کمال و ترقی فرزندانسان هستند. **«بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ»**؛ رسول خدا به مؤمنین، رحمت و رأفت دارد.

این آیه در شأن پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله است ولی در حدیثی که قبلاً مطرح شد، رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «اشبه الناس خلقاً و خلقاً بی» یعنی حضرت مهدی علیه السلام شبیه ترین آدم ها از نظر خلقت و اخلاق به پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله است، پس همان رحمت و رأفت و علاقه و محبتی که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله به امت خودش دارد، امام زمان علیه السلام هم به شیعیان خویش دارد. لذا ما هم وظیفه داریم که متقابلاً به محضر نورانی امام زمان علیه السلام عرض ارادت کنیم و اخلاص داشته باشیم و همیشه دلمان به یاد امام زمان باشد.

او هیچ زمانی از یاد ما غافل نیست، پس ما هم همیشه باید به یاد او باشیم. قلبی که به یاد امام زمان باشد، این قلب به نورانیت وجود مقدس امام زمان نورانی خواهد شد، قلبی که جایگاه یاد امام زمان باشد قطعاً جایگاه یاد خداست و شیطان در این قلب رخنه نمی کند. این اولین وظیفه است که نسبت به امام زمان علیه السلام دارای رأفت و عطوفت و مهربانی و عشق و علاقه باشیم و قلب ما از یاد امام زمان خالی نباشد و دائماً به یاد امام زمان باشیم.

درخواست از خداوند برای شناخت امام عصر علیه السلام

در ابتدای بحث درباره امام زمان علیه السلام اهمیت شناخت امام را مطرح کردیم از جمله وظایف ما در عصر غیبت این است که از خدا درخواست کنیم که معرفت امام زمان را برای ما فراهم کند که در کتب معتبر، دعاهای زیادی در این زمینه است، دعاهای معروفی که همیشه به خصوص بعد از هر نماز واجب و مستحب تأکید به خواندن آن شده است؛ از جمله دعایی که مرحوم سید بن طاووس در کتاب شریف «جمال الاسبوع» آورده است و آن دعای معروف **«اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي نَفْسَكَ»** تا آخرین جمله ای که در این فراز اول دارد: **«اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي حُجَّتَكَ، فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ»**

دینی»^۱ یعنی خدایا! امام زمان ما را که حجت توست به ما بشناسان که اگر ما او را نشناسیم در دین خود گمراه می شویم. بنابراین وظیفه دیگر ما در قبال امام زمان این است که از خدا بخواهیم او را به ما بشناساند.

(البته منظور از شمارش وظایف بدین معنا نیست که همین مقدار هست، چون در بعضی از کتب معتبر قدیمی تا هشتاد وظیفه در قبال امام زمان برای مؤمنین ذکر کرده است لذا در اینجا بعضی از وظایف را تقدیم محضر شما می کنیم).

دعا برای سلامتی امام زمان علیه السلام

یکی از وظایف ما این است که باید همیشه برای سلامتی وجود مقدس امام زمان علیه السلام دعا کنیم که خداوند وجود عزیزش را از همه بلیات محفوظ بدارد و وجود مقدسش را سالم نگه دارد. در ارتباط با درخواست سلامتی برای وجود مقدس امام زمان، دعاهای متعددی وجود دارد؛ از جمله همین دعای معروفی که در کتاب شریف مفاتیح الجنان مرحوم محدث قمی آمده است که بحمدالله پس از پیروزی انقلاب اسلامی عموم مردم حتی نوجوانان و جوانان هم همیشه ورد زبانشان هست: «اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيكَ الْخُجَّةَ بْنِ الْحَسَنِ صَلَواتِكَ عَلَيْهِ وَعَلَى آبَائِهِ، فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ، وَلِيًّا وَحَافِظًا، وَقَائِدًا وَنَاصِرًا، وَدَلِيلًا وَعَيْنًا، حَتَّى تُسَكِّنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا، وَتُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا».

این از جمله دعاهایی است که باید برای سلامتی وجود مقدس امام زمان علیه السلام در عصر غیبت بخوانیم.

دعا برای تعجیل در فرج امام زمان علیه السلام

از جمله وظایفی که به عهده ما شیعیان و منتظران امام زمان علیه السلام است این است که برای فرج و تعجیل در فرج امام زمان دعا کنیم که در روایات متعدد راجع به این امر

۱. جمال الاسبوع و مفاتیح الجنان.

تأکید شده. در کتاب شریف بحارالانوار از قول امام صادق علیه السلام آمده است، حضرت فرمودند:

لكل اناس دولة يرغبونها ودولتنا آخر الدهر يظهر^۱

یعنی هر کسی طرفدار یک دولت و حکومتی است که در دلش از خدا آرزوی آن دولت را می‌کند، دولت ما اهل بیت در آخرالزمان است، یعنی ما خواستار ظهور دولت اهل بیت هستیم، این بیان امام صادق علیه السلام است. پس شیعه امام زمان علیه السلام چون خواستار حاکمیت اهل بیت علیهم السلام است، آن هم به امامت امام زمان، باید همیشه برای تحقق این دولت دعا کند. در حدیث دیگر از قول امام زمان علیه السلام آمده: «واكثروا الدعاء بتعجيل الفرج فان ذلك فرجكم»^۲ «زیاد درباره فرج امام زمان دعا کنید که همین فرج و گشایش برای شماست».

در حدیث دیگری باز می‌فرماید: «وتوقع امر صاحبك ليلك ونهارك»^۳ یعنی آرزو کن از خدا صاحبیت یعنی امام زمان را که از پس پرده غیبت در بیاورد. در صبح و شامت، در روز و شب، ظهور امام زمان علیه السلام را از خدا تقاضا کن. این‌ها احادیثی است که از کتب شیعه نقل شده که به عنوان یک وظیفه، شیعه و منتظر امام زمان، هر روزه تعجیل فرج آن حضرت را درخواست کند. در بعضی از روایات آمده که خود امام زمان هم از شیعیان خودش این درخواست را می‌کند که شما تعجیل فرج را از خدا درخواست نمایید.

ندبه و زرای به خاطر غیبت امام عصر

یکی دیگر از وظایف منتظر، ندبه و گریه و زاری برای غیبت امام زمان است، برای این جهت که ما دسترسی به وجود مقدّسش نداریم چون این بزرگ‌ترین مصیبت است. همان طوری که در دعای شریف ندبه آمده است: «عزيز عليّ أن أرى

۲. بحارالانوار: ۹۲/۵۲.

۱. بحارالانوار: ۱۴۳/۵۱.

۳. مکیال المکارم، ص ۱۵۷.

الخلق ولا تری»^۱ چه چیزی از این بدتر، چه مصیبتی از این بالاتر که همه چیز را می‌بینیم اما آن عزیز همه دل‌های مؤمنین و حجت خدا را نمی‌بینیم. این فقدان و این عدم درک وجود مقدّس، به عنوان بزرگ‌ترین مصیبت است و برای این مصیبت باید ندبه و زاری کرد.

معروف‌ترین متونی که تحت عنوان ندبه برای امام زمان آمده، همان دعای شریف ندبه است که هر روز صبح جمعه معمولاً مؤمنین در خواندنش مداومت دارند. مطالب بسیار مهمی دارد که در قالب همین ندبه و زاری و آه و ناله به درگاه خداوند عرضه می‌شود و ان شاء الله خداوند به وسیله همین ناله‌هایی که مؤمنین دارند به غیبت امام زمان پایان بدهد و نیز در دعای هر شب ماه مبارک رمضان هم به صورت ندبه است که **اللَّهُمَّ إِنَّا نَشْكُو إِلَيْكَ فَقَدْ نَبَّيْنَا صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَغَيْبَةَ وَّلِينَا وَكَثْرَةَ عَدُوِّنَا، وَقِلَّةَ عَدَدِنَا، وَشِدَّةَ الْفِتَنِ بِنَا، وَتَظَاهَرَ الزَّمَانِ عَلَيْنَا؛**^۲ بار الها! ما به تو شکوا می‌کنیم در این عصر از فقدان حضور پیامبرمان و غیبت ولی و امام زمانمان و زیادی دشمن و کمی دوستانمان ...».

این‌ها همه ندبه است در طول تاریخ، شیعه این ندبه را داشت یعنی این هم جزو وظایف ما شیعیان بوده و هست.

خواندن زیارتنامه امام عصر

از جمله وظایف ما زیارت خواندن و زیارت کردن امام زمان است. اگر ما او را نمی‌بینیم، او ما را می‌بیند، لذا باید هر وقتی که این حال به ما دست داد وجود مقدّس را زیارت کنیم. به صورت زیارتنامه مأثورهای که در کتب معتبر وارد شده و از جمله بعد از نماز واجب صبح، زیارت مخصوص امام زمان است؛ به خصوص زیارت جامعه کبیره را که خود امام زمان در دیدار مرحوم حاج علی بغدادی به او تأکید فرمودند که نماز شب بخوانید «نافله، نافله، نافله» بعد فرمودند که زیارت جامعه بخوانید «جامعه، جامعه، جامعه» بعد فرمودند که زیارت عاشورا بخوانید

۱. مفاتیح الجنان.

۲. پایان دعای افتتاح مفاتیح الجنان.

«عاشورا، عاشورا عاشورا» که داستان رؤیت و ملاقات حاج علی بغدادی در کتاب مفاتیح الجنان آمده است، لذا از جمله دعاهایی که به عنوان زیارت امام زمان هم محسوب می شود همین زیارت جامعه کبیره است که از امام هادی علیه السلام است.

دادن هدایا و صدقات به نام امام زمان علیه السلام

دادن هدیه و صدقه به نام امام زمان نیز دیگر وظیفه ماست؛ یعنی هر وقتی می خواهیم صدقه بدهیم، برای سلامتی وجود امام زمان و به نیت امام زمان صدقه بدهیم. هر وقت می خواهیم به کسی هدیه ای بدهیم به نام امام زمان بدهیم این جزو وظایف است.

در قرآن کریم آیه شریفه «وَإِذَا حُيِّتُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا أَوْ رُدُّوهَا» می فرماید: اگر کسی به تو تحیتی کرده، سلامی گفته و خدمتی به تو کرده، تو وقتی می خواهی جواب بدهی، جواب بهتری بده یا مثل همان تحیت را به او برگردان. حال سؤال اینجاست، آیا امام زمان این کار را انجام می دهد؟ قطعاً انجام می دهد. پس اگر ما به امام زمان علیه السلام با دادن هدیه تحیتی داشته باشیم آیا امام زمان تحیت ما را بهتر از آن یا مثل خودش را پس نمی دهد؟ لذا اگر بخواهیم هدیه امام زمان هم به ما تعلق بگیرد، یک راهش این است که ما برای او و به نام وجود مقدسش هدیه بدهیم و برای سلامتی وجود عزیزش صدقه بدهیم که این صدقه دادن قطعاً موجب این می شود که دعای امام زمان شامل حال ما گردد.

احترام به اماکنی که منتسب به امام زمان علیه السلام

احترام به اماکنی که منتسب به امام زمان علیه السلام است نیز از جمله وظایف منتظران می باشد. به آن مکان ها برویم، زیارت مخصوص امام زمان را آنجا انجام بدهیم، اعمالی که در آنجا به نام امام زمان وارد شده، به جای آوریم، اماکنی مثل مسجد مقدس جمکران قم که خود تاریخچه و اعمالی مخصوص دارد. یا سرداب مخصوص

به نام امام زمان علیه السلام در کنار حرم مطهر عسکریین علیهم السلام در شهر سامرا و یا مسجد سهله در شهر کوفه که مقام و جایگاه امام زمان است. بنابراین هر کجا که مقامی برای امام زمان و منتسب به ایشان می باشد به آنجا برویم، اعمال آنجا را انجام دهیم و در آنجا با امام زمانمان راز و نیاز و درد دل کنیم.

آن مکان ها، جایگاه هایی هستند که امام زمان معمولاً به آن جاها می آیند. این یکی از وظایفی است که ان شاء الله این اماکن مقدسه را که نام بردم زیارت کنیم شاید خداوند زیارت امام زمان علیه السلام را نصیب همه ما بفرماید.

ادای احترام به هنگام شنیدن نام امام زمان علیه السلام

مورد دیگری که به عنوان وظیفه خدمت شما عرض می کنم احترام به امام زمان علیه السلام است به هنگام شنیدن نام مقدسش.

اسم مقدسش را بدون آداب بر زبان نیاوریم و با احترام ادا کنیم. با القاب و تحیّت نام مقدسش را ببریم. البته همان طور که قبلاً گفتم، در کتب شیعه، اسامی زیادی برای امام زمان ذکر شده است که ذکر بعضی از اسامی امام زمان هم برای خودش آداب و احترامی دارد، ضمن این که هر اسمی که از امام زمان برده می شود باید با تحیّت و سلام و صلوات توأم باشد. بعضی از اسامی هست که به همراه خود آدابی دارد؛ مانند همین اسم شریف «قائم» - عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى فِرْجَهُ وَ سَهْلُ اللَّهِ مَخْرَجَهُ - از جمله اسامی است که آدابی دارد و الحمد لله شما مؤدب به این ادب هستید و الآن با شنیدن نام مقدسش از جا برخاستید، این جزو آداب است و در روایات وارد شده است.

از قول ائمه ما به خصوص از امام رضا علیه السلام این حدیث وارد شده که در حضور امام رضا علیه السلام همین نام مقدّس (قائم) برده شد که امام رضا با کمال ادب، تمام قد ایستادند و دستشان را روی سرشان گذاشتند و فرمودند: «وَعَجَلُ فِرْجِهِ وَ سَهْلُ مَخْرَجِهِ». امام رضا علیه السلام با شنیدن این نام، هم از جا برخاست و هم دست را بر روی سر گذاشت و هم تعجیل در فرج امام زمان را از خدا خواست و هم آسان شدن کارها را برای امام زمان از خدا درخواست کرد.

حال نکته‌ای در این باره می‌گوییم؛ علت این که به هنگام بردن این نام از جا بر می‌خیزیم، به دو نکته اشاره می‌کنم: یکی این است که در روایات وارد شده که وقتی هر شیعه و دوستدار امام زمان این نام را ببرد و از جای برخیزد، امام زمان در هر جایی که باشند متوجه او می‌شوند و از او به خاطر این احترام، تشکر و قدردانی می‌نمایند. علت دوم، در حقیقت یک پیام و یک فرهنگ است. چون این اسم یعنی برپادارنده، قیام کننده، یعنی امامی که ما منتظر ظهور او هستیم تا قیام کند و دنیا را پر از عدل و داد فرماید. اکنون نام مقدسش را که شنیدیم اعلام آمادگی می‌کنیم که «ای امام زمان! تو بیا و ما حاضریم در رکاب تو قیام کنیم و جانمان را در رکاب تو تقدیم خدا کنیم. این هم یک پیام و فرهنگ است.

این پیام سازنده هم است، یعنی موجب می‌شود ما به قدری در مواظبت از اخلاق و رفتار و اعمال و ایمان خود کوشا باشیم که وقتی تشریف آوردند لیاقت سربازی او را داشته باشیم، ان شاء الله.

پس به اختصار و در این فرصت، چند وظیفه در قبال امام زمان علیه السلام مطرح کردم، بکشیم تا ان شاء الله گوشه‌ای از وظایفی که در قبال وجود مقدس ولی عصر داریم انجام بدهیم تا قلب عزیز و نورانی‌اش از ما راضی و خشنود گردد.

خداوندا! چشمان ما را به جمال دل‌آرای عزیز و حجت خودت، امام ما، به زودی زود روشن بفرما و جهان پر از ظلم و بیداد را به وجود مقدسش با عدل و داد الهی‌اش نورانی بگردان.

عنایت و لطف امام زمان علیه السلام نسبت به شیعیان

وجود مقدّس حضرت امام زمان مظهر صفات الهی است. خداوند متعال نسبت به همه مخلوقات خاصه به انسان، لطف و رحمت دارد. امام زمان علیه السلام نیز مظهر لطف خدا بر همه انسان‌هاست. وجود مقدّس امام زمان مظهر رحمانیت خداست؛ بنابراین لطف و رحمت امام زمان هم شامل عموم انسان‌ها می‌شود و هم شامل مؤمنین. از یک نظر وجود امام زمان علیه السلام برکات و خاصیتش به همه هستی بر می‌گردد و لطف برای همه است و به تعبیر خواجه نصیر طوسی «وجوده لطف و تصرفه لطف آخر و غیبه منّا». اما از جهت اظهار لطف و محبت امام زمان نسبت به مؤمنین و شیعیان، از آنجایی که امام زمان ولیّ امر مسلمین است، هیچ‌گاه ولی نباید از افراد تحت سرپرستی خود غافل باشد و در مشکلات آن‌ها بی‌تفاوت و بی‌توجه باشد. امام به منزله پدر است و پدر نسبت به فرزندان خود توجه دارد و به هنگام ضرورت، لطف و مرحمتش را شامل حال آن‌ها می‌گرداند. امام زمان از یک جهت لطفش عام است و شامل عامه جهان تشیع و عموم مؤمنین می‌گردد و در بعضی از موارد هم خاص است و شامل افرادی می‌شود که از نظر درجات علمی و ایمانی به مراتبی نایل شده باشند و آن لطف خاص است. نمونه‌هایی از این دو لطفی که امام زمان به عنوان مظهر لطف الهی اعمال می‌کند، مطرح می‌کنم.

در درجه اول این عقیده ماست که امام زمان، شیعیان خود را بی‌سرپرست نمی‌گذارد و به حال خود رها نمی‌کند و در سختی‌ها و شداید، آن‌ها را تنها نمی‌گذارد.

نامه‌ای از امام زمان علیه السلام

در نامه‌ای که وجود مقدسش به یکی از بزرگان دین «محمد بن محمد بن نعمان» معروف به «شیخ مفید اعلی الله مقامه» می‌دهد، این جمله را تصریح می‌کند: «انا غیر مهملین لمراعاتکم ولا ناسین لذکرکم ولولا ذلك لنزل بکم اللأواء واستظلمکم الاعداء»؛^۱ همانا ما شما را رها نمی‌کنیم، تنهایتان نمی‌گذاریم و هیچ وقت یاد شما را از خاطرمان نمی‌بریم که اگر چنین گردد (یعنی شما را از یاد ببریم و رها کنیم) همانا بلای سختی بر شما نازل خواهد شد و مشکلات فراوانی برای شما پدید خواهد آمد و دشمنان شما را بی‌چاره خواهند کرد. ما نمی‌گذاریم که شما به چنین وضعیتی بیفتید.

با چنین جملاتی که امام زمان در توفیق مبارکش به مرحوم شیخ مفید می‌دهد تصریح می‌فرماید که ما مواظب شما هستیم، و اگر مشکلی به وجود بیاید، کمکتان می‌کنیم. در مورد کمک امام زمان نسبت به عموم شیعیان که واقعاً از وجود مقدسش همه جهان تشیع بهره می‌برد، ما در طول تاریخ شواهد زیادی داریم که امام زمان به حال تشیع و به حال شیعیانش دعا می‌فرماید. هم برای مشکلات دنیا دغدغه خاطر دارند و هم برای مسائل آخرتشان نگرانی دارند.

نقل واقعه‌ای از سید بن طاووس

مرحوم علامه مجلسی و مرحوم علامه محدث نوری - اعلی الله مقامهما - از مرحوم سید بن طاووس نقل می‌کنند که گفته است: من در سرداب مقدس سامرا که منتسب به وجود مقدس امام زمان علیه السلام است مشغول توسل بودم، حالتی برای من پدید آمد و دیدم وجود مقدس حضرت صاحب الامر در حال راز و نیاز با خداوند بودند، با این جملات، امام زمان راز و نیاز می‌فرمود: «اللهم انّ شیعتنا خلقت من شعاع انوارنا ومن بقية طینتنا، قد فعلوا ذنوباً کثیراً اتکالاً علی حبنا وولایتنا، فإن کانت ذنوبهم بینک وبینهم فاصفح عنهم فقد رضینا وما کان منها فیما بینهم فاصلح بینهم وقاص بها عن

خمسنا وادخلهم الجنة وزحزهم عن النار ولا تجمع بينهم وبين اعدائنا في سخطك؛ «بار پروردگارا! شیعیان ما از انوار ما آفریده شدند و از بقیه طینت ما خلق شدند، به اتکای این که ولایت و محبت ما را در دل دارند گاهی مرتکب گناهان زیادی می‌شوند، اگر بین تو و آنان، گناهانی وجود دارد آن‌ها را ببخش، ما هم خشنود می‌شویم و اگر بین خودشان مشکل دارند و نگرانی و نارضایتی دارند بین آن‌ها صلح و صفا ایجاد کن، مشکلات مالی بین آن‌ها را از طریق خمس که حق ما هست، خودت تقاضشان را انجام بده، حقوقشان را ادا کن، شیعیان ما را به بهشت وارد فرما و آن‌ها را از جهنم باز دار و آن‌ها را با دشمنان ما در غضب خودت جمع و شریک نفرما».

مفهوم این دعا همه بیانگر این نکته است که امام زمان علیه السلام توجه و دل مشغولی و لطف نسبت به شیعیان خودش را دارد، هم برای مشکلات دنیا و هم برای مشکلات آخرتشان نگران است. این است که گاهی شیعیان در یک وضعیت بحرانی به سر می‌برند و حاکمیت مربوط به دشمنان و مخالفین ولایت گاهی برای آن‌ها فتنه‌هایی را تدارک می‌دیدند و امام زمان علیه السلام به کمک آن‌ها می‌آمدند.

حکایت انار

مرحوم مجلسی در کتاب شریف بحار الانوار نقل می‌کند: در زمانی که غربی‌ها و انگلیسی‌ها بر جزیره بحرین سلطه داشتند، حاکمی را در آنجا به کار گماردند که ناصبی و مخالف اهل بیت علیهم السلام بود. وزیری داشت که او هم در مخالفت با شیعیان و اهل بیت، شدت بیشتری به خرج می‌داد. روزی اناری را به نزد امیر و پادشاه بحرین آورد و به دست امیر داد، امیر نگاه کرد و دید روی این انار تازه و درشت، با خط طبیعی نوشته شده: «اشهد أن لا اله إلا الله واشهد أن محمداً رسول الله واشهد أن ابابکر وعمر وعثمان وعلي خليفة رسول الله»، امیر تعجب کرد، چون دید نوشته انار به صورت طبیعی حک شده است، پرسید: این چیست؟ گفت: دلیل بر حقانیت خلفا و باطل بودن تشیع است. حال شیعیان را احضار کن و بگو جواب این‌ها را بدهند، یا

باید جواب قانع کننده‌ای داشته باشند و یا باید مثل یهود و نصاری، جزیه بدهند و یا باید همه آن‌ها را بکشیم. امیر گفت: حجت بسیار قوی‌ای است. بزرگان شیعه بحرین را آورد و انار را به آنان نشان داد و گفت که این دال بر حقانیت اهل سنت و باطل بودن شما شیعیان است، یا جواب قانع کننده‌ای بدهید یا جزیه بدهید یا همه شما را از دم تیغ می‌گذرانم.

بزرگان شیعه بحرین دچار مشکل شدند، از یک طرف می‌دانند حق با آن‌هاست و از طرف دیگر اناری را نگاه می‌کنند که نمی‌توانند جوابی به آن بدهند. با هم رت کردند و گفتند مهلتی به ما بدهید تا بعد از سه روز ما جواب را برای شما وریم. به آن‌ها سه روز مهلت دادند. علما آمدند و خصیصین و شیعیان و زهاد عباد را جمع کردند و مشکل را با آن‌ها در میان گذاشتند. از بین آن‌ها ده نفر از بین‌ها را برگزیدند و از میان این ده نفر هم سه نفر را گزینش کردند. گفتند ما حب داریم، مولا داریم، امام زمان علیه السلام، رهبر و مولای ماست، باید مشکل را با او در میان بگذاریم، بروید خلوت کنید و به وجود مقدسش استغاثه کنید که کمکتان کند گرنه خون همه بی‌گناهان را خواهند ریخت.

این سه نفر هر کدام به نوبت، هر شب، از آبادی خارج شدند، در بیابان تضرع زاری به درگاه خداوند و استغاثه به وجود مقدس امام زمان کردند؛ نفر اول شب سوم شد و جوابی نگرفت، نفر دوم هم همین‌طور، نفر سوم شخصی به نام «محمد عیسی» شب را به استغاثه مشغول شد، ناگهان دید یک شخصی آمد رو به او کرد فرمود: محمد بن عیسی چه می‌خواهی، اینجا چه می‌کنی، مشکلت چیست؟ گفت: مشکل من مشکل مهمی است که جز با مولایم امام زمان علیه السلام در میان ندارم. گفت: بگو مشکلت را، شاید من همان کسی باشم که تو می‌خواهی. اگر تو همان کسی باشی که من می‌خواهم، مشکل مرا خبر داری و نیاز به گفتن نیست. فرمود: مشکل شما بحث انار است، اما حل مشکل شما این است که با علما پیش امیر برو و بگو جواب را در خانه وزیر به شما خواهیم گفت. می‌می که به خانه وزیر رفتید، غرفه‌ای در سمت راست شما هست، به آن غرفه

بروید در بالای طاقچه به گوشه‌ای نگاه کنید آنجا قالبی است، لکن متوجه باشید که قبل از شما وزیر جلوتر به آن غرفه نرود و او را تنها نگذارید. به آنجا که رفتید در یک بسته‌ای یک قالب گلی پیدا می‌کنید. زمانی که این انار کوچک بود این وزیر ناصبی و دشمن اهل بیت علیهم‌السلام در این قالب آن جملات را به صورت معکوس حک کرد و انار را در درون این قالب قرار داد. انار که بزرگ می‌شد این شهادت‌ها در آن حک شد، آن را بیاورید و به دست امیر بدهید و بگویید: جواب شما این است، این توطئه وزیر شماست که چنین کاری انجام داده است. حقیقت از آن تشیع است ضمناً ما یک معجزه دیگر هم برای شما بگوییم که این انار در داخلش جز خاکستر و دود و گاز چیز دیگری نیست، به دست وزیر بده تا باز کند، وقتی وزیر باز کرد همه آن به سر و روی وزیر خواهد ریخت. خدا به این وسیله نجاتتان خواهد داد.

محمد بن عیسی خوشحال شد، آمد و ماجرا را به تمام افراد و خصیصین دیگر گفت. به نزد امیر رفتند و در حضور وزیر در خانه وزیر، طبق دستور حضرت صاحب الامر علیه‌السلام عمل کردند و آن دشمن خدا و اهل بیت علیهم‌السلام رسوا شد و شیعیان نجات پیدا کردند و باعث هدایت آن امیر گمراه و باعث هلاکت آن وزیر روسیاه شد.^۱

این نمونه‌ای است از عنایت‌های امام زمان علیه‌السلام نسبت به جمع شیعیان که اگر برایشان مشکلی پیش بیاید، آن‌ها را به حال خودشان رها نمی‌کنند و مهمل و بی‌یاور نمی‌گذارند. نمونه‌های فراوانی وجود دارد؛ در تاریخ زندگی مرحوم علامه نائینی - اعلی الله مقامه الشریف - که از بزرگان اسلام و تشیع است و در عصر مشروطیت، جزو رهبران مشروطه بوده، او وقتی احساس می‌کند مردم ایران دچار مخمصه سختی شدند که دین و کشورشان در خطر است و سلطه دشمنان در حال زیاد شدن است^۲ استغاثه به وجود مقدس امام زمان می‌کند و در همان حالت بیداری، یک حال عرفانی برای او ایجاد می‌شود و می‌بیند امام زمان در کنار یک دیوار بلندی ایستاده‌اند و این دیوار هر قدر که بلندتر می‌شود کج‌تر می‌شود و در حال ویران شدن است.

۱. بحارالانوار: ۱۷۸/۵۲.

۲. متأسفانه با وضعیتی که در انقلاب مشروطه ایجاد شد و با بعضی ناآگاهی‌هایی که در جامعه و در بعضی از بزرگان مشروطه وجود داشت، به مظلومیت شیخ فضل الله نوری و به دار آویختن او منجر شد و مشکلات فراوانی بود.

ایشان با دست مبارکشان اشاره می‌کنند و به سمت مرحوم نائینی نگاه می‌کنند و می‌فرمایند: «این بنا و این دیوار، ایران است، ایران شیعه، خانه ماست. هر وقت بخواهد برایش مشکلی پیش بیاید ما با انگشتانمان آن را به سمت صلاح و سداد می‌آوریم.»

این نکته‌ای است که در زندگی مرحوم نائینی نوشته‌اند و یکی از حقایقی است که ما به آن باور داریم و بارها و بارها، این وضعیت دیده شده است مگر در انقلاب اسلامی بارها شاهد حمایت‌های امام زمان علیه السلام نبودیم؟ آیا اگر حمایت وجود مقدس آن حضرت نبود، ما می‌توانستیم بر رژیم ستم‌شاهی که تا دندان به انواع سلاح مسلح بود و استکبار جهانی و شرق و غرب برای بر پا نگه داشتن آن متفق بودند و برای سرکوب دشمنانش با هم متحد بودند و ایران را به عنوان یک جزیره امن تلقی می‌کردند، پیروز شویم؟ اما دیدیم که در فرصت بسیار کوتاهی، انقلاب اسلامی پیروز شد و حکومت شاه از بین رفت. آیا غیر از این است که عنایت و لطف امام زمان شامل حال امام عظیم الشان - اعلی الله مقامه - و این ملت شد؟ مشکلات عدیده‌ای که گروهک‌ها و جریان‌های وابسته به شرق و غرب بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایجاد کرده بودند، مسأله جنگ تحمیلی؛ همه این‌ها مشکلاتی بود که می‌توانست ایران و انقلاب اسلامی را از بین ببرد، اما دیده شد که امام زمان علیه السلام با حمایت خود انقلاب و جبهه و جنگ و در عملیات‌های مختلف، این کشور را مورد لطف و عنایت خودشان قرار داد. خودشان فرمودند، ایران شیعه، خانه ماست، بنابراین ما مستظهر به این عنایت و لطف الهی هستیم و نباید خودمان را تنها احساس کنیم و باید همیشه در فکر این باشیم که مولا و صاحبی داریم که در مشکلات یاری‌مان می‌کند. لکن ما باید خودمان را لایق این کمک و مساعدت و عنایت وجود مقدس امام زمان بکنیم تا او هم به ما لطف و مرحمتی داشته باشد. ان شاء الله خداوند وجود مقدسش را از جمیع بلیات مصون و محفوظ و جامعه و نظام و کشور ما را ورهبر و ملت ما را در پناه امام زمان علیه السلام موفق و پیروز بدارد.

عنایت خاصّ امام زمان علیه السلام نسبت به شیعیان

ادامه بحث گذشته درباره عنایت‌های خاص امام زمان علیه السلام نسبت به شیعیان است. ما معتقدیم که امام زمان علیه السلام در همه گرفتاری‌ها به شیعیان خودش یاری می‌رساند و آن‌ها را در گرفتاری‌ها تنها نمی‌گذارد، اما شیعیان هم وظیفه دارند مرتب با امام زمان علیه السلام در ارتباط و استغاثه باشند، بدانند که در مشکلات و گرفتاری‌ها، امام زمان علیه السلام به آن‌ها مدد می‌رساند. بر این حساب، در مشکلات از امام زمان علیه السلام و استغاثه به آن حضرت غافل نشوند.

البته، ادعیه مختلفی در این باره آمده که همگی استغاثه به امام زمان است که فرج و گشایش را به نام مقدّس امام زمان از خداوند در خواست کردن است. یکی از همین دعاها، دعای معروف فرج «إِلَهِي عَظْمَ الْبَلَاءِ وَبَرِيحَ الْخَفَاءِ...» است که از ادعیه معروف و مجرب است که مرحوم محدث قمی در مفاتیح الجنان می‌فرماید: این دعا به فردی که در زندان بود تعلیم داده شد که در زندان به این دعا و استغاثه به امام زمان علیه السلام مداومت کرد و رهایی پیدا کرد.

نکته‌ای دیگر که در همین مورد تأکید می‌کنم این که امام صادق علیه السلام فرموده است: از جمله بهترین اعمال در روز جمعه، صلوات بر پیغمبر صلی الله علیه و آله و درخواست فرج اهل بیت پیامبر را از خدا خواستن است. روزی که قیامت برپا شود، ایام هفته که پیشاپیش آن‌ها روز جمعه است، در جلوی بهشت صف می‌کشند و کسانی که در روز جمعه مداومت بر صلوات بر پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله داشته‌اند، از آن‌ها استقبال می‌کنند. راوی می‌گوید که من از امام صادق علیه السلام پرسیدم: به چه نحو باید صلوات بفرستیم؟

حضرت فرمودند: بعد از نماز عصر، صد بار به این ترتیب: «اللهم صلّ علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم».

حال شما برادران و خواهران، بعد از این که نماز جمعه و نماز عصر تمام شد، حتی در حال حرکت به سمت منزل خود، از این ذکر غافل نباشید که هم صلوات بر پیغمبر و آتش باشد و هم تعجیل فرج امام زمان علیه السلام و هم از ناحیه شمایی که در پایگاه نماز جمعه که محل اجتماع مشتاقان ظهور امام زمان است این ذکر را در مسیر بر لب داشته باشید که خداوند در قیامت شما را به عنوان اصحاب جمعه ان شاء الله محشور فرماید.

ما معتقدیم که بسیاری از افراد، از طریق استغاثه به امام زمان توانسته‌اند مشکلاتشان را حل کنند. بسیاری از گم شدگان، چه گمشده در عرصه مادی و چه گمشدگان عرصه معنوی و هدایت، با استغاثه به امام زمان هدایت شدند.

حکایت

در حالات شخصی که از علمای کوفه بود، به نام محمد کوفی که از بزرگان و از متنفذین میان علمای اسلام است و او همان کسی است که به واسطه و وسیله او، نامه امام زمان به مرحوم سید ابوالحسن اصفهانی - اعلی الله مقامه - ارسال شده است. گفته‌اند که این فرد می‌گوید: من بعد از سفر حج در بین راه گم شدم و در باتلاقی گرفتار شدم. در حالی که مرکبی که من بر آن سوار بودم - اسب یا شتر - در باتلاق گیر کرده بود و دیدم که در خطر قرار گرفتم و مشکلاتم جدی شد، همان جا از ته دل چند بار صدا زدم «یا ابا صالح المهدی ادرکنی» ناگهان دیدم یک سواری به سمت من می‌آید، جلو آمد، نزدیکی شتر و زیر گوش شتر چیزی را گفت که من فقط یک کلمه آن را شنیدم «الی بیته»، تعجب کردم، دیدم به محض این که این جمله را زیر گوشش خواند، بلافاصله از باتلاق بیرون آمد. گفتم: آقا شما چه کسی هستی؟ فرمود: شما از چه کسی کمک خواستی؟

می تازد، عرب پیش آمد و گفت: شیخ مفید فرمودند این خانم را این طور دفن نکنید، شکم او را بشکافید و فرزند او را زنده در بیاورید و خانم را دفن کنید. عرب رفت و همین کار را کردند و نوزاد را زنده در آوردند و مادرش را دفن کردند و نوزاد هم به زندگی اش ادامه داد. این خبر پخش شد که مرحوم شیخ مفید فتوایی داد و بعد پشیمان شد و بین راه کسی را فرستاد که فتوی را اصلاح کند. وقتی خبر به خود مرحوم شیخ مفید رسید، گفت: من فتوایم این بود که او را همین طور دفن کنید و مجدداً کسی را برای اصلاح فتوی نفرستادم. بعد خودش متوجه شد که آن سوار وجود مقدس حضرت مهدی علیه السلام بود و به این وسیله، اشتباه او را اصلاح کرده است. مرحوم شیخ مفید گفت: حال که من اشتباه به این مهمی را مرتکب شدم و وجود مقدس امام زمان آن را اصلاح کرد، من لیاقت فتوا دادن را ندارم و دیگر فتوی نمی دهم. در خانه را بست و تصمیم گرفت که اگر از او استفتا کردند، جوابشان را ندهد. امام زمان، توقیع و نامه مبارکی را برای ایشان فرستادند و فرمودند: وظیفه تو فتوی دادن است و وظیفه ما حفاظت از شماست، اگر اشتباهی کردید که این اشتباه به ضرر شما و مردم شود من جلوی این اشتباه را می گیرم و اصلاح می کنم، شما کار خود را بکن و ما هم کار خود را می کنیم.^۱

این ها عنایت های امام زمان علیه السلام است که از ابتدای امامتشان تاکنون نسبت به هم جهان تشیع و هم علما و هم مردم عادی مخلصی که نسبت به وجود مقدس ایشان خلوص دارند، بارها و بارها شده است.

این است که ما باید خود را آماده کنیم و خلوص و توجه داشته باشیم و خود را تنها و بی صاحب نبینیم و در رعایت اصول اخلاقی و مسائل دینی از خود مواظبت کنیم و هم ارتباط خود را با امام زمان تنگاتنگ کنیم و همیشه به یاد ایشان و به ذکر ایشان باشیم و در ارتباط و استغاثه معنوی و قلبی با حضرتش باشیم، قطعاً او هم ما و خانواده، جامعه و کشور ما را مورد عنایت ویژه خودشان قرار خواهند داد.

امکان ملاقات با امام زمان علیه السلام

موضوعی که در این قسمت راجع به آن بحث می‌کنیم این است که آیا در زمان غیبت کبری، امکان ملاقات با امام زمان علیه السلام برای ما وجود دارد یا خیر؟ آنچه را که در گذشته در بخش مربوط به محل زندگی امام زمان با تکیه بر احادیث و اخبار مطرح کردم این بود که امام زمان در میان مردم زندگی می‌کند و در همین جامعه بشری ما در حال زندگی است. بر حسب احادیث، حضرت در مراسم حج شرکت می‌کند، مردم را می‌بیند و می‌شناسد و در بعضی از روایات بود که مردم او را می‌بینند ولی نمی‌شناسند، بنابراین در این که امام زمان در میان جامعه بشری زندگی می‌کند امری ثابت است اما این که آیا مؤمنین می‌توانند حضرت را ببینند مورد بحث است.

در حدیث مفصلی، سدیر صیرفی از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که وقتی از آن حضرت راجع به امام زمان سؤال شد، حضرت فرمودند: «مَثَلُ إِمَامِ زَمَانٍ هَمَانٌ حَضْرَتُ یُوسُفَ علیه السلام است. در میان مردم زندگی می‌کند اما ممکن است مردم او را نشناسند» *«إن إخوة يوسف كانوا عقلاء ألباء أسباطاً أولاد أنبياء دخلوا عليه فكلّموه وخاطبوه وتاجروه وراودوه»*^۱ یعنی برادران حضرت یوسف - علی نبینا وآله وعلیه الصلاة والسلام - با این که جزو خردمندان و زیرکان و فرزندان پیامبر بودند، وارد بر حضرت یوسف شدند و با او صحبت کردند و به تجارت پرداختند و با او مراوده داشتند و با این که یوسف برادرشان بود، رو در روی هم نشستند اما یوسف را نشناختند

۱. كانوا اخوته وهو اخوهم لم يعرفوه حتى عرفهم نفسه فقال لهم لما....

«لم يعرفوه حتى عرفهم نفسه» تا این که حضرت یوسف خودش را به آن‌ها شناساند «فقال لهم انا يوسف فعرفوه حينئذ...» پس به آن‌ها گفتم: من یوسفم، آن‌گاه او را شناختند.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «فما تنكر هذه الأمة أن يكون الله يفعل بحجته ما فعل بيوسف» چرا مردم منکر این هستند که آنچه خدا با حضرت یوسف انجام داد و قدرت شناخت را از برادران ایشان گرفت، همین کار را با حجت خودش امام زمان کند که مردم ایشان را ببینند اما نشناسند؟ «أن يكون صاحبكم المظلوم المجحود حقه صاحب هذا الأمر يتردد بينهم ويمشي في أسواقهم و...»^۱

امام زمان مظلومی است که حقش انکار شده، در میان مردم زندگی و رفت و آمد می‌کند، در بازارهای مردم راه می‌رود و در میان مردم می‌نشیند «ولا يعرفونه» و کسی نتواند ایشان را بشناسند، همان طور که حضرت یوسف را برادرانش شناختند. خداوند همین کار را در قبال حضرت حجت می‌تواند انجام دهد «حتى يأذن الله له أن يعرفهم نفسه» تا زمانی که خداوند به او اجازه دهد که خود را به مردم بشناساند، حال این اجازه می‌تواند هم در زمان ظهور باشد و هم قبل از آن، وقتی مأذون باشد یا وقتی طرف را شایسته ببیند اذن پیدا می‌کند تا خود را بشناساند، لذا با توجه به بیان این حدیث، امام زمان در میان ما زندگی می‌کند، مردم او را می‌بینند و نمی‌شناسند، مگر آن‌ها که به اذن خداوند می‌توانند ایشان را بشناسند.

نکته قابل توجه در توقیع امام زمان علیه السلام

بعضی‌ها انکار کردند و گفته‌اند در زمان غیبت کبری رؤیت امام زمان ممکن نیست و به توقیعی که امام زمان به آخرین نماینده خودشان یعنی علی بن محمد سمری داده است، استناد کردند که در آن توقیع حضرت تصریح فرمودند: «وسیأتي شيعتي من يدعي المشاهدة» حال که تو از دنیا خواهی رفت، من نماینده‌ای را به جای

تو نصب نمی‌کنم، و روزی برای مردم فرا خواهد رسید که کسانی ادعای مشاهده مرا بکنند «ألا فمن ادعى المشاهدة قبل خروج السفیانی والصیحة فهو كذاب مفتر؛^۱ آگاه باش؛ هر که ادعای مشاهده امام را بکند قبل از این که خروج سفیانی وصیحة آسمانی انجام بگیرد او دروغگو و افترا زننده است».

بعضی از این توقیع عدم امکان مشاهده و ملاقات با امام زمان علیه السلام را استفاده می‌کنند، اما بزرگان ما در ارتباط با توضیح این حدیث و شرح این توقیع مانند علامه مجلسی در کتاب بحار الانوار^۲ فرمودند: شاید منظور امام زمان این باشد که هر کسی ادعا کند من امام زمان را مشاهده کردم و به عنوان نایب او، او را دیده‌ام این فرد دروغ‌گو است. پس آن حضرت نخواستند مطلق رؤیت‌شان را نفی کنند. البته از نظر ادبی هم در اینجا مطالبی را نقل می‌کنند، مثلاً کلمه «المشاهدة» در اولش الف و لام است یعنی این‌طور مشاهده که تو (علی بن محمد سمري) با من داری این‌طور مشاهده را اگر کسی به عنوان نایب خاص ادعا کند دروغگو است، اما نه رؤیت و اصل ملاقات را. این را امام زمان علیه السلام نفی نکردند، این اولین نکته.

اما نکته دیگر این که در طول تاریخ غیبت کبری امام زمان علیه السلام، شخصیت‌های برجسته‌ای بودند که ادعای ملاقات با امام زمان را داشتند که هیچ نمی‌توان به حرف آن‌ها، خدشه‌ای وارد کرد، شخصیت‌هایی؛ مانند مقدس اردبیلی، علامه بحر العلوم، علامه حلی، سید ابوالحسن اصفهانی، و بسیاری دیگر از علما و مجتهدین و مراجع بنامی که مجسمه تقوا و پرهیزگاری و زهد و دینداری بودند که در عمر خودشان هیچ دروغ نگفتند و هیچ خلاف انجام ندادند و در حد اختیار و توان خودشان حال عمد مرتکب معاصی کبیره نشدند و انسان‌های بسیار شایسته‌ای بودند، این‌ها ادعای رؤیت و ملاقات با امام زمان را کردند، آیا می‌شود این ادعاها را زیر سؤال برد؟ مطمئناً این‌ها ادعاهای صادقی است و می‌تواند سند صحت رؤیت امام زمان در عصر غیبت کبری باشد.

برای اثبات این نظر به عنوان نمونه به یکی از ماجراهای ملاقات امام زمان توسط یکی از این شخصیت‌های برجسته عالم اسلام، یعنی علامه حلّی می‌پردازم که در قسمت‌های بعدی شرایط آن خدمت شما مطرح خواهد شد.

علامه حلّی ع اعلی الله مقامه الشریف - که از بزرگ‌ترین و نامورترین علمای شیعه است و هر چه دارد از امام زمان دارد، عادتش این بود که همیشه جمعه‌ها به زیارت مرقد مطهر سیدالشهدا ع می‌رفت و از حلّه تا کربلا که فاصله زیادی بود، ولی به حکم علاقه و ارادتی که به ساحت مقدّس امام حسین ع داشت و یا شاید به این خاطر که معروف و مجرب بوده که امام زمان در شب جمعه به زیارت جدّ غریبش، ابا عبدالله الحسین ع می‌آید، علامه حلّی به این کار مداومت می‌کرد. در یکی از این سفرها، که روز پنج‌شنبه‌ای حرکت کرده بود و به سمت کربلا می‌آمد، در مسیر سفر زیارتی، مرد عربی با لباس عربی با او همسفر شد. در خلال راه با هم به بحث و گفت‌وگوی علمی، مشغول شدند. علامه حلّی، مشاهده کرد که این مرد عرب، عالم بسیار متبحری است و در تمام زمینه‌ها که وارد بحث می‌شود، به وضع بسیار نیکو و عالمانه‌ای بحث را به پایان می‌برد، الا در یک نکته که نظر فتوایی او با فتوای علامه حلّی مغایرت دارد، علامه حلّی گفت این نظر که شما دادید هیچ دلیلی برای اثبات آن ندارید و طبق قاعده فقهی این نظر درست نیست، چون با قاعده مخالفت دارد و ما هم اصلی برای اثباتش نداریم، بنابراین نظر شما قابل قبول نیست. مرد عرب فرمود: چرا، اتفاقاً دلیل محکمی هم داریم. علامه حلّی گفت: من در این رابطه هیچ دلیلی در هیچ یک از کتاب‌ها نیافتم. فرمود: چرا، در کتاب «تهذیب» مرحوم شیخ طوسی در فلان قسمت، این حدیث آمده است که می‌تواند دلیل روشن بر این نظر من باشد. علامه حلّی گفت: من اتفاقاً «تهذیب» را بررسی کردم و چنین حدیثی در آن ندیدم. مرد عرب فرمود: این بار به کتاب «تهذیب» خودت مجدداً مراجعه کن، در فلان قسمت فلان صفحه این حدیث هست.

اینجا مرحوم علامه حلّی برایش خیلی عجیب به نظر رسید، گفت: عجب، حرف دقیقی می‌زند، با خودش گفت که این مرد چه کسی می‌تواند باشد و این مرد، انسان

طبیعی و عادی به نظر نمی‌رسد، در همین حال تازیانه از دست علامه حلّی که برای راندن مرکب در دستش بود از دستش افتاد. آن مرد عرب، کمر خم کرد که تازیانه را به دست علامه حلّی بدهد، علامه حلّی از ایشان سؤال می‌کند که آقا! من سؤالی دارم، آیا می‌شود کسی در عصر غیبت، حضرت صاحب الامر علیه السلام را هم زیارت کند، آقا فرمود: بله، چگونه ممکن نیست در حالی که اکنون دستش در دست توست. مرحوم علامه حلّی وقتی این جمله را شنید از بالای مرکب خود را به زمین انداخت و به دست و پای آقا افتاد و از حال رفت و وقتی به هوش آمد دید که آن آقا نیست. بنابراین، چنانچه انسان شرایط را در خود ایجاد کند، می‌تواند محبوب خود و حجت خدا، یوسف زهرا علیها السلام را ببیند و بشناسد و مشکلات خود را به کمک او حل کند و از او کمک بگیرد. این امر محالی نیست و مورد اعتقاد ماست. همان طوری که پدر نسبت به فرزندان خود انس و الفت و محبت دارد، امام زمان هم که سیمت او سیمت پدری برای این امت اسلامی است، ممکن نیست از این امت، دور باشد و از دوستان و فرزندان معنوی خود دور باشد، و به آنها توجه نکند. لکن دیدن آقا شرایط و لوازمی دارد و شایستگی‌هایی می‌خواهد که از خدا مسألت می‌کنیم، آن شایستگی‌ها را به ما مرحمت فرماید که ما هم بتوانیم چهره نورانی او را ببینیم.

اللَّهُمَّ ارِنِي الطَّلْعَةَ الرَّشِيدَةَ، وَالْغُرَّةَ الْحَمِيدَةَ، وَكُنْ نَاطِرِي

بِنَظَرَةٍ مَنِي إِلَيْهِ، وَعَجِّلْ فَرَجَهُ، وَسَهِّلْ مَخْرَجَهُ.^۱

شرایط کسب لیاقت ملاقات با امام زمان علیه السلام

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»^۱

این آخرین آیه سوره آل عمران است که معنای ظاهری اش این است: ای کسانی که ایمان آورده‌اید صبر پیشه کنید و با مبارزه با دشمنان درون و دشمنان بیرون تحمل مشکلات کنید و با هم در ارتباط باشید برای آن که بر مشکلات فائق شوید. تقوای خدا پیشه کنید، باشد که پیروز و کامیاب گردید.

اما صاحبان بعضی از تفاسیر^۲ با تکیه بر حدیثی منقول از امام باقر علیه السلام این چنین برداشت کردند که خطاب این آیه شریفه به مؤمنین عصر غیبت امام زمان علیه السلام است؛ یعنی «ای کسانی که در عصر غیبت امام زمان زندگی می‌کنید، با شیطان درون و نفس اماره مبارزه کنید و در این مبارزه شکیبیا باشید و در مبارزه با دشمنان دین و حق و عدل مبارزه همراه با شکیبایی و بردباری داشته باشید و با امامی که منتظر ظهور و فرج او هستید در ارتباط باشید، تقوای خدا پیشه کنید، باشد که پیروز و کامیاب گردید». با توجه به این برداشت، مخاطب آیه شریفه، مؤمنین عصر غیبت می‌باشند و مأمور به ارتباط قلبی و عملی با امام منتظر هستند. همان طوری که در گذشته وعده کردم مختصری در مورد شرایط لیاقت ملاقات با امام زمان می‌پردازم و طبیعی است هر کسی که بخواهد با شخصیتی عظیم ملاقات کند، رعایت اصول و ضوابط به عنوان مقدمات ضروری است و بدون طی آن مراحل، ملاقات برایش فراهم نمی‌شود.

۱. سوره آل عمران، آیه ۲۰۰.

۲. تفسیر البرهان و محجة البیضاء.

نکته اول

اولین نکته برقراری ارتباط با امام زمان علیه السلام که باید به آن عمل شود، ارتباط قلبی با حالت دعا و نیایش و تضرع و زاری همیشگی است. یعنی انسانی که مشتاق ملاقات است، بایستی به هر زبانی، به خصوص به زبان دعاهایی که به ما رسیده و ماثوره است، با امام زمانش درد دل کند. در دل شب‌ها، و روزها، در خلوت و جلوت، دلش مشغول به آقا باشد، همیشه نام و یاد او و دعا به وجود او را ورد زبان داشته باشد. این اولین حالتی است که مشتاق ملاقات، باید در خود ایجاد کند.

نکته دوم

دومین نکته این است که همیشه باید به وسیله زیارت‌هایی که از جانب بزرگان نقل شده، امام زمان را زیارت کند که از جمله زیارت‌نامه‌های مجرب که مشتاقان امام زمان مداومت بر آن داشته و دارند؛ زیارت مبارکه «آل یاسین» است که محتوای بسیار بلندی دارد و درد دل‌های جانسوز در آن نهفته است. مشتاقان اهل بیت علیهم السلام وقتی آن را زمزمه می‌کنند، ارتباط قلبی و معنوی با ائمه هدی، خاصه با امام زمان برقرار می‌کنند، این دعا، برای بسیاری مجرب است که افراد زیادی با خواندن آن به آرزوهای خود رسیده‌اند.

نکته سوم

نکته سوم این است که مشتاق ملاقات بایستی در بذل مال و صلۀ مالی به امام زمان علیه السلام در ریغ نورزد و برای جلب رضایت امام زمان در ادای حقوق مالی آن امام تلاش کند. همان‌گونه که استحضار دارید و قبلاً نیز بیان شد، یکی از وظایف شیعیان در حال انتظار، دادن صلۀ، هدیه و صدقه به نام امام زمان است. اما در اینجا تذکر این نکته لازم است که اگر در اموال ما حق امام زمان باشد، باید این را به امام زمان علیه السلام بدهیم؛ یعنی به همان راهی که در فقه اسلامی مشخص شده است برسانیم، یعنی به

دست نمایندگان امام زمان علیه السلام، مراجع عظام تقلید و ولی امر مسلمین برسانیم، سهم امام، نصف از $\frac{1}{5}$ اموالی که بایستی به عنوان خمس، آن‌ها را بدهیم است و باید به همان راهی که مورد نظر اوست به مصرف برسانیم.

در توقیعی که امام زمان علیه السلام به محمد بن یعقوب داده است، فرمود: «وامّا اموالکم فلا نقبلها الا لتطهروا فمن شاع فليصل و من شاء فليصل و ما اتانا الله خیر مما اتاکم؛ اما اموال شما مؤمنین و طرفدارانمان، ما این اموال شما را قبول نمی‌کنیم مگر به خاطر این که شما از درون، خودتان پاک شوید پس هر کسی که می‌خواهد چنین شود باید به وسیله اموال خود به ما نزدیک شود و هر کسی نمی‌خواهد با ما نزدیک شود، بخل نماید». (اصطلاحاً می‌گوییم فلانی مالش را پاک نکرد). در حقیقت ظاهرش این است که در اموال او سهم امام علیه السلام، سهم سادات (خمس) است و حق تصرف در آن را ندارد، همچنان که یک انسان در مال شریک، بدون اجازه او حق تصرف ندارد.

از آنجایی که $\frac{1}{5}$ این اموال به صورت مشاع حق امام زمان علیه السلام و سادات است و باید به دست نایب امام زمان و به اهلش برسد. اگر انسان این کار را نکند، مجاز به تصرف در مالش نیست. یکی از مفاهیم حدیث فوق همین است و مفهوم دیگرش این است که کسی که علاقه مال در درونش باشد، در حقیقت مثل این است که قلب او آلوده و چشم دلش کور است و باید قلب خود را پاکیزه کند.

امام زمان علیه السلام می‌فرماید: ما مال شما را قبول نمی‌کنیم مگر برای طهارتتان؛ یعنی وقتی $\frac{1}{5}$ اموال را انسان از مالش خارج می‌کند، به همان اندازه طهارت قلبی پیدا کرده است، پس اگر کسی قلبش طاهر باشد اموال و لقمه و لباس و مسکن او نیز پاکیزه و طاهر است و این قدمی از قدم‌های به دست آوردن شایستگی‌های ملاقات امام زمان علیه السلام است.

نکته چهارم

نکته چهارم، بحث تزکیه نفس است که مهم‌ترین موضوع است. بحث تزکیه نفس؛ طهارت باطن، پرهیز از گناه، عمل به اعمال واجب و فرایض، متخلّق به

اخلاق حسنه، دوری جستن از اخلاق سیئه و رفتار ناپسند است. انسان باید تلاش کند در راه تزکیه نفس و تطهیر باطن و زدودن اخلاق ناروا و کسب اخلاق حسنه و پسندیده و حسنات و منش‌های مورد تایید امام زمان، توفیقاتی را کسب کند. اگر انسان از جهت اخلاق و رفتار در جهت مغایرت با اخلاق و رفتار امام زمان باشد چگونه می‌توان پذیرفت که لیاقت ملاقات با امام زمان را داشته باشد؟ در درجه اول انجام فرایض با شرایط آن، جزو وظایف ضروری است. راجع به نماز صبح و مغرب توصیه امام عصر بسیار مهم است. مرحوم شیخ طوسی از «زهری» نقل می‌کند که با صرف مال و تلاش حال، به خدمت آقا نرسیدم، تا به خدمت محمد بن عثمان عمروی (نایب خاص امام علیه السلام) رفتم. در توفیقی که به دست او رسید، فرمود: ملعون است، ملعون است کسی که نماز مغرب را تأخیر کند تا ستاره آسمان زیاد شود و ملعون است ملعون است کسی که نماز صبح را تأخیر اندازد تا ستاره‌ها محو شود.^۱

درجه دوم تطهیر نفس، این است که علاقه به مادیت را از دلش قطع کند، پایبند به علاقه به مال دنیا در حد غیرمتعادل نباشد، علاقه به مال دنیا و شئونات دنیا، او را آن چنان به خودش مشغول نکند که از اشتغال حسنه به یاد خدا و امام زمان و اعمال پسندیده غافل بماند. در این باره ماجراهای زیادی هست.

حکایت

داستانی از کتاب دارالسلام مرحوم عراقی نقل شده که وقتی دو نفر در شهر بصره به مغازه مرد متدینی آمدند و کافور خواستند، او چهره آن‌ها را که دید، متوجه شد اثر نجابت و طهارت باطن در آن‌ها هست. از آن‌ها پرسید: شما که هستید؟ برای چه چیزی این‌ها را می‌خواهید؟ چیزی نگفتند، آن مرد اصرار کرد و آن‌ها را به پیغمبر خدا قسم داد، که خلاصه گفتند: ما از افرادی هستیم که توفیق ملاقات و حشر و نشر با امام زمان را داریم، در بین ما فردی از دنیا رفت، آقا به ما مأموریت داد تا سدر و کافور تهیه کنیم.

۱. اسرار و فوائد غیب امام زمان علیه السلام، ص ۵۹.

وسایل را تهیه کردند، گفت: حالا که به خاطر پیغمبر خدا شما را قسم دادم و این موضوع را به من گفتید، مرا هم با خود ببرید تا من هم بلکه به این آرزو نایل شوم و چشمم به جمال مولایم بیفتد. گفتند: ما نمی‌توانیم قول قطعی ملاقات را بدهیم. به هر ترتیب ایشان را با خودشان بردند، به دریا که رسیدند. برای حرکت از مسیر آب بدون این‌که از قایق یا هر وسیله آبی دیگری استفاده کنند روی آب حرکت کردند به او گفتند: بیا. گفت: روی آب؟ گفتند: آری، توکل نما و دلت را محکم کن. به یاد امام زمان و خدا مشغول باش. گفت: این کار را کردم، گویی بر روی سنگ به همراه آن‌ها راه می‌رفتم. بین راه، باران سختی در گرفت. ناگهان به یاد افتاد که صابون‌هایی که ساخته بودم و در پشت بام منزل پهن کرده‌ام در این باران از بین خواهد رفت، خیلی نگران صابون‌ها شدم، ناگهان پایم در آب فرو رفت و نزدیک بود غرق شوم، دستم را گرفتند و گفتند: دچار غفلت شدی؟ دستش را گرفتند و از آب بیرون آوردند و با خود بردند، وقتی به محضر امام علیه السلام رسیدند، حضرتش اجازه ورود نداد و فرمودند: او به فکر صابون‌های خودش است.^۱

این گونه دل مشغولی‌ها، انسان را از آن فیض عظاما محروم می‌کند. دل مشغولی، علقه قلبی و گره و مودت و عشق به دنیا و مال دنیا، نمی‌گذارد نام و یاد و عشق معشوق دیگری در قلب جا بگیرد: «مَا جَعَلَ اللَّهُ لِرَجُلٍ مِنْ قَلْبَيْنِ فِي جَوْفِهِ»^۲. خداوند برای کسی دو دل در سینه قرار نداده است.

پس، دو دل در سینه جای ندارد، یک دل است و یک دلبر و آن هم خداست و بس، دل را به یاد خدا و ائمه هدی و امام زمان علیه السلام روشن کنیم تا ان شاء الله بخشی از این لیاقت‌ها را پیدا کنیم.

این نکته بسیار مهمی است که در بعضی از کتاب‌های معتبر نقل شده که پرهیزکاری، تقوی، تزکیه نفس و مداومت به حضور قلبی برای ترک گناه و معصیت و دوری از رفتار و گفتار و اخلاق زشت، شرط تشرّف به محضر امام زمان علیه السلام است.

۱. اسرار و فوائد غیبت امام، ص ۱۸۰.

۲. سوره احزاب، آیه ۴.

یکی از بزرگان که از اعظام مازندران است و از علمای بسیار زحمت‌کش و اهل قلم و بیان و تدریس و تحصیل می‌باشد، در کتاب‌هایی که برای وجود مقدس امام زمان در چند سال اخیر نوشته، در سخنرانی‌های خودش مطرح کرده که: در محضر حضرت آیت الله کوهستانی - اعلی الله مقامه الشریف - که از انسان‌های شایسته معاصر بود، یکی از علمای معروف به نام حاج شیخ محمود کومله‌ای در حوزه کوهستان در خدمت ایشان بود. در خلال صحبتی بیان کرد که رسم طلبه‌های نجف این بود که برای این که به آرزوی دیدار امام زمان نایل شوند، گاهی به صورت اربعین (چهل روز) اعمالی را انجام می‌دادند؛ دعا، مناجات، روزه، یا گاهی چهل هفته از نجف به مسجد سهله می‌رفتند تا با دعا و اعمال و رعایت و مداومت در گناه نکردن، (چشم و زبان و معده و فکر را حفظ می‌کردند، گناه نکنند) بلکه لیاقت دیدار امام زمان را داشته باشند چون، از جمله اماکنی که ممکن است کسب چنین توفیقی میسر شود مسجد سهله در کوفه، مسجد جمکران در قم، یا حرم مطهر نبوی و یا حرم مطهر حسینی است.

این عالم می‌فرماید: من شاید در هفته سی و چهارم و یا سی و پنجم از چهله بود که از نجف به مسجد سهله می‌رفتم، طبق عادت همیشگی به گوشه‌ای رفتم و نشستم و با کسی صحبت نمی‌کردم، سعی می‌کردم طبق رسم طلبه‌ها از غذای زیاد در این حالت استفاده نکنم، از غذاهای حیوانی؛ مثل گوشت، روغن و... و به خود مشغول باشم. ناگاه دیدم جوانی عرب آمد کنار من نشست و با حالت خاصی شروع به قرائت قرآن کریم کرد. چون قرائت قرآنش تمام شد، رو به من کرد و مشغول صحبت شد. من با بی‌میلی جواب صحبت‌هایش را می‌دادم. چون می‌خواستم این حالت از من گرفته نشود، سعی می‌کردم با دیگران صحبت نکنم. بعد دیدم سفره‌ای حاوی برنج و غذایی همراه با گوشت باز کرد و به من گفت: بیا میل کن. گفتم: من این غذا را نمی‌خورم. (غذای حیوانی را نمی‌خورم) چون چنین تصمیمی دارم. فرمود: اگر شنیدی که غذای حیوانی نخور، به این معنی نیست که

غذایی که از حیوان به دست می آید مثل روغن یا از ذبح حیوان به دست می آید مثل گوشت را استفاده نکن، بلکه یعنی مثل حیوانات غذا نخور که حلال و حرام یا حق صغیر و کبیر در آن باشد و خدا راضی نباشد، و این که تو برداشت می کنی نیست. بعد از لحظاتی دیدم از نظرم ناپدید شد. متوجه شدم همان کسی که من برای دیدنش اربعین گرفته بودم و دیگران اربعینات زیادی گرفتند، حضرت بود که من لیاقت شناختن او را نداشتم، چون راهی که انتخاب کرده بودم آن راهی نبود که ایشان می خواستند.

این است که انسان از حلال خدا استفاده کند، اما از حرام خدا پرهیز کند، غذا بخورد، حرف بزند، کار کند، ولی حیوانی نباشد؛ یعنی خارج از چارچوب و مقررات و ضوابط دینی و الهی نباشد. از این ماجرا می توان این نکته را استفاده کرد که مشتاق ملاقات باید پاک و منزّه باشد، در چارچوب رعایت مقررات و ضوابط و اصول مختلفی که خدا برای او از لحاظ فکری و عملی مشخص کرده، گام بردارد تا بخشی از لیاقت های ضروری را که موجب ملاقات با محبوب الهی و معشوق مشتاقان؛ یعنی امام زمان است را در خود ایجاد کند.^۱

نکته پنجم:

پس از آن که تشریح کردیم امکان ملاقات به محضر امام زمان علیه السلام وجود دارد، اینک می گوئیم لکن شرط هایی هم برای تشرّف به محضر آقا است که هر کسی این شروط را در خود ایجاد کند، امکان شرفیابی برای او پیدا خواهد شد و اگر هم توفیق شرفیابی پیدا نکرد، خو را در جهت آنچه که امام زمان علیه السلام می خواهد و در مسیر آنچه مورد رضایت امام زمان است قرار داده است؛ و این خود توفیق بزرگی است.

نکته ششم:

اما نکته دیگر این است که آیا تشرّف به محضر امام زمان اختصاص به انسان های

۱. سیمای آفتاب، ص ۲۲۷.

خاص دارد که مثلاً حتماً باید از علما و مجتهدین و افراد شاخص در میان مؤمنین باشد؟ آیا ملاقات با امام زمان علیه السلام مربوط به دوران گذشته است و در این عصر و زمان، این امکان وجود ندارد و کسی قادر به ملاقات امام عصر نخواهد بود؟

در توضیح این دو نکته، لازم به ذکر است که ملاقات با امام زمان مربوط به عده و صنف خاصی نیست که بگوییم حتماً باید از علما و مراجع و بزرگان و معارف باشند، بلکه هر کسی که در وجود خودش لیاقت ملاقات ایجاد کند احتمالاً تشرّف به محضر امام زمان برای او متصور است. نمونه‌هایی هم وجود دارد که ذکر خواهیم کرد. ضمناً ملاقات با حضرت فقط مربوط بر عصر گذشته نیست، بلکه در عصر و زمان ما و پس از آن تا قبل از ظهور امام زمان احتمالاً این که انسانی باشد و این لیاقت را در خود ایجاد کند و به این آرزو هم نایل شود وجود دارد. پس باید همه در این جهت تلاش کنیم و هیچ کس نباید خود را ناامید از توفیق تشرّف به محضر امام علیه السلام بداند و این امید باید در دل همه باشد که همین امید، هم موجب تحرّک و هم باعث اصلاح و تلاش برای سازندگی شخص جهت دستیابی به این آرزوی بزرگ است.

البته، در ارتباط با ملاقات امام زمان اگر انسان‌ها از نظر مراتب تقوا و اخلاص در درجات عالی باشند، شاید کیفیت برخورد حضرت با آن‌ها، با افراد دیگری که از نظر مراتب و لیاقت‌ها به آن رتبه و درجه نیستند با هم متفاوت باشد.

ماجرای ملاقات علامه بحرالعلوم

مثلاً درباره علامه بحرالعلوم موارد مختلفی وارد شده که ایشان به محضر حضرت صاحب الامر مشرف شد؛ به عنوان نمونه مرحوم میرزای قمی می‌فرماید: من و علامه بحرالعلوم با هم در درس آیت الله بهبهانی در نجف اشرف حضور پیدا می‌کردیم، اما از نظر رتبه علمی، من در درجه بهتری از او بودم، گاهی درس‌های استاد را من تقریر می‌کردم و او استعداد آن چنانی نداشت. من بر حسب ضرورت از نجف به ایران آمدم و مدتی در ایران بودم، سپس برای زیارت عتبات عالیات مجدداً به نجف مشرف شدم، اما قبل از برگشتن به نجف، آوازه بلند علامه بحرالعلوم به

همه جا رسیده بود. به نجف مشرف شدم و دیدم ایشان آن چنان حوزه درسی قوی و شاگردان عالی رتبه دارد که موجب شگفتی من شد. روزی در خلوت از او پرسیدم، من و شما همدرس بودیم و در محضر استاد حضور می‌یافتیم و می‌دانی که من از نظر رتبه و درجه علمی و استعداد، وضع بهتری از تو داشتم، اما این همه آوازه و رتبه عمیق علمی که در اختیار توست، موجب شگفتی من است. چه چیز باعث شد که به اینجا رسیدی؟ گفت: از اسرار است. اصرار کردم که اسرارش را به من هم بگوید، گفت: به شرط آن که تا زمانی که زنده‌ام، سرّ را فاش نکنی. قول دادم، به من فرمود: من کراً آرزوی ملاقات با آقا، امام عصر را داشتم. روزی به مسجد سهله رفتم، چشمم به جمال دل‌آرای مولایم امام زمان افتاد، به من اشاره کرد جلوتر بیا. جلوتر رفتم، سلام و عرض ادب کردم، باز هم فرمود جلوتر بیا، جلوتر رفتم، فرمود جلوتر بیا، جلوتر رفتم، دیگر خجالت کشیدم، باز هم فرمود: جلوتر بیا، تا آن که در کنار امام زمان قرار گرفتم، آغوشش را گشود و مرا در بغل گرفت و سینه مبارکش را به سینه من چسباند و به برکت این ملاقات بود که درهایی از حقایق و معارف به رویم باز شد و این وضعی که می‌بینی، همه از لطف آقا و مولایم امام زمان است.^۱ این هم یک قسم ملاقات است.

اما این نوع توفیقات که امام، او را به کنار خودش بخواند و او را در آغوش بگیرد و در بغل بفشارد و دریایی از معرفت را به روی او باز فرماید که ملقب به بحر العلوم (دریای دانش‌ها؛ زیرا سینه او به سینه امام زمان علیه السلام چسبیده که آنجا دریای علم الهی است و علم خدا در آن موج بوده است) شود، توفیق دیگری است.

او چون این لیاقت را پیدا کرده بود، به این شرافت عظاما دست یافت. این گونه ملاقات‌ها طبعاً برای همه افراد نیست. اما ملاقات‌های عادی و عنایت‌هایی که امام زمان به همه افراد می‌فرمایند، احتمال و امکان تشرّف به محضرشان هست. می‌خواهد یک عالم باشد، مرد یا زن، پیر، جوان، بی‌سواد، یا باسواد باشد، همه این‌ها بستگی به تلاش برای کسب لیاقت دارد.

علائم ظهور و فواید و آثار اعتقاد به آن

قبل از این که بر اساس احادیث و روایات به شرح علائم ظهور بپردازیم، فواید اعتقاد به این علائم را بیان می‌کنیم:

فایده اول:

با علائمی که برای ظهور امام زمان از معصومین علیهم‌السلام ذکر شده، یکی از فوایدش این است که معلوم می‌شود ائمه معصومین علیهم‌السلام علمشان متصل به علم خداست زیرا قبل از تحقق علائم و حوادث آینده، خبر از آن چیزهایی، که در آینده اتفاق می‌افتد دارند. وقتی این حوادث اتفاق بیفتد، پیروان آنها یقین می‌کنند که ائمه معصومین علیهم‌السلام علم الهی متصل است و اطلاعات غیبی دارند و علم غیب از جانب خداوند به آنها رسیده و در نتیجه در حقانیت ائمه معصومین علیهم‌السلام اعتقاد راسخ پیدا می‌کنند.

فایده دوم:

مردم در رابطه با وجود مقدس امام زمان علیه‌السلام عقیده راسخ‌تری پیدا می‌کنند، هر مقدار از این علائم ظهور پیدا کند، انسان خودش را به روز ظهور و موعودی که خداوند در نظر گرفته است نزدیک‌تر احساس می‌کند و دلش به سمت تحقق آن امید شتافته و آماده‌تر می‌شود و رعایت حالات یک منتظر واقعی را بیشتر مورد توجه قرار می‌دهد.

چون علائم ظهور یکی پس از دیگری وقوع پیدا می‌کند، منتظر امام زمان علیه‌السلام، حالت انتظارش بیشتر و بهتر و به موعودش نزدیک‌تر و به اصل اشتیاق خود راغب‌تر

می شود؛ مثل کسی که مهمان عزیزی را در نظر داشته باشد، اگر یکی پس از دیگری علائم و آثاری از رسیدن او پیدا شود که مهمان او نزدیک است، حالات معنوی و روحی بهتری پیدا می کند.

فایده سوم:

وقتی که علائم و آثار ظهور امام زمان ذکر شود و همه آن را بدانند، موجب می شود که ادعای کذبی که دروغگویان در طول تاریخ انجام دادند و ادعای مهدویت کردند و چه بسا در آینده هم ادعای مهدویت کنند، ادعای دروغشان آشکار می شود؛ زیرا هیچ کدام از آثار و علائمی که گفتند، در ارتباط با آن ها تحقق پیدا نمی کند، در نتیجه ادعای دروغین آن ها برای عموم آشکار می شود.

علائم ظهور:

در کتب ما شیعیان و بعضی از کتب غیر شیعی هم روایاتی تحت عنوان علائم ظهور امام زمان علیه السلام ذکر شده است. در کتاب بحار الانوار مرحوم مجلسی، کتاب اثبات الهداة، کتاب شریف کفایة الموحدين مرحوم حاج سید اسماعیل عقیلی نوری که کتابی در کلام و عقاید است، علائم زیادی ذکر شده که طبعاً ذکر همه آن ها در این فرصت نمی گنجد. در این کتاب ها، علائم ظهور را به اقسامی، تقسیم کرده اند.

مرحوم عقیلی نوری در کتاب کفایة الموحدين آن را بر سه نوع تقسیم کرده است: نوع اول؛ علائم خاصه که فقط مربوط به امام زمان علیه السلام است و علائم عامه که می تواند مربوط به غیر امام زمان، از معصومین علیهم السلام هم باشد.

نوع دوم؛ علائم حتمیه و علائم غیر حتمیه

نوع سوم؛ علائم واقعه، یعنی علائمی که تاکنون اتفاق افتاده و علائم غیر واقعه، یعنی علائمی که هنوز ظاهر نشده است.

اما معمولاً بر حسب روایات، علامات ظهور به دو قسمت تقسیم می شود: علائم

حتمیه و غیر حتمیه.

علائم حتمیه و غیر حتمیه

علائم حتمی علائمی است که شرط ظهور است و باید حتماً اتفاق بیفتد تا حضرت، ظهور کنند.

اما علائم غیر حتمی علائمی است که ممکن است وضعیت طوری شود که این علائم اتفاق بیفتد یا بعضی علائم که از عذاب‌ها به حساب می‌آیند به خاطر تفضل پروردگار به بندگان از بین برود، شاید خداوند مصلحت بداند که آن علائم تحقق پیدا نکند و حضرت تشریف بیاورند و یا شرایط و علل بروز آن علائم فراهم نگردد و در نتیجه آن علائم تحقق نیابد.

برخی از علائم غیر حتمیه

در این بخش راجع به بعضی از علائم غیر حتمیه بر اساس روایات به اختصار توضیح می‌دهم: روایتی از امیرالمؤمنین علیه السلام است که در یکی از خطبه‌ها ایشان فرمودند: «الا ان لخروجه علامات عشرة، اولها تخريق الرايات في اذقة الكوفة، ثانيها، تعطيل المساجد وانقطاع الحاج و خسف وقذف بخراسان و طلوع الكواكب المذنبة و اقتوان النجوم و هرج و مرج و قتل و نهبت فتلك علامات عشرة و من العلامة إلى العلامة عجب عجب فإذا تمت العلامات، قام قائمنا»؛^۱ همانا برای خروج ما علامات ده‌گانه است؛ اول: آتش گرفتن پرچم‌ها در کوچه‌های کوفه که جهت شرح آن باید به کتاب‌های مفصل مراجعه کرد.

دوم: مسجدها تعطیل می‌شود، حال آیا در مسجدها را می‌بندند، همچنان که اخیراً در اخبار و روزنامه‌ها منعکس شده، شیطنت‌هایی که استعمار ایجاد کرده باعث شده که یکی از مسئولین کمیسیون اروپا اعلام کند که مساجد، جایگاه تربیت تروریست‌ها است و باید درب مساجد را ببندید!! و یا در زمان رضاخان که جلوی

۱. کفایة الموحدين، ص ۶۴۱.

اجتماعات مؤمنین را گرفته و درب مساجد را بستند و بعضی از آن را به محل انبار کالاهای دولتی تبدیل کردند! و یا شاید منظور این است که از مساجد بهره‌برداری صحیح که خواندن نماز در مساجد است استفاده نمی‌شود و نماز در مساجد تعطیل می‌گردد! این‌ها همه ظاهر است، کما این‌که در بعضی از خبرهاست که مساجد زینت می‌شود اما از نظر عبودیت و بندگی، کسی به آن‌ها مراجعه نمی‌کند و استفاده غیر عبادی در آن می‌شود.

سوم: راه‌های مکه ناامن و بسته می‌شود و در بعضی از روایات آمده است که در مکه سه سال عمل حج تعطیل می‌شود. اما آیا تاکنون تحقق یافته یا نه، مورد بحث است؛ آیا منظور این است که در این سه سال از هیچ مسیری امکان رفتن به حج برای هیچ مسلمانی وجود ندارد و یا این‌که راه مکه را بر روی کسانی که بخواهند حج ابراهیمی را به معنی واقعی و بر اساس مکتب اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام انجام دهند، می‌بندند. همان طوری که پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، به مدت سه سال متوالی راه حج را به روی ایرانیان مسلمان بستند!

چهارم: فرو رفتن بخشی از زمین خراسان و یا خرابی خراسان. آیا اتفاق افتاده، آیا ما می‌توانیم حمله روسیه که در گذشته به خراسان انجام شد را حساب کنیم یا این حادثه بعداً اتفاق خواهد افتاد، به هر حال جزو علائم ظهور ذکر گردیده است.

پنجم: طلوع ستاره‌های دنباله‌دار.

ششم: ستاره‌ها به یکدیگر نزدیک‌تر می‌شوند.

هفتم: الفتنه = هرج.

هشتم: الاختلاط = مرج.

نهم: قتل.

دهم: غارت.

این‌ها جزو علامات ده‌گانه است و همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، بسیاری از این علائم اتفاق افتاده و شاید همین رویدادها، مورد نظر باشد.

در یک روایت مفصلی در کتاب شریف بحارالانوار^۱ از امام صادق علیه السلام نقل شده که امام صادق علیه السلام می فرمایند: شخصی مرا با منصور دوانیقی دید که با هم حرکت می کنیم، در حالی که منصور دوانیقی بر اسب راهواری سوار است و اطراف مرکب او را نیروهایی احاطه کردند، اما من بر الاغی سوار بودم و در میان آنها حرکت می کردم، آن شخص به منزل من آمد و به من گفت: آقا! شما با این عزت و جلال و شوکت، اما منصور با این وضع، تا کی باید وضع به این گونه ادامه پیدا کند که حکومت دست آنها باشد؟ پس کی فرج شما تحقق پیدا می کند؟ «إلی متی هولاء یملکون؟» تا کی اینها فرمانروایی دارند؟

«فقلت: أليس تعلم أن لكل شيء مدة، ألا تعلم أن من انتظر أمرنا و صبر علی ما یری من الأذى والخوف هو غدا فی زمرتنا؟» گفتم: آیا نمی دانی که هر چیز یک مدتی دارد؟ آیا نمی دانی کسی که منتظر امر حکومت و فرج ما باشد و بر این کار صبر کند و هر چه در این راه اذیت و آزار دیده تحمل کند، در زمره ما خواهد شد؟ صبر کنید، این برای خود یک مدتی دارد.

بعد نشانه هایی را ضمن بیان مفصلی توضیح دادند که بخشی را من ذکر می کنم: «فإذا رأیت الحق قد مات و ذهب أهله و رأیت الجور قد شمل البلاد و رأیت القرآن قد خلق و أحدث فیہ ما لیس فیہ و وجه علی الأهواء و رأیت الدین قد انکفأ کما ینکفی الإناء؛ هنگامی که دیدی حق از بین رفت و اهل حق هم از بین رفتند و دیدی که اهل جور و ستم همه دنیا را گرفته و قرآن احکامش فرسوده شده و در بین مردم، منزوی شده و احکامی را به عنوان احکام قرآن عرضه کردند، مفاهیم قرآن را جور دیگر برداشت می کنند، چیزی که در مفاهیم قرآنی نیست به عنوان مفاهیم قرآنی برای مردم مطرح می کنند و آنچه را که در قرآن است بر اساس خواسته ها و هواهای نفسانی خودشان تعبیر و تفسیر کنند و آن گاه که ببینی دین بی محتوا شده درست مثل ظرفی که آدم آن را خالی کند بی محتوا می شود». اینها جزو علائم ذکر شده است.

و در ادامه این روایت می فرماید: «ورأیت أهل الباطل قد استعلوا علی أهل الحق و رأیت الشر ظاهراً لا ینهی عنه و یعذر أصحابه و رأیت الفسق قد ظهر و اکتفی الرجال

بالرجال والنساء بالنساء...؛ و دیدی که اهل باطل، حاکم بر اهل حق شدند و حاکمیت به دست باطل افتاد و دیدی که شرّ حاکم می‌شود و کسی هم جلوی آن را نمی‌گیرد.^۱ و فسق همه جا را می‌گیرد، مردان به مردان اکتفا می‌کنند و زنان به زنان.

بحث همجنس بازی به عنوان فرهنگ و حزب و تشکیلات در کشورهای اروپایی و آمریکایی در آمده است «ورأیت الکافر فرحاً لما یری فی المؤمن مرحاً لما یری فی الأرض من الفساد ورأیت الخمر تشرّب علانیه و... ورأیت المؤمن لا یستطیع أن ینکر إلا بقلبه و... ورأیت الولاة یقربون أهل الکفر ویباعدون أهل الخیر ورأیت الولاة یرتشون فی الحکم»^۲؛

و می‌بینی که کفار به خاطر مشکلی که برای مؤمنین ایجاد شده شاد و مسرورند و از حاکمیت جور و فساد خود بر زمین، حال کبر و غرور به آن‌ها دست می‌دهد.^۳ منافقین و کفار به خاطر وضعیتی که در مؤمنین ایجاد شده به خاطر فساد، خوشحال و مسرورند و می‌بینی که به صورت علنی شراب می‌خورند این‌ها جزو علائم است. و می‌بینی که مؤمن نمی‌تواند جلوی فساد را بگیرد و توان نهی از منکر را ندارد و مجبور است در دل خود نسبت به بدی‌ها ابراز انزجار کند و اگر به زبان بیاورد مورد اذیت و آزار قرار می‌گیرد و یا مورد سرزنش و مذمت قرار می‌گیرد و می‌بینی که والیان به اهل کفر نزدیک می‌شوند و به غیر مؤمن تمایل پیدا می‌کنند، اما مؤمنین را از خود طرد و دور می‌کنند. والیان را می‌بینی که رشوه می‌گیرند تا کاری را انجام دهند و تا آخر حدیث که خیلی مفصل است.^۴

علامات، فراوان است و همه این علامات به عنوان علائم غیر حتمیه است/ بعضی ممکن است تحقق پیدا کرده و بعضی به لطف خدا تحقق نیابد.

۱. شارت آمریکا و اسرائیل را نگاه کنید این‌ها شرّ است، کسی هم جلوی آن‌ها را نمی‌گیرد. اصحابشان هم عذر می‌آورند و بهانه‌تراشی می‌کنند، به افغانستان حمله می‌کنند، آدم‌کشی راه می‌اندازند، بعد می‌گویند این عدالت جاویدان است، برای دفاع از حقوق بشر، برای مبارزه با تروریست است.

۲. بحار الانوار: ۲۵۵/۵۲ به بعد.

۳. اخیراً در گزارشی می‌خواندیم یکی از این وابستگان گروهک‌های منافق اعلام کرده «چه زیباست که فساد در همه جا روزافزون شد، حتی خانواده‌های مومن، بچه‌هایشان به سمت فساد می‌روند و باید کاری کنیم که فساد بیشتر شود

۴. به جلد ۵۲ کتاب * نفح بحال * د

به هر حال این علائم که اتفاق بیفتند ما می فهمیم که به ظهور نزدیک می شویم اما این به این معنی نیست که هر وقت این علائم اتفاق بیفتند بعد از مدتی امام زمان علیه السلام بلافاصله خواهند آمد، البته علائم حتمیه در بعضی از روایات، زمانش هم ذکر شده که اگر آن علامت اتفاق افتاد، امام زمان چند سال بعد خواهد آمد ان شاء الله آن علائم را در بخش های بعدی شرح خواهم داد.

پروردگارا! در فرج امام زمان تعجیل بفرما و به وجود مقدسش ناامنی هایی که در مؤمنین ایجاد شده پایان بخش، جمعیت کفر را از هم بگسلان، جمعیت مؤمن را با هم متحد فرما، و پرچم «لا اله الا الله» را در اقصی نقاط عالم به اهتزاز درآور و ما را از یاران امام زمان قرار بده.

علائم ظهور حادث شده امام زمان علیه السلام

قبلاً درباره بعضی از علائم ظهور امام زمان مطالبی را تقدیم مشتاقان ظهور آن حضرت کردیم. گفتیم که بخشی از این علائم، بر اساس تقسیم بندی بعضی از علما و شخصیت‌ها، علائم غیر حتمی است که تاکنون تحقق پیدا کرده. و علائم حتمیه‌ای که هنوز تحقق خارجی پیدا نکرده و تا تحقق پیدا نکنند ظهور صورت نمی‌گیرد. در این قسمت به بعضی از علائم غیر حتمیه‌ای که واقع شده می‌پردازیم؛ بنابراین، این علائم جزو علائم حتمیه هم می‌تواند به حساب آید و این همان علائمی می‌باشد که در گذشته در کتب تاریخ و احادیث ذکر گردیده است.

علائم غیر حتمیه

از جمله این علائم: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «لا تقوم الساعة حتی یخرج نحو من ستین کذاباً کلهم یقولون أنا نبی»؛^۱ قبل از ظهور امام زمان علیه السلام ۶۰ نفر ادعای نبوت می‌کنند، این ادعاهای نبوت از زمان پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله تا قرن اخیر در تاریخ اتفاق افتاده است. اولین مدعی نبوت در عصر پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله مسیلمه کذاب بود و همزمان با او زنی به نام «سجاح» که او هم ادعای نبوت کرد. و همین طور، زمانی پس از آن افراد فراوانی که شاید تعداد آنها به این مقدار هم رسیده باشد، ادعای دروغین نبوت کرده‌اند تا به این عصر که فرقه ضالّه مضلّه بهائیت که رهبر آنها میرزا حسین علی بهاء، ادعای نبوت داشت، حتی در بعضی از گفتارش ادعای الوهیت هم به چشم می‌خورد.

علامت دیگر این که امام صادق علیه السلام می فرمایند: «لا یخرج القائم حتی یخرج اثنا عشر من بنی هاشم کلهم یدعو الی نفسه»؛^۱ ۱۲ نفر که همگی سید هستند، با این که ساداتند اما به دروغ ادعای امامت می کنند. در قرن اخیر، محمد علی باب، رهبر فرقه ضاله بایبه از جمله آنان است. این ها را علما در کتب خود به عنوان علائم ظهور مطرح کرده اند.

خرابی خانه کعبه

علامت دیگری که در ارتباط با ظهور امام زمان و پیش از ظهور حضرتش ذکر کرده اند، خراب شدن خانه کعبه است. در اخبار داریم که از جمله علائم ظهور این است که خانه کعبه خراب می شود و حجرالاسود به کوفه منتقل می شود. این داستان هم اتفاق افتاده است؛ در سال ۳۳۷ هجری قمری «قرامطه» یا همان اسماعیلیه، خانه کعبه را خراب کردند و حجرالاسود را به کوفه منتقل کردند. جعفر بن محمد بن قولویه استاد مرحوم شیخ مفید علیه السلام می گوید: من وقتی دیدم حجرالاسود را به کوفه منتقل کردند و بعد از فرونشاندن غائله قرامطه، آن را به سمت کعبه برگرداندند تا در کنار خانه کعبه قرار گیرد، می دانستم که حجرالاسود را باید معصوم سر جای خود بگذارد و الا در جای خود قرار نمی گیرد این حادثه دو بار تکرار شد؛ یک بار قبل از بعثت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله به خاطر سیلی که در گرفت و خانه کعبه را که در یک نقطه فرورفتگی است خراب کرد و حجرالاسود از جای خودش افتاد و پس از آن که خواستند حجر را پس از بنای جدید در جای خود بگذارند، بین قبایل اختلاف شد و سنگ هم بر جای خودش قرار نمی گرفت، به هر حال امر آن چنان شد که وقتی حضرت محمد صلی الله علیه و آله وارد مسجد الحرام شد، همه گفتند اگر او سنگ را سر جای خود بگذارد همه قبول داریم و رسول اکرم صلی الله علیه و آله سنگ را در جای خودش قرار داد آن هم با شرایط و تفصیلاتی که در تاریخ آمده است. بار دیگر، در زمان هشام بن عبدالملک

بود که برای دستگیری عبدالله بن زبیر، فتنه ایجاد شد و بخشی از خانه کعبه خراب گردید و حجرالاسود از جای خودش فرو افتاد، آن‌گاه که خواستند آن را بر جای خود قرار دهند، چندین بار این کار را انجام دادند اما حجرالاسود به جای خودش قرار نگرفت تا آن‌که امام زین العابدین علیه السلام آمدند با دو دست مبارکشان، حجرالاسود را در جای خود قرار دادند.

جعفر بن محمد بن قولویه می‌گوید: چون می‌دانستم که حجرالاسود باید به دست معصوم در جای خودش قرار گیرد من به اشتیاق دیدار امام زمان به راه افتادم و گفتم کسی که آن را نصب می‌کند خود آن حضرت است. به هر حال به سمت مکه بار سفر بستم. در بین راه مریض شدم و دیدم نمی‌توانم برسم، فردی را به نام هشام به نمایندگی انتخاب کردم و یادداشتی به او دادم و سؤالاتی از امام زمان علیه السلام کردم. او برای این‌که صحنه نصب حجرالاسود را ببیند و هم زیارت آقا را انجام دهد و هم پیغام مرا تقدیم کند، رفت مقداری به آن مأمورین و خدام بیت الحرام پول داد تا به او اجازه دهند که با جمعیت باشد. هشام می‌گوید رفتم نگاه کردم فردی که سنگ را نصب می‌کند چه کسی است. چشمم به جمال نورانی جوانی افتاد که آمد، سنگ را به آرامی در جای خود قرار داد. جمعیت را شکافتم و بحمدالله به این توفیق رسیدم و قبل از آن‌که نامه را به دست امام زمان علیه السلام بدهم، حضرت مطلب نامه و جواب نامه را دادند، از جمله سؤالات جعفر از امام زمان این بود که من سخت مریض هستم و می‌ترسم که از دنیا بروم و به زیارت شما نرسم. امام علیه السلام قبل از خواندن نامه فرمودند ۳۰ سال دیگر زندگی می‌کند، به او بگو که نگران نباشد و همین‌طور هم شد؛ بنابراین خانه کعبه براساس این نقل خراب شد و حجرالاسود از جای خود منتقل شد و به عنوان یکی از علائمی که اتفاق افتاده به حساب می‌آید.

خراب شدن شهر بغداد

علامت دیگر خراب شدن شهر بغداد است، بغداد شهر قدیمی است و در آن عمران و آبادی بسیار صورت گرفت. امیرالمؤمنین علیه السلام وقتی بعد از جنگ صفین از

بغداد عبور می‌کرد، خطاب کرد به بغداد: ای بغداد که ساختمان‌های مرتفعی پیدا خواهی کرد و قصرهای تو همانند بال‌های طاووس زیبا خواهند شد، ولی پس از مدتی همانند نمک حل خواهی شد و از بین خواهی رفت. نبوقنطوره (که منظور همان مغول هستند) به تو حمله خواهند کرد و تو را از بین خواهند برد. این طور هم شد، هلاکو خان مغول به شهر بغداد حمله کرد و بغداد را ویران کرد. این هم جزو علائمی است که اتفاق افتاده است.

قبه‌های حمراء

علامت دیگری که در بعضی از روایات به آن خبر داده شده این است که ساختن گنبدهای سرخ یا گنبدهای رنگین که شاید منظور ساختن گنبدهای مشاهد مشرفه باشد که در شهرهای مختلف بنا شده است.

البته تذکر این نکته خالی از لطف نیست که همه آثار و علائم ظهور، حوادث بد و منفی محسوب نمی‌شوند، بلکه بعضی از حوادث خوب هم به عنوان علائم ظهور به حساب می‌آیند و بعضی هم علائم منفی؛ از جمله در روایت وارد شده است که مساجد آباد می‌شود و مزین به زینت‌ها می‌شود، قرآن با چاپ زیبا مزین می‌شود، مناره‌های مسجد مرتفع می‌شود، اما از آبادی و عمران و عبادت خالی می‌شود. این‌ها جزو علائمی است که اتفاق افتاده است لذا می‌توانیم از آن‌ها به عنوان علائم حتمیه یاد کنیم.

علامت دیگر

علامت دیگر این که درباره آیه شریفه که می‌فرماید: «وَلَسَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ»^۱ راوی می‌گوید: خدمت امام صادق (ع) نشسته بودیم که مسأله ظهور دولت اهل بیت (ع) بحث شد، گفتم: یا بن رسول الله! این ظهور کی صورت خواهد پذیرفت و آیا

مشکلاتی که می‌گویند پدید خواهد آمد؟ فرمود: این آیه شریفه را دقت نکردید (قریب به این مضمون) که می‌فرماید «و لنبلونکم...» شما مؤمنین را حتماً می‌آزماییم، آزمایش و امتحانات می‌کنیم «بشیء من الخوف» با ترس؛ منظور از ترس، ترس از حکام جور و فساد است. جور آن‌ها، دل‌های مردم را می‌لرزاند و می‌ترساند، خوف آن‌ها برای سلطه شیطانی‌شان همه جا را می‌گیرد «والجوع» گرسنگی، گرسنگی به خاطر گرانی‌ها و بالا بودن نرخ‌ها در بعضی از اماکن و بلاد «و نقص من الاموال» اموال کم می‌شود، منظور چه بسا به خاطر تجارت‌های سیاه و سلطه استعمار اقتصادی، منافع بعضی از دولت‌ها به خصوص منافع ملت مسلمان کم می‌شود، منفعت طلبان جهانی و استعمارگران، سلطه‌جویی اقتصادی بکنند «والانفس» نقص در جان، منظور مرگ‌های سریع است؛ یعنی مرگ‌های زودرس، مرگ‌های ناگهانی و سگته‌ها زیاد می‌شود و آخر آیه که می‌فرماید «و بشر الصابرين» منظور این است که به منتظران ظهور مژده دهید که وقتی این حوادث اتفاق افتاد، ان شاء الله ظهور هم کم کم صورت خواهد پذیرفت.^۱

در حاکمیت جور و فساد که یکی از علائم ظهور امام زمان است بحث‌های زیادی در روایت‌ها شده است، همان طوری که می‌فرماید: «يَمْلَأُ اللهُ الْأَرْضَ قِيسَطًا وَعَدْلًا بَعْدَ مَا مَلِئَتْ ظُلْمًا وَجَوْرًا» این نکته به وضوح از آن فهمیده می‌شود که ظلم و جور زمین را پر می‌کند.

در روایتی از رسول خدا ﷺ نقل شده که پرسیدند: وضعیت آخرالزمان چه خواهد شد؟ حضرت فرمودند: نماز را در اول وقت بر پا نمی‌کنند، به شهوات و خوردن شراب روی می‌آورند، به پدر و مادر دشنام می‌دهند، زکات دادن را ضرر مالی می‌دانند، حاکمیت به دست بانوان می‌افتد، مردان مطیع محض زنان خواهند شد،^۲ به همسایه‌ها جفا می‌کنند. قطع رحم صورت می‌گیرد، صله رحم کم می‌شود،

۱. کمال الدین: ۲/۶۵۰ و ص ۵۱ چشم انداز.

۲. البته این قابل توضیح است که در زمینه‌هایی که آن‌ها صاحب نظرند بحثی دیگر است. اما اطاعت محض حاکمیت از اراده زنان یا حاکمیت به دست زنان بیفتد مقوله دیگر است که قطعاً با توجه به بزرگی‌های جسمی و روحی زنان این وضع موجب فساد جامعه خواهد شد.

دل‌های بزرگان از رحم و مروت خالی می‌شود، حیای کوچک‌ترها کم می‌شود، امارت‌ها را محکم می‌سازند، به خدمتگزاران جفا می‌شود، شهادت دروغ زیاد می‌شود، حکام رشوه می‌خورند، بی‌حیایی، بی‌عفتی رایج می‌شود، مردان به لباس زنان و بالعکس، زنان به لباس مردان در خواهند آمد. معاصی آشکار، و مردم به مهم‌ترین امور دین سهل‌انگار می‌شوند و امور مهم دین برای آن‌ها چیز مهمی نیست و سهل و سبک به نظر می‌رسد، نسبت به دین بی‌توجه می‌شوند و مالشان را در راه غنا و حرام صرف می‌کنند... تا آخر حدیث.

این‌ها نشانه‌هایی است که برای دوره آخرالزمان ذکر شد و جزو علائم ظهور حضرت محسوب می‌گردد. در حدیث دیگری که مفهوم بسیار مهمی دارد از رسول خدا ﷺ راجع به همین مسائل پرسیدند که هنگام ظهور، ویژگی آخرالزمان که شما می‌فرمایید چیست؟ حضرت بیان فرمودند: «کیف بکم اذا فسد نساءکم؟» چه وضعی پیدا خواهید کرد آن وقت که زنانتان فاسد شوند «فسق شبابکم» جوانانتان هم فاسق شوند. «ولم تأمروا بالمعروف ولم تنهوا عن المنکر»؛ شما هم امر به معروف و نهی از منکر نمی‌کنید و فساد و بی‌عفتی بالا می‌گیرد. «فقیل له: ویکون ذلك یا رسول الله؟» آیا چنین می‌شود که جنایت صورت گیرد و ما هیچ نگوئیم؟

حضرت فرمودند: «نعم و شر من ذلك، کیف بکم إذا أمرتم بالمنکر ونهیتم عن المعروف»^۱ آری بلکه بدتر از آن، مردم را می‌بینید که به منکرات و کارهای خلاف فرمان می‌دهند، از کارهای خوب هم جلوگیری می‌کنند، گفتند: ای‌کون ذلك؟ آیا این‌گونه خواهد شد؟ فرمود: «نعم و شر من ذلك کیف بکم إذا رایتم المعروف منکراً والمنکر معروفاً»^۲ آری بدتر از این. چه خواهید کرد زمانی بیاید که معروف و منکر جایشان عوض شود، چیزهایی که به عنوان منکر بود مردم آن را به عنوان معروف بدانند و چیزهایی که معروف بود به عنوان منکر بدانند؟

آیا فکر نمی‌کنید که در گوشه و کنار، همین الآن، این‌طور احساس می‌شود؟

۱. بحارالانوار: ۱۸۱/۵۲.

۲. بحارالانوار: ۱۸۱/۵۲.

این‌ها جزو علائم ظهور است، البته به این معنی نیست که حال که این‌ها اتفاق افتاده، پس امام زمان علیه السلام حتماً به زودی خواهند آمد، من قبلاً هم توضیح دادم این جزو علائم دوره آخرالزمان است، این را به این جهت عرض می‌کنم که حوادثی که اتفاق افتاده، بیانگر علم ائمه علیهم السلام نسبت به آینده است، چرا که همه متصل به علم الهی هستند، این همه دال بر حقانیت ائمه ماست، که قبل از این‌که حوادث اتفاق بیفتد، این‌ها باخبرند. بنابراین ما باید در اعتقادمان نسبت به آنچه که آن‌ها راهنمایی کردند و به ما دستور دادند، در آینده حتی اگر اتفاق نیفتاده باشد و دستورات دینی که دارند باید یقین پیدا کنیم. این‌ها همه نشانه‌هایی است برای این‌که اهل بیت نبوت بر حق هستند و اطاعت حرفشان به منزله اطاعت از اوامر الهی است و ما باید از آن‌ها تبعیت کنیم. ضمناً حوادثی که اتفاق افتاده، باید برای ما هشدار باشد که آقا و مولای ما خواهد آمد و ما خود را برای آن روزی که امام زمان علیه السلام ظهور خواهد کرد آماده کنیم. زمینه را برای پذیرش وجود مقدس امام زمان آماده کنیم، نکند وضعیت جامعه به گونه‌ای بر ما اثر بگذارد که وقتی امام زمان آمد در پذیرش او تردید کنیم. در بعضی از روایات این‌طور آمده «یأتی بدین جدید» از بس جامعه با دین فاصله می‌گیرد همان‌طور که در حدیث فوق آمد: معروف، منکر و منکر، معروف می‌شود. امام زمان علیه السلام وقتی آمد و حرف‌های اسلام را گفت، می‌گویند این‌ها حرف جدید است. ما این چیزها را در اسلام نداریم، این قدر در افکار دینی و عقاید مردم دگرگونی ایجاد می‌شود که قبول اسلام راستین مشکل خواهد شد، خداوند ان شاء الله به قدرت حکمت و فضل و کرم خودش وجود امام زمان علیه السلام را از جمیع بلیات محفوظ بدارد و به زودی پرده از رخسار او بردارد و دین خودش را به دست او در دنیا حاکم گرداند و جلوی شر و فساد و حاکمیت جور و ستم را بگیرد و دنیا را پر از عدل و داد کرده، ما را جزو سربازان آن حضرت قرار بدهد.

فتنه دجال

در گذشته پیرامون بعضی از علائم غیر حتمیه تحقق یافته ظهور امام زمان علیه السلام صحبت کردم، یکی دیگر از علائم حتمیه‌ای که توسط اهل بیت علیهم السلام بسیار از آن، صحبت به میان آمده است، خروج دجال است. در این مورد نکاتی را تقدیم حضور شما مشتاقان ظهور می‌کنم:

یکی از علائم حتمی، ظهور دجال است که مدتی قبل از ظهور امام زمان تحقق پیدا خواهد کرد. دجال با وضعیتی که دارد و با موقعیتی که او در آن زمان خروج می‌کند، وسیله‌ای برای آزمایش مؤمنین است و در حقیقت ابزار جدا شدن مؤمنین از غیر مؤمنین است، آن‌هایی که ایمانشان ضعیف است یا رابطه خوبی با خدا و حقیقت ندارند، جذب دروغ‌های این کذاب می‌شوند. در زمانی که دجال ظهور می‌کند هم از نظر مشکلات و قحطی و هم از نظر فساد، جامعه وضعیتی پیدا می‌کند که بعد از حضرت آدم بی نظیر است. درباره خصوصیات دجال در روایات نشانه‌هایی داده شده، دجال یک آدمی است که از نظر جثه، آدمی بسیار عجیب، یکی از چشمان او کاملاً بسته و مسح شده است و چشم دیگرش بر پیشانی‌اش قرار دارد و مثل ستاره نور می‌دهد و درخشش دارد... به گونه‌ای خاص حرکت می‌کند، با سحر بسیار عجیبی که دارد همه را جذب خود می‌کند و با توجه به قحطی و گرسنگی که وجود دارد، قدرت ساحریت دجال به گونه‌ای وانمود می‌کند که دو کوه را به همراه خود دارد، یک کوه از نان و یک کوه دیگر به صورت چشمه آبی به نظر می‌رسد که موجب می‌شود افراد را به دنبال خودش بکشاند. همه جا سر می‌کشد و به همه جا می‌رود، الا به دو شهر مقدس مکه و مدینه که به این دو شهر

نمی‌تواند وارد شود و اما به بقیه اماکن قدرت ورود دارد و آن گونه که دربارهٔ فساد گفته شد و دربارهٔ قحطی و مشکلات، دجال به سبکی حرکت می‌کند که همهٔ مفسدین به دنبال او به حرکت می‌افتند. در روایات آمده که یهود جزو کسانی هستند که به دنبال دجال در حرکتند، افرادی که از راه خلاف شرع به دنیا آمده‌اند، افرادی که اهل فسق و فجور هستند، ساحران و جادوگران، همه به دنبال دجال در حرکتند و دیگران را به دنبال خودشان می‌کشانند، با ساز و تنبور و دستگاه‌های غنا و عیاشی، افراد طرفدار عیاشی و هوس را به دنبال خودشان حرکت می‌دهند. جمع آن‌ها، جمع فاسدان و فاسقان و نابکاران و بوالهوسان است. به هر حال این وضعیت دجال است و کسانی که با او در حرکتند، جزو اصحاب اویند.

مطلب دیگری که در روایات نقل شده این است که بر پیشانی دجال به عبارت روشن نوشته شده «هذا کافر حقاً» این به حق کافر است، به گونه‌ای که همه می‌توانند بخوانند، اما در عین حال، آنان که بی‌مبالاتند و به دنبال شکم و شهوتند، با این که می‌بینند چنین چیزی بر پیشانی او به وضوح نوشته شده، در عین حال از او روی بر نمی‌گردانند و همچنان به دنبال او حرکت می‌کنند و او آن‌ها را سیر می‌کند، هم خواسته‌های شکم و هم خواسته‌های شهواتشان را بر آورده و اشباعشان می‌کند و آن‌ها را به دنبال خود دارد. اولین بار ادعای نبوت و پیامبری می‌کند و کسانی که به دنبال او حرکت کرده، حرف او را اطاعت می‌کنند و پس از آن ادعای خدایی می‌کند و با ندای بلند، ندا در می‌دهد «یا اولیائی انا ربکم الاعلیٰ؛ ای دوستان من! من پروردگار برتر شما هستم»، و با این وضع ادعای خدایی خود را به اطلاع این و آن می‌رساند. با چنین ادعایی افراد را به دور خودش جمع می‌کند، مشکلات فراوان را برای مردم ایجاد می‌کند و سرانجام زمانی که حضرت عیسی علیه السلام به هنگام ظهور امام زمان علیه السلام ظهور می‌کند و در رکاب امام زمان قرار می‌گیرد و پشت سر امام زمان نماز می‌خواند، دجال ملعون به دست عیسی مسیح علیه السلام - علی نبینا و آله و علیه الصلوة والسلام - به قتل می‌رسد و یا به قولی به دست حضرت حجّت کشته می‌شود و فتنه او پایان می‌پذیرد. اما دربارهٔ دفع شرش حدیثی وارد شده است از قول ابوامامه از نبی مکرم

اسلام که رسول خدا ﷺ فرمود: برای دفع شرّ دجال و برای ابطال سحر دجال، هرکسی که او را دید اگر آب دهان بر رویش بریزد و دوبار سوره حمد بخواند سحر او خنثی می شود و سحرش نسبت به این شخص کارگر نمی افتد. حالا این تعبیر روایات است که در کتابها نقل شده است.

اما در مورد خود دجال که بحث های زیادی در کتاب های اعتقادی شده، نکاتی را به عرض می رسانم؛ در بعضی از روایات آمده که دجال در عصر پیامبر اکرم ﷺ متولد شده، در کتب اهل سنت روایات زیادی است که دجال در عصر رسول خدا متولد شد و الآن زندگی می کند، لکن در زنجیر است و می گویند وقتی او در مکه متولد شد حضرت رسول رفتند به آنجایی که او ولادت یافت و او را دید و نبوت خود را به او عرضه کرد اما او نپذیرفت و همان جا ادعای نبوت کرد و حضرت او را لعنت کرد و دیگران را به لعن او امر کرد و هشدار داد که از او پیروی نکنند.

با توجه به نکاتی که در طول مطالبم گفتم که دجال به همه شهرها وارد می شود إلا شهر مکه و مدینه، معلوم می شود که حدیث فوق منقول از اهل سنت با احادیث قبلی قابل جمع نیست. چون اینجا می گوئیم در مکه متولد شد و رسول خدا ﷺ در آنجا حضور پیدا کرد، اما در آن حدیث می گوید به همه شهرها وارد می شود إلا شهر مکه و مدینه. بنابراین حدیث اول یا از نظر سلسله حدیث یا از نظر روایت یا از نظر مأخذ خیلی قابل اعتماد نیست.

عجیب است اهل سنتی که می گویند دجال در زمان پیغمبر اکرم ﷺ متولد شد و همچنان زنده است تا ظهور مهدی موعود ﷺ، نسبت به عمر طولانی امام زمان ﷺ تردید می کنند.

معنی لغوی دجال

اما لفظ دجال از نظر لغوی به معنای دروغگو، کذاب و خیله گر است و ممکن است این که پیغمبر اکرم ﷺ فرمود دجال یا آن دجالی که اسم او را گفتند، صائد بن صید بود و در عصر پیغمبر اکرم ﷺ متولد شد، یکی از آن کذابها و مدعیان دروغین

نبوت و رسالت بوده و در حدیث دیگری باز از رسول خدا نقل شده که فرمود: «لا تقوم الساعة حتى يخرج ثلاثون دجال کلهم یزعمون انه رسول الله؛^۱ تا روز قیامت شود ۳۰ نفر به عنوان دجال قیام می‌کنند، همه هم ادعای نبوت می‌کنند.» شاید منظور از دجال همان معنای لغوی آن است و مدعیان دروغین نبوت از جمله آن دجال مورد بحث ماست، یا در روایت دیگری از رسول خدا ﷺ نقل شده که حضرت در جواب یکی از اصحاب که پرسید: «فوصفه لنا رسول الله؟» یا رسول الله! دجال را برای ما توصیف کن، فرمود: «لعله سیدرکوا بعض من رأی او سمع کلامی؛ بعضی که مرا دیدند و کلام مرا شنیدند شاید دجال را ببینند؛ یعنی دجال در عصر پیغمبر یا بعد از ایشان وجود داشته است، این هم ممکن است همان مفهوم لغوی دجال باشد، یعنی حيله گران و دروغگویان، چه بسا آنانی که ادعای جانشینی پیغمبر را کردند، ادعای دروغین خلافت رسول الله را کردند. ممکن است بنی امیه مورد نظر باشد که چقدر مردم را به دنبال خود کشاندند و ادعای دروغین کردند و حرف‌های بسیاری برای اغوای این و آن زدند، چقدر بیت المال را در اختیار دیگران قرار داده، تا آن‌ها را به سمت خودشان بکشاند، چقدر لهو و لعب و شرابخواری به راه انداختند، شاید منظور پیغمبر اکرم ﷺ از دجال همین‌ها باشند.

دجال در کتب آسمانی

با عنایت به معنای لغوی کلمه دجال و مفهوم دجال بودن، در کتب آسمانی دیگر؛ از جمله در کتاب عهد جدید یعنی انجیل مسیحیان هم زیاد از آن صحبت شده، در انجیلی که اکنون در اختیار مسیحیان است، در جاهای مختلفی مفهوم دجال آمده است، در فرهنگ مسیحیان، دجال را به عنوان «آنتی کریست» (دشمن مسیح) می‌نامند و در ادبیاتشان هم زیاد به کار می‌رود و با توجه به روایات زیادی هم که ما داریم که حضرت مسیح - علی نبینا و آله و علیه الصلاة والسلام - او را خواهد کشت، تا حدودی

فرهنگ‌ها در مورد دجال به هم نزدیک می‌شوند. پس به عنوان فرهنگ عمومی، در میان مذهب‌یون از گذشته تا حال در آمده است. و اگر همه این مفاهیم را توجه کنیم ممکن است دجال به معنای لغوی باشد، دجال‌های متعدد، کسانی باشند که سر راه مؤمنین دام‌هایی بگذارند، تهدید و تطمیع کنند، جامعه را به فساد بکشانند و ادعای دروغین بکنند. این‌ها با آن دجالی که در آستانه ظهور امام زمان علیه السلام خروج خواهد کرد قابل جمع است، زیرا همه این‌ها ممکن است صحیح باشد و نیز در عصر و در آستانه ظهور و یا کمی قبل از ظهور حضرت امام زمان آن دجال ملعون معهودی که ذکرش در کتاب‌ها هست و ابتدا درباره خصوصیاتش صحبت کردیم می‌آید و فتنه و فساد خواهد کرد. انسان‌های ضعیف‌الایمان و شکم‌باره و شهوت‌پرست، به دنبال او حرکت می‌کنند که شر و فتنه او به وسیله امام زمان و یاران امام و حضرت مسیح از دنیا ریشه کن خواهد شد و مؤمنین از عذاب‌ی که او ایجاد می‌کند نجات پیدا می‌کنند. بنابر توضیحاتی که داده شد هم باید از این نظر یعنی معنای لغوی دجال و روایاتی که تعداد دجال را منحصر به همان نمی‌دانند و او را از جمله مصادیق بارز دجال می‌دانند مورد توجه قرار داد. آدم باید حساب کند که در همه زمان‌ها کسانی در دنیا هستند که ادعای دروغین دارند، الآن شما استکبار جهانی را در نظر بگیرید، در ظاهر به وسیله هواپیماها برای مردم مظلوم افغانستان نان و غذای فاسد می‌ریزند، اما از آن طرف ببینید که بمب‌های خوشه‌ای هم می‌ریزند. می‌خواهد مردم را فریب بدهند که من نان و تغذیه می‌دهم، من دفاع از حقوق بشر می‌کنم، ما مخالف تروریسم هستیم و... این‌ها همه دروغ است، این‌ها خوی دجال‌گری است، باید در این گیر و دار دروغ‌بافی‌های دجال‌های این عصر و زمان، هشیار باشیم در دام دجال‌ها نیفتیم و انحراف پیدا نکنیم، راه حق را از راه باطل تشخیص دهیم که ان شاء الله خداوند در زمان حیات ما ظهور پر نور امام زمان علیه السلام را محقق بسازد و ما را به عنوان مستظران واقعی‌اش محسوب بدارد و از یاران و انصار امام زمان علیه السلام و سربازان رکابش قرار دهد.

علائم حتمیه در آستانه ظهور امام زمان عج

در بحث‌های گذشته پیرامون علائم ظهور حضرت حجت عج مطالبی را به عرض رساندیم و آثار و فواید عقیده به این علائم ظهور را مطرح کردیم. امروز به بعضی از علائم حتمیه ظهور امام زمان عج اشاره می‌کنیم.

خسوف و کسوف

از جمله علائم حتمیه‌ای که برای ظهور امام زمان عج ذکر شده، خسوف و کسوفی است که در وسط و آخر ماه رمضان سالی که امام زمان ظهور می‌کند اتفاق می‌افتد. در روایتی از امام باقر عج نقل شده است که فرمودند: در ماه رضانی که امام زمان در آن سال یا سال‌ها ظهور می‌کند، کسوف است؛ یعنی آفتاب گرفتگی اتفاق می‌افتد و این آفتاب گرفتگی در آخر ماه است و ماه گرفتگی هم در وسط ماه رمضان می‌باشد. مردی از آن میان پرسید: یا بن رسول الله! تاکنون حادثه کسوف و خسوف غیر از این بود، معمولاً کسوف در آخر ماه و خسوف در اوایل یا اواسط ماه اتفاق می‌افتد اما این خبر شما برخلاف آن را اعلام می‌کند. فرمودند: بله، من به این معنی واقفم، این‌گونه خسوف و کسوف از زمان حبوط آدم تا آن روز اتفاق نمی‌افتد. معیارهای منجمین به هم می‌ریزد، این یکی از علائمی است که قبل از ظهور امام زمان عج اتفاق می‌افتد که نشانه حقانیت ادعای امام زمان است.

خروج موافقان و مخالفان

علامت دیگر، خروج موافقان و مخالفان است. در روایات، خروج قیام‌هایی که

در آن عصر اتفاق می افتد ذکر شده است؛ از جمله خروج سید حسنی، آن گونه که در روایات ذکر شده، سید جلیل القدری که از اولاد امام مجتبی علیه السلام است از منطقه دیلمان و گیلان فعلی و قزوین و این حومه ها قیام می کند. او انسان شایسته و مؤمنی است که قیام او به حق است و مردم را به دین آل محمد صلی الله علیه و آله دعوت می کند، ادعای نیابت امام زمان را ندارد، بلکه ادعای حقانیت مذهب تشیع را دارد و دعوت کننده مردم به امامت امام زمان است. وقتی خروج و قیامش آغاز می شود، مردم ستم دیده و مؤمن به او گرایش پیدا می کنند، به خصوص در روایات آمده است: «فتجیبه کنوز الله بطالقان؛^۱ گنج های طالقان از او اجابت می کنند».

بعد امام فرمود: منظور از این گنج ها، طلا و نقره نیست، انسان های مؤمن و شایسته ای است که به عنوان سلحشوران آماده به میدان، در خدمت این سید بزرگوار حسنی قرار می گیرند و به یاری دین خدا می شتابند. این گروه قیام کننده به رهبری این سید بزرگوار قدرت را به دست می گیرند، فساد و جور را در محیطی که قیامشان به آنجاها می رسد ریشه کن کرده تا خود را به کوفه می رسانند، کفار و منافقان و بدکاران را قلع و قمع می کنند، وقتی به کوفه می رسند به آن ها خبر می رسد که امام زمان ظهور کرده است و این سید بزرگوار حسنی به محضر امام زمان علیه السلام شرفیاب می شود و خودش این حقیقت را در می یابد که او امام زمان است اما برای این که پیروان کثیری که به همراه او هستند برای آن ها نیز امر را روشن کند به محضر امام زمان اظهار می کند: «إن كنت مهدي آل محمد فأين هراوة جدك رسول الله صلی الله علیه و آله وخاتمه وبردته ودرعه الفاضل وعمامته السحاب وفرسه اليربوع وناقته العضباء وبغلته الدلدل؛^۲ اگر تو مهدی موعود آل محمد صلی الله علیه و آله هستی، او نشانه هایی دارد، از جمله نشانه های او خاتم و انگشتری جدش رسول خداست و ردای او، زره، عمامه و مرکب او نیز چنین است»، اگر شما همان موعودی هستی که خدا وعده داده، این نشانه ها کجاست؟ امام زمان علیه السلام نشانه هایی که او می گوید را ارائه می دهد. در نتیجه همه

۱. بحار الانوار: ۱۵/۵۳.

۲. همان.

پیروان او به حقانیت امام زمان علیه السلام معترف می شوند و ایشان جلو می رود و تقاضا می کند که امام زمان دستش را دراز کند تا او با ایشان بیعت کند و چنین می شود. بیعت او و پذیرش و اثبات حقانیت امام زمان باعث می شود که همه پیروان این سید بزرگوار که طرفداران حقّ اند به امام زمان ایمان آورده و جزو یاران امام زمان شوند. لکن عده‌ای که در روایات گاهی تعدادشان هم ذکر می شود، حدود چهل هزار نفر یا چهار هزار نفر انسان‌هایی که وضعیت ظاهری آن‌ها بسیار روشن و وضع ظاهری متدینین را دارند، قرآن‌ها بر گردنشان آویزان است، اما درست مثل خوارج نهروان که در مقابل امیرالمؤمنین علیه السلام قرار گرفتند، به امامت امام زمان علیه السلام اعتراف نمی‌کنند، که به قولی، همه از فرقه زیدیه هستند و در نتیجه امام زمان علیه السلام آن‌ها را ارشاد و هدایت می‌کند اما آن‌ها هدایت امام را نمی‌پذیرند، در نتیجه در جنگی که بین آنان و یاران امام زمان به وجود می‌آید همگی کشته می‌شوند.

خروج یمانی و خراسانی

از قیام‌های دیگری که به موازات خروج و قیام موافقان و حمایت کنندگان امام زمان صورت می‌گیرد خروجی است که از صنعای یمن و از خراسان است، این دو قیام و این دو قیام‌کننده و دو جریان به عنوان پشتیبان یکدیگر هستند. قیامی که از یمن و صنعای شروع می‌شود، رهبری آن را فردی به نام حسین یا حسن به عهده می‌گیرد و رهبری قیام مردم خراسان یا از محیط خراسان را فردی به نام شعیب بن صالح به عهده دارد. این دو جریان از محیط قیام خودشان به سمت عراق و حجاز حرکت می‌کنند، آن‌گونه که از این روایات فهمیده می‌شود، قیام یمانی که انسان‌های شایسته‌ای هم در اطراف او هستند در حقیقت به پشتیبانی قیام خراسانی که آن‌ها هم از طرفداران امام زمان و مذهب حقه هستند انجام می‌گیرد. این دو قیام به عنوان حمایت از امام زمان و حمایت از مذهب جعفری و تشیع و به عنوان حمایت از حق و مخالفت با باطل است.

خروج سفیانی

در آن عصر و زمانی که متأسفانه خیانت و خبثت و کفر و نفاق دامن گیر می شود این حرکت های رهایی بخش الهی و حق طلبانه است که انسان های شایسته و صالح را با خود هماهنگ می کند، این دو قیام با حمایت یکدیگر در برابر خروج مخالف حقانیت؛ یعنی خروج دیگری که خروج و قیام باطل است و به نام خروج سفیانی است قد علم می کنند و با حمایت یکدیگر در برابر سفیانی می ایستند.

سفیانی کیست؟ او شخصی است که طبق روایات به عنوان عثمان بن عنبسه، از نسل یزید بن معاویه - علیهماالهاویه - بد منظر، آبله رو، کبود چشم است که از وادی یابس بین مکه و شام خروج می کند، به سرعت پنج شهر دمشق، حمص، قنسرین، فلسطین و اردن را می گیرد و با سپاهی عظیم به کوفه می آید. به طوری که در روایات ذکر شده او «ابن آكلة الاکباد؛ از نسل هند جگرخواره است». او انسانی است که مورد حمایت شیطان است.

صیحه آسمانی

یکی دیگر از علائم ظهور را صیحه آسمانی ذکر می کنند، این صیحه دو گونه است؛ یکی صیحه آسمانی حق طلبانه ای است که صاحب آن صیحه و فریاد آسمانی، جبرئیل امین - علیه الصلوة والسلام - است که فریاد بلند می کند: «الحق مع علی و شیعه؛ حق با علی بن ابیطالب و پیروان اوست».

این ندا را شرق و غرب عالم می شنوند، اما شیطان از آسمان ندا می زند «الحق مع عثمان و شیعه» حق با عثمان بن عنبسه یعنی همان سفیانی ملعون است. و در روایت دیگر است که شیطان در آسمان ندا می کند و خیلی ها ندایش را می شنوند و به آن ها می گوید که پروردگار شما در وادی یابس که بین شام و حجاز است حضور پیدا کرده، به سوی او بشتابید؛ طرفداران باطل، طرفداران دنائت و پستی و کفر به سمت او می روند و ندای شیطان را شیطان پرستان و مریدان شیطان گوش می دهند و به سمت او می روند، در نتیجه خروج سفیانی از وادی ای به نام «وادی یابس» است،

سپاهیان‌ش به سمت عراق می‌آیند در محیط کوفه و نجف کشتاری بی‌رحمانه ایجاد می‌کند، شخصیت‌ها را می‌کشد، بی‌عفتی‌ها به راه می‌اندازد. در روایتی از امام صادق علیه السلام نقل شده: «کأني بالسفياني أو بصاحب السفیاني قد طرح رحله في رحبتكم بالكوفة فنادی منادی من جاء برأس شيعة علي فله ألف درهم فثبت الجار علي جاره ويقول: هذا منهم فيضرب عنقه ويأخذ ألف درهم؛^۱ گویا یاران سفیانی را می‌بینیم که به کوفه آمدند و آنجا رحل اقامت افکندند، و منادی سفیانی فریاد بلند می‌کند که هر کس سر یک شیعه علی بن ابیطالب را بیاورد هزار درهم به او می‌دهند، همسایه‌ها پیش سفیانی می‌روند و می‌گویند که همسایه ما شیعه است. سفیانی‌ها می‌آیند، دستگیرشان می‌کنند و گردن شیعه را می‌زنند و آن اطلاع دهنده خبیث هم هزار درهم خود را می‌گیرد»، این ناامنی سراسر محیط کوفه و عراق را می‌گیرد.

در این زمان است که امام زمان علیه السلام ظهور می‌کند، با ندایی که فرشته خدا، جبرئیل امین سر می‌دهد و همه این‌ها را می‌شنوند. امام زمان به سمت کوفه می‌آید. سفیانی ملعون، لشگریان و سربازان خود را دو دسته می‌کند، یک دسته را به سمت شام رهسپار می‌کند و خود در میان آنان قرار می‌گیرد و دسته دیگر را به سمت مدینه می‌فرستد و در مدینه مؤمنین را قتل عام می‌کنند، از مدینه به سمت مکه می‌رود. در نزدیکی مکه وقتی سپاهیان‌ش رسیدند در یک نقطه‌ای به نام بیداء، به زمین فرو می‌روند و این خود از علائم حتمیه ظهور است.

فرو رفتن سپاه سفیانی در بیداء

فرو رفتن سپاه سفیانی در بیداء جزو علائم حتمیه است و تا این‌ها اتفاق نیفتند امام زمان ظهور نمی‌کند، این‌ها جزو علائم ظهور است که به عنوان علائم روشن کننده و آیات باهرات است که مؤید صدق ادعای امام زمان علیه السلام است، امام زمان و یارانش برای سرکوب سفیانی که به سمت شام می‌روند حرکت می‌کنند. حضرت

ولی عصر علیه السلام سفیانی خبیث را در بیت المقدس از بین می برد و او را به جهنم واصل می کند. این ها علائم و آثاری است که از زبان اهل بیت علیهم السلام در کتب شیعه و بعضی هم در کتب اهل سنت آمده است.

همان طوری که قبلاً مطرح کردم، اعتقاد به این علائم ظهور موجب می شود که ادعای مدعیان دروغین مهدویت که در طول تاریخ دوران غیبت کبری از گذشته و حال بوده و چه بسا در آینده نیز باشند، افشا شده و ادعای دروغ آن ها بر ملا گردد و برای مؤمنین و پیروان و منتظران ظهور امام زمان نشانه ای باشد برای پی بردن به حقانیت وجود مقدس امام زمان و وسیله ای شود تا در دام منحرفین و گمراهان نیفتند.

اما آنچه موجب می شود انسان به هنگام بلوا و شورش و خروج مخالفان حق و حقیقت در دام آن ها گرفتار نشود، تقویت بنیه دین و ایمان و اعتقاد و ولایت است. قطعاً آن هایی که مبانی اعتقادی شان مستحکم است، عقیده شان راسخ و دل هایشان پاک است، تحت تأثیر القائنات شیطانی قرار نمی گیرند. شما اکنون می بینید در دنیایی که زندگی می کنیم، فریاد حق طلبانه بلند است، ولی بُرد آن کم است. یعنی صدای حق طلبان به دنیا نمی رسد اما به هر کجا که رسید انسان های طرفدار حق، انسان هایی که ضمیر روشن و دل پاک و ایمان قوی دارند ندای حق طلبانه و فریاد دین خواهی منادیان حق و عدالت را به گوش جان می شنوند و برای حمایت از آن از بذل جان و مال دریغ نمی کنند. به موازات آن، نداهای شیطانی که به وسیله بلندگوهای استعماری و تبلیغات صهیونیستی و شیطانی در دنیا بلند است، تبلیغات انحرافی که به وسیله رسانه های جمعی شیطانی، به وسیله ماهواره های تبلیغاتی که درست مثل صیحه شیطانی هستند و فرهنگ و تمدن ملت ها را مورد آماج قرار داده و یکی از مصادیق مهم تهاجم فرهنگی و شیخون فرهنگی است، ببینید چه کسانی تحت تأثیر این تبلیغات شیطانی قرار می گیرند که به صورت مدرن و صنعتی الآن در دنیا ندای شیطانی را پخش می کنند، این رسانه های جمعی، این رادیوهای بیگانه، ابزارهایی که

حق را باطل و باطل را حق جلوه می دهند، این هایی که برای تضعیف موقعیت متدینین و حق طلبان به وسیله ماهواره های تبلیغاتی اشاعه فحشا می کنند. چه کسانی این ندا های شیطانی را لبیک می گویند، الا آن هایی که بنیه ضعیف ایمانی دارند، آیا غیر از آن هایی که از نظر فردی و خانوادگی و اجتماعی بنیان دینی مستحکمی ندارند؟!

اگر امروزه ما این نکته را رعایت کنیم و در تحکیم مبانی دینی، اعتقادی و تزکیه نفس خود و فرزندان، خانواده و جامعه مان بکوشیم، تبلیغات سوء دشمنان و تبلیغات هوس انگیز شیطان ها و شیطان صفتان، مؤثر نخواهد بود. باید این نکات را دقت کنیم، هشدار هایی که مقام معظم رهبری - حفظه الله - در سخنرانی های مختلف به عموم خانواده ها به خصوص به جوان ها می دهند و آن ها را به این توصیه ها سفارش می فرمایند، راه نجات از این توطئه های شیطانی است که جامعه شیعی خود را به عنوان جامعه زمینه ساز و منتظران واقعی امام زمان عجل الله فرجه از خطر تبلیغات شیطانی حفظ کنیم تا ان شاء الله وقتی امام زمان ظهور کند و خدا ظهور پرورش را در زمان حیات ما و در زمان حاکمیت و ولایت مقام معظم رهبری - حفظه الله - محقق بفرماید، جزو یاران آن حضرت قرار بگیریم.

اوضاع جهان قبل از ظهور امام زمان علیه السلام

در این قسمت به دورنمایی از اوضاع مختلف جهان قبل از بعثت امام زمان علیه السلام می پردازم و لکن به دلیل محدودیت فرصت، مجبورم که این امر را از زبان روایات به اختصار تقدیم محضر شما مشتاقان ظهور امام زمان نمایم. نکته اساسی و مهم این است که اوضاع جهان قبل از ظهور امام زمان اوضاع آشفته با دگرگونی‌ها و انحرافات مختلف در زمینه‌های دینی، سیاسی، امنیتی و اقتصادی است و به همین جهت است که فرمودند دنیا از ظلم و بیدادگری پر می شود، یعنی در هر عرصه‌ای از عرصه‌هایی که شما دست بگذارید، می بینید که فساد و تباهی و ظلم و تعدی به صورت فراوان به چشم می خورد. از این جمله‌ای که امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده است می توانیم تا حدودی دور نمای آن زمان را ببینیم. در یکی از کلمات قصار نهج البلاغه، امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید: «يأتي على الناس زمان لا يقرب فيه إلا الماحل ولا يظرف فيه إلا الفاجر ولا يضعف فيه إلا المنصف يعدون الصدقة فيه غمماً وصلة الرحم منا والعبادة استطالة على الناس فعند ذلك يكون السلطان بمشورة الإماء وإمارة الصبيان وتدبير الخصيان»^۱ زمانی فرا خواهد رسید که با دگرگونی فرهنگ و ارزش‌ها و معیارها، ارزش‌هایی بر جامعه حاکم خواهد شد که انسان‌های مقرب و ارزشمند در میان سخن چینان هستند و گزارشگران دروغگو با گزارش دروغ و سخن چینی خود، خود را به دستگاه‌های حاکم و افراد مؤثر نزدیک می کنند و به عنوان مقربان، مورد توجه آن‌ها قرار می گیرند: «ولا يظرف فيه إلا فاجر»؛ آن‌ها انسان‌های فاجر

و نابکارند که به عنوان شخصیت‌های مورد قبول تلقی می‌شوند. در مقابل اینان، انسان‌های با انصاف که امور را با انصاف و عدل و دادگری به پیش می‌برند تضعیف می‌شوند و جایگاهی ندارند. صدقه و کمک به بیچارگان را به عنوان خسارت تلقی می‌کنند و صله رحم را متی بر خویشاوندان خود حساب می‌کنند، عبادتی که می‌کنند آن را وسیله‌ای برای برتری و ترجیح دادن خود بر دیگران قرار می‌دهند. در چنین شرایطی، حاکمان، زنان را در امور مهم کشور مورد مشورت خود قرار می‌دهند و کوچک‌ان سرنوشت جامعه را به دست می‌گیرند و نامردان (شاید از نظر صبر و یا از نظر مردانگی، صفت مردانگی ندارند) تدبیر امور را به دست می‌گیرند. با این بیان امیرالمؤمنین علیه السلام می‌شود دور نمای قبل از ظهور امام زمان را ببینیم، با بیان معجزه آسایی حقایق آینده را می‌بیند و آینده را به خوبی مشاهده می‌کند و هشدارهای لازم را به ما می‌دهد.

رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «كَأَنَّكَ بِالدُّنْيَا لَمْ تَكُنْ إِذَا ضَيَعْتَ أُمَّتِي الصَّلَاةَ وَاتَّبَعْتَ الشَّهَوَاتِ وَغَلَّتِ الْأَعْسَارُ وَكَثُرَ اللَّوَاظُ»^۱ در آن دوران به وسیله اُمت من نماز ضایع می‌شود، شهوت و خواسته‌های حیوانی اطاعت می‌شود، نرخ‌ها به سختی گران می‌شوند و همجنس بازی در میان مردان زیاد می‌شود».

در روایتی امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «وَأَمَشَطُوا كَمَا تَمْتَشِطُ الْمَرْأَةُ لِرُجُلِهَا»^۲ مردان مثل زنانی که برای همسران خود آرایش می‌کنند، آرایش می‌کنند».

از نظر شرعی زن حق ندارد خود را برای نامحرمان آرایش کند و با آرایش در دید عموم قرار گیرد و در مرثی و منظر بیگانگان قرار بگیرد. اما با کمال تأسف می‌بینیم امروزه در میان دختران جوان، کم نیستند کسانی که خود را می‌آرایند و در بازارها و معبرها و مراکز علمی و آموزشی و سیاسی اقتصادی حضور پیدا می‌کنند. بدتر از آن، امام صادق علیه السلام می‌فرماید: مردانی هستند که خود را به صورت زنان آرایش می‌کنند، همچنانی که زنان خود را برای مردان و همسران خود آرایش

۱. الزام الناصب، ص ۱۸۱.

۲. چشم انداز، ص ۳۳.

می‌کنند؛ یعنی دگرگونی فرهنگی، ابتدال فرهنگی، اباحه‌گری فرهنگی و عملی، جامعه را فرا می‌گیرد. در بیان دیگر می‌فرمایند: نسل‌ها را محدود می‌کنند و موالید تعدادشان کم می‌شوند؛ مثلاً آن‌هایی که سه فرزند دارند آرزو می‌کنند دو فرزند داشتند یا آن‌هایی که دو فرزند دارند آرزو می‌کنند یک فرزند داشتند.

و در جایی در حدیث دیگر است که می‌فرماید: تعداد خانواده‌های بی‌سرپرست زیاد می‌شود. الآن مشاهده می‌کنیم، نمی‌خواهم بگویم که حتماً این پیشگویی در مورد حالا است، چه بسا با بالا گرفتن فساد و تباهی و جنگ، تعداد کشتار دسته جمعی پیش از آن گردد. وقتی در جنگ جهانی اول با توجه به محدودیت سلاح‌های مدرن در آن عصر، بیش از ۱۵ میلیون نفر کشته شدند و بیش از ۲۵ میلیون نفر جراحت کلی پیدا کردند، تعداد بی‌خانمان در دنیا چقدر می‌شود. جنگ‌ها و بمباران‌ها و کشتار دسته جمعی که توسط آمریکای جنایتکار در عرض این ۵۰ سال در دنیا صورت گرفته، چقدر از خانواده‌ها را بی‌سرپناه و بی‌سرپرست کرده است. ماجرای اخیر افغانستان را نگاه کنید، جنگ‌ها معمولاً بیشترین کشتار را از میان مردان می‌گیرد، این‌ها موجب می‌شود که تعداد خانواده‌های بی‌سرپرست زیاد شوند. البته ماجرای عصر قبل از ظهور براساس لسان صدقی که از اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام به ما رسیده، این‌گونه خواهد شد.

حدیث دیگر از امام باقر علیه‌السلام است که برای یکی از بهترین یاران خود، ابو حمزه ثمالی اوضاع دوران ظهور حضرت حجت را تشریح می‌کند: «یا ابا حمزه! لا یقوم القائم إلا علی خوف شدید من الناس و زلزال و فتنه و بلاء یصیب الناس و طاعون قبل ذلك و سیف قاطع بین العرب و اختلاف شدید بین الناس و تشتیب فی دینهم و تغیر فی حالهم حتی یتمنی المتمنی الموت صباحاً و مساءً من عظم ما یری من کلب الناس و اکل بعضهم بعضاً»^۱ امام زمان ظهور نمی‌کند مگر در اوج وحشت و زلزله و فساد و فتنه و گرفتاری‌ها و امراض؛ از قبیل طاعون که به جان مردم بیفتد، در آن زمان میان احزاب اختلاف شدیدی پدید

می آید، مردم در اعتقاداتشان پراکنده و متفرق می شوند، در احوالشان دگرگونی ایجاد می شود تا این که صبح و شام آرزوی مرگ می کنند. روحیه مردم به گونه ای می شود که به منافع همدیگر تجاوز می کنند و...»

امام عصر علیه السلام قیام نمی کند مگر در عصری که ترس و خوف همه جا حکم فرما شود، الآن دنیا در چه وضعیتی است و در آینده در چه وضعیتی بدتر از این قرار خواهد گرفت؟

یکی از دانشمندان انگلیسی به نام «برتراند راسل» در کتاب خود به نام «آیا بشر آینده ای دارد؟» در حدود ۳۲ و ۳۳ سال قبل براساس سخنرانی جان اف کندی رئیس جمهوری که در آمریکا توسط سیاه پوستان ترور شد، می گوید: او مدعی است که قدرت اتمی ما این است که می توانیم کره خاکی را ۵ بار زیر و رو و ویران نماییم. راسل ارزیابی می کند با توجه به این که قدرت های مقابل آمریکا در آن عصر، مثل شوروی نیز چنین قدرتی دارد، آیا بشر آینده ای دارد؟! این سلاح های اتمی، هیدروژنی، کشتار جمعی که به دست انسان های دور از اخلاق و انسانیت قرار گرفته است، اگر به یک بهانه کوچکی دنیا را به آتش بکشند و از این کار هیچ باکی هم ندارند، آیا بشر آینده ای دارد؟!^۱

ما معتقدیم آینده بشر، حاکمیت حق و عدل است اما جنایتکاران حاکم بر دنیا قبل از ظهور امام زمان علیه السلام دنیا را تحت سلطه می گیرند و حکومت سلطه آنها باعث حاکمیت ترس و خوف در سراسر عالم می شود. تزلزل در موقعیت های مختلف؛ مسائل اقتصادی متزلزل است، مسائل سیاسی امنیتی متزلزل است، فتنه ها همه جا را می گیرد، گرفتاری ها دامن گیر بشر می شود و مرگ های دسته جمعی به وسیله امراض واگیردار مثل طاعون و ایدز واقع می شود.^۱ وقتی دنیا به سمت فساد برود، اخلاق تضعیف شود، دین در جامعه حاکم نباشد، انسان ها در قید و بند دیانت و اخلاق نباشند، فحشا و بی عفتی و تجاوز به ناموس دیگران و آلودگی زنان و مردان زیاد

۱. طاعون در یک عصر مرض شناخته شده ای بود که الآن در دنیا ظاهراً نمونه هایی از آن مشاهده نمی شود. اما طاعون جدیدی مانند ایدز، مرگ سفید است. اما قدرت خطرناک و وحشتناک، اخیراً با فردی که مسؤول این امر در شهرستان بود صحبتی داشتم، اطلاعات و آماری که در سطح جهان بود، بحث های عجیبی مطرح کرد که کشتارهای زیادی داده بود.

شود، قطعاً دنیا را به کام این مرگ خطرناک و ننگین یعنی ایدز فرو خواهد بود. به هر حال در روایات بحث طاعون را مطرح می‌کنند و یا در بعضی از روایات بحث مرگ سرخ و سفید است، مرگ سفید مثل طاعون و امراضی را که این‌گونه انسان را نابود می‌کند یا امراضی که به صورت سریع و ناگهانی دامنگیر انسان می‌شود و مرگ‌های سرخ‌کشتاری که به وسیله جنگ در دنیا پدید می‌آید.

امام باقر علیه السلام می‌فرماید: اعراب به جنگ با یکدیگر می‌پردازند و بین مردم اختلاف شدید به وجود می‌آید و تشنت و پراکندگی در ادیان پیدا می‌شود. این همان بحث قرائت‌های مختلف است که افکار و اندیشه‌هایی در جامعه القا می‌کنند که همه ادیان حق‌اند و هیچ دین باطل نداریم!!! اسلام را اگر هر کسی با هر قرائتی بخواهد تعبیر بکند و توجیه کند حق است!!! بحث‌های دیگری که در پلورالیسم مطرح است، به عنوان بحث روز در مطبوعات و میتینگ‌ها و سخنرانی‌های داخل و خارج به خصوص برای تشنت آراء اعتقادی و منحرف کردن مردم به خصوص نسل جوان، به ویژه تحصیل کرده‌ها در جامعه ما هم رواج می‌دهند. این‌ها همه می‌تواند زمینه‌ای باشد برای سوق دادن جامعه بشری به سمت آن تشنت آراء و عقاید دینی قبل از ظهور امام زمان علیه السلام.

در روایت آمده است که جامعه به گونه‌ای می‌شود که انسان‌ها صبح و شام آرزوی مرگ می‌کنند، چرا؟ به خاطر این‌که حالت هرج و مرج در جامعه پدید می‌آید و برای کسب منافع بیشتر به یکدیگر حمله‌ور می‌شوند، خلاق و خوی سگی در بین انسان‌ها ایجاد می‌شود، آدم‌های شایسته در غربت و تنهایی و عزلت قرار می‌گیرند، آرزوی مرگ می‌کنند. این‌ها می‌تواند به عنوان بخشی از اطلاعاتی باشد که قبل از ظهور امام زمان علیه السلام در دنیا پدید خواهد آمد. اما به این معنی نیست که در آن عصر و دوران، انسان‌های شایسته و جریان‌های حق طلب وجود ندارد. انسان‌های شایسته وجود دارند، جریان‌های حق طلب نیز هستند، این‌ها می‌تواند پناهگاهی باشد برای هر کسی که بخواهد از موج تلاطم‌های سهمگین انحراف در زمینه‌های مختلف نجات پیدا کند و با پناه به دین و پناه به قرآن خود را حفظ کند.

علائم هنگام ظهور امام زمان علیه السلام

در ادامه بحث گذشته پیرامون وجود مقدس حضرت مهدی -عجل الله فرجه- به علائم و نشانه‌هایی که در لحظه ظهور، تحقق می‌یابد، می‌پردازیم. از نظر ما لحظه ظهور امام زمان -عجل الله فرجه- و روز ظهور آن حضرت را کسی جز خدا نمی‌داند، بعضی از مفسرین ما به آیه شریفه ۱۸۷ سوره اعراف استناد می‌کنند. البته روایات زیادی هم در این رابطه وجود دارد که جز خدا کسی نمی‌داند که امام زمان -عجل الله فرجه- کی ظهور خواهد کرد.

«يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسِيهَا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ رَبِّي»^۱ «در باره قیامت از

تو سؤال می‌کنند، کی فرامی‌رسد؟! بگو: علمش فقط نزد پروردگار من است».

البته مفسران این آیه را در مورد وقوع قیامت می‌دانند، لکن بعضی از مفسران درباره ساعت قیام امام زمان علیه السلام هم تفسیر کرده‌اند. به هر حال آنچه از این آیه بر می‌آید این است که زمان این ساعت را کسی نمی‌داند.

طرح یک سؤال

حال سؤال این است که آیا خود امام زمان علیه السلام هم نمی‌داند کی ظهور خواهد کرد و از کجا با خبر می‌شود که باید ظهور کند و از پس پرده غیبت بیرون بیاید و قیامت را آغاز نماید؟

در اینجا نکاتی است که به اختصار به آن می‌پردازیم:

نکته اول: اعتقاد داریم ائمه معصومین علیهم السلام آنچه را که در دوران امامتشان باید انجام

۱. سوره اعراف، آیه ۱۸۷.

بدهند، بر اساس برنامه طرح شده‌ای که در صحیفه امامت، از امام قبلی به دست آن‌ها رسیده است عمل می‌کنند که شامل بعضی از دستورالعمل‌های الهی است که از جانب پروردگار به دست رسول خدا ﷺ رسیده است و در این دستورالعمل وظایف هر یک از امامان مشخص است که باید چگونه امامتشان را انجام بدهند. از جمله امامان که وظایفشان در آن صحیفه مشخص شده است وجود مقدس امام زمان ﷺ است، او همیشه به این صحیفه نگاه می‌کند و دستورات الهی را اجرا می‌کند، بنابراین هنگامی که لحظه قیامت فرا رسد و باید ظهورش را آغاز کند با نگاه به این صحیفه متوجه وظیفه قیامتش می‌شود.

ابی بن کعب می‌گوید: من از رسول خدا ﷺ درباره آشنایی امامان به وظایفشان پرسیدم، رسول خدا ﷺ به من فرمود: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى أَنْزَلَ عَلَيَّ اثْنَيْ عَشَرَ صَحِيفَةً اسْمُ كُلِّ إِمَامٍ عَلِيٌّ خَاتَمُهُ وَصَفْتُهُ فِي صَحِيفَةٍ؛ خدا برای من ۱۲ صحیفه نازل کرده و در هر یک از آن‌ها خصوصیات و وظایف امامان در آن گنجانده شده که به دست ۱۲ امام می‌رسد و هر کدام طبق آن عمل می‌کنند».

اما از نظر دیگر آن است که امام زمان ﷺ از لحظه ظهورش بر اساس وحی که به او می‌شود و الهامی که به او می‌گردد، با خبر می‌شود. یعنی دستور ظهور، به صورت وحی و الهام بر وجود مقدس امام زمان ﷺ صادر می‌گردد و او وظیفه‌اش را کشف می‌کند، این معنی را بر اساس روایاتی که در این رابطه است، برداشت می‌کنیم.

ممکن است مقداری پذیرش سنگین باشد، قاعدتاً ما باور داریم که با ارتحال رسول خدا ﷺ وحی الهی قطع شد، حال چگونه باور داشته باشیم که بر امام زمان ﷺ وحی نازل می‌شود و او هم با دستور وحی الهی، قیامت را آغاز می‌کند؟ روایتی است که ابو جارود از قول امام باقر ﷺ نقل می‌کند که من از امام باقر ﷺ راجع به قیام امام زمان پرسیدم: «قلت لأبي جعفر ﷺ: جعلت فداك! أخبرني عن صاحب هذا الأمر؟ قال: يمسي من أخوف الناس ويصبح من آمن الناس يوحي إليه هذا الأمر ليله ونهاره. قال: قلت:

یوحی إليه یا ابا جعفر؟ قال: یا ابا جارد إنه لیس وحی نبوة ولکنه یوحی إليه کوحیه إلی مریم بنت عمران وإلی أم موسی وإلی النحل. یا ابا الجارود إن قائم آل محمد لأکرم عند الله من مریم بنت عمران وأم موسی والنحل؛^۱ ای ابا جعفر! به من خبر ده که امر امام زمان علیه السلام چگونه تحقق پیدا می‌کند؟ فرمود: او در حالی شب را به صبح می‌آورد که از نظر امنیت، در ناامنی است اما صبح‌گاه در امنیت کامل خواهد بود. امر قیام بر او وحی می‌شود و دستورات کار خودش را روز و شب از طریق وحی می‌گیرد. (مثل این‌که برای راوی هم پذیرش این معنا سنگین بود) پرسید: برای او وحی می‌شود ای ابا جعفر؟! حضرت جواب داد: بله، برای او وحی می‌شود، ای ابا جارد! آن وحی به صورت وحی نبوت و شریعت نیست.^۲ همان طور که ما در قرآن کریم تنها وحی را برای پیامبران نمی‌دانیم در قرآن کریم وحی‌های مختلفی ذکر شده است، آیات متعددی است، چنان‌که در یک جا خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: پروردگار تو به زنبور عسل وحی فرستاده است. در جای دیگر می‌فرماید درباره مادر حضرت موسی وحی کردیم در آن ماجرای که فتنه فرعونی ایجاد شد و فرعون، فرزندان پسر بنی اسرائیل را می‌کشت و دخترانشان را برای خشتی کردن اراده الهی نگه می‌داشت، که قطعاً قادر به چنین کاری هم نبود، در آنجا خداوند برای حفاظت از حضرت موسی، به مادر حضرت موسی وحی فرستاد.

اینجا امام باقر علیه السلام می‌فرماید: ای ابا جارد! وحیی که بر امام زمان علیه السلام نازل می‌شود از نوع وحیی نیست که به پیغمبران نازل می‌شود بلکه از نوع وحیی است که بر مادر موسی علیه السلام بر مادر عیسی علیه السلام حضرت مریم و بر زنبور عسل نازل می‌شود؛ یعنی یک هدایت الهی والهامی است که خداوند به امام زمان علیه السلام می‌دهد و به ایشان دستور می‌دهد که چه کاری باید انجام دهد. بعد به او می‌فرماید: شخصیت امام زمان علیه السلام بسی والاتر و بالاتر از مادر حضرت موسی و مادر حضرت عیسی علیه السلام و زنبور عسل است. قرآن می‌گوید: بر آنها وحی نازل کردیم، حالا که من می‌گویم، بر امام

۱. بحار الانوار: ۳۸۹/۵۲.

۲. یعنی وحی نبوت و شریعت با ارتحال پیامبر خاتم پایان پذیرفته. بعد از او بر هیچ کسی به صورت شریعت و نبوت وحی نمی‌آید، اما این وحی از نوع دیگر است.

زمان علیه السلام دستور امامت و رهبری به صورت وحی نازل می شود، تعجیبی ندارد. با توجه به این حدیث شریف در می یابیم که امام زمان علیه السلام خود نمی داند که کی ظهور می کند و تنها دستور ظهورش از ناحیه ذات اقدس الهی صادر می شود و او بر اساس دستور الهی این کار را آغاز می نماید.

نکته دوم: همان گونه که قبلاً توضیح دادیم ما معتقدیم که برای ظهور امام زمان علائمی است؛ علائم حتمیه داریم و علائم غیر حتمیه که من توضیحات زیادی در قسمت های قبلی دادم. از جمله علائمی که برای ظهور امام زمان است علائمه حتمیه خاصه است که فقط مربوط به امام زمان علیه السلام است و در لحظه ظهور تحقق پیدا می کند. بین ظهور و پیدایش این علائم، فاصله زیادی نیست؛ از جمله این علائم آن است که شمشیر و پرچمی که در اختیار آن حضرت است، این شمشیر و پرچم به قدرت الهی حالتی از خود نشان می دهد که امام زمان علیه السلام می فهمد که زمان ظهورش فرا رسیده است. حدیثی از گفت و گوی ابی بن کعب با رسول خدا صلی الله علیه و آله است.

اعلام اذن ظهور

ابی بن کعب راجع به زمان ظهور امام زمان علیه السلام که امام زمان علیه السلام با چه علائمی ظهور می کند و با چه علائمی می فهمد که باید ظهور کند، می فرماید: «لَه عَلمٌ إِذا حان وقتُ خروجه انتشر ذلك العلم من نفسه وأنطقه الله - عز وجل - فناداه العلم: اخرج يا ولي الله فاقتل أعداء الله وهما آيتان وعلامتان وله سيف مغمد فإذا حان وقت خروجه اقتلع ذلك السيف من غمده وأنطقه الله - عز وجل - فناداه السيف: اخرج يا ولي الله فلا يحل لك أن تقعد عن أعداء الله، فيخرج ويقتل أعداء الله»^۱ برای امام زمان پرچمی است که وقتی خروج او نزدیک شد خودش باز می شود و خدا او را به سخن می آورد، نام خدا را به زبان می آورد و خطاب به امام زمان علیه السلام می گوید: ای ولی خدا! قیام کن و دشمنان خدا را از میان بردار. ادامه این حدیث آن است که می فرماید: شمشیری دارد که در غلاف

خودش است، این شمشیر تا هنگام ظهور از غلاف خودش بیرون نمی آید اما هنگامی که لحظه ظهورش فرا رسید، شمشیر، خودش از غلاف بیرون می آید و به امام زمان علیه السلام خطاب می کند: دیگر صلاح نیست بنشین و قیام نکنی، قیام کن و دشمنان خدا را از پیش پا بردار و امام زمان علیه السلام با ندای این علامت الهی که در اختیار او قرار داده شده است، دستور قیام می گیرد؛ یعنی این علامت و نشانه‌ای که رسول خدا صلی الله علیه و آله برای ظهور امام زمان فرموده در اختیار امام زمان علیه السلام است و امام زمان آن را دریافت می کند و وظیفه خودش را می شناسد و خروج می کند و آن آغاز قیام امام زمان علیه السلام است.

مکان ظهور

امام زمان علیه السلام در کجا ظهور می کند؟ آنچه در روایات زیاد و فراوان ذکر شده است لحظه اول ظهور امام زمان علیه السلام که مردم او را می بینند در شهر مکه و در بین رکن و مقام است. این طور که در روایات است مردم مکه می بینند شخصیتی با لباس و شمشیر و نعلین پیغمبر وارد مکه می شود. در بعضی از روایات است برای این که او را شناسند، به صورت ناشناس می آید. آنچه در لسان بعضی از روایات است این است که چند نفر هم همراه او هستند برای این که به صورت ناشناخته باشد و کسی او را نشناسد. به هر حال خود را غروب به کنار خانه کعبه می رساند و شب وارد خانه کعبه می شود. حضرت جبرئیل امین و اسرافیل و خیل ملائک به حضور او می آیند، آن گاه وقتی صبح فرا رسید در کمال امنیت و آرامش به دستور خدا بین رکن و مقام می آید و ندای الهی اش را بلند می کند و ندای «الا یا اهل العالم» را به گوش همه می رساند و دوستان و نقیبانش را که در اطراف و اکناف عالم هستند، به حضور خود فرا می خواند. این ندای الهی او به گوش شنوای آنهایی که گوششان به حرف خدا همیشه شنواست و جز حرف خدا، حرف دیگر را نمی شنوند و از هیچ حرفی جز حرف خدا پیروی نمی کنند و دعوت امام زمان علیه السلام را می شنوند می رسد و در یک

چشم به هم زدن در کنار خانه کعبه و در حضور امام زمان علیه السلام قرار می گیرند و ظاهراً منظور همان ۳۱۳ نفر از یاران خاص ایشان باشد که در لحظه ظهور در محضر پر نور حضرت شرفیاب می شوند و این آغاز قیام و ظهور پر نور امام زمان علیه السلام است که بشریت از ابتدا تا لحظه ظهور به انتظار آن نشسته بود.

ان شاء الله خداوند همه ما را جزو منتظران واقعی و اصحاب آن حضرت قرار بدهد و قلب نورانی اش را از همه ما خشنود بگرداند و تا ظهورش، نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران و رهبر معظم انقلاب را حفاظت فرماید. آمین

اوصاف یاران امام زمان علیه السلام

نکاتی که در این قسمت تقدیم حضور شما مشتاقان ظهور امام زمان علیه السلام می‌کنم مختصری پیرامون خصوصیات یاران امام زمان علیه السلام به هنگام ظهور آن حضرت است. همان طور که قبلاً اشاره کردم، براساس روایات، امام زمان علیه السلام در روز جمعه‌ای در کنار بیت الله الحرام ظهور می‌کند و اعلام ظهورش به وسیله منادی آسمانی به گوش همه عالم و جهانیان می‌رسد و او نیز به کمک خدا، ندای رسای الهی را به گوش یاران و خاصان خودش می‌رساند. ابتدا خدا را به خاطر تحقق وعده‌ای که فرموده است، سپاسگزاری می‌کند و می‌فرماید: ﴿... الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقْنَا وَعَدَهُ وَأَوْرَثَنَا الْأَرْضَ نَتَّبِعُ مِنَ الْجَنَّةِ حَيْثُ نَشَاءُ فَنِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ﴾؛ «... حمد و ستایش مخصوص خداوندی است که به وعده خویش درباره ما وفا کرد و زمین (بهشت) را میراث ما قرار داد که هر جا را بخواهیم منزلگاه خود قرار دهیم؛ چه نیکوست پاداش عمل کنندگان».

چرا که در قرآن کریم آمده است خداوند فرمود: ﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ﴾؛^۲ «خداوند به مؤمنان صالح وعده داده که آن‌ها را در زمین حاکم گرداند».

این آیه در مورد ظهور امام زمان علیه السلام است و در آیه دیگری فرموده است: ﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾. «همانا در زبور نوشتیم که زمین میراث بندگان شایسته من خواهد شد».

۱. سوره زمر، آیه ۷۴.

۲. سوره نور، آیه ۵۵.

این آیات درباره امام زمان علیه السلام است و وقتی که ظهورش آغاز شد، او بر تحقق این وعده، خدا را سپاس می‌گوید. آن‌گاه در همان‌جا به یاران خاص و نقبای خود در دنیا، ندا می‌دهد و ظهور خودش را اعلام می‌کند.

یاران خاص

در روایات وارد شده که ۳۱۳ نفر از یاران خاص امام زمان علیه السلام که در سراسر دنیای آن روز زندگی می‌کنند، همه در چشم به هم زدنی در کنار رکن و مقام به محضر امام زمان علیه السلام شرفیاب می‌شوند که این بحث بسیار گسترده‌ای است که در همه روایات راجع به این مسأله مطالبی آمده است. در یکی از این روایات اصبع بن نباته که از یاران خاص امیرالمؤمنین علیه السلام است، می‌گوید: من از امیرالمؤمنین درباره یاران امام زمان علیه السلام پرسیدم، حضرت فرمود: یاران امام زمان علیه السلام که به صورت قدرت الهی در چشم به هم زدنی در کنار او حاضر می‌شوند در آغاز ظهورش ۳۱۳ نفر هستند.^۱ در این روایت امیرالمؤمنین تعداد افراد را که مربوط به شهرهای مختلف هستند به تفصیل نام می‌برد، مثلاً امیرالمؤمنین علیه السلام بر اساس نقل اصبع بن نباته فرموده است: ۳ نفر از شیراز، ۴ نفر از اصفهان، ۱۰ تا ۱۷ نفر از قم هستند، و از همه بیشتر طالقان که تعداد ۲۴ نفر از مردم طالقان در محضر امام زمان علیه السلام به عنوان همان ۳۱۳ نفر حضور آنی پیدا می‌کنند، از خطه شمال هم این‌گونه که در روایات دیده‌ام یک نفر از آمل و یک نفر از جرجان که شاید همین گرگان باشد، یک نفر از خراسان و ... در این روایت ذکر شده است، اما آنچه که مهم است این‌که براساس این روایات، حدود ۷۲ نفر از یاران امام زمان علیه السلام از ایرانند، البته براساس نقل سید بن طاووس که در کتاب ملاحم تعداد دیگری را هم به صورت مشخص بیان می‌کند و سهم ایران‌اند آن روزی که امام زمان علیه السلام ظهور می‌کند را بیشتر از ۷۲ نفر می‌داند. همه این‌ها بر اساس نقل روایات است که به ما رسیده. در کتب مختلف به خصوص کتبی که در رابطه با امام زمان علیه السلام نوشته شده؛ مثل کتاب «کمال الدین» مرحوم صدوق، کتاب «غیبت

۱. ملاحم ابن طاووس به نقل از چشم‌انداز حکومت، ص ۱۰۹.

نعمانی» مرحوم شیخ مفید و کتاب «غیبت» مرحوم شیخ طوسی و کتاب‌های عمومی مثل «بحارالانوار» روایات در این زمینه فراوان است و ویژگی‌های این تعداد از یارانی که با این حالت آنجا حضور پیدا می‌کنند نیز بسیار مهم است.

بیان یک نکته

این نکته را هم توجه کنیم که چگونه می‌شود امام زمان علیه السلام در کنار خانه کعبه ندایش را بلند کند و این ندا به سراسر عالم و به گوش انسان‌های خاص که یاران و نقیبان او محسوب می‌شوند برسد. یارانی که در روایت و ویژگی‌هایشان را تعبیر کردند «رهبان باللیل، لیوث بالنهار، كأن قلوبهم زبر الحديد فیبايعونه بین الركن والمقام؛^۱ شیران روز و عابدان شب هستند و مانند پاره‌های آهن، آهنین اراده‌اند و بین رکن و مقام با او بیعت می‌کنند».

آیا ممکن است یک انسان در نقطه‌ای از عالم ندا بلند کند «الا یا اهل العالم» و همه دنیا صدای او را بشنوند؟! اگر این نکته را ما، در قدیم می‌خواستیم به عنوان یک حالت عادی انسانی بدون برخورداری از امدادهای غیبی توجیه کنیم، کار مشکلی بود، اما امروزه با پیشرفت تکنیک و فن آوری آیا این امر، امر غریبی است؟ مگر امروزه در دنیا، اطلاعات ماهواره‌ای و پیام‌های رادیویی در آن واحد به سراسر جهان مخابره نمی‌شود؟ یعنی اگر چنانچه بنا را هم بر این بگذاریم که با شیوه‌های انسانی امر تحقق پیدا کند، امری کاملاً طبیعی است، امام زمان علیه السلام علمش متصل به علم خداست، بنابراین او از آن تکنیک‌های علمی که بتواند با ابزار اطلاعات، صدای خود را به دنیا برساند، چه بسا در اختیار داشته باشد. در گذشته خبری را باید با اتصال فیزیکی از اینجا به دنیا مخابره می‌کردند مثلاً اطلاعات مخابراتی را باید به وسیله سیم از اینجا به جای دیگر منتقل می‌کردند اما ابزاری که امروز مخابرات در اختیار دارد به وسیله وسایل فیزیکی و اتصال سیمی نیست بلکه به وسیله امواج است که با کمک گرفتن از امواج و وسایل علمی می‌تواند پیام‌ها را به اقصی نقاط عالم برسانند.

آیا امام زمان علیه السلام نمی تواند با علم والایی که فوق علم انسان های عادی و معمولی است، از ابزاری برخوردار باشد که بتواند امواج را در اختیار و استخدام خود بگیرد و این پیام را به وسیله امواج به کل جهان برساند، که قطعاً امر غریبی نیست و اکنون هم در اختیار بشر است و حال آن که بشر در آینده به چه تکنیکی دست پیدا خواهد کرد بماند. قطعاً در آینده وسایل اطلاعاتی و پیام رسانی دنیا، غیر از این چیزی است که امروز است که ممکن است در آینده بشر بتواند به تکنیک های بسیار پیشرفته ای که وسایل امروز در مقابل آن ها ابتدایی محسوب شوند دسترسی پیدا کند. پس امام زمان علیه السلام به وسیله ابزارهای علمی خود می تواند از این امکانات برخوردار بشود.

نکته دیگر

ما معتقدیم که امام زمان علیه السلام از جانب خدا تأیید می شود و از امدادهای الهی برخوردار است و وقتی از امدادهای الهی برخوردار باشد خداوند همه هستی را در اختیارش قرار می دهد؛ همه امواج را، باد را، خورشید را، نور را، ظلمت را، فرشتگان و جنیان را و همه موجودات به وسیله ذات اقدس الهی در اختیار امام زمان علیه السلام قرار می گیرد.

شمه کوچکی از مظهر قدرت و اراده الهی در سلطنت حضرت سلیمان پیغمبر - علی نبینا و آله و علیه الصلاة والسلام - بوده که این ها را در اختیار داشت و آن کارهای محیر العقول را انجام می داد. حضرت مهدی علیه السلام امام زمان و امام عصر است و عصاره همه انبیا و اولیاء خدا و مظهر قدرت و اراده ذات اقدس الهی است و خدا او را از انواع حمایت ها برخوردار خواهد کرد و به کمک خدا این فریاد الهی و حیات بخش را به سراسر عالم منتقل می کند و به گوش آن هایی که گوش شنوا دارند می رساند.

در یکی از قسمت ها گفتیم، او ندای خود را در آن واحد یا در ساعات و روزهای مشخص به گوش جهانیان می رسند. یک ندا، ندای جبرئیل امین است که در فضای مکه آغاز می شود و مردم را به ظهور امام زمان علیه السلام مژده می دهد و به بیعت او فرا

می خواند و ندای دیگر، ندای شیطان است که مردم را به تبعیت از سفیانی، که در شام قیام می کند و سرانجام نابود خواهد شد به بیعت او تشویق می کند. گوش هایی که در دنیا عادت به شنیدن پیام های شیطانی دارند و معمولاً خلق و خوی آنها، خلق و خوی شیطانی است و تحت تأثیر القائات شیطانی قرار گرفتند «إِنَّ الشَّيَاطِينَ لَيُوحُونَ إِلَىٰ أَوْلِيَآئِهِمْ»^۱ چه بسا آنجا خطر جذب شدن به آن ندای شیطانی و جذب شدن به سفیانی را داشته باشند.

اما گوش هایی که به ندای ملکوتی و وحیانی عادت کرده اند، این ها قطعاً ندای جبرئیل امین و ندای امام زمان علیه السلام را می شنوند و یکی پس از دیگری به محضر ایشان شرفیاب می شوند. حال، بعد چه خواهد شد، چون می خواهیم در مورد ویژگی های یاران امام زمان علیه السلام مطلب را خلاصه کنم، مطالب بعد را ان شاء الله در قسمت های دیگر در حد میسور و مقدور تقدیم محضر شما می کنم.

بیان ویژگی های یاران امام

آیه ای از آیات قرآن که به نقل بسیاری از مفسرین درباره خصوصیات یاران امام زمان علیه السلام است، آیه ۵۴ سوره مائده است. خداوند عظیم می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ»^۲ «ای کسانی که ایمان آورده اید اگر از شما کسانی از دینشان برگردند به زودی خداوند قومی را خواهد فرستاد که آنها خداوند را و خدا آنها را دوست دارد، این ها کسانی هستند که در برابر مؤمنین خاضع و ذلیل و خاشع هستند اما در برابر کافران، عزیز و نستوه و آهنین اراده اند، در راه خدا دائماً جهاد می کنند و در این راه از ملامت هیچ ملامت کننده ای نمی هراسند. این فضل خداست که به هر کسی که بخواهد می دهد و خداوند دارای فضل بی کران است».

۱. سوره انعام، آیه ۱۲۱.

۲. سوره مائده، آیه ۵۴.

مفهوم این آیه این است: آدم اگر جمع بندی بکند تقریباً پنج خصوصیت برای این گروه ذکر می شود، قرآن می فرماید: ای مؤمنین، اگر بعضی از شما از دین خود برگردید برای دین مهم نیست، البته برای شما مهم است اما به زودی خداوند قومی را خواهد آورد که آن ها این ویژگی ها را دارند:

(۱) اینان خدا را دوست دارند و خدا اینان را دوست دارد. دوستی خدا چیست، خدا دوست داشته باشد چه ارزشی دارد بماند که جای توضیح فعلاً نیست.

(۲) در برابر مؤمنین و کسانی که خاضع و خاشع به امر پروردگارند، خاکی و متواضع اند اما در برابر کفار و دین ستیزان و مخالفین حق، انسان های آهنین اراده، سازش ناپذیر، مبارز و معارضند.

(۳) دائماً در راه خدا جهاد می کنند، جبهه نظامی، جبهه فرهنگی، جبهه اقتصادی، جبهه اخلاقی، امر به معروف و نهی از منکر، همه جهاد در راه خداست، این ها دائماً در راه خدا در جهادند، عرصه ها و جبهه ها عوض می شود؛ از نظامی به فرهنگی، از فرهنگی به اقتصادی، چه بسا هم زمان در همه عرصه ها مبارزه می کنند.

(۴) در راه خدا و مبارزه در راه خدا هر چه هم از سختی ها، بدی ها، ملامت ملامت کنندگان نصیبشان شود، خم به ابرو نمی آورند. این ویژگی های بی نظیر عالیه یک انسان کامل، چیزی است که از فضل خدا نصیب آن ها شده، آن ها تلاش کردند تا فضل خدا را شامل حال خودشان بگردانند. اما ویژه انسان های خاصی نیست، همه می توانند این فضل را نصیب خود کنند، این را از پایان آیه می توان فهمید که می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ وَاسِعٌ عَلِيمٌ»؛ خداوند فضل و علمش وسیع است و هر کسی این گونه است خدا می داند شایسته است و به او می دهد. طبق روایات، صاحب مجمع البیان مرحوم طبرسی در جلد دوم در ارتباط با همین آیه شریفه می فرماید این جزء ویژگی های یاران امام زمان علیه السلام است که وقتی ظهور می کنند این ویژگی ها را دارند.

روزی اصحاب از رسول اکرم ﷺ راجع به هدایت این قوم که در این آیه قرآن راجع به آنها وارد شده پرسیدند، پیامبر ﷺ دستش را بر شانه سلمان فارسی که در کنارش ایستاده بود گذاشت و فرمود: این هموطنان او هستند.

راجع به خصوصیات یاران امام زمان ع احادیث فراوانی در کتب روایی وارد شده است؛ از جمله از قول امام صادق ع که می‌فرماید: «فإن الرجل منهم يعطي قوة أربعين رجلاً وإن قلبه لأشد من زبر الحديد ولو مروا بجبال الحديد لقطعوها لا يكفون سيوفهم حتى يرضى الله - عز وجل؛^۱ نبرد یک مرد از آنها به اندازه چهل نفر است، دلشان از آهن سخت‌تر است و اراده‌ای آهنین دارند که اگر بر کوه آهنین بگذرند کوه از هم می‌پاشد، شمشیرشان را قلاف نمی‌کنند تا خدا راضی شود».

و در حدیثی دیگر آمده است: «فإذا وقع أمرنا وجاء مهدينا كان الرجل من شيعتنا أجرى من ليث وأمضى من سنان»؛ هنگامی که کار دولت ما آغاز گردد و مهدی ما بیاید، مردان آنها از شیر، کاربرتر و از شمشیر برنده‌ترند».

این‌ها ویژگی‌های یاران امام زمان ع است، ایشان که بیایند، این‌طور آدم‌ها را می‌پسندند. لذا باید از قبل، این ویژگی‌ها را در خود ایجاد کنیم، به تناسب امکاناتمان، به تناسب لیاقتمان، به تناسب عنایت پروردگار به ما، وقتی آمد ما بتوانیم جزو سربازان ایشان باشیم که اگر کسی محضرش را درک کند و به سربازی او قبول شود مثل کسی است که در رکاب رسول اکرم ص در بدر شمشیر زده باشد و در خون خود غوطه ور شده باشد. حتی اگر این انسانی که در این جهت تلاش می‌کند درک محضر امام زمان در هنگام ظهورش نکند و از دنیا برود، باز هم به همین درجه و رتبه نایل می‌شود. پس فضلی به این بزرگی در اختیار ماست، تلاش کنیم آن را به خود اختصاص دهیم.

از خدا می‌خواهم به ما عنایتی فرماید، تحولی در ما ایجاد کند.

این نکته را هم بگویم؛ برادران و خواهران، اولیای محترم، پدران و مادران،

جوانان ما باطنی پاک دارند، من سروکار با آنها دارم در مدارس، و دانشگاه‌ها، این‌ها به بهانه‌های مختلفی که پیش می‌آید درونشان را نشان می‌دهند که دین باورند، علاقمند به خدا و معنویت و عبادت و اهل بیت پیغمبرند.

از این‌ها غفلت نکنیم، راه‌های زیادی پیش پای آن‌ها پراکنده است که آن‌ها را می‌ربایند، با مواد مخدر، با افیون‌های مختلف، با تجهیزات انحراف‌گری، با فیلم‌ها و نوارها و برنامه‌های فراوانی می‌خواهند این‌ها را از ما بگیرند. دشمنان در گذشته هم سعی می‌کردند با ترویج مرام کمونیستی و سوسیالیزم جوانان ما را از دین به سمت بی‌دینی ببرند، اما طشت رسوایی از آسمان افتاد، این بار آمدند از راه پلورالیزم، انسان‌ها و جوانان ما را بی‌دین کنند، نمی‌توانند بگویند دین نه، چون در دنیا فهمیدند دین در زندگی بشر نقش اساسی دارد. قطعاً با تلاش مسئولین و هوشیاری خانواده‌ها و بیداری جوانان ما این توطئه هم خنثی خواهد شد. ان شاء الله

نقش زنان در جمع یاران امام زمان علیه السلام

در ادامه صحبت پیرامون مسائل مربوط به امام عصر علیه السلام و به دنبال بحث گذشته پیرامون ویژگی‌های یاران امام زمان علیه السلام در هنگام ظهور، به اختصار درباره نقش زنان در هنگام ظهور و آغاز قیام امام زمان علیه السلام مطالبی را تقدیم شما مشتاقان ظهور حضرتش می‌نماییم.

نقش زنان در سرنوشت دینی و اجتماعی، در دین مبین اسلام نادیده گرفته نشده است. با توجه به الگوهای قرآنی و تاریخ روشن اسلامی در طول تاریخ زنانی بوده‌اند که به خصوص درباره مسائل دینی و هدایت جامعه نقش اساسی داشته‌اند. قرآن کریم الگوهای مثبت و منفی آنان را به عنوان نمونه مطرح می‌کند؛ در تاریخ اسلام زنان زیادی بوده‌اند که در کنار رسول خدا صلی الله علیه و آله در عرصه سیاست و جهاد هر نقشی برای آن‌ها تناسب داشت ایفای وظیفه می‌کردند. در حکومت امیرالمؤمنین علیه السلام هم دیده می‌شود، زنان مجاهدی که هم در عرصه جهاد به کارهایی که به تناسب جسمی و روحی آنان مطابقت داشت و هم در عرصه‌های سیاست و مبارزه مثبت و منفی و هم در کنار حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام نقش‌های اساسی و حساسی را ایفا می‌کردند. به همین ترتیب بر اساس روایات به هنگام ظهور امام زمان علیه السلام زنان نیز در کنار امام زمان علیه السلام به تناسب جسمی و روحی خود ایفای نقش دارند و حضور فعال پیدا می‌کنند. درباره نقش منفی زنان در عصر ظهور، براساس روایاتی که قبلاً هم مختصر به آن اشاره کردم، آمده است که بیشترین پیروان دجال را افرادی از میان یهودیان و بخشی از آنان را زنان تشکیل می‌دهند، در عین حال نقطه مقابل آن، زنانی هستند که به ضدیت با دجال برمی‌خیزند و به مبارزه با دجال می‌پردازند.

تعداد زنان در یاران اولیه

برحسب بعضی روایات، هنگامی که امام زمان علیه السلام قیامش را آغاز می‌کند تعداد ۱۲ هزار نفر نیرو را از میان مردان و ۷۸۰۰ نفر از میان زنان، نیروهای آماده به خدمت در محضر امام زمان علیه السلام هستند و بر حسب روایت دیگر منقول از رسول خدا صلی الله علیه و آله حضرت عیسی مسیح علیه السلام در میان جمعیتی حاضر خواهد شد که تعدادی از آنان را زنان تشکیل می‌دهند و از بهترین انسان‌های گذشته یا دوران خود بودند. روایات دیگری هم وجود دارد که از بین ۳۱۳ نفر یاران خاص امام زمان علیه السلام ۵۰ نفر از بانوان هستند.

بانوان نمونه هنگام ظهور

روایات دیگری هم وجود دارد که مفهومش این است: در هنگام ظهور امام زمان علیه السلام شخصیت‌های برجسته‌ای از میان بانوان که در اعصار گذشته، نقش نمونه داشتند به دنیا بر می‌گردند و در رکاب امام زمان علیه السلام حاضر می‌شوند و نقش اساسی خود را ایفا می‌کنند. اسامی بعضی از این زنان در روایات ذکر شده که عبارتند از:

- ۱) ام ایمن؛ همان کسی که مربی و دایه وجود مقدس پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله بود.^۱
- ۲) حبابه و الیه؛ آن بانوی والا معتقد به امر ولایت و امامت ائمه معصومین علیهم السلام که از کهنسالان در میان انسان‌ها بود. و نقل است که از زمان امیرالمؤمنین علیه السلام تا زمان امام رضا علیه السلام زندگی کرده و با اعجاز وجود مقدس امام سجاده علیه السلام به یکباره به جوانی بازگشت و آثاری از اعجاز تأیید امامت ائمه را هم به همراه خود داشت.^۲
- ۳) سمیه مادر عمار؛ وی نیز یکی از آنان است که به عنوان یکی از یاران امام زمان علیه السلام نام برده می‌شود که هم خود اولین شهید در میان بانوان در اسلام است و هم همسرش شهید است و هم فرزندش عمار یاسر در رکاب امیرالمؤمنین علیه السلام در جنگ صفین به شهادت رسیده است.^۳
- ۴) نفر بعدی «زبیده» است، زبیده ظاهراً همسرهارون الرشید است، بانویی در

۲. تنقیح المقال: ۷۵/۲۳.

۱. تاریخ طبری: ۷/۲.

۳. اسدالغابه: ۴۸۱/۵.

خاندان خلافت غاصبانه عباسی، قدرتی دارد، اما از این قدرت خودش بهره‌ای سود نمی‌گیرد، جنبه‌های مثبت زیادی دارد، از جمله خدمات او تکمیل آب آشامیدنی مکه برای حاجیان است.

۵) بانوی دیگر به نام «ام خالد (ام خالد احمیسة)» که از جمله بانوان مبارز و مجاهدی است که زمان قیام «زید بن علی بن حسین علیه السلام» به عنوان جانباز آن جهاد و مبارزه است و دست او را به عنوان محب امیرالمؤمنین علیه السلام از بدن جدا می‌کنند.^۱

۶) صیانه شخصیت دیگری که باز در تاریخ ذکر شده، «صیانه ماشطه» است. مشاطه و آرایشگر دربار فرعون بود که حرم‌سرای فرعون را مشاطگی می‌کرد. علت حضور این خانم‌ها در رکاب امام زمان علیه السلام به خاطر ویژگی‌های این‌هاست که چنین لیاقتی پیدا می‌کنند. هر یک از این‌ها دارای نقاط مهم و مثبتی در زندگی خود هستند. پس یکی ام ایمن است، مربی نمونه؛ یکی سمیه است، همسر و مادر و بانوی نمونه؛ و ام خالد است بانوی مجاهد فی سبیل الله و جانباز در راه اسلام، یکی زبیده بانوی باکیاست و فراست و مقتدری که انواع قدرت را در اختیار دارد، اما جذب شیطان نمی‌شود. این بانویی هم که درباره او صحبت می‌کنم «صیانه» بانویی است که همسر او به نام حزقیل خزانه‌دار اموال فرعون و پسر عموی اوست. در کاخ فرعون از جایگاه مثبت برخوردار است اما وقتی حضرت موسی - علی نبینا و آله و علیه الصلاة والسلام - مبعوث می‌شود، او و همسرش در آن محیط جرم و جنایت معتقد به خدای یکتا می‌شوند، با آن‌که خزانه‌دار اموال آل فرعون لقب می‌گیرد، این خانم دیانتش را مخفی نگه می‌دارد. روزی بر حسب تصادف در حال آرایشگری دختر فرعون شانه از دستش به زمین می‌افتد و او بر حسب اعتقاد خود بسم الله را به زبان می‌آورد و شانه را از زمین بر می‌دارد. دختر فرعون به زیرکی در می‌یابد که او چیزی به زبان آورده که متداول نیست. از او می‌پرسند: نام پدر مرا برده‌ای؟ فرمود: نه، نام خدا را برده‌ام که او خدای من و خدای تو و خدای پدر تو، و خدای همه است. دختر اطلاعات را به پدرش می‌رساند که این بانویی که در خانه ما نفوذ دارد، به

۱. معجم الرجال الحدیث: ۲۳/۱۴ و ۱۰۸ و ۱۷۶؛ ریاحین الشریعه: ۳۸۱/۳.

موسی کلیم علیه السلام ایمان آورده است. در نتیجه او را به حضور فرعون حاضر می کنند و تحت فشار قرار می دهند که از عقیده اش برگردد. ولی او ثابت و استوار بر عقیده حق خود پایدار می ماند، در نتیجه فرعون دستور می دهد، تنوری از مس درست کنند که از نظر حرارت فوق العاده است و در جلوی چشمان این خانم چند تا از بچه هایش را یکی پس از دیگری در درون آتش و تنور مسین انداختند که او ببیند تا بلکه از عقیده اش به خدا برگردد، اما او همچنان ثابت بود، سرانجام آمدند از آغوش او کودک شیرخواره اش را گرفتند و می خواستند او را داخل آتش بیندازند، جذابیت فرزند شیرخواره، مادر را به خودش کشاند، نزدیک بود که از عقیده خود به ظاهر تبری کند که آن کودک با زبان فصیح گفت: «اصبري يا اماه فانك على الحق؛ شکیبا باش ای مادر، تو در راه حقی». او شکیبایی کرد و شاهد شهادت آخرین فرزندش هم بود اما دین خودش را فدا نکرد. آن گاه او را بعد از فرزندانش در درون آتش انداختند و سوزاندند. در حدیث وارد شده است که شب معراج، رسول خدا صلی الله علیه و آله، ناگهان بوی خوشی را استشمام کرد، از جبرئیل امین پرسید: این بوی خوش استثنایی چیست؟ عرض کرد، از سرزمینی عبور کردیم که خاکستر جسم پاک و مطهر «صیانه» آن بانوی نمونه و فرزندانش را پس از سوزاندن، در این بیابان ریختند و الی الابد این بوی خوش به مشام می رسد.^۱

این ها بانوان نمونه ای هستند که در رکاب امام زمان علیه السلام حاضر می شوند. البته نقش بانوان در مرحله قبل از ظهور نیز قابل توجه است که قبلاً اشاره ای به آن شده است؛ به عنوان نمونه ابو سعید خدری می گوید: زنی است به نام لثیبه یا طیبه که در هنگام خروج دجال، هر جا که دجال می رود، پیش از او به آنجا می رود و به مردم هشدار می دهد و می گوید دجال به سوی شما می آید، از او دوری کنید و از عواقب کارش بر حذر باشید.^۲

بانوان محترم! خواهران و برادران و خانواده هایی که منتظر ظهور امام زمان علیه السلام هستیم، باید در راه آماده سازی خویش، جهت درک شخصیتی که لیاقت حضور در

۱. منهاج الدعوع، ص ۹۳؛ ریاحین الشریعه: ۱۵۳/۵. ۲. کنز العمال: ۶۰۲/۱۴.

محضر امام زمان علیه السلام و سربازی در اردوگاه و ارتش الهی امام زمان علیه السلام را پیدا کنیم آمادگی در خود فراهم کنیم، غفلت سزاوار نیست، هر چه زودتر باید هر کسی در جهت اصلاح خود و خانواده خود برآید تا بتواند ان شاء الله در اردوگاه نظامی و الهی امام زمان علیه السلام لیاقت عضویت را پیدا کند.

ماه مبارک رمضان برای چنین امر مهمی مناسبترین اوقات است، توسل به مولی الموحدين علیه السلام یکی از ابزارهای کارآمد است، آن روح بلند می تواند دگرگونی الهی در ما ایجاد کند، این ایام همه شما عزاداری کردید، امروز روز عزای امیرالمؤمنین علیه السلام است، روز عزای بشریت است؛ چرا که به دست اشقی الاشقیاء، یکی از بهترین فرزندان آدم در محراب عبادت و بندگی با زبان نماز و دهان روزه، شمشیر بر فرق مبارکش فرود آمد و او را تا عرش اعلی بالا برد و به لقاء و فوز عظیم شهادت نایل آورد. جان عالمی به قربان مظلومیتت یا علی جان. این چه سری است که امیرالمؤمنین علیه السلام در تمام عمر خودش خاصه در دوران ۳۰ ساله بعد از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و شهادت حضرت زهرا علیها السلام این مظلومیت جانکاه را احساس کند، چرا تا زمان هارون الرشید، کسی از قبر این شاخص ترین مرد خدا، اولین مؤمن به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، اولین انسان بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله، اطلاعی نداشته باشد؟ به خاطر دشمنی های دشمنان کینه توز و جاهل، یعنی خوارج نهروان.

فرمود: حسن جان، حسین جان! شما را به تقوای الهی و نظم در کارهایتان سفارش می کنم، فرصت نیست که درباره آخرین وصیت امیرالمؤمنین علیه السلام صحبت کنم اما از جمله وصیت هایی که فرمود: مرا شبانه و مخفیانه، تشییع جنازه کنید. در دل شب امام حسن علیه السلام عهده دار غسل بابا می شود، امام حسین علیه السلام و قمر بنی هاشم علیهم السلام بر روی بدن مطهر بابا آب می ریزند.

اگر بناست تسلی دهید خاطر من	برای قاتل سنگین دلم غذا ببرید
دلم برای یتیمان کوفه تنگ شده	کمک کنید مرا در خرابه ها ببرید
جنازه من مظلوم را چو مادرتان	شبانه مخفی و آرام و بی صدا ببرید
سلام گرم مرا در خرابه در دل شب	به آن یتیم که خوابیده غذا ببرید
سلام من به شما ای فرشتگان خدا	نبرد فاطمه با خود مرا شما ببرید

نشانه‌های شخصی امام زمان علیه السلام به هنگام ظهور

در این بحث راجع به وضعیت شخصی امام زمان علیه السلام از نظر ظاهری و وضعیتی که در معرض دید مردم قرار می‌گیرد و آغاز قیامش را با آن حالت ظاهری خودش آغاز می‌کند، مطالبی را تقدیم می‌کنم.

در روایات متعددی فرموده‌اند که امام زمان علیه السلام در حالی که دارای سن زیاد است اما همه او را به صورت جوانی که حدود ۴۰ سال است مشاهده می‌کنند، با قیافه‌ای جذاب و با اندامی بسیار نورانی و با چهره شاداب. گذشت زمان او را پیر نمی‌کند و به لطف پروردگار همیشه جوان شاداب و شجاع باقی می‌ماند تا آن روزی که خداوند مقدرات او را تقدیر کرده است تحقق بخشد.

وضعیت ظاهری

اما از نظر وضعیت ظاهری (پوشش، غذا و اخلاق) امام زمان علیه السلام وصی همه انبیا و خاصه خاتم الانبیا صلی الله علیه و آله است، عصاره هدایت و ولایت و نبوت و امامت است، تحقق بخش اهداف همه انبیا و اولیای خداست. شخصیت‌هایی در وجود همه اولیای خدا بود که یک جا در وجود امام زمان علیه السلام تبلور پیدا می‌کند، امام زمان علیه السلام شخصیتی است که از نظر پوشش و تغذیه و صلاح و منش و اخلاق، بیانگر فرهنگ مترقی و الهی انبیا و اولیای خداست، چهره مجسم اسلام و قرآن است.

درباره زهد و عدم گرایش به زرق و برق دنیا توسط امام زمان علیه السلام با توجه به همه امکاناتی که در اختیار دارد، در روایتی از امام صادق علیه السلام نقل شده است که فرمود:

«فوالله ما لباسه إلا الغليظ ولا طعامه إلا الجشب وما هو إلا السيف والموت تحت ظل السيف»^۱ قسم به خدا، لباس او جز لباس خشن و زبر نیست و طعام و خوراکی‌های او از نان جو و وجود او شمشیر و مرگ در سایه شمشیر است». این که در روایات وارد شده است امام زمان علیه السلام در ندای جهانی که سر می‌دهد یکی از القابی که برای خودش ندا می‌کند، می‌فرماید: «انا الصمصام المنتقم؛ من شمشیر انتقام»، و در این روایت هم امام زمان علیه السلام را به شمشیر لقب داده، او نیست مگر شمشیر یعنی شمشیر انتقام خدا که از نیام برآمده، انتقام همه مظلومین را باید بگیرد، از ابتدای خلقت آدم، از عصر هابیل و قابیل گرفته تا زمان ظهور، آن قدر قدرتمندان ستم کردند، جنایت آفریدند، کشتارها کردند، حقوق را پایمال کردند، پیامبران را قتل عام کردند، اولیای خدا را به مسلخ بردند، ائمه هدی را به شهادت رساندند، حق طلبان و صلح جویان را نابود کردند، زنان و مردان مظلوم دنیا را به صلابه کشیدند. آری همه مظلومان ندای مظلومیت سر می‌دهند و این امام زمان علیه السلام است که شمشیر خداست و باید از نیام برآمده و روزگار ستمکاران را سیاه کند و انتقام مظلومان را بگیرد و داد الهی را بر بیدادگران اجرا کند. اما از نظر ظاهری؛ این وضعیت لباسش و آن وضعیت خوراکش، بسیار ساده، بسیار زاهدانه، بیانگر وجود مقدس پیغمبر خدا و علی مرتضی علیه السلام است.

پیراهن مخصوص

در روایت دیگری از امام صادق علیه السلام نقل شده، یعقوب بن شعیب می‌گوید امام صادق علیه السلام فرمود: آیا می‌خواهی پیراهن امام زمان علیه السلام را به شما نشان بدهم؟ گفتم: بسیار علاقه داریم یابن رسول الله! حضرت دستور فرمود صندوقچه‌ای را آوردند، در صندوقچه را باز کرد و از درونش پیراهنی که از جنس کرباس بود را بیرون آوردند، دیدیم بر آستین چپش قطره خونی است، فرمود: این همان قطره خونی

است که در جنگ احد با شکستن چهار دندان پیشین رسول خدا ﷺ از دهان مبارکش جاری شده و بر این پیراهن نشسته است. بر آن پیراهن بوسه زدیم، فرمود: این پیراهن در اختیار ما می ماند تا به دست مهدی می رسد و او هنگام ظهور این پیراهن را بر تن می کند.^۱

در حدیث دیگری از قول مفضل بن عمر از امام صادق ﷺ نقل می کند که امام صادق ﷺ فرمود: هنگامی که نمرود ابراهیم را در آتش افکند، جبرائیل امین از بهشت برای او پیراهنی آورد و بر تن او پوشانید و خدا فرمود: «قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ»؛^۲ آتش بر ابراهیم ﷺ سرد و سلامت شد، آن گاه پس از واقعه آتش نمرود حضرت ابراهیم ﷺ این پیراهن را به فرزندش اسحاق و او به فرزندش یعقوب و او به فرزندش حضرت یوسف سپردند و آن پیراهنی است که در قرآن از او ذکری به میان آمده است، یعقوب پیغمبر بوی یوسف را از این پیراهن از مسیر دور، مصر تا کنعان به مشام جان خودش شنید و این پیراهن در اختیار ما و بعد در اختیار امام زمان ﷺ قرار می گیرد و جزو پیراهن هایی می شود که امام زمان ﷺ آن را بر تن می کند.^۳

پرچم و انگشتری مخصوص

در روایتی از امام باقر ﷺ است که می فرماید: «إِذَا ظَهَرَ الْقَائِمُ ﷺ ظَهَرَ بَرَايَةَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَخَاتَمِ سُلَيْمَانَ وَحَجَرِ مُوسَى وَعَصَاهُ»؛^۴ وقتی امام زمان ﷺ قیام کند با پرچم پیغمبر اسلام ﷺ است و با انگشتر حضرت سلیمان بن داوود و با سنگ و عصای موسای کلیم ظهور می کند». هر یک از این ابزارهای شخصی که در اختیار انبیای گذشته بود، وسیله اعجاز الهی هستند و باید در اختیار عصاره انبیا و جانشین همه انبیا و تحقق بخش اهداف همه آن ها؛ یعنی امام زمان ﷺ قرار بگیرد، خاتم سلیمان برای جن و انس

۱. غیبت نعمانی، ص ۲۴۳.

۲. سوره انبیا، آیه ۶۹.

۳. چشم اندازی از حکومت مهدی، ص ۹۱.

۴. بحارالانوار: ۳۵۱/۵۲.

مقبولیت دارد و عصای موسی است که فرعونیان و جادوگران و شیاطین را رسوا و خوار و ذلیل می‌کند و سحر ساحران را باطل می‌نماید، پرچم پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله است که پرچم شکست‌ناپذیر است، همچنین آن سنگی که موسای کلیم به اعجاز الهی آن را بر می‌دارد و چشمه‌ای جوشان از زیرش جاری می‌گردد و بنی اسرائیل پیمان شکن از این نعمت خدا استفاده می‌کنند. امام زمان علیه السلام با این وضعیت ظاهری، با این اخلاق کریمانه‌ای که در همه انبیا بود و در وجود ایشان تبلور پیدا می‌کند، ظهور می‌کند.

در روایت داریم وقتی امام زمان علیه السلام با این هیبت حرکت می‌کند، دستور می‌دهد به لشکریان که از برداشتن آذوقه برای خود و مرکب‌هایشان، خودداری کنند، بعضی که هنوز دلشان روشن نیست و عارف به حق ایشان نیستند می‌گویند: می‌خواهد ما را به هلاکت بیندازد، کدام لشگر است که برای خود واسب‌ها و شترانش آذوقه نیاز ندارد؟ وقتی حرکت می‌کند به اولین منزلگاه که می‌رسند امام زمان علیه السلام این سنگ را بر زمین می‌گذارد، آن‌گاه که بر می‌دارد از جایگاه او چشمه زلالی جوشان می‌شود و آن منطقه سبز و خرم شده و خداوند همه نعمت‌ها را برای سربازان امام زمان علیه السلام فراهم می‌کند.

این‌ها همه وسایلی است که در اختیار ایشان است تا با قدرت الهی بتواند سراسر عالم را تصرف کند و عدل الهی را که آرمان انبیا بود و هدف خلقت بشریت، در کل عالم پیاده کند.

مسخر بودن طبیعت

از دیگر ویژگی‌های امام زمان علیه السلام این است که به لطف الهی همه طبیعت در اختیار ایشان و در تسخیر اوست. زمین زیر پای او به سرعت حرکت می‌کند، زمین و زمان جزو سربازان امام زمان علیه السلام هستند، زمان به آرامی حرکت می‌کند؛ آن‌گونه که یک سال در زمان حاکمیت امام زمان علیه السلام بیش از ۱۰ سال عادی و معمولی است، اما

زمین گاهی که نیاز باشد به سرعت زیر پای ایشان حرکت می‌کند که به طی الارض معروف است.

یکی دیگر از کراماتی که امام زمان علیه السلام دارد این است که با دیدن افراد، آن‌ها را می‌شناسد، که حَقِّد یا باطل، از قول امام صادق علیه السلام نقل است: «إِذَا خَرَجَ الْقَائِمُ علیه السلام لَمْ يَبْقَ بَيْنَ يَدَيْهِ أَحَدٌ إِلَّا عَرَفَهُ صَالِحٌ أَوْ طَالِحٌ»^۱ وقتی امام زمان علیه السلام خروج می‌کند هیچ کسی نیست مگر این‌که امام زمان علیه السلام او را می‌شناسد که آیا صالح است یا طالح و نابکار.

لذا معرفتی است که امام زمان دارد و این وسیله‌ای است که بتواند اهداف الهی خود را محقق کند، آیه شریفه «يُعْرِفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِيمَاهُمْ فَيُؤْخَذُ بِالنَّوَاصِي وَالْأَقْدَامِ»^۲ را بعضی از مفسرین درباره امام زمان علیه السلام و زمان ظهورش ذکر می‌کنند که مجرمین با سیمایشان شناخته می‌شوند و امام زمان علیه السلام هم آن‌ها را با موی پیشانی و انگشتان پا می‌گیرد، همچنان که در قیامت مجرمین با چهره شناخته می‌شوند و به دست فرشتگان الهی به عذاب می‌رسند، زمان ظهور امام زمان علیه السلام هم چنین خواهد شد.^۳ برادران و خواهران، منتظران ظهور امام زمان علیه السلام و مشتاقان دولت حق و عدل الهی امام زمان علیه السلام و ای کسانی که افتخار همه ما این است که شیعه امام زمان علیه السلام هستیم و همه او را ولی امر خود و ولی عصر خود می‌دانیم و سر تسلیم به فرمان نایب او فرود می‌آوریم و در نظامی زندگی می‌کنیم که مورد تأیید اسلام و قرآن می‌باشد، باید به گونه‌ای زندگی کنیم که ان شاء الله وقتی خداوند، امام زمان علیه السلام را به ما برساند در چهره ما نور حق را ببیند، هدایت و ولایت را که در دل ما است در چهره ما تبلور پیدا کند و ما را جزو سربازان خود بپذیرد، این کوشش به اختیار ما بستگی دارد، باید سعی کنیم در این ایام باقی مانده از عمر خودمان و جوانان و نوجوانان، که آغاز عمر و اول زندگی‌شان است در این کشور امام زمان علیه السلام به گونه‌ای زندگی کنیم که مورد تأیید این نور خدا و حجت خدا باشیم، بدانیم که همه

۱. بحارالانوار: ۳۵۵/۵۲ و چشم انداز ص ۹۱. ۲. سوره الرحمن، آیه ۴۱.

۳. بحارالانوار: ۳۲۱/۵۲.

هفته اقلای یک بار همه اعمالمان را به محضر امام زمان علیه السلام می‌برند و به حضورش می‌رسانند، سعی کنیم حداقل هر هفته یک بار، قلب نازنینش را از خودمان خوشحال کنیم و ان شاء الله خداوند ما را جزو سربازان امام زمان علیه السلام قرار بدهد.

ویژگی‌های لشکریان امام زمان علیه السلام

یکی از موفق‌ترین ارکان موقعیت رهبری در نظام، داشتن نیروی شایسته و کارآمد است. اگر چنانچه رهبری یک نظام دارای همه ویژگی‌ها و شرایط لازم باشد اما نیروهای تحت امر او واجد شرایط و لایق مسؤولیت و فرمانبردار نباشند آن مقام مسؤول و رهبر، موفق نخواهد شد. نمونه کامل این معنا وجود مقدس حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام است که در میان رهبران عالم، بعد از نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله شایسته‌ترین رهبر جهان است و لایق‌ترین امام برای رهبری جامعه بشری است، اما می‌بینیم که نتوانست آن‌گونه که رسالت داشت و هدف مقدسش بود به اهدافش برسد و در رسالت و امامت و رهبری خود توفیق لازم را کسب نکرد.

میزان تأثیر یاران در موفقیت رهبران

مهم‌ترین دلیل برای عدم احراز موفقیت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام همکاری نکردن و شایسته نبودن مردان و همکاران آن حضرت بود. در مدت کوتاهی که امیرالمؤمنین علیه السلام حکومت را به عهده گرفت، بعضی از کارگزاران حضرت، خارج از چارچوب وظایف مسؤولیتی خود عمل کردند و از دوران حکومت خود سوء استفاده کردند. نهج البلاغه را که نگاه می‌کنیم می‌بینیم، نامه‌ها و خطبه‌های فراوانی است در جهت گلایه حضرت امیرالمؤمنین از این کارگزاران و همکاری نکردن امت در عصر به حکومت رسیدن امیرالمؤمنین که موجب شد تا حضرت علی علیه السلام نتواند به اهداف خود برسد. سه جنگ شناخته شده داخلی در عصر امیرالمؤمنین علیه السلام؛ جنگ

جمل، جنگ صفین و نهروان، عاملی بود برای عدم موفقیت امیرالمؤمنین علیه السلام و نشانه بارزی از عدم همکاری برخی همکاران امیرالمؤمنین علیه السلام است؛ بنابراین شرط موفقیت یک رهبر، داشتن همکاران متعهد و شایسته و تبعیت مردم، از اوست. تبعیت مردم بیشتر وابسته به تبعیت و ولایت پذیری کارگزاران آن رهبر است. درباره وجود مقدس امام زمان علیه السلام هم همین است، امام زمان علیه السلام وقتی به رهبری ظاهری رسید، از این نعمت الهی برخوردار است که شایسته ترین افراد به عنوان کارگزاران او خواهند شد. سربازان و لشکریان امام زمان علیه السلام به عنوان پیروان خالص آن حضرت خواهند بود. بر همین اساس درباره ویژگی ها و خصوصیات کارگزاران و لشکریان امام زمان علیه السلام در آیات قرآن و روایات، نشانه های زیادی آمده است که به بعضی از خصوصیات یاران امام زمان علیه السلام اشاره می کنیم:

قدرت روحی و جسمی

ثبات عقیده و قدرت روحی؛ در حدیثی از امام باقر علیه السلام است که می فرماید: «فإذا وقع أمرنا وجاء مهدينا كان الرجل من شيعتنا أجرى من ليث وأمضى من سنان يطاء عدونا برجليه ويضربه بكفيه وذلك عند نزول رحمة الله وفرجه على العباد؛^۱ هنگامی که امر الهی ما پدید آمد و مهدی ما خروج کرد، مردان شیعه و پیرو ما در آن عصر از شیر بی باکترند، از شمشیر برنده ترند، دشمنان را لگدکوب می کنند و با دستانشان آنان را مضروب و مقتول می سازند و این زمانی است که رحمت خدا نازل می شود و گشایش الهی بر بندگان خدا حاصل می گردد»؛ یعنی ویژگی های یاران و سربازان امام زمان علیه السلام ویژگی شیران همیشه شجاعت است و در میدان رزم و نبرد، از توانایی جسمی بسیار قوی برخوردارند و خستگی ناپذیر و نستوه و شکست ناپذیرند.

از نظر ثبات عقیده و قدرت ایمان و توان معنوی در روایت دیگری فضیل بن یسار نقل می کند که امام صادق علیه السلام فرمود: «ورجال كان قلوبهم زبر الحديد لا يشوبها

شك في ذات الله أشد من الحجر لو حملوا على الجبال لأزالوها لا يقصدون براياتهم بلدة إلا خربوها كان على خيولهم العقبان؛^۱ یاران امام زمان علیه السلام مردانی هستند همانند پاره‌های آهن، آهنین اراده، استوار عقیده، در دل‌های آنان شکی نسبت به اعتقاد ذات توحیدی نیست. در امر اعتقادات توحیدی بی‌شک و شبهه‌اند. تردیدی در وجود آن‌ها راجع به اعتقادات الهی نیست، از سنگ سخت‌ترند و اگر به کوه‌ها حمله کنند کوه‌ها را از جا خواهند کند. به چیزی هجوم نمی‌آورند مگر این‌که آن را ویران کنند. درست مثل باز شکاری چابک‌سواری هستند که بر اسبان خود نشسته‌اند، هم از نظر روحی، هم از نظر جسمی و هم از نظر ایمانی لایق‌ترین و شایسته‌ترین و قوی‌ترین مردان تاریخ‌اند.

عبادت و پرهیزگاری

از نظر عبادت و پرهیزگاری و شب زنده‌داری بی‌نظیرند، می‌فرماید: «رجال لا ینامون اللیل لهم دوی فی صلاتهم کدوی النحل یتتون قیاماً علی أطرافهم ویصبحون علی خیولهم؛^۲ شب‌ها نمی‌خوابند، زمزمه‌ای که در نماز شبشان دارند همانند زمزمه زنبور عسل است، شب‌زنده‌داران بیداردلی هستند که در دل شب با خدای خود نجوا و زمزمه می‌کنند. شب را برپا ایستاده‌اند و به صبح می‌آورند و در حال قیام به عبودیت خدا مشغولند، صبح که شد بر اسبان چابک خود سوار شده و در میدان نبرد حاضر می‌شوند. در بخشی از این حدیث می‌فرماید: «رهبان باللیل و لیوث بالنهار؛ زاهدان شب و شب زنده‌دارند و روز که شد همانند شیر شجاع، غرش‌کنان در میدان نبرد و در راه خدا با دشمنان خدا، در مبارزه و جنگند.»

ولایت‌پذیری

ولایت‌پذیری و تبعیت خالصانه از امام، خصوصیت مهم دیگر یاران امام زمان است. این از نکات بسیار حساسی است که هر رهبری دارای چنین نیرویی باشد،

۱. بحارالانوار: ۳۰۸/۵۲

۲. بحارالانوار: ۳۰۸/۵۲

خداوند توفیق و موفقیت نصیبش می‌کند و این ویژگی امام زمان علیه السلام است که خداوند او را به چنین نعمتی برخوردار کرده، می‌فرماید: «اطواع له من الامة لسيدها»^۱ پیروان امام زمان علیه السلام مطیع‌ترند به ایشان از اطاعت یک کنیز نسبت به سید و مولای خودش؛ یعنی غلامان آماده به فرمانی هستند که مثل کنیزان حلقه به گوش در اختیار سید و مولای خودشان هستند، نه از ترس و نه به عنوان تبعیت خشک و ظاهری، بلکه این تبعیت، تبعیت قلبی و خالصانه است، یک وقتی یک کنیزی از مولای خود از ترس عقوبت اطاعت می‌کند و اگر او را به حال خود بگذارند اطاعت نمی‌کند، نافرمانی می‌کند، اما فرمانبرداری یاران امام زمان علیه السلام از طوع و رغبت و ارادت است و در ادامه می‌فرماید: «یتمسحون بسرج الإمام یطلبون بذلك البركة ویحفون به یقونه بأنفسهم فی الحروب ویکفونه ما یرید فیهم رجال لا ینامون»^۲ می‌آیند زین اسب امام علیه السلام را مسح می‌کنند و خود را به آن می‌مالند و به این وسیله می‌خواهند تبرک پیدا کنند، پس تبعیت و تطوع و اطاعت، نه از ترس و جبر است بلکه از سر خلوص است. این ارادت قلبی پیروان امام زمان علیه السلام نسبت به ایشان است که حتی زین اسبش را دست می‌کشند و تبرک می‌جویند، جانشان را فدای امام زمان علیه السلام می‌کنند، در جنگ‌ها جانشان را سپر بلای حضرت می‌کنند، در میدان جنگ و نبرد هر چه امام زمان علیه السلام از آنها بخواهد آن را انجام می‌دهند، فرمانبری خالصانه و عاشقانه و مشتاقانه از حضرت دارند.

اما آن‌هایی که حضرت علی علیه السلام در کنار خود داشت چگونه بودند؟ حتی پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله چنین یارانی در اختیار خود نداشت، ولی امام زمان علیه السلام از این نعمت الهی برخوردار است و خداوند همه نعمت‌های الهی را به ایشان داده است تا ایشان همه نعمت‌های الهی را در دسترس جامعه بشری قرار دهد.

شهادت طلبی

آن‌ها عاشقان شهادتند، می‌فرماید: «وهم من خشية الله مشفقون یدعون بالشهادة

۲. بحار الانوار: ۳۰۸/۵۲ و ۵۳ - اندک ۱۲۴

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸.

و یتمنون أن یقتلوا فی سبیل الله شعارهم یا لثارات الحسین إذا ساروا یرعب أممهم مسیره شهر یمشون؛^۱ شیفتگان خشیت خدایند و خواستار شهادت در راه خدا، دعا می‌کنند در راه خدا شهادت نصیبشان شود و آروز می‌کنند که در راه خدا کشته شوند و در خون خود بغلطنند. شعارشان این کلمه است؛ یا لثارات الحسین^۲ ای خونخواهان حسین^۳». یعنی اباعبدالله الحسین^۴ که مظلوم‌ترین مظلومان تاریخ بوده و به دست جباران، او و همه عزیزانش در عاشورا به مسلخ عشق رفتند و مظلومان به شهادت رسیدند و همچنان در تاریخ مظلومند، باید یک روز خونخواهان او بیایند و خونخواهی کنند و این امام زمان^۵ است که در پیشاپیش خونخواهان امام حسین^۶ قرار می‌گیرد و پیروانش با این شعار لبیک می‌گویند و دفاع از مظلومیت امام حسین^۷ می‌کنند و ان شاء الله از همه مظلومان تاریخ رفع ستم می‌شود. این نکته بسیار مهمی است.

بستن میثاق

در روایت وارد شده امام زمان^۸ در کنار کوه صفا از یارانش بیعت می‌گیرد. چند یاری که آن‌ها را در کنار رکن و مقام می‌بینند، می‌خواهد آزمایش کند از آن‌ها جدا می‌شود به مدینه می‌رود. پشت سر حرکت می‌کنند به مدینه می‌روند تا خدمت امام^۹ برسند. مجدداً امام^{۱۰} مدینه را ترک می‌کنند و به مکه می‌آیند، دوباره پشت سر امام حرکت می‌کنند و در مکه خدمت امام می‌رسند، وقتی این امتحانات را پس می‌دهند، آن‌گاه در کنار کوه صفا امام زمان^{۱۱} از آنان بیعت می‌گیرد و می‌گوید: من این پیمان را از شما می‌خواهم. چندین ماده در این پیمان است که به اختصار عرض می‌کنم.

مواد پیمان‌نامه یاران و لشکریان امام^{۱۲}

امام به آنان می‌فرماید: پیمان ببندید که

(۱) در میدان نبرد حق نگریزید (۲) دزدی نکنید (۳) عمل نامشروع و خلاف شرع

و کارهای حرام و زشت و منکر مرتکب نشوید (۴) کسی را جز به حق نزنید (۵) از دنیا، به اندوختن زر و سیم نپردازید (۶) جو و گندم که خوارک عمومی است را احتکار نکنید (۷) مسجدی را ویران نسازید (۸) شهادت ناحق ندهید (۹) مؤمنین را هرگز کوچک نکنید (۱۰) ربا نخورید (۱۱) در سختی‌ها و مشکلات پایمرد و صبور باشید (۱۲) کسی که خدای یکتا را پرستش می‌کند لعنت نکنید (۱۳) شراب نخورید (۱۴) لباس زربافت نپوشید (۱۵) لباس ابریشم و لباس خز نپوشید (۱۶) شخص فراری را تعقیب نکنید (۱۷) خون حرامی را نریزید (۱۸) به منافق و کافر انفاق نکنید (۱۹) خاک را بالش خود قرار دهید؛ یعنی متواضع و فروتن باشید (۲۰) از کارهای ناشایست بپرهیزید، (۲۱) امر به معروف و نهی از منکر را ترک نکنید. تا زمانی که این‌گونه عمل کنید من بر عهد خودم نسبت به شما پایدارم و از شما حمایت می‌کنم.^۱ مجموعاً پیمانی از یاران خویش می‌گیرد، آن یاران آهنین اراده، شکست‌ناپذیر، که در باب امامت و ولایت و توحید و نبوت مخلص‌اند.

طبیعی است که اگر چنین گروهی تشکیل بشود، با تشخیص الهی امام زمان علیه السلام که در گذشته ذکر شد باطن افراد را به روشنی می‌بیند و حق و باطل را به خوبی می‌شناسد، طرفداران حق و باطل را به خوبی تشخیص می‌دهد، چنین یارانی در کنار امام زمان علیه السلام قرار می‌گیرند، اگر کوه در برابر آن‌ها قرار بگیرد آن را از جا بر می‌کنند، آن‌ها هستند که بازوان امام زمان علیه السلام هستند و لطف الهی به وسیله آنان محقق می‌شود.

ان شاء الله خداوند ما را در عصر انتظار، برای خودسازی و آماده‌سازی خود و جامعه‌مان یاری کند که در حد صلاحیتی باشیم که اگر امام زمان علیه السلام تشریف آوردند، ما را به عنوان سرباز خود بپذیرند و موفق بدارد.

۱. چشم انداز حکومت امام مهدی، ص ۱۲۱.

چگونگی غلبه امام زمان علیه السلام بر دشمنان

از جمله عقایدی که ما درباره وجود مقدس امام زمان علیه السلام داریم این است که آن حضرت تمام عالم را زیر سلطه حکومت عدل الهی خود در می آورد و کل عالم، بر اساس نظام الهی و حاکمیت الهی و ولایت آن حضرت اداره خواهد شد. تنها دینی که در عصر حاکمیت امام زمان علیه السلام در دنیا حاکم خواهد بود، دین مبین اسلام است و رهبری این دین در آن عصر را امام زمان علیه السلام به عهده دارد. آیات و روایات فراوانی در این زمینه است که به بعضی از آنها اشاره می‌کنم.

قبلاً این نکته قابل ذکر است که حکومت واحد جهانی از جمله آرمان‌های صاحب نظران در گذشته و حال است؛ یعنی بر اساس اعتقادات و باورهای دینی و فلسفی بعضی از اندیشمندان و مکاتب، تنها حکومتی که می‌تواند خواسته بشر را تأمین کند حکومت واحد جهانی بر اساس عدل است، که به وسیله امام زمان علیه السلام و اراده الهی تحقق می‌پذیرد، حکومتی که مورد انتظار همه جهانیان است. ما نیز آیات و روایاتی که مؤید این عقیده است به اختصار تقدیم حضور شما می‌نمایم.

ذکر نمونه‌ایی از آیات قرآن کریم

خداوند می‌فرماید: «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ»؛^۱ «در زبور بعد از ذکر (تورات) نوشتیم: بندگان شایسته‌ام وارث (حکومت) زمین خواهند شد!».

مفسرین در باب این آیه شریفه می‌گویند: منظور حکومت امام زمان علیه السلام است

حکومت صالحان است، و کل زمین در اختیار صالحان قرار خواهد گرفت و از این کلمه ارض (زمین) می توان این نتیجه را گرفت که کل زمین قلمرو حکومت امام زمان علیه السلام خواهد شد.

آیه دیگری می فرماید: «وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ»؛^۱ «ما می خواهیم بزرگواران زمین منت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان روی زمین قرار دهیم». این آیه هم وفق نظر مفسرین به حکومت امام زمان علیه السلام تفسیر شده و حاکمیت کل زمین را در قلمرو حاکمیت امام زمان علیه السلام می دانند.

آیه سوم: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ»؛^۲ خداوند به مؤمنین از شما و آنهایی که عمل صالح می کنند وعده داده است که آنها را در زمین حکومت و خلافت می بخشد و به دین آنها قدرت و حاکمیت می دهد.

این آیه هم به نظر مفسرین ما به معنای حکومت کردن امام زمان علیه السلام در کل زمین است. در هر سه آیه، کلمه زمین ذکر شده و مفسرین از آن برداشت می کنند که منظور، کل زمین قلمرو حکومت عدل امام زمان علیه السلام است، البته در بعضی از روایاتی که در برخی از کتب ما هست، امام زمان حکومت بر آسمانها یا بخشی از آسمانها را نیز در اختیار دارد. وقتی در این آیه می گوید زمین، منظور این است که قلمرو جهان عصر ظهور امام زمان علیه السلام در اختیار امام زمان علیه السلام است.

نمونه ای از روایات

روایاتی که در این باب وارد شده، باز هم به وفور در کتابهای ما پیدا می شود که من به دو روایت یکی از قول رسول خدا صلی الله علیه و آله و روایت دیگری از قول امیرالمؤمنین علیه السلام خدمت شما بسنده می کنم. اما از قول نبی اکرم اسلام صلی الله علیه و آله؛ ابو حمزه ثمالی که از یاران

۱. سوره قصص، آیه ۵.

۲. ر. ۱، آیه ۵۵.

امام سجاد و امام باقر علیهما السلام است، می گوید: امام سجاد علیه السلام می فرماید که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «الأئمة من بعدي اثنا عشر أولهم أنت يا علي وآخرهم القائم الذي يفتح الله تعالى ذكره على يديه مشارق الأرض ومغاربها»^۱ امامان و رهبران بعد از من دوازده (۱۲) نفرند، ای علی! اولین امام بعد از من تو هستی، آخرین امام هم، امام قائم است که خداوند به دست او مشارق و مغارب عالم یعنی همه عالم را فتح می کند و به تحت حاکمیت او در می آورد.

می بینید که این روایت از قول پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده که مشرق و مغرب عالم یعنی همه عالم در قلمرو حکومت امام زمان علیه السلام است.

امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید: «لتعطفن الدنيا علينا بعد شماسها عطف الضروس على ولدها وتلا عقيب ذلك ونريد أن نمنّ على الذين استضعفوا في الأرض ونجعلهم أئمةً ونجعلهم الوارثين»^۲ همانا دنیا به ما، با مهربانی روی خواهد کرد، پس از آن که از ما روی گردانیده است؛ همانند شتر بد خلق و خوی و گاز گیرنده ای که بچه اش را گاز می گیرد و طرد می کند، اما بعد با مهربانی به سمت او بر می گردد، شاید منظور این باشد که از اول زندگی ائمه معصومین علیهم السلام تا دوران غیبت کبرای امام زمان علیه السلام دنیا، یعنی عوامل مختلفی که دنیا را تشکیل می دهد، نسبت به ائمه هدی علیهم السلام بدرفتاری و نامهربانی کرده اما در پایان این جریان دشمنی حاکمان دنیا، دنیا به سمت امام معصوم، امام زمان علیه السلام خواهد افتاد. بعد در پایان این بیان، امیرالمؤمنین علیه السلام آیه شریفه: «ونريد أن نمنّ على الذين استضعفوا في الأرض ونجعلهم أئمةً ونجعلهم الوارثين» را که قبلاً معنی کردم قرائت فرمود.

مجموعه این آیات و روایات نتیجه این است که قلمرو حکومت امام زمان علیه السلام تمام دنیای عصر ظهور است، نه بخشی از اسلام و دنیا، بلکه در همه اقطار عالم، شرق و غرب عالم حاکمیت پیدا می کند.

سؤال مهم

در اینجا این سؤال ممکن است در ذهن مطرح شود که با توجه به اقتدار

تسلیحاتی دشمنان امام زمان علیه السلام و دشمنان دین و عدالت، چگونه ممکن است امام زمان علیه السلام بر همه قدرت‌های قوی و مدرن تسلیحاتی عصر خود غلبه یابد و بتواند دنیا را در اختیار خود بگیرد؟ به چه قدرتی؟ آیا به کمک قدرت مادی و تسلیحاتی بر همه قدرت‌ها چیره می‌شود؟ یا با امدادهای غیبی به چنین حکومت جهانی دست می‌یابد؟

در توضیح این دو سؤال، نکاتی را خدمتتان می‌گویم، البته شرح آن را باید در کتاب‌ها بیشتر نگاه کنید.

در خبرها آمده است که امام زمان علیه السلام قیامش، قیام شمشیر است. این واژه شاید به این معنی باشد که امام زمان علیه السلام قیامش، قیام مسلحانه است و شمشیر هم سمبل جهاد است و ممکن است که خود امام زمان علیه السلام علاوه بر این که از تسلیحات دیگر برخوردار است، شمشیر هم به عنوان نماد قدرت در حمایتش باشد. و همان طور که در گذشته گفتم شمشیر امیرالمؤمنین علیه السلام چه بسا، بر اساس روایت در اختیار او باشد، به عنوان سمبل جهاد مسلحانه و قدرت الهی، اما قابل توضیح است، در عصری که امام زمان علیه السلام ظهور می‌کند، چند احتمال است:

احتمال اول:

چه بسا قدرت‌های تسلیحاتی دنیا به جان هم بیفتند - مثل جنگ‌های جهانی - همدیگر را نابود کنند و تسلیحات خود را هم نابود کنند، آن وقت امام زمان علیه السلام ظهور کنند و هیچ تسلیحاتی وجود نداشته باشد و خود آن‌ها همدیگر را نابود کرده باشند و امام زمان علیه السلام با شمشیر قیام کنند و با همان شمشیر ذوالفقار، جهاد را آغاز کنند.

احتمال دوم:

ممکن است قدرت‌های تسلیحاتی دنیا بر حسب وحشتی که از همدیگر دارند، قراردادهای عدم استفاده از تسلیحات را امضا کرده باشند. همان طوری که قبل از فروپاشی شوروی در پیمان‌های استراتژیک که شرق و غرب داشتند مثل پیمان‌های نظامی سالت ۲، شوروی آن زمان و آمریکا با هم قرار گذاشتند که از استفاده

سلاح‌های دوربرد و موشک‌های قاره‌پیما استفاده نکنند و یا حتی به خنثی‌سازی موشک‌های قاره‌پیما پرداختند. بعضی خودشان به این نتیجه رسیدند که استفاده از این سلاح‌های مخرب جهانی و یا تسلیحات اتمی، خود به خود زمینه‌فروپاشی همه آن‌ها را فراهم خواهد کرد. با هم کنار آمده که استفاده نکنند، چه بسا در عصر امام زمان علیه السلام هم چنین قراردادی میان قدرت‌ها ایجاد شود و امام زمان علیه السلام در یک فرصت بسیار کوتاهی، در آن عصر بتواند همه دنیا را بگیرد.

احتمال سوم:

به دلیل ظلم و ستم قدرت‌های دنیا، نیروهایی که استفاده از این سلاح‌ها در اختیار آن‌هاست وقتی ببینند که امام زمان علیه السلام ظهور کرد و پیام عادلانه جهانی دارد قلباً به امام زمان علیه السلام رغبت پیدا بکنند و دست به استفاده از اسلحه نبرند، مثلاً در رژیم گذشته نیروهای مسلح، نظامیان و ارتشیان، غرق در سلاح بودند، مردم بی‌سلاح در برابر آن‌ها حاضر می‌شدند اما آن‌ها از سلاح استفاده نمی‌کردند. انواع سلاح در اختیار شاه و سربازانش بود اما امام علیه السلام و نیروهای انقلابی بدون سلاح، مبارزه کردند و پیروز شدند. سلاح‌ها، اصلاً به کار نرفت مگر در حد محدود، توسط نابکاران، چنین چیزی ممکن است در عصر امام زمان علیه السلام هم اتفاق بیفتد.

احتمال چهارم:

نکته دیگری که قابل بررسی است، از کجا معلوم امام زمان علیه السلام از سلاح‌های مدرن‌تری برخوردار نباشد، از قدرت علمی فوق‌مدرن برخوردار نباشد که بتواند به وسیله تسلیحات برتر خودش، تسلیحات پیشرفته دشمنان را خنثی کند، مثل بعضی از دستگاه‌های قوی و مدرنی که رادارهای موشک‌ها و هواپیماها را کور می‌کند و خود به خود از کار می‌اندازد، ردیاب‌های مختلفی که موشک‌ها را شناسایی می‌کنند و قبل از به کار افتادن آن‌ها، نابودشان می‌کند و موشک‌های ضد موشک و دستگاه‌های علمی دیگر.

نیروهای رزمنده ما در زمان دفاع مقدس، در سطح آب‌های خلیج فارس

توانستند دستگاه‌هایی درست کنند با همین قایق‌های تندرو، مسیر کاربرد موشک‌های پیشرفته فرانسوی (اگزوسه) را که در اختیار صدام قرار داده بودند را کور می‌کردند، در نتیجه آن‌ها نمی‌توانستند به هدف برسند. خوب از کجا معلوم که امام زمان علیه السلام از این قدرت فوق قدرت‌های آن روز خود استفاده نکند.

ما معتقدیم علم او متصل به علم الهی است، یعنی با همین سلاح‌های علمی و ابزارهای علمی در عصر خودش همه سلاح‌های پیشرفته را خنثی می‌کند.

از کجا که امام زمان علیه السلام از قدرت علمی و سلاح‌های قوی و مدرن برخوردار نباشد؟ این‌ها می‌تواند یک مورد احتمال و بررسی باشد. در هر حال اگر ما پیروزی امام زمان علیه السلام را منوط به برخورداری از سلاح‌های مادی هم بدانیم دور از ذهن نیست. در همین باب روایتی از امام صادق علیه السلام نقل شده که ایشان فرمودند: یاران امام زمان علیه السلام شمشیرهایی از نوع آهن دارند، اما نه از نوع این آهن، از نوع غیر این آهن، جنس آن، این آهن عادی و معمولی نیست. بعد می‌فرماید: اگر یکی از آن‌ها با شمشیر خود بر کوه ضربه بزند کوه را دو نیم می‌کند.^۱ این چه قدرتی است که آن شمشیر دارد؟ از چه قدرتی و از چه اشعه‌هایی برخوردار است، نمی‌دانیم.

حدیث دیگری از قول امام صادق علیه السلام می‌فرماید: یاران مهدی اگر با سپاهیبانی که شرق و غرب را گرفته باشد درگیر شوند آن‌ها را در یک لحظه نابود خواهند کرد.^۲ خوب، چگونه؟ ممکن است با همین سلاح‌های فوق مدرن باشد.

نکته بعدی که مورد نظر است، علاوه بر برخورداری از قدرت تسلیحاتی مادی یا بدون برخورداری از قدرت تسلیحاتی مادی از امدادهای غیبی برخوردار باشد، همچنان که در جنگ بدر، این‌گونه بود. «كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ»؛^۳ «چه بسا، گروه اندکی به یاری خدا بر گروه کثیری غالب خواهند شد وقتی خدا بخواهد».

در روایات در این باب مطالب زیادی وارد شده، از جمله این روایت است که

۱. بحار الانوار: ۴۱/۲۷.

۲. بحار الانوار: ۴۱/۲۷.

۳. سوره بقره، آیه ۲۴۹.

امام باقر علیه السلام می فرماید: جبرائیل امین در سمت راستش و میکائیل در سمت چپش و فرشتگان زیادی در خدمتش هستند و ترس به عنوان سرباز خدا در اختیار امام زمان علیه السلام قرار می گیرد و هراس در دل دشمنان امام زمان علیه السلام با فاصله یک ماه مسیر ایجاد می شود و خدا به وسیله ۵۰ هزار فرشته نامدار و نشان دار، امام زمان علیه السلام را کمک می کند و بر کل دنیا چیره می گرداند.

در جریان دفاع مقدس؛ دشمن ما از مدرن ترین سلاح ها برخوردار بود، رزمنده های ما بدون این که سلاح داشته باشند پیروز شدند. از قول سردار رشید بابایی^۱ نقل شده که گاهی به صورت تن به تن به جای نارنجک، مستی گیل را به سمت دشمن پرتاب می کردند و دشمن خیال می کردند نارنجک است و وحشت عجیب داشتند. از آن طرف قدرت و شجاعتی خداوند در دل رزمندگان ایجاد کرده بود که از دشمن نهراسند و دشمن از آنها بترسد.

از جمله توانی که خدا به وسیله امداد غیبی در خدمت امام زمان علیه السلام قرار می دهد قدرت شجاعت نیروهای او و ترس و وحشت در دل دشمنانش است که این شکننده است، ترس شکست آور است، همان تعبیری که خداوند برای جنگ بدر دارد. که خداوند با فرشتگان نشان دار سربازان اسلام را کمک کرد. همین قول را در روایات درباره امام زمان علیه السلام داریم قدرت الهی و معنوی پیدا می کند، امدادهای غیبی به کمکش می آیند و لذا به هر تعبیری که بگوییم، خداوند قدرت حاکمیت کل عالم را به ایشان می دهد و او عالم را پر از عدل و داد خواهد کرد.

۱. یکی از فرماندهان دفاع مقدس.

آغاز جهاد و تشکیل حکومت و محل حکومت امام زمان علیه السلام

در ادامه بحث پیرامون وجود نازنین امام زمان علیه السلام مختصری پیرامون مسائل مربوط به آغاز جهاد برای استقرار حکومت عدل الهی و نیز پایگاه و جایگاه استقرار و مدت حکومت ایشان بر اساس روایاتی که از معصومین علیهم السلام در اختیار ما قرار گرفته، مطالبی را تقدیم حضور شما می‌نمایم.

زمان ظهور

آنچه از روایات بر می‌آید این است که زمان ظهور وجود مقدس امام زمان علیه السلام بنا به بعضی از روایات، غروب تاسوعا و شب عاشورا است و شب جمعه، در کنار خانه کعبه ظاهر می‌شود.

ابوبصیر از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند: «ینادی باسم القائم فی یوم ستّ و عشرین من شهر رمضان و یقوم فی یوم عاشورا و هو یوم الذی قتل فیہ الحسین علیه السلام لکافی به فی یوم العاشر من المحرم قائماً بین الرکن والمقام جبرئیل بین یدیه ینادی بالبیعة له فتصیر شیعته من اطراف الأرض تطوی لهم طياً یبایعوه فیملاء به الله الأرض عدلاً کما ملئت جوراً وظلماً؛^۱ روز بیست و ششم ماه رمضان ندایی به نام امام قائم ما بلند می‌شود، در روز عاشورا؛ یعنی همان روزی که حسین در آن به شهادت رسید، گو این که می‌بینم در روز دهم محرم، امام زمان بین رکن و مقام ایستاده و جبرئیل در مقابل اوست و صدای بلند برای بیعت با او را سر می‌دهد، سپس شیعیان او از اطراف عالم به سوی او حرکت کرده و با او بیعت می‌کنند، آن‌گاه خداوند زمین را پر از عدل و داد می‌کند».

به هنگامی که مخالفین از حضور آن حضرت با خبر می‌شوند، سوء قصد و تعرض به وجود مقدّس می‌نمایند اما با حفاظت الهی و حمایت یاران مخصوصش محافظت می‌شود. صبح روز جمعه از کنار بیت الله الحرام پیام خود را به زبان‌های مختلف به دنیا ابلاغ می‌کند و همه دنیا را به حکومت الهی خود می‌خواند و دعوت به پذیرش حق می‌نماید «إذا ظهر القائم علیه السلام بین الرکن والمقام وینادی ببدء خمسه، الاول؛ ألا یا اهل العالم انا الإمام القائم، الثاني؛ ألا یا اهل العالم أنا الصمصام المنتقم، الثالث؛ ألا یا اهل العالم ان جدی الحسين قتلوه عطشاناً، الرابع؛ ألا یا اهل العالم ان جدی الحسين طرحوه عریاناً، الخامس؛ ألا یا اهل العالم ان جدی الحسين سحقوه عدواناً؛^۱ هنگامی که قائم ما قیام کند میان رکن و مقام ابراهیم در مسجد الحرام پنج نکته را با صدای بلند فریاد می‌زند، اول: ای جهانیان من همان امام قائم هستم، دوم: ای اهل عالم من همان شمشیر انتقام هستم، سوم: ای جهانیان همانا جد من حسین علیه السلام را تشنه کام به شهادت رساندند، چهارم: ای جهانیان بدن جد من حسین را بعد از کشتن در بیابان رها کردند، پنجم: ای جهانیان همانا جدم حسین را کینه‌توزانه از بین بردند».

همین زمان است که سپاهیان سفیانی که علیه حق و حقیقت قیام می‌کنند بخشی از آنان برای حمله به مکه به سمت مکه حرکت می‌نمایند اما چون به سرزمین بیداء که نزدیک مکه است می‌رسند به قدرت الهی در زمین فرو می‌روند. وقتی این پیشگویی پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله تحقق پیدا کرد، امام زمان علیه السلام با تعداد دوازده هزار نفر از نیروهای خود از مکه خارج می‌شود و به سمت مدینه حرکت می‌کند و از بعضی از روایات بر می‌آید که امام زمان علیه السلام وقتی از مکه خارج می‌شود فردی را به عنوان جانشین و وکیل خود در مکه منصوب می‌کند، اما اهل نفاق و شقاق علیه او قیام و او را به قتل می‌رسانند. امام زمان علیه السلام مجدداً به مکه بر می‌گردد و شخص دیگری را به جای خود تعیین و سپس به سمت مدینه حرکت می‌کند.

حاکمان مدینه و اطراف آن وقتی خبر ظهور امام را می‌شنوند، برای این که تسلیم

او نشوند به جمع آوری عده و عده می پردازند و از سپاهیان سفیانی و باقیمانده آنها که در عراق هستند کمک می گیرند اما امام زمان علیه السلام با قدرت الهی، مدینه را آرام می کند و در زیر پوشش حکومت عدل الهی در می آورد. هنگامی که حرمین شریفین یعنی مسجد الحرام و مسجد النبی صلی الله علیه و آله و دو شهر ام القرای مکه و مدینه النبی و اطراف آنها امن و امان شد، به سمت جنوب ایران حرکت می کند و در ایران و بین مرز ایران و عراق فعلی یعنی همان حول و حوش کوفه و شهرهای اطراف و شهرهای ایران قیام حق طلبانه خود را به سمت عراق و کوفه نزدیک می کند. قیام حق طلبانه دیگری که قبلاً درباره علائم ظهور به شرح آن پرداختم و آن هم قیام «یمانی» است که شخص حق طلب و شیعی از صنعا یمن حرکت می کند و پرچم عدالت را برمی افرازد و او هم خود را به سمت عراق نزدیک می کند. پس به سپاه حق طلب خراسانی به رهبری شعیب بن صالح و سپاه یمانی، و سادات حسنی که از شمال ایران و مناطق دیلم است، قیامشان آغاز می شود و در اطراف کوفه، به امام زمان علیه السلام می پیوندند و اعلام وفاداری می کنند و سپاهیان آنها تحت فرمان امام زمان علیه السلام در می آیند.

مکان حکومت

اما راجع به سؤال دوم که جایگاه حکومت امام زمان علیه السلام کجاست؟ پاسخ می دهیم که بر اساس روایات، وقتی این سپاهیان حق طلب به امام زمان پیوستند آن حضرت در شهر کوفه حکومت خودشان را اعلام می کند. روایاتی در این رابطه هست که به اختصار به آنها اشاره می کنم:

از امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که فرمود: «ثم یقبل إلى الکوفة فیکون منزله بها»^۱ پس از جهادی که انجام می دهد از مدینه به سمت کوفه می رود و کوفه را جایگاه خود قرار می دهد. روایت دیگر از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: «فقال: أما إنه

منزل صاحبنا إذا قدم»^۱ کوفه جایگاه صاحب ماست یعنی صاحب العصر و الزمان علیه السلام هنگامی که با یاران و خانواده خود به سمت کوفه روی بیاورد، در آن شهر اقامت می‌کند، و مسجد سهله که جایگاه استقرار امام زمان علیه السلام است، محل حکومتشان می‌شود. مؤمنین از اطراف و اکناف به محضر ایشان می‌رسند و مجمع بزرگی از مؤمنین خواهد شد.

امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «إذا قام القائم ودخل الكوفة لم يبق مؤمن إلا وهو بها»^۲ هنگامی که امام زمان علیه السلام قیام کند و وارد کوفه شود هیچ مؤمنی باقی نمی‌ماند مگر آن که خدمت امام زمان علیه السلام بیاید؛ یعنی کوفه مرجع و ملجأ و محل زندگی مؤمنین و محل زندگی امام زمان علیه السلام است.

حدیث دیگری است راجع به وسعت شهر کوفه و مسجدی که پایگاه امام زمان علیه السلام می‌شود، امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «وینبني في ظهر الكوفة مسجداً له ألف باب ويتصل بيوت الكوفة بنهر كربلاء بالحيرة»^۳ در کوفه مسجدی بنا می‌شود که هزار درب دارد و خانه‌های شهر کوفه به نهر کربلا و شهر حیره متصل می‌گردد. یعنی این منطقه به صورت یک آبادی وسیع درمی‌آید و در آن مسجدی است که امام زمان علیه السلام در آنجا اقامه نماز می‌کند در آنجا امور حکومت را رتق و فتق می‌نماید که همان جایگاه مسجد سهله است؛ بنابراین از روایات فوق بر می‌آید که محل حکومت و جایگاه استقرار امام زمان علیه السلام شهر کوفه است که توسعه پیدا می‌کند. اکنون هم شهر کوفه با شهر نجف متصل است، یعنی نجف و کوفه و کربلا تقریباً به هم وصل خواهند شد. فعلاً بین کربلا و کوفه حدود ۷۰ یا ۹۰ کیلومتر است و وقتی در آنجا حکومت خود را مستقر کرد، بقایای سپاهیان عثمان بن عنبسه معروف به سفیانی به سمت دمشق می‌روند و بانبروهای غربی و رومی و یهودیانی که در آنجا مستقرند متحد می‌شوند و امام زمان علیه السلام برای سرکوبی آنها به سمت دمشق حرکت می‌کند و در «مرج عذرا»

که محل شهادت و مدفن یکی از بهترین یاران امیرالمؤمنین علیه السلام یعنی حجر بن عدی است به سفیانی دست پیدا می‌کند. در آغاز قرار بر مذاکره می‌گذارند اما بعضی از همراهان سفیانی که براساس روایات، یهودیان و رومیان؛ یعنی غربی‌ها هستند او را از مذاکره با امام زمان علیه السلام باز می‌دارند و در نتیجه نبرد شدیدی شروع می‌شود و به سرزمین وسیعی از انطاکیه یعنی ترکیه فعلی تا دمشق و عکا در فلسطین اشغالی کنونی کشیده می‌شود. رومیان و غربیان به حمایت از سفیانی می‌آیند، در همین حالت وجود مقدس عیسی مسیح - علی نبینا و آله و علیه الصلاة والسلام - از آسمان فرود می‌آید، مسلمانان و مسیحیان با دیدن مسیح علیه السلام خوشحال می‌شوند و مسیحیان متوجه می‌شوند که حضرت مسیح علیه السلام با امام زمان علیه السلام بیعت می‌کند و در خدمت امام زمان علیه السلام قرار می‌گیرد و پشت سر امام زمان علیه السلام نماز می‌خواند. و چون مشاهده می‌کنند که عیسی علیه السلام جزو یاران و پیروان امام زمان علیه السلام قرار می‌گیرد، موجب می‌شود مسیحیان و نیروهای غربی هم علاقه‌مند شوند و در نتیجه جنگی که صورت گرفته، به صلح و آشتی مبدل شده و به پذیرش نیروهای غربی می‌انجامد. اما نیروهایی که سرسختی می‌کنند و می‌خواهند مبارزه را ادامه دهند نابود می‌شوند. بگذریم که طول و تفصیل قضایا چیست، از روایات این‌گونه بر می‌آید که حضرت مسیح علیه السلام در همان فلسطین از دنیا می‌رود و امام زمان علیه السلام به دست خودشان او را آماده خاک‌سپاری می‌کند. غسلش می‌دهد و بنا بر نقل روایتی، با پارچه‌ای که دستباف خود حضرت مریم علیه السلام است حضرت مسیح علیه السلام را کفن می‌کند و در بیت المقدس کنار قبر مادرش حضرت مریم علیه السلام به خاک می‌سپارد و آن‌گاه به شهر کوفه بر می‌گردد و آنجا را محل حکومت خود قرار داده و به پیاده کردن امور حکومت الهی می‌پردازد.

مدت حکومت

اینجا لازم است به اختصار نکته‌ای را جع به حکومت امام زمان علیه السلام مطرح نمایم؛

یعنی درباره کسی که تقریباً همه ملت‌ها، امت‌ها و مکتب‌ها به نوعی با اختلاف و تفاوت منتظر ظهورش هستند و اوست که عصاره انبیاست. این نکته راجع به مدت حکومت آن حضرت است. یعنی وقتی ظهور کرد و حکومتش را آغاز نمود چند سال حکومت می‌کند؟ روایات در این باره متفق نیستند بعضی از روایات اقل مدت حکومت را ۷ سال می‌گویند.

روایتی از حضرت رسول ﷺ نقل شده که فرمودند: «یخرج رجل من أهل بیتی و یعمل بستتی وینزل الله له البرکة من السماء و تخرج الأرض برکتها و تملأ به الأرض عدلاً کما ملئت ظلماً و جوراً، و یعمل علی هذه الأمة سبع سنین؛^۱ فردی از خاندان من خروج می‌کند و خدا به وسیله او برکات خودش را از زمین و آسمان نازل می‌کند، زمین همه برکات خود را در اختیار او قرار می‌دهد و زمین هر چه استعداد دارد در اختیار او قرار می‌دهد».

ما به خوبی نمی‌دانیم استعداد زمین چقدر است مثلاً در گذشته با ابزارها و امکانات عادی، یک هکتار زمین دو تن شلتوک تحویل می‌داد اما اکنون، ده تن شلتوک می‌دهد. اخیراً شخصی به عنوان کشاورز نمونه در یک هکتار ۱۳۰ تن چغندر تولید کرده، استعداد این زمین عجیب است، استعدادهای دیگری هم دارد آنچه ذخایر الهی است در دل زمین است، از آفتاب گرفته تا معادن و ذخایر زمین‌ها، هر چه در زمین است خارج می‌شود و در اختیار امام زمان ﷺ قرار می‌گیرد. در ادامه روایت می‌فرماید: دنیا را پر از عدل و داد می‌کند آن‌چنان که پر از ظلم و بی‌دادگری شده بود و ۷ سال بر این اساس حکومت می‌کند.

در قرآن و روایت هم حدود ۳۰۹ سال نقل شده که امام باقر ﷺ در روایت مفصلی می‌فرماید: «یملك القائم ثلاثمائة سنة و یزاد تسعا کما لبث أهل الکهف فی کهفهم؛^۲ همچنان که اصحاب کهف بر اساس آیات و روایات، ۳۰۹ سال در غاری اقامت کردند امام زمان ﷺ هم مدت حکومتش ۳۰۹ سال است».

تعبیری که در بعضی از روایات آمده این است که سالی که در این روایت آمده به سال شمسی و قمری نیست، بلکه مدّت این سال فرق می‌کند همچنان که ما نمی‌توانیم همه جای کره زمین، ساعات روز و شب را مساوی بدانیم. در بعضی مناطق، روز بسیار طولانی است بنابراین با ملاک و معیارهایی که در روایات آمده عرف و عادت روزانه ما نیست. در بعضی از روایات آمده است که در حکومت امام عصر علیه السلام هر سالی به مدّت ۱۰ سال ماست، بنابراین ما نمی‌توانیم دقیقاً بگوییم چقدر با سال و ماهی که ما عرفاً به آن عادت کردیم امام زمان علیه السلام حکومت می‌کند. بعضی هم گفتند منظور از این هفت سال این است که قبل از این که حکومتش کاملاً مستقر شود ۷ سال طول می‌کشد تا حکومتش در لابلای جهاد و جنگ و خون و شجاعت و ایثارگری که صورت می‌گیرد مستقر شود و سپس ۳۰۹ سال ادامه پیدا می‌کند. □

وضعیت فکری و اعتقادی مردم در عصر حکومت امام زمان علیه السلام

در این بخش از سخن پیرامون وضعیت فکری و اعتقادی مردم دوران حکومت امام زمان مطالبی را تقدیم می‌دارم. معتقد هستیم هنگامی که امام زمان علیه السلام ظهور کند و حکومتش را پابرجا نماید جامعه بشری از جهات مختلف به بهترین وضعیت خودش می‌رسد و از نظر دین، اخلاق، تفکر و اندیشه، آگاهی، امنیت، عدالت، اقتصاد، عمران و آبادی در بهترین شرایط خودش قرار می‌گیرد که در طول عمر دنیا نظیری برای آن نبوده است. اما در آغاز این بحث راجع به وضعیت فکری و دینی مردم عصر امام زمان علیه السلام و چگونگی تفکر جامعه عصر حکومت امام زمان علیه السلام مطالبی را مطرح می‌کنم.

بازگشت مردم به اسلام واقعی

از روایات نتیجه می‌گیریم که از زمان بعثت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله تا زمان ظهور امام زمان علیه السلام به دلیل دوران زیادی که پیش آمده است، بسیاری از سنت‌های الهی و دینی متروک می‌شود و بسیاری از بدعت‌ها در جامعه دینی به نام دین رایج می‌شود، وقتی که امام زمان علیه السلام ظهور کرد همه این بدعت‌ها را برمی‌چیند و همه سنت‌های فراموش شده و منزوی شده را احیا می‌کند. می‌فرمایند: «قیل لا یتروک بدعة الا ازالها ولا سنة الا احياها»^۱ بدعت و نوآوری و چیزی که جزو دین نبوده و به نام دین در میان مردم رایج کرده‌اند و آداب و رسوم غلطی که تحت عنوان دین و افکار

۱. چشم انداز حکومت مهدی علیه السلام، ص ۱۶۷.

و آداب دینی در جامعه رایج کرده‌اند همه را بر می‌دارد و سنت نبوی ﷺ را که در گذشت زمان توسط دشمنان منزوی شده یا از بین رفته، همه را احیا می‌کند و به گونه‌ای می‌شود که بعضی ها گمان می‌کنند آنچه که امام زمان ﷺ می‌گوید دین جدید است و دین اصلی اسلام نیست.

تعبیر روایات این است که می‌گوید: «یأتی بدین جدید؛ با دین جدید و تازه می‌آید». آیا نعوذ بالله، دینی که امام زمان ﷺ در جامعه‌ها حاکم می‌کند دین اسلام و دین پیغمبر اسلام ﷺ نیست؟

خیر، مفهومی این است؛ از بس که جامعه، از سنت الهی فاصله می‌گیرد که تقریباً با اسلام راستین بیگانه می‌شود، ولی امام زمان ﷺ وقتی سنت اصلی اسلام را به جایگاهش بر می‌گرداند بعضی گمان می‌کنند که دین جدیدی است و در روایات هم به همین خاطر به آن جدید گفته شده است. در روایتی از امام صادق ﷺ است که می‌فرماید: «إذا قام القائم ﷺ دعا الناس إلى الإسلام جدیداً وهداهم إلى أمر قد دثر و ضلّ عنه الجمهور؛^۱ وقتی امام زمان ﷺ قیام کند مردم را به اسلام تازه دعوت می‌کند یعنی به اسلام ناب فرا می‌خواند و به سنت‌های اسلامی که عموم مردم از آن غافل شدند دعوت می‌کند». در عصر امام زمان ﷺ که قوانین و حدود منزوی شده اسلام باید اجرا شود و این احکام در میان جامعه پیاده می‌شود. امام زمان ﷺ مردم را به سوی کارهایی دعوت می‌کند و به اموری فرا می‌خواند که در جامعه کهنه و فرسوده شده و از بین رفته‌اند و جمهور امت اسلامی از آن بیگانه شدند، پس از این روایت می‌توان فهمید و نتیجه گرفت که فاصله بین امت اسلامی و اسلام راستین به قدری زیاد می‌شود که وقتی امام زمان ﷺ آمد و اسلام واقعی را در میان جامعه اجرا کرد، به نظر می‌رسد چیز تازه و جدیدی است و به همین خاطر به امام زمان، «مهدی» گفته‌اند: «وإنما سمي القائم مهدياً لأنه يهدى إلى أمر مغفول عنه»؛^۲ به خاطر این که امام زمان ﷺ مردم را به سوی کارهایی دعوت و هدایت می‌کند که مردم از آن کارها، غافل شدند و از آن

۱. بحار الانوار: ۵۱/۳۰.

۲. بحار الانوار: ۵۱/۳۰.

دستورات بیگانه شدند، بنابراین یکی از نعمت‌هایی که در زمان حاکمیت امام زمان علیه السلام تحقق پیدا می‌کند حاکمیت اسلام واقعی است که در طول تاریخ کم‌رنگ یا از صحنه اجتماعی منزوی شده است.

وضعیت اعتقادی

نکته دیگری که باز درباره وضعیت اعتقادی و دینی مطرح می‌کنم این است که در عصر حکومت امام زمان علیه السلام همه مسلمان می‌شوند، پیروان آئین‌های دیگر از اهل کتاب یعنی یهود و نصاری همه برمی‌گردند و دین خدا و اسلام را قبول می‌کنند. لکن دینی که در آن عصر در دنیا حاکمیت دارد و مردم پیرو آن هستند دین اسلام خواهد بود.

به تعبیر قرآن کریم: «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ»^۱ «دین اسلام بر همه ادیان چیره می‌شود و تنها دین حاکم بر جامعه می‌شود».

در کتاب شریف بحار الانوار آمده است که شخصی به نام شهر بن حوشب که در زمان حجاج بن یوسف زندگی می‌کرد، روزی در نزد حجاج بود که حجاج به او گفت: یکی از آیات قرآن مرا خسته کرده، هر چه روی آن فکر و کار می‌کنم آن را نمی‌فهمم. شهر بن حوشب می‌گوید: به او گفتم کدام آیه؟ حجاج گفت که این آیه: «وَإِنْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا لَيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ»^۲ «هیچ اهل کتابی نیست مگر این که قبل از مرگش به او ایمان می‌آورد و مسلمان می‌شود».

من این را نمی‌فهمم، این همه اهل کتاب با دین مسیحی و یهودی از دنیا می‌روند من خودم تجربه کردم بعضی از یهود و نصاری که گردنشان را می‌زنند، دقت می‌کنم لب‌هایشان هیچ تکانی نمی‌خورد؛ یعنی با همان اعتقاد یهودی می‌میرند، اما این آیه چه می‌گوید؟

شهر بن حوشب می‌گوید: من به حجاج گفتم منظور این است که قبل از این که

۱. سوره توبه، آیه ۳۳.

۲. سوره آل عمران، آیه ۱۹۹.

قیامت برپا بشود حضرت عیسی علیه السلام به امر پروردگار به زمین هبوط می‌کند و بر می‌گردد با حضرت مهدی علیه السلام بیعت می‌کند و جزو پیروان او می‌شود. در آن زمان است که همه اهل کتاب از مسیحی و یهودی یکپارچه به دین اسلام در می‌آیند و پیرو اسلام می‌شوند و منظور این نیست که همه اهل کتابی که الآن زندگی می‌کنند به هنگام مردن، مسلمان از دنیا می‌روند. حجاج با تعجب گفت: این را از چه کسی یاد گرفتی؟ گفتم: از محمد بن علی - امام باقر علیه السلام - شنیدم. حجاج با آن دنائت و پستی که داشت، گفت: مفهوم این آیه را از سرچشمه صاف و زلالی گرفتی، درست است.^۱

خوب با این بیان می‌شود نتیجه گرفت که در عصر دولت امام زمان علیه السلام همه اهل کتاب به اسلام در خواهند آمد و پس از آن، بحث جزیه دادن و مسیحی و یهودی ماندن نیست، ممکن است یک عده مقاومت کنند و اسلام نیاورند و بجنگند تا کشته شوند اما عده‌ای برمی‌گردند و به دین اسلام روی می‌آورند و پیرو مکتب اسلام و تابع حکومت امام زمان خواهند شد؛ بنابراین در عصر امام زمان علیه السلام تنها دینی که همه مردم پیرو آن خواهند بود، اسلام است.

تکامل عقلی جامعه بشری

نکته بعدی درباره تکامل عقلی جامعه بشری در آن عصر است. معتقدیم زمانی که امام زمان علیه السلام ظهور کند بستر جامعه برای ترقی و رشد عقلی بشر آماده می‌شود، عوامل و موانعی که باعث استضعاف عقلی و فکری جامعه است از بین می‌رود و در نتیجه، همه این فرصت را پیدا می‌کنند که از نعمات الهی برخوردار شوند و از عوامل رشد دهنده عقل استفاده کنند.

حکومت امام زمان علیه السلام در حقیقت به عنوان نعمت الهی است که بستر را برای این امر مهم؛ یعنی تکامل عقلی و فکری بشر فراهم می‌کند.

در این باب از قول امام باقر علیه السلام روایت شده: «إذا قام قائمنا وضع یدہ علی رئوس

العباد فجمع بها عقولهم وکملت بها أحلامهم؛^۱ هنگامی که امام زمان علیه السلام ظهور کند دست خود را بر سر همه بندگان خود می‌کشد».

حالا از این که امام عصر علیه السلام دست خود را بر سر همه مردم می‌کشد قطعاً منظور دست امام عصر علیه السلام به معنی دست مادی مثل دست بشر نیست بلکه همانند مفهوم یدالله فوق ایدیهم است یعنی همه عواملی که خداوند در جامعه بشری جهت خدمتگزاری، هدایت و رشد بشر قرار داده، همه به منزله دست خدا هستند که بر سر بشر کشیده می‌شود

دست خدا

وجود امام زمان علیه السلام به منزله دست خداست که بر بشریت حاکم می‌شود و بشر را از نظر عقلی کامل می‌کند و به این وسیله رحمت خدا بر سر عباد و بندگان خدا کشیده می‌شود و عقل‌ها و افکار و اندیشه‌های بشر کامل می‌شود؛ یعنی بشر در آن روز به حدّ اعلائی کمال خویش می‌رسد یعنی همان چیزی که خداوند، ابوالبشر را خلق کرد و او را اسماء یاد داد. بندگان خدا در زمان ظهور امام زمان علیه السلام به آگاهی کامل خواهند رسید، افکار و اندیشه‌شان از پراکندگی و تشتت به وحدت می‌گراید. از سرچشمه زلال و صاف الهی سیراب می‌شوند. از نظر افکار و اندیشه و عقل به حدّ اعلائی درجه خود می‌رسد.

امام باقر علیه السلام فرمود: «وتوتون الحکمة فی زمانه حتی أن المرأة لتقضي فی بیتها بکتاب الله تعالی وسنة رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم؛^۲ به خاطر توسعه فهم و آگاهی عمومی، حتی زن‌ها در خانه‌هایشان بر اساس کتاب خدا و سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم داور می‌کنند».

در روایت دیگری از قول امام صادق علیه السلام است که می‌فرماید: «العلم سبعة وعشرون حرفاً فجمع ما جاءت به الرسل حرفان فلم يعرف الناس حتی اليوم غیر الحرفین فإذا قام قائمنا أخرج الخمسة والعشرين حرفاً فبثها فی الناس وضم إليها الحرفین حتی یبثها سبعة

۱. بحارالانوار: ۳۲۸/۵۲.

۲. بحارالانوار: ۳۵۲/۵۲، سیمای آفتاب، ص ۴۱۹.

وعشرین حرفاً؛^۱ علم بیست و هفت حرف، شاخه، شعبه یا موضوع دارد و تمام ۱۲۴ هزار پیامبر از زمان آدم تا زمان پیغمبر خاتم صلی الله علیه و آله که آمدند، دو حرف از این ۲۷ حرف را توانستند شکوفا کنند؛ یعنی دو قسمت از این ۲۷ قسمت علوم را توانستند برای مردم در جامعه باز کنند، ۲۵ قسمت دیگر از علوم در جامعه شناخته نیست. کسی از این علوم تا روز ظهور امام زمان علیه السلام غیر از این دو حرف هیچ چیز نمی داند. امام زمان علیه السلام که ظهور کند، ۲۵ حرف دیگر باز می شود و در جامعه ظهور و بروز پیدا کرده، گسترش و حاکمیت می یابد. این همه ابواب علمی که در زمینه های مختلف در دنیاست و همواره به سرعت در حال سیر تکاملی است خدا می داند که تا زمان ظهور امام عصر علیه السلام چه مقدار توسعه و تنوع پیدا خواهد کرد که همه به منزله دو حرف از بیست و هفت حرف است و ۲۵ حرف دیگر در عصر دولت امام زمان علیه السلام باز می شود؛ یعنی بشر ظرفیت علمی اش به کمال می رسد، به آن جایگاه رفیعی که از نظر علمی و معرفتی می تواند به آن دست یابد می رسد. تمام مردم، همه چیز را می فهمند، وقتی همه چیز را بفهمند مطمئناً همه مشکلات هم حل می شود، آن هم فهم درست و دقیق و بی غلط و بی اشتباه که از سرچشمه صاف و زلالی که با دست الهی بر سر بندگان خدا کشیده شده، در وجود انسان ها تبلور پیدا می کند.

این وضعیتی است که درباره عقاید، افکار، اندیشه، عقول، ادیان و علوم در عصر حاکمیت امام زمان علیه السلام در روایات راجع به آن بحث شده، امیدواریم که خداوند بر ما منت نهد، ما را در جهت تطبیق خودمان با آنچه که امام زمان علیه السلام ظهور پیدا می کند و آن را می خواهد حاکم کند، توفیقات لازم را نصیب همه ما بفرماید.

جامعه ای که منتظر ظهور امام زمان است، جامعه علمی، جامعه عقلی، جامعه دیانت و تقواست، جامعه آگاهی است، این چیزی است که رسالت امام زمان علیه السلام است. وقتی آمد باید این را به کمال برساند. جامعه منتظر ظهور امام زمان علیه السلام در عصر غیبت باید در همین جهت تلاش کند تا شایستگی و صلاحیت انتظار فرج امام زمان علیه السلام را پیدا کند، ان شاء الله.

حاکمیت عدل در حکومت امام زمان علیه السلام

در قسمت گذشته پیرامون رشد عقلی و فکری و دینی مردم در عصر حاکمیت امام زمان علیه السلام صحبت کردیم. در این قسمت راجع به حاکمیت عدل در حکومت امام زمان علیه السلام بحث می‌کنیم. بر حسب آیات قرآن، یکی از اهداف همه انبیاء علیهم السلام اجرای عدالت در جامعه بشری است:

«لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ»؛^۱ «ما همه پیامبران ما را با بینات و معجزات و کتاب فرستادیم تا بشریت قیام به قسط و عدالت کند».

مفهوم آیه این است که یکی از رسالت‌های همه انبیاء، اجرای عدالت بوده است. عدل به عنوان یکی از گرایش‌های فطری بشر است، همه انسان‌ها به حکم عقل و شرع و نیز به حکم فطرت، طرفدار عدل و مأمور به پذیرش عدلند. امام زمان علیه السلام که عهده‌دار تحقق اهداف همه انبیاء و عصاره رسالت همه پیامبران و امامان است، باید عدل الهی را برای همه بندگان خدا در زمین پیاده کند. به همین خاطر، حکومت امام زمان علیه السلام را حکومت عدل جهانی امام زمان علیه السلام می‌نامیم. پس، مهم‌ترین رسالت امام زمان علیه السلام پیاده کردن عدل در سراسر عالم است.

حال چگونه امام زمان علیه السلام موفق می‌شود که عدل را پیاده کند؟ می‌دانیم که انبیای الهی و امامان مظلوم و معصوم ما موفق نشدند آن‌گونه که رسالت داشتند در قلمرو حاکمیت خود عدل را پیاده کنند. امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام با آن‌که همه

تلاش خود را پیرامون پیاده کردن عدل صرف کرده است اما کشته عدالت شد، به تعبیر آن نویسنده مسیحی «قتل في المحراب لشدة عدله؛ امیرالمؤمنین علیه السلام را در محراب عبادت کشتند برای این که می خواست عدل را پیاده کند»؛ یعنی او هدفش عدل بود ولی جامعه ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در آن حاکم بود متأسفانه از پذیرش عدل سرباز زد و امام عادل خود را در محراب عبادت به خون کشید. بقیه امامان هم نتوانستند آن گونه که رسالت داشتند عدل را پیاده کنند. برای این که بدانیم امام زمان علیه السلام چگونه موفق می شود، باید بدانیم که موانع اجرای عدالت چیست؟

موانع اجرای عدالت در جامعه

مانع اول: امام زمان علیه السلام حاکمان و ستمگران حاکم و مال اندوزان و سلطه جویان قدرتمند را که در طول تاریخ و در زمان انبیاء و امامان، مانع اجرای عدالت بودند و عدل را به نفع خود نمی دانستند و با قدرتی که داشتند انبیای عظام و امامان عادل را منزوی می نمودند و از صحنه حاکمیت خارج می کردند و یا به شهادت می رساندند، همه آن ها را از پیش پا بر می دارد.

مانع دوم: متأسفانه به دلیل حاکمیت آن حاکمان جور و فساد، فرهنگ جامعه به گونه ای رشد نکرده بود که عدل را به هر قیمتی که باشد بپذیرد؛ یعنی جامعه آن روز این آمادگی را پیدا نکرده بود که پذیرای عدالت باشد اما جامعه امام زمان علیه السلام با جوامع گذشته فرق می کند. راجع به پیروزی امام زمان علیه السلام در همه عالم بحث کردیم؛ یعنی چون امام زمان قدرت جهانی پیدا می کند، همه سلطه گران را نابود می کند، ظالمین را از بین می برد، حکومت های جور و ستم را بر می دارد و به جای آن ها حکومت الهی را حاکم می کند، بنابراین مانع بزرگ عدالت که حکام جور و ستم هستند برداشته می شود و فرهنگ مردم شرقی می شود. در بحث گذشته هم گفتم به دلیل رشد عقلی، فکری و عقیدتی و یکپارچه شدن همه مردم در پیروی از اسلام، زمینه فرهنگی جامعه هم برای پذیرش عدالت آماده می شود. این است که

امام زمان علیه السلام موفق می شود عدل را در سراسر دنیا پیاده کند. حال نمونه روایاتی که در ارتباط با این موضوع است را خدمتتان می گویم. نکته ای که باید مورد توجه قرار گیرد، این است که در تمام زمین و در تمام زمینه ها و عرصه ها عدل حاکم می شود. آنچه از روایات و آیات قرآن کریم استفاده می شود، کل عالم قلمرو حکومت امام زمان علیه السلام است؛ «یملأ الله الأرض قسطاً و عدلاً؛ تمام زمین پر از عدل و داد می شود»؛ یعنی در همه گستره و نقاط جغرافیایی کره زمین، عدل حاکم می شود.

در ابعاد مختلف عدالت هم نکاتی است که امام زمان علیه السلام فقط در بعد اقتصادی عدل را اجرا نمی کند بلکه در زمینه های اخلاقی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی عدالت حاکم می گردد و با تعریفی که از عدل شده است، می توانیم همین نتیجه را بگیریم.

درباره تعریف عدل فرمودند: «وضع کل شیء فی موضعه» یک تعریف عدل این است که هر چیز را به جای خود نهادن، این تعریف شامل همه امور می گردد، حتی عزل و نصب ها در منصب ها، آدم های شایسته در هر نقطه که صلاحیت و شایستگی را داشته باشند را فرا می گیرد، آدم های نالایق قطعاً در پست و مقام کلیدی قرار نمی گیرند. هر شیء باید در موضع خود باشد.

در تعریف دیگر عدل و عدالت فرمودند: «اعطاء کل ذي حقّ حقّه». حق هر کسی را به او دادن، با این دو تعریفی که از عدل می شود، می توان نتیجه گرفت که عدل تنها در زمینه اقتصادی نیست بلکه در همه زمینه ها، دنیا را پر از عدل و داد می کند.

شرح عدالت از زبان روایات

حال به احادیثی در این زمینه توجه فرمایید. از قول نبی اکرم اسلام صلی الله علیه و آله است که فرمود: «أبشركم بالمهدی یبعث فی أمتی علی اختلاف من الناس و زلازل فیملأ الأرض عدلاً و قسطاً كما ملئت ظلماً و جوراً، یرضی عنه ساکن السماء و ساکن الأرض، یقسم المال

صحاحاً. فقال له رجل: وما صحاحاً؟ قال: السوية بين الناس؛^۱ شما را مزده می‌دهم به آمدن مهدی علیه السلام در میان امت من در یک موقعیت بحرانی، از اختلاف مردم و سختی‌هایی که حاکم است، حضرت مهدی علیه السلام ظهور می‌کند و زمین را پر از عدل و داد می‌کند همچنان که قبل از ظهورش دنیا پر از ظلم و جور بوده است. تمام ساکنان آسمان و زمین با حکومت امام زمان علیه السلام خشنود می‌شوند و آن دارایی و ثروت را به صورت صحاح تقسیم می‌کند. مردی پرسید: منظور از صحاح چیست؟ فرمود: بین مردم امکانات اقتصادی را به صورت مساوی تقسیم می‌کند. به تعبیر امروزی توزیع عادلانه ثروت در میان همه مردم زمین و امت پیغمبر که در آن عصر زندگی می‌کنند. دل‌هایشان به وسیله چنین حکومتی پر از ثروت و غنائم می‌شود یعنی هیچ‌گونه احساس نیاز و فقر نمی‌کنند و عدل امام زمان علیه السلام همه امت پیغمبر را شامل می‌شود.

با عنایت به این حدیث شریف، در آن عصر، عدل همه زمین را فرا می‌گیرد و جهان پر از عدل و داد می‌شود.

در روایتی حضرت ام سلمه که از بهترین زنان پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله بود می‌گوید: من از رسول خدا شنیدم که در زمان حکومت امام زمان علیه السلام به قدری عدالت گسترش پیدا می‌کند که آن‌هایی که زنده هستند می‌گویند ای کاش! آن‌هایی که از دنیا رفتند زنده می‌شدند و این فضای عادلانه را درک می‌کردند و از این عدالت بهره‌مند می‌گردیدند.^۲

از قول امام صادق علیه السلام نقل شده که می‌فرماید: «أما والله ليدخلن عليهم عدله جوف بيوتهم كما يدخل الحر والقر... أول ما يظهر القائم من العدل أن ينادي مناديه أن يسلم صاحب النافلة لصاحب الفريضة الحجر الأسود والطواف»؛^۳ به خدا قسم! عدالت به همه جا نفوذ پیدا می‌کند، همچنان که سرما و گرما داخل خانه‌ها می‌رود، عدالت هم داخل خانه‌ها نفوذ می‌کند؛ یعنی کسی جلوی عدالت امام زمان علیه السلام را نمی‌تواند بگیرد. چطور سرما و گرما به داخل خانه‌ها نفوذ می‌کند، می‌گوید سطح جامعه،

۱. منتخب الاثر، ص ۱۴۷ به نقل از سیمای آفتاب، ص ۴۶۳.

۲. بحار الانوار: ۳۷۴/۵۲.

۳. بحار الانوار: ۳۷۴/۵۲.

داخل خانه و خانواده همه تحت تأثیر فرهنگ امام زمان علیه السلام و تحت پوشش عدل قرار می‌گیرند. پس در دنیایی که به دلیل ظلم و ستم، همه جا نگرانی ظلم و ستم و تبعیض، فقر و محرومیت، فشار روحی و روانی حاکم بود، برداشته می‌شود و عدل به جایش حاکم می‌شود، ناراحتی از بین می‌رود و امنیت به جایش می‌آید. نتیجه حاکمیت عدالت، امنیت است.

در ادامه حدیث امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «أول ما يظهر القائم من العدل أن ينادي مناديه أن يسلم صاحب النافلة لصاحب الفريضة الحجر الأسود والطواف»^۱ اول چیزی که به عنوان مظهر عدالت امام زمان علیه السلام است این که جمعیت وقتی برای عمل حج به مکه می‌روند، به خاطر زیادی جمعیت عمل طواف بیت الله الحرام و نماز طواف پشت مقام ابراهیم و استلام حجر یکی از مشکلات حجاج می‌شود و امام زمان علیه السلام به منادی دستور می‌دهد که ندا کند، آن‌هایی که می‌خواهند طواف مستحبی و استلام حجر انجام بدهند از صحنه کنار بروند و به جای آن‌ها آدم‌هایی که طواف واجب دارند بیایند طواف کنند. و صحنه باید به گونه‌ای باشد که حق هر کسی در جایگاه خودش به او برسد، حتی در ارتباط با عمل حج و طواف، منادی می‌گوید، آن‌هایی که حج مستحبی انجام می‌دهند کنار بروند، کسانی که طواف واجب دارند، بیایند. این جور صحنه عدل همه جا را شامل می‌شود.

باز در حدیثی دیگر از امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام است که می‌فرماید: «ولا مظلمة لأحد من الناس إلا ردها ولا يقتل منهم عبداً إلا أدى ثمنه ديةً مُسَلَّمَةً إلى أهله ولا يقتل إلا قضی عنه دینه والحق عیاله فی العطاء حتی یملاً الأرض قسطاً وعدلاً كما ملئت ظلماً وجوراً»^۲ بر عهده کسی در زمان حکومت امام زمان علیه السلام مظلمه نیست مگر این که روشن می‌کنند؛ یعنی همه از هم رضایت می‌گیرند و حق هیچ کس بر گردن دیگری نیست. الآن چه کسی می‌تواند این ادعا را بکند که ذمه هیچ کس به گردنش نیست و بگوید من به احدی بدهکار نیستم، نه در اخلاق و نه در مسائل مالی، نه

۱. بحارالانوار: ۳۷۴/۵۲.

۲. بحارالانوار: ۲۲۴/۵۲.

غیبت کسی را کردم، نه به کسی تهمت زدم، نه آبروی کسی را بردم، نه مال کسی را خوردم؟ آدمی که بخواهد چنین ادعایی بکند کیست؟

در زمان امام زمان علیه السلام همه می توانند چنین ادعایی بکنند، چون هر کسی هر حقی در گردن او هست نسبت به دیگری ادا می کند و مظلومه را رد می کند. هیچ بنده ای کشته نمی شود مگر این که دیه اش را می گیرند، یعنی دیه افرادی را که کشته شدند همه پرداخت می شود و با زور و قلدری و مسائل دیگر، حق خون هیچ کس ضایع نمی شود و حق عیال و خانواده او ادا می شود.

خلاصه حدیث این است که می گوید در دنیا هیچ ظلمی تحقق پیدا نمی کند، چون امام زمان علیه السلام ظالم را یا اصلاح می کند یا از بین می برد. به قدرت الهی فرهنگ جامعه عدل پذیر می شود. چون عدل کردن مشکل است اما عدل پذیرفتن مشکل تر از آن است، آنهایی که بعد از کشته شدن عثمان به خانه حضرت علی علیه السلام هجوم آوردند که باید خلافت را بپذیری و غیر از تو، هیچ کسی شایسته نیست، اما پس از پذیرش امام، همانهایی که بیشترین شعار را می دادند بیشترین مخالفت را کردند چون دیدند امیرالمؤمنین علیه السلام عدالت را بدون ملاحظه اجرا می کند و نتوانستند تحمل کنند و لذا با او مخالفت کردند. اما در زمان امام زمان علیه السلام این گونه نیست، عدل همه جا را خواهد گرفت و برای آن که ما بتوانیم ان شاء الله زمینه پذیرش عدل الهی را در زمان امام زمان علیه السلام در خود فراهم کنیم، باید روحیه عدالت پذیری را در خود تقویت کنیم.

باید خودمان را در آن جهتی که جزو اهداف حکومت امام زمان علیه السلام است تربیت نماییم. و خود را در همان جهتی که رضایت و هدف اوست، آماده کنیم. خداوند به لطف خویش و به دعای امام زمان علیه السلام و دعاهای همه دعاکنندگان که مستجاب الدعوة هستند پرده از رخسار عزیز زهرا علیه السلام بردارد و انتظار عالم اسلام و بشریت را پایان بدهد و حکومت امام زمان علیه السلام را در دنیا ظاهر گرداند و همه عالم را از عدل امام زمان علیه السلام برخوردار بفرماید. ان شاء الله.

ارتقاء فرهنگ و آداب اجتماعی در عصر حکومت امام زمان علیه السلام

یکی از مسائلی که در زندگی اجتماعی انسان به عنوان مشکلات جامعه بشری هست، پایین بودن سطح فکر و فرهنگ عمومی است. معمولاً جوامع بشری در ارتباطات اجتماعی و زندگی شهری و اجتماعی خود باید بر اساس موازین و فرهنگ‌های عمومی عمل کند تا موجب پیدایش مشکلات و پدید آمدن سختی‌ها برای خود و جامعه نشود. هر جامعه‌ای که از نظر رشد فکری و فرهنگ عمومی پیشرفته باشد، می‌تواند از رفاه اجتماعی بشری برخوردار باشد.

از روایات استفاده می‌شود که وقتی امام زمان علیه السلام ظهور کند جامعه بشری از نظر فرهنگ عمومی به حد اعلای رشد خود می‌رسد و فساد و مشکلات عمومی که از رهگذر عدم حاکمیت فرهنگ صحیح و عدم رعایت آداب اجتماعی پدید می‌آید، ریشه کن می‌شود و همه آن مشکلات از جامعه رخت بر می‌بندد، به این دلیل که مردم از نظر ادب و فرهنگ و روابط صحیح اجتماعی، به رشد کامل خود می‌رسند زیرا از نظر فرهنگ و آداب اجتماعی به کمال رسیده، در نتیجه مشکلاتی که به خاطر ضعف فرهنگ و آداب اجتماعی دامنگیر جامعه می‌شود آن مشکلات از بین خواهد رفت. مردم نسبت به همدیگر انس و الفت پیدا می‌کنند، در دل‌های مردم نسبت به همدیگر کینه و کدورت وجود ندارد، در روایتی از رسول اکرم صلی الله علیه و آله وارد شده که فرمود: در عصر حاکمیت مهدی علیه السلام کینه‌ها و دشمنی‌ها از دل‌های مردم نسبت به یکدیگر خالی می‌شود؛ یعنی مردم دل‌هایشان نسبت به همدیگر انس و الفت پیدا می‌کند و طبیعی است که چنین جامعه‌ای زندگی لذت بخشی دارد. در روایتی دیگر

نیز وارد شده که انسان‌ها نسبت به یکدیگر صداقت کامل دارند، هیچ‌گاه در صدد بر نمی‌آیند که حقایق را از هم بپوشانند و واقعیات را از هم دریغ نمایند و به یکدیگر دروغ بگویند، بلکه در حقیقت، واقعیات را برای هم مطرح می‌کنند. روایت از قول رسول گرامی اسلام ﷺ است که می‌فرمایند: «به یمحق الله الکذب ویذهب الزمان الکلب به یخرج ذل الرق من أعناقکم»؛^۱ با وجود امام زمان علیه السلام، خداوند دروغ را از بین می‌برد و نابود می‌کند؛ یعنی در عصر حاکمیت امام زمان علیه السلام دروغ وجود ندارد که کسی خبری به ما بگوید و ما او را نشناسیم و از عدالت او اطلاع نداشته باشیم، بر خلاف عصر حاضر که اصولاً به حرف افراد نا آشنا اعتماد نمی‌کنیم چون احتمال می‌دهیم که به ما دروغ گفته باشد اما در عصر امام زمان علیه السلام بر حسب این روایت، خداوند، دروغ را نابود می‌کند و مردم به یکدیگر دروغ نمی‌گویند. روزگار سختی به سر می‌آید، بردگی و ذلتی که در روزگار عسرت و سختی و اسارت در گردن انسان‌ها هست آن ذلت و خواری و بردگی از گردن انسان‌ها برداشته می‌شود و انسان‌ها آزاد می‌شوند. روزگاری که انسان‌ها به دلیل عدم صداقت نسبت به یکدیگر بر خودشان سخت می‌کنند با رعایت صداقت و مودت و دوستی و انس و الفت، آن روزگار روزگار آسانی خواهد شد و سختی از بین خواهد رفت.

رعایت کامل اصول اجتماعی

در روایت دیگری می‌فرماید: مردم، به دلیل رشد فکری و اخلاقی، اصول اجتماعی را کاملاً رعایت می‌کنند. امام عصر علیه السلام و کارگزاران نظام مقدسش مردم را به رعایت اصول اجتماعی فرا می‌خوانند؛ یعنی ادب اجتماعی را در مردم ایجاد می‌کنند. امام کاظم علیه السلام می‌فرماید: «إذا قام قائمنا، قال یا معشر الفرسان سیروا فی وسط الطريق ویا معشر الرجاله سیروا علی جنبی الطريق فإنما فارس أخذ علی جنبی الطريق فاصاب رجلاً عیب الزمناه الدیه وربما رجل أخذنی وسط الطريق فاصابه عیب فلا دیه له»؛^۲

۱. بحار الانوار: ۷۵/۵۱.

۲. وسائل الشیعه: ۱۸۱/۹؛ اثبات الهدی: ۴۵۵/۳.

امام زمان علیه السلام اعلام می کند که ای گروه سواران! از وسط راه عبور کنید و ای گروه پیادگان! از دو طرف خیابان عبور کنید؛ یعنی به اصطلاح ما از پیاده روی دو طرف خیابان عبور کنید. در حقیقت یک ادب اجتماعی را به مردم تعلیم می دهد و از مردم می خواهد آن را رعایت بکنند. به سواران می گوید عبور کنید؛ یعنی نظم اجتماعی را باید رعایت کنید. اگر سواری از پیاده رو عبور کند و آسیبی به کسی بزند او را مجبور به پرداخت دیه می کنند و اگر پیاده ای از وسط خیابان راه برود یعنی رعایت اصول آمد و شد را نکند و در نتیجه آسیبی ببیند و تصادفی رخ دهد دیه ندارد؛ زیرا قوانین آمد و شدی که امام زمان علیه السلام وضع کرده است را رعایت نکرده و هر کس که قوانین مصوب را رعایت نکند مجرم است، به این دلیل که رعایت قانون مصوب امام زمان علیه السلام واجب است.

این حدیث بیانگر رشد اجتماعی جامعه عصر امام زمان علیه السلام است. طبیعی است که این یک نمونه است و در بقیه زمینه های اجتماعی، تمام دستورات اخلاقی و اجتماعی را امام زمان علیه السلام به جامعه خود تعلیم می دهد و از عموم مردم انتظار رعایت آن را دارد و طبعاً اگر چنانچه کسی آن معیار و مقررات را زیر پا بگذارد و طبق قانون مصوبی که در عصر حاکمیت امام زمان علیه السلام است عمل نکند، حقوق خود را هدر می دهد.

در حدیث دیگری ابابصیر از قول امام باقر علیه السلام نقل کرده است که ناپسامانی های اجتماعی و هرج و مرج های عمومی، عدم رعایت نزاکت و رفتار اجتماعی همه را اصلاح می کند. این حدیث به دو نکته می پردازد که اکنون نیز جزو مبتلابه مردم است. امام باقر علیه السلام می فرماید: «و یسد کل کوة إلى الطريق و کل جناح و کنیف و میزاب إلى الطريق»؛^۱ امام زمان علیه السلام همه کوجه های باریکی را که به خیابان منتهی می شود اصلاح می کند و چاه های فاضلاب و ناودان هایی که در مسیر آدم ها، قرار می گیرد را اصلاح می کند. این ها اموری اجتماعی است. جامعه ای که از نظر آداب اجتماعی، منضبط نباشد

آب‌های فاضلاب حیاط خود را به کوچه و خیابان عبور می‌دهد و باعث دردسر اجتماعی و مزاحمت عابرین و همسایه‌ها می‌شود. این‌ها به عنوان نمونه‌ای است که در حدیث آمده و منظور این است که امام زمان علیه السلام آداب و رفتار اجتماعی را در جامعه تنظیم می‌کند. حتی اگر کوچه‌ای تنگ و باریک باشد که رفت و آمد مردم در آن دچار اشکال است، آن را اصلاح می‌کند خیابان‌ها را تنظیم می‌کند، آداب رفت و آمد را در جامعه سامان می‌دهد که از کجا عبور کنند، مشکلات شهرنشینی را برای مردم حل می‌کند، دیگر مردم از عدم رعایت ضوابط شهرنشینی رنج نمی‌برند، حتی به صورت نمونه می‌فرماید که این‌ها بیانگر این است که در تمام سطوح اجتماعی و زندگی شهرنشینی اصلاحاتی به عمل می‌آید که جامعه، یک جامعه سالم خواهد شد، از یکدیگر رنج نمی‌برند، در دل‌ها کدورتی از همدیگر باقی نمی‌ماند، هیچ کس حقش ضایع نمی‌شود، قوانین اجتماعی که حق بین دولت و ملت است دقیقاً رعایت می‌شود.

روابط حسنه میان انسان‌ها

پس منظور از این روایات این است که چه از نظر رابطه قلبی و چه از نظر روابط اجتماعی میان انسان‌ها، با یکدیگر اصلاح می‌شود، کدورت‌ها از دل کنار می‌رود، مردم قلباً نسبت به هم انس و الفت پیدا می‌کنند، از نظر روابط اجتماعی دقیقاً روابط آن‌ها رابطه‌ای درست خواهد شد، در نتیجه آن جدایی که در جهان فعلی، بین مردم حاکم است را اصلاح می‌کند. مردم با رغبت قوانینی که دولت برای آن‌ها تنظیم کرده را به کار می‌بندند.

به عنوان حسن ختام این بحث حدیث دیگری را تقدیم حضورتان می‌کنم. امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «إِذَا قَامَ قَائِمًا يَخْرُجُ النَّاسُ خَرَجَهُمْ عَلَى رِقَابِهِمْ إِلَى الْمَهْدِيِّ وَيُوسِعُ اللَّهُ عَلَى شِيعَتِنَا وَلَوْ لَا مَا يَدْرِكُهُمْ مِنَ السَّعَادَةِ»^۱ وقتی امام زمان علیه السلام ظهور کند، مردم

مالیات‌هایشان را خودشان بر می‌دارند و به دوش می‌کشند و به دولت امام زمان علیه السلام تحویل می‌دهند و با رعایت این‌گونه روابط سالم اقتصادی بین دولت و ملت، موجب می‌شود شیعیان ما در رفاه و آسایش قرار بگیرند به قدری که در شرایط عادی و در جوامع غیر الهی، چنین رفاه اقتصادی موجب سرکشی مردم می‌شد. الآن اگر دقت بکنیم، اگر افرادی یا خانواده‌ای، یا جامعه‌ای که از نظر اقتصادی در رفاه و آرامش باشند متأسفانه از این موقعیت خود سوء استفاده می‌کنند و منحرف می‌شوند.

اصلاح امور مالیاتی

به طور کلی، یکی از مسائل اساسی که جامعه بشری و دولت‌های عالم به آن متکی هستند، مالیات‌هایی است که ملت باید به دولت پرداخت کند و معمولاً از جمله مشکلات اقتصادی، مشکل جمع‌آوری و ممیزی مالیات است و در این زمینه مقررات و قوانین، همیشه دچار نقص و نقض و ابهام می‌باشد. هم ممیزین مالیات، دچار مشکل هستند هم مؤدیان مالیات در جامعه دچار مشکل هستند. تشخیص این‌که مالیات این مؤدی به واقع چقدر است، کار بسیار دشواری است و اگر چنانچه جامعه‌ای متکی به مالیات باشد و مالیات به خوبی پرداخت نشود از نظر اقتصادی دچار مشکل می‌شود و هر جامعه‌ای که قوانین مالیاتی‌شان قوانین درستی باشد و جامعه، ارتباط مالیاتی‌اش با دولت، ارتباط صحیحی باشد معمولاً دچار مشکل نمی‌شود و می‌تواند جنبه اقتصادی خود را قوی کند و مشکلات جاری و عمرانی دولت خود را تأمین کند.

حالا این نکته را به عنوان رابطه صحیح دولت و ملت می‌خواهم از این حدیث استفاده کنم.

می‌فرماید: در زمان حکومت امام زمان علیه السلام مؤدیان مالیات؛ یعنی مردم، خودشان مالیات‌هایشان را به دوش می‌کشند و تحویل دولت امام زمان علیه السلام می‌دهند و در نتیجه پرداخت صحیح و کامل مالیات مردم به دولت، دولت از نظر اقتصادی تقویت

می‌شود و جامعه را از نظر اقتصادی به جلو می‌برد و آباد می‌کند. به قدری رفاه و آسایش در جامعه زیاد می‌شود که اگر لطف خدا نبود موجب می‌شد که مردم از مسیر سعادت منحرف شوند و طغیان کنند. به تعبیر قرآن کریم، وقتی انسان احساس کند که بی‌نیاز شده سر به طغیان برمی‌دارد: «إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَّاظِرٌ ﴿۱﴾ أَنْ رَأَاهُ اسْتَغْنَىٰ ﴿۱﴾»^۱ «انسان وقتی خودش را غنی و بی‌نیاز و مرفه ببیند که هیچ مشکلی ندارد و ظاهراً به کسی محتاج نیست، طغیان می‌کند».

اما در عصر حکومت امام زمان علیه السلام مردم از نظر اقتصادی قدرت و توان بالایی پیدا می‌کنند و گشایش و آسایش و وسعت مادی پیدا می‌کنند اما منحرف نشده، طغیان و سرکشی نمی‌کنند؛ زیرا در حکومتی زندگی می‌کنند که خود، عنایت خداست و در رأس حکومتش امام عادل را دارند. کارگزاران این امام هم، کارگزاران عادل هستند؛ هم از نظر فکری و هم از نظر فرهنگی اصلاح می‌شوند، وقتی اصلاح شدند، نه رفاه اجتماعی و نه رفاه اقتصادی و نه تکامل علمی، هیچ کدام موجب این نمی‌شود که انسان از مسیر عدالت و تقوا خارج شود و طغیان پیشه کند.

این دورنمایی است از عصر ظهور که خداوند ان شاء الله به زودی زود، ما را از دولت عالمی امام زمان علیه السلام برخوردار بفرماید.

«اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْغِبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةِ كَرِيمَةٍ، نُعِزُّ بِهَا الْإِسْلَامَ وَأَهْلَهُ، وَتُدُلُّ بِهَا النِّفَاقَ وَأَهْلَهُ، وَتَجْعَلُنَا فِيهَا مِنَ الدُّعَاةِ إِلَى طَاعَتِكَ، وَالْقَادَةِ إِلَى سَبِيلِكَ، وَتَرْزُقُنَا بِهَا كَرَامَةَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ»^۲.

امنیت عمومی در عصر حکومت امام زمان علیه السلام

به دنبال بحث پیرامون وضعیت دوران حاکمیت امام عصر علیه السلام در این قسمت درباره نعمت امنیت عمومی در عصر حکومت امام زمان علیه السلام مطالبی را تقدیم حضور شما می‌کنم. نعمت امنیت از مهم‌ترین نعمت‌های الهی برای بشر است.

در حدیث شریفی وارد است که «نعمتان مجهولتان الصّحة والامان» دو نعمت است که قدر آن مجهول است در حالی که بی‌اندازه ارزش دارد؛ یکی نعمت عافیت و صحت و سلامت است و دیگری نعمت امنیت و آرامش. نعمت امنیت از نعمت سلامتی هم بالاتر است، اگر انسان از نظر جسمی سلامت کامل داشته باشد اما از نظر روحی و روانی در امنیت نباشد، آن سلامت هم نمی‌تواند برای او نافع باشد.

یکی از مهم‌ترین مسائلی که جامعه بشری امروزه از آن رنج می‌برد ناامنی است، در جوامع بشری امروز، ناامنی در جاهای متعددی حاکم است، به گونه‌ای که انسان‌ها در خانه خود هم احساس ناامنی می‌کنند. جنگ‌ها و خونریزی‌ها و تجاوزها و عادت به تهدید نظامی و موشک‌های قاره پیمای دارای کلاهک‌های هسته‌ای، ارباب و تهدیدها و تجاوزهایی که توسط ابرقدرت‌های مسلح در دنیا وجود دارد، ماهواره‌های جاسوسی و... نعمت امنیت را متزلزل کرده است. رفتار نابخردانه بعضی از انسان‌ها هم در جوامع کوچک و بزرگ موجب سلب آرامش جامعه شده است. اشاعه فحشا و منکرات، امنیت اخلاقی را به هم زده است، آدم‌ربایی‌ها یکی از مسائلی است که در دنیای پیشرفته جزء ابتلائات است. از نظر تهاجم به فرهنگ و عقاید و آزادی‌های جامعه بشری، امروز کسی احساس آرامش ندارد؛ بنابراین

یکی از مهم‌ترین مسائلی که در دوران حاکمیت قدرت‌های باطل، بشر به آن مبتلا می‌شود، ناامنی و وحشت است و به وجود حاکمیت امام زمان علیه السلام این وحشت از بین می‌رود و به جای آن آرامش و امنیت و آسایش حاکم می‌شود.

آیات قرآن درباره امنیت در عصر حکومت امام زمان علیه السلام

این وعده خداست که در آیه شریفه می‌فرماید: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ»؛ خدا به شما مؤمنان و کسانی که دارای کردار شایسته هستید وعده داده است و در دنباله آیه شریفه می‌فرماید: «وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا»^۱ بعد از دوران حاکمیت خوف و وحشت و ناامنی‌ها، به واسطه وجود مبارک امام زمان علیه السلام خداوند، امنیت و آرامش را در جامعه حاکم می‌کند. بر اساس آیات و روایات، عصر حکومت امام زمان علیه السلام عصر امنیت عمومی است. به یکی از این آیات بر اساس نقلی که از امام صادق علیه السلام شده اشاره می‌کنم. علاوه بر آیه قبلی که در ارتباط با امنیت مطرح کردم، راوی می‌گوید: در محضر امام صادق علیه السلام بودیم، ابوحنیفه وارد شد، امام صادق علیه السلام رو به او کرد و فرمود: چه می‌گویی درباره مفهوم این آیه: «سِيرُوا فِيهَا لَيَالِيَ وَأَيَّاماً آمِنِينَ»^۲ «سیر کنید در زمین، شب‌ها و روزها در حالی که در امنیت هستید» منظور چیست و کجاست؟

ابوحنیفه گفت: ظاهراً این در ارتباط با راه‌هایی است که به مکه منتهی می‌شود و این امنیت در این راه‌ها وجود دارد. امام صادق علیه السلام فرمود: پس این همه ناامنی‌ها و راهزنی‌ها و غارت‌هایی را که متوجه مسافران و زائران بیت الله الحرام می‌شود چیست؟

ابوحنیفه پاسخی نداشت. سپس امام علیه السلام فرمود: درباره این آیه شریفه که می‌فرماید: «وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا» معنی آن چیست و درباره چیست؟
ابوحنیفه گفت: این آیه ظاهراً درباره بیت الله الحرام است. امام صادق علیه السلام فرمود:

۲. سوره سبأ، آیه ۱۸.

۱. سوره نور، آیه ۵۵.

آیا حجاج بن یوسف نبوده که برای دستگیری عبدالله بن زبیر خانه کعبه را به منجنیق بست و تخریب کرد و عبدالله بن زبیر را در آنجا کشت؟ باز ابوحنیفه سکوت کرد. راوی می‌گوید: وقتی ابوحنیفه از مجلس بیرون رفت، ابابکر خزر می‌به امام صادق علیه السلام گفت: یا بن رسول الله! جانم فدای شما باد، منظور از این آیه چیست؟ حضرت فرمود: منظور از امنیتی که در آیه آمده، امنیتی است که در دوران حاکمیت امام زمان علیه السلام در دنیا و در قلمرو حاکمیت او که کل دنیاست، ایجاد می‌شود.^۱ پس می‌بینیم بر حسب تفسیر امام صادق علیه السلام در زمان حکومت امام زمان علیه السلام عموم بشر در تمام عالم، در آرامش خاطر و امنیت کامل هستند.

روایات امنیت در عصر حکومت امام عصر علیه السلام

به دلالت روایات نیز روایات فراوانی داریم که به بعضی از آنها اشاره می‌کنم. یکی از چیزهایی که جزو ضروریات است تأمین امنیت راه‌هاست. ارتباطات انسان‌ها از یک نقطه جغرافیایی به نقطه دیگر اجتناب‌ناپذیر است، لذا امنیت راه‌ها بسیار ضروری و مهم است. راوی می‌گوید: ما الآن در زمان خوبی هستیم. دیگر چرا آرزوی عصر حکومت امام زمان علیه السلام را داشته باشیم؟

امام صادق علیه السلام به او فرمود: «أما تحب أن يظهر العدل ويأمن السبل وينصف المظلوم؟^۲ آیا تو آرزو نداری که عدل شکوفا شود و همه جا را بگیرد و امنیت در همه راه‌ها، حاکم شود و مظلومین به حقوق خود برسند؟» یعنی در زمان حکومت امام زمان علیه السلام عدل و انصاف و امنیت همه جامعه را شامل خواهد شد.

در روایت دیگری امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «يقاتلون الله حتى يوحد الله ولا يشرك به شيئاً و حتى تخرج العجوز الضعيفة من المشرق ترید المغرب ولا ينهاها أحد».^۳ جهادی که در عصر امام زمان علیه السلام تحقق پیدا می‌کند موجب می‌شود که همه خداپرست شوند

۲. بحارالانوار: ۱۴۴/۵۲.

۱. بحارالانوار: ۳۱۴/۵۲.

۳. بحارالانوار: ۳۴۵/۵۲.

و هیچ کسی شرک به خدا نمی‌ورزد و امنیت همه جا سایه‌اش حاکم می‌شود. به گونه‌ای که اگر پیرزن عاجز و ضعیفی اراده کند که از شرق دنیا به غرب دنیا برود می‌تواند و در امنیت کامل است و کسی متعرض او نمی‌شود، و کاری به کارش ندارد. روایت دیگری از علی بن ابی طالب علیه السلام که می‌فرماید: «واصلحت السباع والبهائم حتی تمشي المرأة بين العراق إلى الشام لا تضع قدميها إلا على النبات وعلى رأسها زبيلها لا يهيجها سبع ولا تخافه؛^۱ درندگان اصلاح می‌شوند حال این درندگان، آیا همین بهائم است حیوانات و سبع، درندگان بیابانند؟ البته این معنی شاید به صورت مجازی هم باشد؛ یعنی انسان‌هایی که خلق و خوی درندگی دارند اصلاح می‌شوند. درندگان و چارپایان هم اصلاح می‌شوند. چرا که امام زمان علیه السلام ولایت الهی دارد و در آن‌ها تصرف می‌کند. به گونه‌ای که زنی (ظاهراً منظور زن جوان است) از عراق حرکت می‌کند و به سمت شام می‌رود و بر روی سبزه‌های زمین حرکت می‌کند؛ یعنی بیابان سبز و خرم می‌شود، متاع‌ها و اثاثیه خودش را بر سرش می‌گیرد و به شام می‌رود و هیچ کس هم متعرض او نمی‌شود و او از احدی وحشت ندارد.

یعنی اگر یک زن از یک نقطه دنیا به نقطه دیگر دنیا برود، آن چنان فهم، درایت و تقوای انسان‌ها بالا می‌رود که هیچ کس متعرض او نمی‌شود. چنین امنیتی در دنیا سابقه ندارد.

در روایت دیگر از ابن عباس است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «حتی یأمن الشاة والذئب والبقرة والأسد والإنسان والحیة وحتی لا تقرض فأرة جراباً»؛^۲ مفهوم این حدیث خیلی مهم است، می‌گوید: درندگان به گونه‌ای اصلاح می‌شوند که خلق و خوی درندگی از آنان گرفته می‌شود، در آن شرایط گوسفند در امنیت است، گرگ در امنیت است، این تنازع بقایی که در دنیا حاکم است از بین می‌رود و گوسفندی که مظلوم است و نمی‌تواند در برابر گرگ از خودش دفاع کند در امنیت کامل است گرگ هم در برابر درنده قوی‌تر از خودش در امنیت است، شیر و گاو که دشمن مقابل

۱. بحار الانوار: ۳۱۶/۵۲.

۲. بحار الانوار: ۶۱/۵۱.

همدیگرند در امنیت هستند، انسان از مار که گزنده و زهرآگین است در امنیت است، حتی موش‌ها هم به انبارها حمله نمی‌کنند و آن را نمی‌جویند. یعنی با وضعی که پیش می‌آید و با عنایتی که خدا به امام زمان علیه السلام دارد، عالم به طور کلی اصلاح می‌شود.

امام صادق علیه السلام فرمود: «إِذَا قَامَ الْقَائِمُ حَكَمَ بِالْعَدْلِ وَارْتَفَعَ فِي أَيَّامِهِ الْجَوْرُ وَأَمِنَتْ بِهِ السَّبِيلُ»^۱ هنگامی که حضرت قائم قیام کند به عدالت حکومت می‌کند و در دوران او ستم از بین می‌رود و راه‌ها امن می‌گردد.

در روایت دیگر است که شیطان رجیم به دست امام زمان علیه السلام کشته می‌شود؛ یعنی شیطانی که باعث اغوا و انحراف بشر است از بین می‌رود. بنابراین می‌بینیم که از جهات مختلف، امنیت عمومی در جامعه بشری و در عالم بهائیم و درندگان در عصر حکومت امام زمان علیه السلام حاکم خواهد شد.

ما باید به عنوان منتظران ظهور امام زمان علیه السلام جامعه و اخلاق و افکار و محیط زندگی مان را به گونه‌ای امنیت ببخشیم و اصلاح کنیم تا ان شاء الله بتوانیم لیاقت پیدا کنیم در عصر حکومت امام زمان علیه السلام در آن جامعه‌ای که مأمّن و محل امن همه است عضویت دولت جهانی امام زمان علیه السلام را داشته باشیم.

آمین یا رب العالمین

وضعیت اقتصادی جامعه در عصر حکومت امام زمان علیه السلام

در این قسمت پیرامون موضوع دیگری در ارتباط با وضعیت زمان ظهور و دوران حکومت سراسر نور امام زمان علیه السلام بحث می‌کنم و آن، در باب فراوانی نعمت و احساس غنا و بی‌نیازی مردم است.

در روایات و آیات قرآن کریم، رابطه تنگاتنگی بین مسائل مادی و نعمت‌ها با گناه و معصیت‌ها احساس می‌کنیم؛ یعنی از بعضی روایات و آیات بر می‌آید که بر اثر وجود گناه و معصیت مردم و نیز حاکمیتی که در زمین حاکم می‌شود با فراوانی یا کمبود نعمت‌ها و فقر، ارتباط مستقیم وجود دارد.

در آیه‌ای از قرآن کریم می‌فرماید: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ»؛^۱ «و اگر چنانچه اهل آبادی یا یک جامعه ایمان بیاورند و تقوا پیشه کنند و گناه و معصیت نکنند همانا برای آن‌ها درهای برکات خودمان از آسمان و زمین را می‌گشاییم».

هر خیر و برکتی که تصور شود یا از آسمان است و یا از زمین، حال این برکات، برکات مادی یا معنوی که از آسمان و زمین و از جانب خدا برای بندگان است چه وقت و به چه شرطی سرازیر می‌شود، می‌فرماید: اگر چنانچه اهل یک جامعه‌ای ایمان بیاورند و تقوا پیشه کنند و گناه و معصیت نکنند و این دو شرط حاصل شود، خداوند برکات را برای مؤمنین در آسمان و زمین نازل می‌کند. در روایات و آیات عکس آن را هم داریم؛ یعنی گاهی بعضی از گناهان موجب می‌شود که عذاب

آسمان و زمین بر انسان و جامعه نازل شود. در دعای شریف کمیل امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُغَيِّرُ النَّعْمَ؛^۱ بار خدایا! مرا از آن گناہانی که باعث تغییر نعمت‌ها می‌شود، پاکم گردان!»؛ یعنی گناه بر روی نعمتی که خدا می‌دهد اثر می‌گذارد. در حدیثی از حضرت علی علیه السلام است که: «اذا ظهرت الجنايات وارتفعت البركات؛^۲ هنگامی که جنایت‌ها آشکار شود برکت‌ها از زمین می‌رود».

حال در دوران حکومت امام زمان علیه السلام، که قبلاً مطالبی تقدیم حضور شد، عصر حکومت امام زمان علیه السلام عصر حاکمیت دین و معنویت و تقواست. جرم و گناه و معصیت و تخلف ریشه کن می‌شود و همه مردم اهل ایمان و تقوا و امانت و صداقت خواهند شد. با توجه به وعده الهی در قرآن کریم، قطعاً بایستی عصر حکومت امام زمان علیه السلام عصر بی‌نیازی و فراوانی نعمت‌های مادی و معنوی باشد و خداوند درهای برکات آسمان و زمین را به روی بندگان می‌گشاید.

در عصری که ما زندگی می‌کنیم یعنی عصر غیبت امام زمان علیه السلام و در دورانی که حکومت‌ها در دست حاکمان عادل و مجریان منضبط به ضوابط الهی نباشد اگر مردم جامعه بر اساس ضابطه ایمان و تقوا عمل نکنند عصر حاکمیت دین به معنای کامل کلمه نباشد، فقر و نداری و گرفتاری، تجاوز، تبعیض و شکاف طبقاتی هست و شیطان نیز با نفوذ و حاکمیت در دل‌ها، انسان‌ها را از فقیر شدن می‌ترساند، و تهدید به فقر می‌کند.

در قرآن کریم می‌فرماید: «الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ»؛ «شیطان شما را به فقر تهدید می‌کند».

شیطان به پولداران این‌گونه القا می‌کند که اگر دستتان به جیبتان برود و بخواهید پولتان را هزینه کنید فقیر خواهید شد، اما در عصر حاکمیت امام زمان علیه السلام دیگر شیطان نیست که بخواهد تهدید به فقر کند. افکار شیطانی دیگر حاکمیت ندارد بلکه مردم تابع خدای رحمانند؛ بنابراین خداوند طبق وعده‌ای که دارد زمین را پر از نعمت می‌کند.

۱. مفاتیح الجنان، دعای کمیل.

۲. غرر الحکم.

فراوانی نعمت

در زمان حکومت امام زمان علیه السلام هم خود نعمت فراوان می شود و برکات آسمان و زمین بر مردم نازل می شود و هم مردم در درون خودشان احساس بی نیازی می کنند. این نکته مهمی است، ممکن است فردی پول فراوانی داشته باشد ولی به دلیل القای شیطانی یا عدم ایمان به خدا، احساس فقر نماید. پول دارد، اما نگران و ناراحت است که مبادا فقیر شود و حتی اموال خود را برای مصالح شخصی اش هزینه نمی کند، خانواده خود را در سختی نگه می دارد، خودش هم غذای خوب نمی خورد، به مسافرت خوب نمی رود، در راه خدا هم مصرف نمی کند، از ترس این که ممکن است فقیر شود. سرمایه دار است اما به خاطر ترس فقر، فقیرانه زندگی می کند. به تعبیر قرآن کریم می فرماید: «الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ»؛ «شیطان او را از فقر می ترساند».

مصدق آیه، این افراد هستند، در عین ثروتمندی، واقعاً فقیرند، در ذهن خود احساس فقر می کنند، اگر از او بپرسند چگونه ای؟ می گوید: وضعم خراب است. یکی هم ممکن است به دلیل ایمان، اعتقاد و توکلی که به خدا دارد، فقط نان امروزش را دارد ولی احساس بی نیازی می کند. طبق احادیث در زمان حکومت امام زمان علیه السلام مردم در دل خود احساس بی نیازی می کنند و هیچ کس احساس فقر در درونش نیست.

از قول پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وارد شده که فرمود: «ویملا الله قلوب أمة محمد صلی الله علیه و آله غنی ویسعهم عدله حتی یأمر منادياً ینادی، یقول: من له فی المال حاجة؟ فما یقوم من الناس/ إلا رجل واحد ثم یأمر له بالمال فیأخذ ثم یندم»^۱ در دوران ظهور امام زمان علیه السلام دل های امت پیامبر صلی الله علیه و آله پر از بی نیازی می شود؛ یعنی همه قلباً احساس بی نیازی می کنند و عدل امام زمان علیه السلام همه جا گسترش می یابد تا این که دستور می دهد تا منادی در میان جمعیت ندا کند که هر کسی هر چه احتیاج دارد بیاید و بگیرد. هیچکس بلند نمی شود بگوید من احتیاج

۱. سیمای آفتاب ص ۴۲۷.

دارم غیر از یک نفر، او بلند شده می‌گوید، من احتیاج دارم، این یک نفر که بلند شده مال را می‌گیرد بعد پشیمان شده می‌گوید می‌خواهم چه کنم، همان را بر می‌گرداند». این بی‌نیازی در دل مؤمنین است، احساس احتیاج نمی‌کنند. البته ما در روایات دیگری داریم که، به قدری اعتماد متقابل در جامعه وجود دارد که اگر کسی چیزی بخواهد دست در جیب رفیق کناری خود می‌کند، پول را برمی‌دارد و او هم مانع نمی‌شود؛ زیرا دل‌ها یکی می‌شود.

به یاد روزهای اول انقلاب بیفتید، رایحه‌ای از حکومت الهی و قلبی و معنوی را در آن عصر دیدیم، مردم اصلاً ولع نداشتند و به دنبال زمین و مال و امتیاز و حقوق و ریاست نبودند، شما بزرگ‌ترها همه یادتان هست که هر چه داشتید با دیگران می‌خوردید جو حاکم بر جامعه در اواخر ۱۳۵۷ و سال ۱۳۵۸ را در ذهن خود مرور کنید، یادم هست بچه‌های جهاد و سپاه که من از نزدیک در خدمتشان بودم، واقعاً اگر می‌خواستند مختصر پولی به عنوان کمک هزینه بگیرند خجالت می‌کشیدند و نمی‌گرفتند، همین وضع در زمان حکومت امام زمان علیه السلام به گونه‌ای می‌شود که همه این حالت را احساس می‌کنند، اما پس از آن هر چه به این سمت می‌آییم از این حالت معنوی فاصله می‌گیریم، به دنبال زمین و مال و مقام و مسائل دیگر اما در عصر امام زمان علیه السلام واقعاً مردم به سمت و سوی معنویت حرکت می‌کنند.

حدیث دیگر: حضرت علی علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده است، می‌فرماید: «یأتیه الرجل و المال کدس فبقول یا مهدی اعطنی فبقول خذ»؛ زمانی که امام زمان علیه السلام بیاید اموال (بیت المال) روی هم انباشته شده است، بعد کسی به امام زمان علیه السلام خطاب می‌کند من احتیاج دارم. حضرت می‌فرماید: برو بگیر، او هم به قدر احتیاج خود می‌گیرد. در حدیث دیگری مفضل بن عمر از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که حضرت فرمود: «إن قائمنا إذا قام أشرقَت الأرضُ بنور ربِّها واستغنی العباد، عن ضوء الشمس وذهبت الظلمة وبعمر الرجل فی ملکه حتی یولد له ألف ذکر لا تولد فیهم أنثی وتظهر

الأرض كنوزها حتى تراها الناس على وجهها ويطلب الرجل منكم من يصله بماله ويأخذ من زكاته لا يوجد أحد يقبل منه ذلك استغنى الناس بما رزقهم الله من فضله^۱ زمین به نور پروردگارش روشن می شود البته این که این معنایش چیست بحثی دیگر است که ان شاء الله در قسمت های بعد مطالبی را خواهم گفت که زمین گنج هایش را ظاهر می کند، این گنجینه ها چیست؟

اولاً استعداد باروری و رویاندن زمین در حد اعلا، شکوفا می شود. یک زمانی اگر شما در مزرعه ای یک کیلو می کاشتید مثلاً ۵ کیلو برداشت می کردید، اما الآن به دلیل اطلاعات و آگاهی که دارند و استعداد زمین را فهمیدند و نهال های کشاورزی را متخصصین کشف کرده اند، استعداد زمین را به تناسب کشت ها فهمیدند، بعضی از زمین هاست که در بعضی از اخباری که از رسانه ها پخش می شود، توان تولید زمین، ۵ برابر گذشته شده، پس این زمین استعداد رویاندن و رشد دادن به مواد تولیدی خود را دارد و در عصر امام زمان عجل الله فرجه زمین هر چه لیاقت دارد ظاهر می کند.

در دل زمین گنج های زیادی خوابیده است که همه این گنج ها را زمین اخراج می کند. همه مردم این گنج ها را می بینند که بر روی زمین است ثروتمندی که در میان آن جامعه وجود دارد و اموال به دستش آمده، داد می زند که زکات بر من واجب است بیاید زکات بگیرید، همه مردم بی نیاز می شوند، همه مردم از نظر مادی به غنا می رسند، ثروت در اختیارشان قرار می گیرد، همه مردم احساس بی نیازی می کنند به خاطر نعمتی که خدا در اختیارشان قرار داده است. حال ببینیم آن زمان چه وضعی پیدا خواهد شد.

بنابراین با توجه به آیات و روایات که مطرح شد که بیانگر سامان یافتن وضعیت اقتصادی و مادی و معنوی دوران حکومت امام زمان عجل الله فرجه است، می توان این نکته را نتیجه گرفت که در عصر غیبت امام زمان عجل الله فرجه اگر ما، آن شرطی که خدا قرار داده؛ یعنی ایمان و تقوا را پیشه کنیم، خدا هم عنایات خود را بر ما ارزانی خواهد داشت و نعمت خدا بر ما فراوان خواهد شد.

به عنوان نمونه همین عصر حاکمیت انقلاب اسلامی را ببینیم، این همه فراوانی نعمت است، در هر کشوری که انقلاب رخ داده مردم از نظر مسائل روزمره و مسائل رزق و روزی شبانه‌روزی خود دچار مشکل می‌شوند. در سال ۱۳۲۰ بعضی از بزرگانی که یادشان هست نقل می‌کنند، در عرض ۲۴ ساعتی که ایران محل عبور نیروهای متفکین شد، چه قحطی و کمبودی ایجاد شده بود، اما انقلاب و هشت سال دفاع مقدس با همه تحریم اقتصادی و گرفتاری داخلی و خارجی و ایجاد ناپسامانی مصنوعی در اقتصاد کشور، چقدر نعمت بحمدالله فراوان است. البته مشکلات هست آن هم به دلیل این است که ما یعنی مسئولین و مردم جامعه، بد عمل می‌کنیم و رعایت اصول و ضوابط را نمی‌کنیم اما خداوند نعمت را بر این ملت به برکت اسلام و امام و خون شهدا ارزانی داشت و در آینده نیز چنین خواهد بود.

امیدواریم که خداوند همه ما را به عنوان منتظران واقعی امام زمان عجل الله فرجه و منضبطین به ضوابطی که خدا برای بندگان شایسته خود تعیین فرموده است قرار داده و مؤدب به آداب دینی بگرداند و ما را با احکام و فرایض دینی آشنا تر بفرماید و ان شاء الله ما را از وجود برکات آسمان و زمین خود بهره‌مند بگرداند.

پیشرفت اطلاعات و تکنیک در عصر حکومت امام زمان علیه السلام

در این قسمت درباره پیشرفت علمی و صنعتی در دوران حکومت امام زمان علیه السلام مطالبی را تقدیم حضور می‌نمایم.

امام زمان علیه السلام حکومتش کل عالم را شامل می‌شود، بنابراین بایستی هم در رساندن خدمات و نیازمندی‌ها به سراسر عالم دارای قدرت بوده و هم باید از نظر تحکیم موقعیت حکومت خود، اشراف کامل و آگاهی لازم به همه عالم داشته باشد. و براساس روایات و آیات رسیده، این قدرت در اختیار امام زمان علیه السلام قرار خواهد گرفت. حال تسلط امام زمان علیه السلام به سراسر عالم و سلطه و آگاهی به همه عالم، یا با اسباب غیبی است یا با اسباب عادی و طبیعی البته ما بر حسب سابقه‌ای که از امامت امامان دیگر داریم هیچ‌کدام از اولیای الهی و امامان هدی - علیهم التحیه و الثناء - با ابزار غیر عادی و غیر طبیعی بر مردم حکومت نمی‌کردند. حکومت آن بزرگواران بر اساس ابزار عادی و طبیعی بود نه بر اساس کمک گرفتن از ابزار غیبی و معنوی. امام زمان علیه السلام نیز، بر این اساس تصور می‌شود که بخش اعظم از حکومت و وضعیت او بر اساس ابزار عادی و طبیعی و علمی است، لکن قدرت علمی بشر در آن عصر، بالا می‌رود. از روایاتی که بعداً تقدیم حضور شما خواهیم کرد به این نتیجه می‌رسیم که امام زمان علیه السلام بر کل هستی و تمام دنیا و نیز بر آسمان‌ها و زمین و دریا مسلط است. طبق روایاتی که خواهد آمد اطلاعات امام زمان علیه السلام بر کل دنیا اشراف دارد. می‌دانیم که هر چه زمان پیشرفت می‌کند قدرت در اختیار کسانی قرار می‌گیرد که دارای آگاهی و اطلاعات بیشتری باشند. امروزه یک مسأله ثابت شده است که حرف اول را

در دنیا از جهات مختلف، کشوری می‌زند که اطلاعات او از همه بیشتر باشد، حال این اطلاعات بستگی به موارد مورد نیاز دارد. ممکن است اطلاعات، علمی باشد یا اطلاعات عمومی که تأمین‌کننده و آماده‌کننده امنیت جامعه است باشد.

در روایتی از قول ابوبصیر است که امام صادق علیه السلام نقل می‌کند: در عصر امام زمان علیه السلام آگاهی و اطلاعات و علوم پیشرفت بی نظیری دارد.

قبل از این که روایت را مطرح کنم نکته‌ای باید توضیح دهم. منظور من در این قسمت این است که در عصر حکومت امام زمان علیه السلام علم پیشرفت عظیمی می‌کند، صنعت و تکنیک به عالی‌ترین حد خود می‌رسد، انسان، مسلح به علم و دانش و تکنیک می‌شود، علمی علاوه بر محدودیتی که در علوم امروز هست.

تفاوت دیگرش این است که در عصر ما و یا عصر قبل از ظهور آن حضرت، علم به عنوان یک وسیله مثبت از او استفاده نمی‌شود، بیشترین بهره‌ای که از علم می‌برند در جهت خلاف و تخریب است، می‌بینیم که هم به صورت پیشرفت علمی در بعد صنعت به خصوص صنایع نظامی، هم پیشرفت علمی در زمینه فرهنگی و ابزار فرهنگی، علم مورد سوء استفاده شدیدی قرار می‌گیرد. در حقیقت حاصل علم امروز، بلای جان بشر شده است، پیشرفت علمی در بعد صنایع نظامی، هستی جامعه بشری را تهدید می‌کند.

برتراند راسل در کتاب خود «آیا بشر آینده‌ای دارد؟» که به فارسی هم ترجمه شده، ماجرای را نقل می‌کند و یک تکه از نطق جان اف کندی رئیس جمهور اسبق آمریکا که ترور شد را نقل می‌کند که در نطق عمومی خود گفته بود آمریکا قدرت اتمی‌اش به قدری است که می‌تواند کره زمین را ۵ بار به خاکستر مبدل کند. راسل می‌گوید: طبعاً همین قدرت را هم شوروی دارد، او نتیجه می‌گیرد با توجه به مبارزات تسلیحاتی اتمی که در دنیا وجود دارد امکان این معنی هست که روزی انسان‌هایی که از عقل و خرد لازم و از اخلاق بشری برخوردار نیستند از این سلاح‌های مخرب استفاده کنند. کافی است با فشار دادن تکه‌های سکویهای

پرتاب، موشک‌هایی که با کلاهک‌های هسته‌ای استوار است تمام دنیا را به خاکستر تبدیل کند. و او نتیجه می‌گیرد که این بشر به وسیله پیشرفت سلاح‌های نظامی، موجودیت او در خطر است.

امروزه می‌بینیم که رئیس جمهور و دست‌اندرکاران سیاست استکباری آمریکا، عریده جنگ‌طلبی سر می‌دهند آن هم به خاطر قدرت تسلیحاتی است که در اختیار

روایت امام صادق علیه السلام

حال به بخشی از این روایت اشاره می‌کنم و بخش دیگر آن را در جلسات بعدی خدمتتان ذکر خواهم کرد. اما در باب اطلاع و آگاهی امام زمان علیه السلام به همه عالم، ابوبصیر می‌گوید که امام صادق علیه السلام فرمود: «إِنَّهُ إِذَا تَنَاهَتْ الْأُمُورَ إِلَى صَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ رَفَعَ اللَّهُ - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - لَهُ كُلَّ مَنْخَفُضٍ مِنَ الْأَرْضِ وَخَفِضَ لَهُ كُلَّ مَرْتَفَعٍ حَتَّى تَكُونَ الدُّنْيَا عِنْدَهُ بِمَنْزِلَةِ رَاحَتِهِ فَأَيُّكُمْ لَوْ كَانَتْ فِي رَاحَتِهِ شَعْرَةٌ لَمْ يَبْصُرْهَا! هُنْكَامِي كَمَا فَرَمَانُ رَوَايِي دُنْيَا بِهِ صَاحِبِ الْأَمْرِ علیه السلام بَرَسَدَ خَدَاوَنَد تَبَارَكَ وَتَعَالَى زَمِينِ هَاي پَسْت وَفَرُو رَفْتَه رَا بِالَا وَهَمَه نَقَاط مَرْتَفَع عَالَم رَا پَایین آورده وَهَمَه عَالَم رَا مَسْطَح می‌کند، به گونه‌ای که همه جا به منزله کف دست او می‌شود. کدام یک از شما اگر مویی در کف دست او باشد آن را نمی‌بیند؟»

معنی این که نقاط مرتفع پایین می‌آید چیست؟ آیا کوه‌ها به دره‌ها می‌افتد و پیر می‌شود و همه عالم مسطح می‌شود یا این که آگاهی و سلطه امام زمان علیه السلام به حدی است که فرورفتگی‌های زمین را که نقاط پنهانی است، آن را بر ملا و آشکار می‌کند، درست مانند نقطه بلند که در معرض دید است و نقطه بلند هم که گاهی به خاطر بلندی از تیررس آگاهی دور است به خاطر پیشرفت اطلاعات، مانند زمین‌های مسطح می‌کند؟ هر دو معنی متصور است، امروزه شما می‌بینید که اطلاعات ماهواره‌ای که وجود دارد کل دنیا برای او مسطح است، اگر در کف دست مویی باشد آن را می‌بینید. دنیا برای امام زمان علیه السلام مانند کف دست می‌شود، امام زمان علیه السلام اشراف آگاهی و اطلاعاتی او به کل عالم است و همه عالم را می‌بینید، اما چگونه؟ همان گونه که در مقدمه بحث گفتم حکومت امام زمان علیه السلام مانند بقیه ائمه علیهم السلام به صورت عادی و طبیعی است، تنها نباید از آن برداشت امدادهای غیبی نمود. پیشرفت علمی در عصر امام زمان علیه السلام آن را ایجاب می‌کند و در زمان ما این گونه نیست که کشورهای پیشرفته به وسیله اطلاعات ماهواره‌ای از همه نقاط کور دنیا اطلاع یابند. وقتی امروزه، بشر پیشرفته و مسلح به تکنیک بتواند چنین اطلاعاتی داشته باشد، در عصر

امام زمان علیه السلام که اوج آگاهی است، اطلاعات و کسب اطلاعات عمیق تر نخواهد بود؟ قطعاً امام زمان علیه السلام به همه عالم مانند کف دست اشراف و آگاهی دارد.

در حدیث دیگری از امام باقر علیه السلام نقل شده که وجه تسمیه امام زمان علیه السلام به مهدی این است: «إنما سمي المهدي لأنه يهدي إلى أمر خفي حتى إنه يبعث إلى رجل لا يعلم الناس له ذنبا فيقتله حتى إن أحدهم يتكلم في بيته فيخاف أن يشهد عليه الجدار»^۱ ایشان مهدی نامیده شد. چون او هدایت می شود به همه امور پنهانی عالم و مأمور می فرستد برای دستگیری کسانی که مردم فکر نمی کنند هیچ گناهی و جرمی داشته باشند، اما امام زمان علیه السلام آن ها را دستگیر و مجازات می کند و به قتل می رساند و طوری می شود که افرادی که می خواهند حرف خلاف در خانه خود بزنند می ترسند که دیوار علیه آن ها شهادت بدهد. پس با این تعبیر، ایشان همه چیز را می بیند و همه نقاط و همه اطلاعات و همه امور در نزد امام زمان علیه السلام است. لذا باعث می شود مردم متوجه شوند امام زمان علیه السلام از همه پنهان ها خبر دارد. امروزه می بینیم بشر با همین علم محدودی که دارد این وضعیت را پیدا کرده، امروزه اطلاعات ماهواره ای به قدری قوی شده که می توان از خانه افراد هم اطلاع یافت و با کار گذاشتن میکروفون ها و دوربین های مخفی که در دیوارها به کار می رود که شخص هر حرکتی که در خانه خود داشته باشد را می توانند به هر نقطه ای از عالم مخابره کنند، با این که علم امروز محدود است. اما در عصر امام زمان علیه السلام چگونه خواهد بود. لذا در این روایت مردم وقتی می خواهند در خانه خود حرف خلاف بزنند می ترسند مبادا دیوار به امام زمان علیه السلام خبر بدهد.

اشراف کامل امام زمان علیه السلام به امور عالم

این اشراف کامل امام زمان علیه السلام به کل عالم است، حال یا به وسیله ابزار پیشرفته علمی است و یا عنایات خاصه الهی.

اما در باب انرژی، امام صادق علیه السلام فرمود: «إِن قَائِمَنَا إِذَا قَامَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَاسْتَعْنَى الْعِبَادُ مِنْ ضَوْءِ الشَّمْسِ وَذَهَبَتِ الظُّلْمَةُ»؛^۱ هنگامی که امام زمان علیه السلام ظهور کند زمین به نور پروردگار نورانی می شود و مردم از نور خورشید بی نیاز می شوند و ظلمت از بین می رود». مفهوم آن چیست؟ الآن خیلی متوجه نمی شویم.

مگر همین بشر نبود که در بخشی از ۲۴ ساعت که زمین در تاریکی فرو می رفت، در آن قسمت از نقطه جغرافیایی که زندگی می کنیم با وسایل چوبی نور ایجاد می کردیم. کم کم مواد ناریه دیگری کشف شد، به وسیله نفت روشن می شد. اکنون به وسیله انرژی آبی به تعبیر معروف، انرژی سفید از آب، برق می گیرند.

راکتورهای اتمی برق تولید می کنند، شب را مانند روز برای ما روشن می کنند در گذشته که این طور نبود. عصر امام زمان علیه السلام شاید بشر به تکنیک و فن آوری دست پیدا کند که شب و روز، روشن روشن باشد و اگر بخواهد ظلمت از بین می رود. یک مفهوم آن این می تواند باشد که در آن عصر، بشر به یک فن آوری جدیدی دست پیدا می کند که به انرژی خورشید هم نیاز ندارد، از یک انرژی پیشرفته تری برخوردار می شود. همین اکنون هم علما و دانشمندان در این فکرند که دیگر از نور خورشید استفاده کنند که طول ۲۴ ساعت محیط زندگی شان روشن باشند. در آن عصر، شاید به نکته ای دست یابند که حتی به نور خورشید هم احتیاجی نداشته باشد و به وسایل پیشرفته تری متوسل شوند و ظلمت را از بین ببرند. شاید با ابزار پیشرفته از حرارت و گرمای داخل زمین برای کسب انرژی و استخراج نور استفاده نمایند. الآن نمی توانیم ابعاد مختلف آن را کاملاً لمس کنیم، فقط از پیشرفت تکنیک امروزه به عنوان وسیله ای برای قبول این احادیث استفاده می کنیم.

تسلط امام زمان علیه السلام بر آسمان ها

در باب تسلط امام زمان علیه السلام بر آسمان ها، امروزه می بینیم که حداقل بخشی از آسمان ها زیر اتمسفر در اختیار بشر است و به وسیله هواپیماهای پیشرفته، در جو

حرکت می‌کند، به وسیله فضا پیمایها، از جو هم عبور می‌کند به بعضی از کرات دسترسی پیدا کرده، آپولو را به کره ماه فرستاد.

به این حدیث دقت کنید. امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «وذخر لصاحبکم الصعب قال: قلت: وما الصعب قال: ما كان من سحاب فيه رعد وصاعقة أو برق فصاحبکم یرکبه أما إنه یرکب السحاب یرقی فی الأسباب أسباب السماوات السبع والأرضین السبع؛^۱ سرور، صاحب وولی امر شما یعنی امام زمان علیه السلام به صعب دسترسی پیدا می‌کند. پرسیدند: منظور از صعب چیست؟ فرمود: صعب ابری است که در آن رعد و برق و صاعقه شدید است. امام زمان علیه السلام بر آن تسلط می‌یابد و آن را در اختیار می‌گیرد و بر آن سوار می‌شود و از آسمان وزمین هفتگانه بالا می‌رود».

یعنی چه؟ امروز بشر بر آهن پاره سوار شده بر آسمان می‌رود، امروزه بشر به کمک گازها و مواد سوختنی سوار بر فلز می‌گردد به آسمان می‌رود. آیا امام زمان علیه السلام بر ابر سوار می‌شود؟

حال منظور از ابر چیست؟ ابر به معنی گاز یا چیز دیگری است نمی‌دانیم ولی این حدیث بیانگر قدرت فوق العاده امام زمان علیه السلام در استفاده از انرژی‌های موجود عالم است.

خداوند در آیه شریفه سوره مبارکه رحمن می‌فرماید: «يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ إِنِ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ تَتَفَدُّوا مِنْ أَقْطَارِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ فَانْفُدُوا لَا تَنْفُدُونَ إِلَّا بِسُلْطَانٍ»^۲ «ای جن و انس! اگر می‌توانید به اقطار آسمان‌ها نفوذ کرده، پس به آسمان‌ها بروید. نمی‌توانید به آسمان‌ها نفوذ کنید مگر با قدرت».

شاید بگویید که اگر ما مفهوم این آیات را بخواهیم به مفهوم دنیوی تفسیر کنیم بعضی از این تفسیرها به دنیا می‌خورد، بعضی به آخرت و شاید بتوان گفت که در عصر امام زمان علیه السلام با سلطه علمی که دارند می‌تواند به آسمان‌ها نفوذ کند، همان طور که در حدیث فوق آمده است؛ بنابراین با قدرت علمی به وسایل حتی مادی

و طبیعی با عنایت خاصه الهی، امام زمان علیه السلام به آسمانها دسترسی پیدا می کند و به لطف الهی به کرات نفوذ می کند. در بخش بعدی راجع به عمق پیشرفت علمی و اطلاعاتی و ابزار آگاهی که در عصر امام زمان علیه السلام در اختیار بشر قرار می گیرد صحبت خواهیم کرد.

خداوند دل های ما را به نور حضرت مهدی علیه السلام نورانی فرماید، ان شاء الله.

آمین یا رب العالمین

پیشرفت علمی و صنعتی در عصر ظهور امام زمان علیه السلام

در قسمت قبلی پیرامون پیشرفت علمی و ترقی تکنیک و صنعت در عصر حکومت امام زمان علیه السلام صحبت کردیم. بخشی از مطالبی را که به دنبال همان مطلب لازم بود تقدیم محضرتان کنیم در این قسمت مطرح می‌نمایم، و آن مطلب درباره تسلط امام زمان علیه السلام و یارانش بر دریاها با ابزارهای عادی و یا امدادهای الهی است. حدیثی مفصل و طولانی در کتاب شریف بحارالانوار از امام صادق علیه السلام نقل شده است که در دو بخش آن را تقدیم حضور شما می‌کنم.

تسلط امام زمان علیه السلام بر دریاها

قسمت اول: در زمینه تسلط آن حضرت در دریاها و عبور به آسانی از آب‌ها و اقیانوس‌هاست که می‌فرماید: «إِذَا قَامَ الْقَائِمُ علیه السلام وَبِيعَتْ جَنْدَا إِلَى الْقُسْطَنْطِينِيَةِ فَإِذَا بَلَغُوا إِلَى الْخَلِيجِ كَتَبُوا عَلَى أَقْدَامِهِمْ شَيْئاً وَامْشَوْا عَلَى الْمَاءِ؛^۱ امام زمان علیه السلام لشکری را به قسطنطنیه اعزام می‌کند برای تسخیر سرزمین‌هایی که در دست دیگران است و به قصد زیر حکومت اسلامی در آوردن آن سرزمین‌ها و آن‌ها چون به قسطنطنیه و سپس به سوی خلیج رهسپار می‌شوند. وقتی به آب رسیدند چیزی بر پاهایشان می‌نویسند آن‌گاه از روی آب عبور می‌کنند.» حال این به چه ترتیب است؟ آیا به کمک آیاتی از قرآن و دعاها است، یا به برکت ولایت امام زمان علیه السلام حاصل می‌شود؟

طبعاً انسان‌هایی که از نظر ایمان و شناخت و عمل صالح به آن درجه اولیاء الهی

برسند، آن‌ها نیز از جانب خداوند این ولایت را بر طبیعت پیدا خواهند کرد همان‌گونه که در قرآن کریم درباره یکی از افراد و اطرافیان حکومت سلیمان پیغمبر ﷺ خبر می‌دهد که در یک چشم به هم زدن، تخت و بارگاه بلقیس را به جایگاه سلیمان حاضر کرد.

همان ولایتی که در تاریخ نظیر آن بسیار آمده است و یاران و سربازان امام زمان ﷺ با همین عنایات و با همین قدرت‌های معنوی از روی آب عبور می‌کنند. بنابراین دریاها هم در قلمرو آن‌هاست و از دریاها هم استفاده‌های بهینه خواهند کرد. همان‌گونه که قبلاً متذکر شدیم در ارتباط با مسائلی که راجع به تسلط آسمان و زمین و دریاهاست به دلیل تکامل بشر امکان‌پذیر خواهد شد و به گونه‌ای می‌شود که امام زمان ﷺ از نهایت قدرتی که در انسان می‌تواند به وجود بیاید و به کمال عالی برسد و از نهایت قدرت انسان استفاده می‌شود و استعداد و لیاقت‌های موجودات را به فعلیت رسانده و از آن استفاده می‌کند. اکنون بشر عادی توانسته از اتم، قدرت عظیم و شگفت‌آوری به دست آورد و از آن بهره‌مند شود. در عصر امام زمان ﷺ علاوه بر کمک و امدادهای غیبی، از دانش و فن‌آوری هم که به عالی‌ترین درجه رشد خود خواهد رسید بهره کامل خواهد برد و خاصیت همه موجودات کشف خواهد شد. از این طریق است که سلطه امام زمان ﷺ و حکومت او به تمام عرصه گیتی از آسمان و زمین و دریاها، سلطه عالیه و کامله است و این سلطه برای اعمال زور و ظلم و به دست آوردن امکانات مادی در جهت تضييع حقوق افراد نیست، بلکه برعکس، این‌ها همه برای آن است که حقوق افراد آن چنان که حَقشان است به آن‌ها برسد و بشریت در عرصه هستی از آنچه را که خدا برای او آفریده در نهایت درجه کمال استفاده کند.

در روایت دیگر داریم که امام زمان ﷺ وقتی حکومتش به همه دنیا رسید برای اعمال حاکمیت خود در همه اقالیم مسؤولینی را نصب می‌کند، امام صادق ﷺ می‌فرماید: «إِذَا قَامَ الْقَانِمُ بَعَثَ فِي أَقَالِيمِ أَرْضِ فِي كُلِّ أَقَالِيمٍ رَجُلًا يَقُولُ عَهْدُكَ فِي كَفِكَ فَإِذَا

اورد عليك مالا تفهمه ولا تعرف القضاء فيه فانظر إلى كفك واعمل بما فيها؛^۱ وقتی امام زمان علیه السلام به حکومت رسید برای هر ناحیه‌ای فردی می‌گمارد و آن را به آنجا می‌فرستد؛ یعنی فرماندار و والی برای اطراف و اکناف عالم انتخاب می‌کند. همان طوری که امیرالمؤمنین هنگامی که مالک را به مصر فرستاد عهدنامه حکومتی خود را در اختیار داشت، امام زمان علیه السلام هم به این فرستاده خود می‌گوید عهدنامه تو در کف دست توست؛ یعنی دستورالعمل را در اختیار و در کف دست او قرار می‌دهد و به او می‌گوید: وقتی به یک مسأله‌ای برخورد کردی که نمی‌دانی حکمش چیست و نمی‌توانی آن را بررسی کنی و دستور و راه حل آن را بلد نیستی به کف دستت نگاه کن. نمی‌فرماید: «فانظر ما في كفك» می‌فرماید: «فانظر الى كفك» (به آن چه در دست توست) به کف دستت نگاه کن، این چه معنی دارد؟ ممکن است خیلی معنای پیچیده‌ای داشته باشد اما می‌خواهم از آن استفاده‌ای کنم؛ شما امروزه به این دستگاه‌های پیشرفته کامپیوتر و رایانه توجه کنید که به شبکه جهانی اینترنت متصل هستند، به محض این که در یک مسأله گیر کرده باشند با توجه به رایانه‌های کوچک جیبی که در کف دست جای می‌گیرد می‌توانند عالی‌ترین و کامل‌ترین اطلاعات روز را از شبکه‌های بین‌المللی بگیرند. حال اگر یک کسی وابسته به مرکزی باشد و آخرین اخبار را از مرکز خود بگیرد می‌تواند از همین رایانه‌ها که به اینترنت متصل و به اندازه کف دست است استفاده کند. این قدرت امروزی بشر است اما در عصر امام زمان علیه السلام همان طور که قبلاً گفتم دو حرف از ۲۷ حرفی که استعداد علمی بشر است در عصر قبل از ظهور شکوفا می‌شود. در عصر امام زمان علیه السلام تمام ۲۷ حرف شکوفا می‌شود. بشر به چه قدرتی دست می‌یابد، خدا می‌داند. این که امام زمان علیه السلام می‌فرماید: به کف دست خود نگاه کنی می‌فهمی که چه باید بکنی، بیانگر پیشرفت علم و تکنیک و صنعت در آن عصر است که ما امروز نمی‌توانیم بفهمیم که حدش تا کجاست.

وضعیت روابط مردم با همدیگر در عصر حکومت امام زمان علیه السلام

در روایت دیگری هم از امام صادق علیه السلام نقل شده که راجع به وضعیت و دوران ظهور حکومت امام زمان علیه السلام می‌فرماید: «إِن قَائِمَنَا إِذَا قَامَ مَدَّ اللَّهُ لَشِيعَتِنَا فِي أَسْمَاعِهِمْ وَأَبْصَارِهِمْ حَتَّى لَا يَكُونَ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ الْقَائِمِ بَرِيدٌ يَكَلِّمُهُمْ فَيَسْمَعُونَ وَيَنْظُرُونَ إِلَيْهِ وَهُوَ فِي مَكَانِهِ»^۱ هنگامی که امام زمان علیه السلام ظهور کند خداوند در گستره دید و شنید شیعیان ما امتداد می‌دهد؛ یعنی قدرت بُرد گوش و چشم آن‌ها را گسترش می‌دهد به گونه‌ای که بین مردم و امام زمان علیه السلام واسطه‌ای (مثل پستی) وجود ندارد، مردم دستورات خود را از امام زمان علیه السلام مستقیم و رخ به رخ می‌گیرند امام زمان علیه السلام با همه مردم و شیعیان خود در دنیا صحبت می‌کند، همه نگاهش می‌کنند حرفش را هم می‌شنوند در حالی که امام زمان علیه السلام در محل استقرار خود قرار دارد، مردم دنیا حرف امام زمان علیه السلام را می‌شنوند و چهره مبارکشان را می‌بینند. شاید در ۵۰۰ سال قبل مفهوم این حدیث با دلایل امداد غیبی قابل قبول بود اما امروزه مهم این حدیث آسان شده، الآن با به بازار آمدن تلفن‌های تصویری که نتیجه صنعت امروز است، این طرف عالم یکی با برادر خود تماس گرفته در آن طرف دنیا، او را با تلفن می‌بیند. حال حدیث دیگری هم هست که پیشرفت صنعت به فهم ما کمک می‌کند. پیغام‌های تصویری ماهواره‌ای فرض کنید که در سازمان ملل مراسمی است که مربوط به کل دنیا است که می‌خواهند مردم دنیا به طور همزمان آن را ببینند. رسانه‌های ماهواره‌ای تصویری همزمان آن را مخابره می‌کنند. کل دنیا آن را به صورت زنده می‌بیند در حالی که در منطقه خودشان هستند حرف‌هایشان را می‌شنوند و چهره‌هایشان را می‌بینند. در عصر امام زمان علیه السلام که قطعاً ابزار علمی پیشرفته‌تری در اختیار بشر قرار می‌گیرد آنچه در استعداد طبیعت است کشف می‌گردد.

در حدیث دیگری هم هست که می‌فرماید: «وَإِنَّهُ لَيَبْلُغُ سُلْطَانَهُ الْمَشْرِقَ وَالْمَغْرِبَ

۱. سیمای آفتاب ص ۴۲۱؛ به نقل از منتخب الاثر، ص ۶۰۷.

وتظهر له الكنوز لا يبقي في الأرض خراب إلا ليعمره»؛^۱ امام زمان علیه السلام شرق و غرب را در اختیار دارد و در آن شرایط زمین گنج‌های خود را ظاهر می‌کند، هیچ جایگاه خرابی نمی‌ماند مگر آن‌که آن را آباد خواهد ساخت.

این گنج چیست؟ آیا فقط طلا و نقره و معادنی که امروزه بشر آن را شناخته است منظور است یا استعدادهای عجیب و شگفت‌آوری که در همین زمین وجود دارد؟ در همین مولکول چه بسا استعداد عجبی و قدرت عظیمی وجود داشته باشد که بشر تاکنون از آن آگاه نیست. در همین اتم چه قدرتی وجود داشت که بشر امروز کشف کرد. امام زمان علیه السلام از استعدادهای زمین و ماده استفاده کرده، آن را کشف می‌کند. زمین و زمان هر چه دارد در اختیار او قرار داده و تسخیر وجود امام زمان علیه السلام می‌شوند و لذا امام زمان علیه السلام با شکوفا شدن نهایی استعداد علمی بشر و شکوفا شدن استعداد نهایی زمین و ماده، از او برای گسترش و بسط حکومت الهی‌اش بهره می‌گیرد.

باز در همین رابطه انسان‌هایی که در قلمرو امام زمان علیه السلام هستند دارای چنین قدرت و ابزاری می‌شوند. روابط انسان‌ها هم در آن عصر، رابطه فوق‌العاده‌ای می‌شود که در این مورد حدیث شریف را خدمتتان مطرح می‌کنم:

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «إِنَّ الْمُؤْمِنَ فِي زَمَانِ الْقَائِمِ علیه السلام وَهُوَ بِالْمَشْرِقِ لِيرِي أَخَاهُ الَّذِي فِي الْمَغْرِبِ وَكَذَا الَّذِي فِي الْمَغْرِبِ لِيرِي أَخَاهُ بِالْمَشْرِقِ»؛^۲ مردم مؤمن در عصر حکومت امام زمان علیه السلام هم، این‌گونه می‌شوند، برادری که در مغرب زندگی می‌کند برادرش را در شرق می‌بیند و آن برادر هم هم‌زمان این برادرش را که در این طرف است می‌بیند. همان‌طور که عرض کردم امروز تلفن‌های تصویری و اینترنت همین کار را می‌کند. حال در عصر امام زمان علیه السلام قطعاً امکانات بیشتر است این‌ها می‌تواند به عنوان نمونه و نشانه‌ای باشد از این‌که در عصر حکومت امام زمان علیه السلام جامعه و بشر ترقی می‌کند و همه آنچه را که انسان به آن احتیاج دارد به عالی‌ترین وجه در اختیارش قرار می‌گیرد.

۱. سیمای آفتاب، ص ۴۲۵ به نقل از منتخب الاثر. ۲. بحارالانوار: ۳۹۲/۵۳، منتخب الاثر، ص ۶۳۷.

دنیای آن عصر به دلیل حاکمیت حق و عدل و عنایات خاصه الهی و اعمال ولایت امام معصوم، همه در رفاه، آسایش، آسودگی، غنا، بی نیازی و سلامت روانی و جسمی و امنیتی هستند.

اگر در آینده فرصتی شد اخبار و احادیث دیگری را تقدیم حضور شما خواهم کرد. اینک به یکی از بیانات حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام که مربوط به بعد از ظهور امام زمان علیه السلام است اشاره می کنم.

امام حسین علیه السلام می فرماید: «لایبقی علی وجه الأرض أعمی ولا مقعد ولا مبتلی إلا کشف الله عیبه وبلائه بنا أهل البیت»؛ در آن عصر در دنیا نابینایی وجود ندارد مگر آن که خداوند به برکت ما اهل بیت او را بینا می کند، مبتلا و زمین گیری وجود ندارد مگر این که خداوند به برکت ما اهل بیت او را شفا می دهد؛ یعنی دیگر در دنیا غم و کدورتی نیست و عوامل ایجاد کننده غم و کدورت و مریضی و مشکلات از بین خواهد رفت. امروز ببینید که در عصر ما، جامعه بشری از بیماری ایدز مورد تهدید جدی قرار گرفته است، اشاعه و گسترش میکروب سیاه زخم توسط آمریکا و عواملش، بشر را تهدید می کند.

اما در عصر ظهور، عوامل امراض مختلف از بین می رود. این است که در عصر حکومت امام زمان علیه السلام از جهات گوناگون بشریت به عالی ترین درجه ترقی و کمال خود می رسد.

در پایان این بحث بخشی از سروده ام در باره امام عصر علیه السلام را می آورم.

جهان چو پر شود از ظلم و جور و خونریزی

قیام می کند او گر خدا شود راضی

که تا تمام جهان پر ز عدل و داد شود

تمام روی زمین پر از فساد شود

فقط حکومت واحد در آن به پا گردد

که ترس از دل مستضعفان جدا گردد

جميع جن وملك عهده دار فرمانند

مطیع امر مطاعش چو صد سلیمانند

جناب عیسی مریم ملازمش باشد

فرشتگان سماوات خادمش باشد

امان وامن وعدالت وفور هر نعمت

شود سراسر گیتی پر از صمیمیت

علوم اهل زمین با تمام ظرفیت

شود شکفته وپر بار هر ملت

بیایه حرمت زهرا بریم دست دعا

که تا به امر ظهورش خدا کند امضا

جهان به نور وجودش همه صفا یابد

دل غمین «فیاضی» هم شفا یابد

«اللَّهُمَّ ارِنِي الطَّلْعَةَ الرَّشِيدَةَ، وَالغُرَّةَ الْحَمِيدَةَ،

وَاطْحُلْ ناظِرِي بِنَظَرَةِ مِنِّي إِلَيْهِ، وَعَجِّلْ فَرَجَهُ، وَسَهِّلْ مَخْرَجَهُ»

سرانجام حکومت امام زمان علیه السلام

در بحث امروز درباره سرانجام حکومت امام زمان علیه السلام و پایان کار آن حضرت مطالبی را تقدیم حضور شما می‌کنم. قبلاً گفتیم که مدت حکومت امام زمان علیه السلام را حداقل ۵ سال و حداکثر ۳۰۹ سال ذکر کرده‌اند و در این مورد که منظور از سال آیا همین مقیاس و معیاری است که اکنون از آن برداشت داریم؛ یعنی ساعت متشکل و مرکب از دقایقی است که اکنون ما از آن سنجش داریم و روزها هم از همان ساعت و ایام و ماه که دوازده ماه یک سال را تشکیل می‌دهد و آیا سالی که امام زمان علیه السلام در آن حکومت می‌کند دارای همان معیارها است، صحبت‌های مفصلی شد اما به ذکر یک حدیث که درباره مدت حکومت امام زمان علیه السلام است و بیانگر مدتی است که در روایت ذکر شده است می‌پردازم. این حدیث از امام باقر علیه السلام نقل شده که می‌فرماید: «ویملك القائم علیه السلام ثلاث مائة سنة ویزداد تسعاً كما لبث أهل الكهف في كهفهم»؛^۱ امام زمان علیه السلام ۳۰۹ سال حکومت می‌کند همانند اصحاب کهف که ۳۰۹ سال در غار خودشان مکث کردند و در آنجا اقامت کردند. در مورد ۳۰۹ سالی که امام زمان علیه السلام پس از ظهورش در این جهان حکومت می‌کند و حکومت او جهان را به عالی‌ترین درجه عدل و کمالش می‌رساند، در بخش‌های قبلی مطالبی را تقدیم کردم.

شهادت، میراث اهل بیت علیهم السلام

چیزی که هست این سؤال در مورد امام زمان علیه السلام مطرح است که سرانجام کار امام زمان علیه السلام چه خواهد شد و کیفیت ارتحال آن حضرت چگونه است؟

با توجه به کلیات روایاتی که از ائمه معصومین علیهم السلام رسیده است امام زمان علیه السلام هم سرنوشت حیاتش همانند اجداد طاهرینش علیهم السلام با شهادت رقم خواهد خورد؛ یعنی امام زمان علیه السلام به مرگ عادی از دنیا نخواهد رفت. در این باره احادیثی داریم که به صورت کلی بیانگر این است که صاحبان عصمت و طهارت از خاندان پیغمبر صلی الله علیه و آله همگی به شهادت می‌رسند. امام حسن علیه السلام بعد از شهادت پدرش امام علی علیه السلام می‌فرماید: «لقد حدثني حبيبي وجدتي رسول الله صلى الله عليه وآله إن الأمر يملكه اثني عشر اماماً من أهل بيته وصفوته مامناً إلا مقتول أو مسموم»^۱؛ محبوب من، جد من رسول خدا صلى الله عليه وآله به من خبر داده است که این فرمانروایی بر امت اسلامی بر ۱۲ نفر از ائمه، بعد از من تعلق خواهد داشت؛ یعنی بعد از من ۱۲ نفر، امر ولایت و امامت امت اسلامی را به عهده خواهند گرفت که همه از اهل بیت من و جانشینان و از برگزیدگان و اصفیای من هستند که هیچ یک از این امامان نیستند مگر این که یا با شمشیر کشته می‌شوند یا با سم مسموم می‌شوند. همچنین حدیث دیگری از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: «مامناً إلا مقتول أو سموم».

با توجه به مفهوم این حدیث باید امامان به شهادت می‌رسیدند کما این که امیرالمؤمنین تا امام عسکری علیه السلام همگی یا با شمشیر یا با زهر ستم ستمکاران به شهادت رسیدند.

مرحوم شیخ مفید در کتاب «شرح العقائد» می‌فرماید: همه بزرگان از اهل بیت عصمت و طهارت از رسول خدا صلى الله عليه وآله تا امام عسکری علیه السلام همگی به شهادت رسیدند. ممکن است بعضی از این شهادت‌ها در تاریخ به ظاهر قابل اثبات نباشد ولی بعضی‌های دیگر صد در صد قابل اثبات است. بر حسب نقلی که در بعضی از کتب آمده است، رسول خدا صلى الله عليه وآله نیز بارها مسموم شدند اما آثار زهر در وجود حضرت مخفی بود تا زمانی که در ۲۸ صفر سال ۱۱ هجری از دنیا ارتحال یافت، آثار آن زهر مهلکی که آن زن یهودی به خورد حضرت داده بود موجب رحلت آن حضرت گردید.

اگر ممکن باشد از نظر تاریخی هم تحلیل درست کرد و جمع بین این نقل در روایاتی که خدمتتان تقدیم شد نمود، می شود نتیجه گرفت که رسول خدا ﷺ نیز به وسیله سمی که یهودی به خورد آن حضرت داده به شهادت رسیده است.

حضرت زهرای مرضیه ﷺ نیز بلافاصله پس از رحلت رسول خدا ﷺ در راه دفاع از امامت و ولایت به شهادت رسید و در نتیجه امام زمان ﷺ که اکنون در پس پرده غیبت است و پس از آن که ظهور کند به لطف پروردگار، جهان را به نور عدلش پر نور نماید، سرانجام کار او نیز با شهادت رقم می خورد و با شهادت از دنیا به جوار رحمت حق می رود. روی این حساب می توانیم این گونه نتیجه بگیریم که کیفیت ارتحال امام زمان ﷺ نیز شهادت است اما اکنون سؤال این است که شهادت امام زمان ﷺ به چه ترتیب است و چه کسانی ایشان را به شهادت می رسانند؟ در کتابها در این باره بحث زیادی نشده است، در کتاب «الزام الناصب» نکته ای از قول بزرگان نقل کردند که امام زمان ﷺ پس از حکومتی که در دنیا انجام داده در حالی که از کوچه ای عبور می کنند، زنی به نام سعیده از قبیله بنی تمیم که ظاهری چون مردان دارد یعنی دارای ریش است از بالای خانه ای سنگی را به سر مبارک امام زمان ﷺ می زند و موجب شهادت حضرت می گردد.

مراسم تجهیز امام عصر ﷺ پس از شهادت

تا اینجا را در ارتباط با وضعیتتی که در پایان عمر امام زمان ﷺ حادث خواهد شد خدمتتان شرح دادم اما سؤال دیگر به عنوان آخرین نکته این قسمت تقدیم حضور می شود و آن این که بر حسب عقیده ای که ما شیعیان داریم و در کتب ما مفصل در این مورد بحث شده است، معصوم را جز معصوم کسی دیگر نمی تواند غسل دهد، کفنش نماید، لذا می بینید که نبی مکرم اسلام ﷺ که لحظات از دنیا رفتنش فرا می رسد وصیت می کند که فردی که تجهیزات او را به عهده می گیرد خود علی بن ابی طالب ﷺ باشد و اولین فردی که بر پیکر مطهرش نماز می گزارد خود علی بن

ابی طالب علیه السلام باشد و لذا بعداً برای آن که همه مؤمنین به این برکت متبرک شده و به این فیض بزرگ نایل شوند گروه گروه و دسته دسته آمدند تا بتوانند بر پیکر مطهر رسول خدا صلی الله علیه و آله نماز بگذارند؛ اما نماز اصلی را امیرالمؤمنین علیه السلام بر بدن مطهرش خوانده و خود حضرت علی علیه السلام رسول خدا صلی الله علیه و آله را غسل داد و کفن کرد و به خاک سپرد. بدن مطهر حضرت زهرا علیها السلام را که با آن که بانویی بوده و بانوان دیگری نیز حضور داشتند اما طبق وصیت حضرت زهرا علیها السلام مرضیه علیها السلام خود امیرالمؤمنین علیه السلام شستشو کرد و غسل دادند. به اسماء بنت عمیس هم سفارش شده است که بر بدن مطهرش آب بریزد، اما دست مبارک امیرالمؤمنین علیه السلام است که باید بر بدن مطهر زهرا علیها السلام لمس شود و آن را غسل دهد و خود امیرالمؤمنین علیه السلام باید بدن حضرت زهرا علیها السلام معصومه علیها السلام را به خاک بسپارد.

درباره دیگر ائمه هم همین طور است. ما عقیده داریم بدن مطهر و بی سر و پاره پاره ابا عبدالله الحسین علیه السلام را امام سجاد علیه السلام با ولایت الهی که داشت در کربلا حاضر شد و به کمک بنی اسد بدن مطهر حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام را به خاک سپرد. در مورد امام زمان علیه السلام هم که امام معصوم است عقیده داریم که غیر از معصوم شخص دیگری نمی تواند به خاک بسپارد.

بر همین اساس روایات فراوانی در کتب شیعه است که معتقدیم بدن مطهر امام زمان علیه السلام را ابا عبدالله الحسین علیه السلام به خاک می سپارد.^۱

توضیح مطلب

در اینجا قطعاً ضرورت دارد که ما راجع به این مطلب توضیحاتی بدهیم؛ امام حسین علیه السلام که در سال ۶۱ هجری به شهادت رسید و زمانی که امام زمان علیه السلام ظهور می کند ایشان قطعاً در بهشت حضور دارد. و این که می آیند و بدن مبارک امام زمان علیه السلام را شستشو داده و دعا خواندن و کفن کردن را به عهده می گیرد. به چه معناست؟ آیا امام حسین علیه السلام زنده می شود؟

۱. بحارالانوار: ۵۲/۵۱، چشم انداز حکومت مهدی، ص ۲۴۰.

اینجا بحث رجعت مطرح می شود که خود، بخشی از عقاید مسلمانان را تشکیل می دهد، نه تنها ما شیعیان بلکه اهل سنت هم به رجعت معتقدند که ان شاء الله در قسمت های آینده در مورد عقیده ما راجع به رجعت بحث خواهم کرد.

بنابراین در اینجا نتیجه می گیریم که به حکم عقیده شیعیان و به حکم اسنادی که در اختیار است اباعبدالله الحسین علیه السلام پس از رحلت امام زمان علیه السلام می آیند و بدن مطهر حضرت را غسل می دهند و او را کفن می کنند و بر آن نماز می خوانند و به خاک می سپارند و بعد حکومت امام زمان علیه السلام با هدایت و ولایت اباعبدالله الحسین علیه السلام استمرار پیدا می کند. همین جا توصیه می کنم که بر اساس آیات قرآن و روایاتی که از ائمه هدی و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم رسیده است ممکن است مطالبی باشد که تاکنون در جلسات عمومی کمتر مطرح شده باشد و پذیرفتن آن از نظر شرایط عادی و طبیعی دشوار باشد، لکن با مطالعه و بررسی و رجوع به مدارک عقیدتی، راه پذیرش هموار می شود. عقیده ما به قدرت ذات اقدس پروردگار متکی است که اگر بخواهیم از آن دید اعتقاداتمان را تحلیل و تبیین کنیم قطعاً پذیرش همه این مسائل برای ما آسان و راه عقیده پیدا کردن به این ها آسان و قابل قبول خواهد شد که ان شاء الله در بحث های آینده در این باره بیشتر صحبت خواهم کرد.

«اللَّهُمَّ ارِنِي الطَّلْعَةَ الرَّشِيدَةَ، وَالغُرَّةَ الْحَمِيدَةَ،

وَاکْحُلْ نَاطِرِي بِنَظْرَةِ مِنِّي إِلَيْهِ، وَعَجِّلْ فَرَجَهُ، وَسَهِّلْ مَخْرَجَهُ»

آمین یا رب العالمین

دلایل اثبات رجعت و تعریف آن

در قسمت گذشته پیرامون مدّت حکومت امام زمان علیه السلام و سرانجام حکومت و حیات و زندگی آن حضرت علیه السلام بحث کردیم. اکنون راجع به حکومتی که بعد از حکومت امام زمان علیه السلام استمرار پیدا خواهد کرد و به عبارت دیگر دربارهٔ جانشینان امام زمان علیه السلام بحث می‌کنم.

نکته‌ای که قبل از پرداختن به این موضوع می‌بایست دربارهٔ آن گفت و گو کرد، مسألهٔ رجعت است. یعنی ما معتقد هستیم که بعضی از انسان‌های نیکوکار قبل از قیام قیامت، در همین دنیا، روحشان به بدنشان برگشته و به دنیا باز می‌گردند. البته این با عقیده تناسخ که از نظر ما باطل است تفاوت دارد. قائلین به تناسخ معتقدند روح انسان‌هایی که از دنیا رفته‌اند، در جسم جدیدی حلول می‌کند و به دنیا بر می‌گردد و در عرصه دنیا حاضر می‌شود. این عقیده از نظر ما به دلایل مختلف مردود و باطل است. بحث جانشینی امام زمان علیه السلام هم از باب رجعت قابل بررسی است به همین خاطر، قبل از این که راجع به جانشینان امام زمان علیه السلام صحبت کنم، دربارهٔ رجعت، بنا به عقیده شیعه مطالبی را تقدیم حضور می‌کنم.

تعریف رجعت

کلمه رجعت؛ یعنی بازگشت، اما از نظر عقیدتی به معنی بازگشت روح انسان به بدن خود در همین دنیا است، اما نه به این معنا که همه آدم‌هایی که از دنیا رفته‌اند به همین دنیا بر می‌گردند بلکه بعضی از انسان‌ها هستند که چنین سرنوشتی پیدا

خواهند کرد که ان شاء الله در آینده با تکیه بر احادیث و اخبار مطالبی را تقدیم حضور شما خواهیم کرد. نکته‌ای که باید به آن توجه کنیم این است که ممکن است در میان شیعیان کسانی هم باشند که درباره این عقیده تردید داشته باشند، پس آیا کسی که در این عقیده تردید داشته باشد کافر محسوب می‌شود؛ یعنی عقیده به رجعت به عنوان یکی از ضروریات دین است که عدم اعتقاد آن باعث کفر گردد؟ بزرگان فرموده‌اند: اعتقاد به رجعت جزء ضروریات دین نیست، ولی در عقاید شیعه عقیده به رجعت جزو حقایق قطعی است.

امام صادق علیه السلام فرمود: «لیس منا من لم یقل بمتعتنا ولم یؤمن برجعتنا؛^۱ کسی که به متعه و رجعت عقیده نداشته باشد از ما نیست».

اما چیزی که هست شخصیت‌های برجسته عالم تشیع با تکیه بر آیات قرآن و روایات اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام عقیده به رجعت را اثبات کردند. چند نفر از این شخصیت‌ها را نام می‌برم، می‌بینید که جزو ارکان عالم اسلام هستند، در میان بزرگان دین، مرحوم شیخ طوسی، مرحوم شیخ مفید، مرحوم سید مرتضی، مرحوم شیخ صدوق، مرحوم سید بن طاووس، این‌ها جزو اعظام علمای ما هستند که ما عقیده شیعه را به وسیله این شخصیت‌ها، نقادی شده و تنظیم شده در اختیار داریم. این‌ها احیاکنندگان شرع و شریعتند و نیز بعضی از بزرگان قرون و اعصار بعدی درباره رجعت کتاب‌هایی را نوشته‌اند و مرحوم علامه مجلسی بیش از دویست حدیث درباره رجعت نقل می‌کند که همه متواترند که جای هیچ‌گونه انکاری درباره رجعت باقی نگذاشته است.^۲

دلایل قرآنی اثبات رجعت

اما برای اثبات عقیده به رجعت، ابتدا از آیات قرآن دلایلی را تقدیم حضور شما می‌کنم.

۱. مهدی موعود، ص ۱۲۳۱.

۲. مهدی موعود، ص ۱۲۲۷.

اولاً: ما براساس عقیده به اسلام و قرآن کریم معتقدیم که خداوند بر هر چیزی قدرت دارد: «إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»^۱.

هیچ چیزی با تکیه بر قدرت خداوند از نظر ما بعید نیست، چیزی را که خداوند اراده کند خواهد شد. آن‌هایی که معاد را منکرند به خاطر این است که اعتقادشان نسبت به قدرت خداوند کامل نیست، پذیرش معاد برایشان سخت است و لذا آن شخص استخوان پوسیده‌ای در دستش گرفت به خدمت پیامبر ﷺ آمد و با انکار گفت: «مَنْ يُحْيِي الْعِظَامَ وَهِيَ رَمِيمٌ»^۲؛ «چه کسی این استخوان پوسیده را دوباره می‌تواند زنده کند؟» ذات اقدس الهی به پیامبر اکرم ﷺ فرمود در جوابش بگوید: «قُلْ يُحْيِيهَا الَّذِي أَنْشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ»^۳؛ «آن کسی که او را اولین بار از عدم به وجود آورد می‌تواند این وجود را مجدداً به وجود قبلی برگرداند».

ثانیاً: بر اساس آیات قرآن کریم ماجرای در تاریخ بشر اتفاق افتاده که کسانی مرده بودند و مدت‌ها از زمان مرگشان گذشته بوده و دوباره زنده شدند. داستان عزیر پیغمبر در قرآن کریم آمده که می‌فرماید: «أَوْ كَالَّذِي مَرَّ عَلَىٰ قَرْيَةٍ وَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَىٰ عُرُوشِهَا قَالَ أَنَّىٰ يُحْيِي هَذِهِ اللَّهُ بَعْدَ مَوْتِهَا فَأَمَاتَهُ اللَّهُ مِائَةَ عَامٍ ثُمَّ بَعَثَهُ»^۴.

عزیر پیغمبر، از یک مخروبه‌ای که قبلاً آبادی بود و بر اثر حادثه‌ای از بین رفته بود، عبور می‌کرد. استخوان‌های افراد ساکن آن روستا را دید و با شگفتی، نه با انکار، گفت: چگونه خدا دوباره آن‌ها را زنده می‌کند؟ در نتیجه خداوند او را قبض روح کرد و صد سال مردنش طول کشید. بعد از صد سال، خداوند دوباره او را زنده کرد. این ماجرای است که در تاریخ بشر اتفاق افتاده، ۱۰۰ سال از مردنش گذشته، خداوند دوباره روح او را به بدنش برگرداند.

در جایی دیگر از قرآن کریم راجع به گروهی از بنی اسرائیل که تعداد آن‌ها هزاران نفر بود، می‌فرماید: «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ خَرَجُوا مِن دِيَارِهِمْ وَهُمْ أُلُوفٌ حَذَرَ

۲. سوره یس، آیه ۷۸.

۴. سوره بقره، آیه ۲۵۹.

۱. سوره بقره، آیه ۲۲.

۳. سوره یس، آیه ۷۹.

الْمَوْتِ فَقَالَ لَهُمُ اللَّهُ مُوتُوا ثُمَّ أَحْيَاهُمْ^۱ گروهی که هزاران نفر بودند، به خاطر ترس از مرگ به وادی‌ها فرار کردند، خداوند آن‌ها را قبض روح کرد. بعدها مجدداً آن‌ها را زنده کرد. امام باقر علیه السلام در توضیح این آیه می‌فرماید: آن‌ها زنده شدند و مجدداً مدت‌ها زندگی کردند و بعد دوباره قبض روح شدند و مردند.^۲

بنابراین چنین حادثه‌ای، بازگشت روح به بدن قبل از قیامت و در همین دنیا اتفاق افتاده است. در قرآن کراراً راجع به آن بحث شده، شواهدی ذکر شده است. نکته مهم‌تری که ما در آیات قرآن داریم این است که ما در توضیح و تبیین این آیات باید هم به کمک آیات دیگر این آیات را تفسیر کنیم و هم اگر مفاهیم آیات کاملاً برای ما روشن نشد به مفسرین آیات و قرآن یعنی آن‌ها که راسخون در علمند، تربیت یافتگان مکتب وحی یعنی ائمه معصومین علیهم السلام مراجعه کنیم که این‌ها آیات را چگونه معنی کردند.

حکایت

ماجرایی را مرحوم شیخ مفید از سید اسماعیل حمیری نقل می‌کند، وی که از شعرای شیعی و شیفته امیرالمؤمنین علیه السلام بود و مداحی‌های فراوانی در عصر اختناق بنی عباس راجع به امیرالمؤمنین علیه السلام داشت، اما گاهی برای آن‌که از خطر جدی امویان به خصوص منصور دوانیقی در امان باشد تقیه می‌کرد. در مجلسی در بغداد که منصور دوانیقی حضور داشت شخصی نیز که در سمت قاضی دستگاه عباسی قرار داشت حاضر بود. وقتی شعر و سروده‌های مرحوم سید حمیری مطرح می‌شود و مورد تحسین منصور دوانیقی قرار می‌گیرد آن قاضی شروع می‌کند به تخریب شخصیت حمیری؛ از جمله برای این‌که او را از چشم منصور دوانیقی بیندازد می‌گوید: یا امیرالمؤمنین! ^۳ حمیری معتقد به رجعت است، او شیعه است و براساس

۱. سوره بقره، آیه ۲۴۳. ۲. مهدی موعود، ص ۱۲۰۸.

۳. البته لقب امیرالمؤمنین از نظر ما به فرموده پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فقط مخصوص حضرت علی علیه السلام است و به هیچ کسی، حتی از امامان معصوم علیهم السلام هم امیرالمؤمنین نمی‌گوییم. اما طرفداران حکومت اموی و عباسی این لقب را بر

اعتقادات شیعه به رجعت اعتقاد دارد. منصور دوانیقی به حمیری رو کرده و گفت: آیا درست می‌گوید؟ حمیری گفت: من به استناد آیات قرآن، معتقد به رجعت و بازگشت روح به بدن برای گروهی در همین دنیا و قبل از قیامت هستم. مرحوم حمیری چند آیه را مطرح کرد که بخشی از آن‌ها را قرائت می‌کنیم؛ از جمله آیاتی که حمیری مستنداً درباره رجعت حرف می‌زند می‌گوید: «وَيَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا»^۱.

در این آیه می‌گوید: روزی که از هر امتی یک دسته محشور می‌شوند، که آیه می‌گوید یک دسته و یک گروه از یک امت. و آیه دیگری می‌فرماید: «وَخَشَرْنَا لَهُمْ فَلَمْ نُغَادِرْ مِنْهُمْ أَحَدًا»^۲.

ما همه را محشور می‌کنیم و بر می‌انگیزانیم و زنده می‌کنیم. احدی از آن‌ها باقی نمی‌ماند مگر این‌که زنده شوند. جمع میان این دو آیه چیست؟ اگر آیه اول منظورش قیامت باشد که خداوند در قیامت مردم را زنده می‌کند، قیامت زنده شدنش مربوط به عموم مردم است نه بخشی از امت، اما آیه اول می‌گوید ما از هر امتی یک گروهی را زنده می‌کنیم، پس معلوم می‌شود این حشر و زنده شدن مربوط به قیامت نیست و مربوط به دنیا است.

آیه بعدی مربوط به قیامت است که قرائت می‌کنم و آن این است که می‌فرماید: «وَخَشَرْنَا لَهُمْ فَلَمْ نُغَادِرْ مِنْهُمْ أَحَدًا»؛ «همه را محشور می‌کنیم، احدی را باقی نمی‌گذاریم مگر این‌که زنده کنیم».

این مربوط به قیامت است. البته با شرح و بسطی که درباره این آیات از روایات ائمه معصومین علیهم‌السلام داده شده است، حقایق روشن‌تر می‌شود.

آیه شریفه دیگری که می‌گوید: «قَالُوا رَبَّنَا أَمَتَّنَا اثْنَتَيْنِ وَأَخْيَبْتَنَا اثْنَتَيْنِ»^۳ «پروردگارا! دو بار ما را میراندی و دو بار ما را زنده کردی».

۱. سوره نمل، آیه ۸۳

۲. سوره غافر (مؤمن)، آیه ۱۱.

تمام حاکمان تعمیم دادند.

۳. سوره کهف، آیه ۴۷.

امام صادق علیه السلام فرمود: منظور از این دو بار، یک بار مردن، همین اولین باری است که در دنیا زندگی می‌کند و می‌میرد، بار بعدی آن است که وقتی رجعت شد و عده‌ای از مردم زنده شدند، خدا آن‌ها را مجدداً بعد از رجعت دوباره می‌میراند. دوبار زنده شدن؛ یک بار قبل از قیام قیامت است و یک بار در زمان قیام قیامت است. بنابراین ما دربارهٔ مسأله رجعت آیاتی داریم که بنابه تفسیر ائمه معصومین علیهم السلام دربارهٔ رجعت و زنده شدن گروهی از مردم قبل از قیام قیامت است.^۱

داستان مؤمن الطاق

داستان تقریباً طنزی است از یکی از اصحاب امام صادق علیه السلام با ابوحنیفه، رئیس مذهب حنفی که از اهل سنت هستند. مرحوم ابو جعفر مؤمن الطاق از یاران بسیار بافضیلت امام صادق علیه السلام و هم عصر ابوحنیفه بود. ابوحنیفه او را دید (که به صورت سر به سر گذاشتن و متلک گفتن) گفت: شما اعتقاد دارید که رجعتی وجود دارد و در رجعت زنده می‌شوید؟ گفت: بله، ما عقیده داریم که بعضی از انسان‌ها بعد از مردن زنده می‌شوند. گفت: پس یک کیسه پول به من قرض بده، من هم در عالم رجعت به تو برمی‌گردانم. این را به صورت متلک و تمسخر به مؤمن الطاق گفت، او هم در جوابش گفت که البته اگر تو ضمانت بدهی که در موقع رجعت، به صورت آدم محشور بشوی من به تو قرض می‌دهم، اما من احتمال می‌دهم تو موقع رجعت به صورت آدم محشور نشوی، چون بعضی در موقع رجعت به صورت حیوان محشور می‌شوند.^۲

مؤمن الطاق در طنزگویی و بداهه‌گویی، در میان اصحاب و دوستان و حتی مخالفین مشهور بود. منظور این‌که آن‌هایی که جزو دست‌پروردگان مکتب امام صادق علیه السلام بودند حقیقت را فهمیدند که این زنده شدن قبل از قیامت، مربوط به همهٔ مردم نیست.

۱. مهدی موعود علیه السلام، ص ۱۲۲۹.

۲. مهدی موعود علیه السلام، ص ۱۲۲۴.

امام باقر علیه السلام فرمود: «ایام الله عزوجل ثلاثة یوم یقوم القائم ویوم الکره ویوم القیامة»؛ ایام الله سه روز است؛ روز قیام حضرت قائم و روز رجعت و روز قیامت.^۱

در روایاتی از امام صادق علیه السلام وارد شده که فرمودند: مؤمنین خاص و خالص و کفار و معاندین خاص و خالص، بعد از ظهور امام زمان علیه السلام رجعت می کنند، نه همه مردم که ان شاء الله در بحث های بعدی راجع به گروه هایی که بعد از ظهور امام زمان علیه السلام برمی گردند و شخصیت هایی که بعد از ظهور امام زمان علیه السلام و به هنگامی که امام زمان علیه السلام از دنیا می روند و زنده می شوند و حکومت می کنند بحث خواهیم کرد.

خداوند ما را جزو کسانی قرار دهد که در هنگام ظهور امام زمان علیه السلام جزو سربازان حضرتش باشیم.

آمین یا رب العالمین

۱. اثبات رجعت به نقل از خصال صدوق و معانی الاخبار.

بررسی موضوع رجعت در عصر حکومت امام زمان علیه السلام

در قسمت قبلی دربارهٔ مسأله رجعت به عنوان بحث پایانی موضوعی که مربوط به امام زمان علیه السلام می‌شود و دلایلی که شیعه به استناد آن معتقد است که رجعت در عالم حاضر تحقق پیدا خواهد کرد، صحبت کردم. در این قسمت طبق وعده‌ای که دادم مطالبی راجع به رجعت در عصر ظهور امام زمان علیه السلام تقدیم حضور شما می‌کنم.

دربارهٔ رجعت و فلسفه این که چرا خداوند این موضوع را محقق می‌کند، صحبت‌های زیادی وجود دارد اما شاید یکی از علت‌هایی که می‌توان دربارهٔ رجعت به آن توجه کرد این باشد که فلسفه خلقت انسان در این عالم آن است که از بستر این عالم برای تحقق کمال بشر استفاده شود، از طرفی هم اولیای خدا و ائمه هدی علیهم السلام از جانب خدا برای حاکمیت عدل منصوب شده، ولی چون متأسفانه در زمان ائمه معصومین علیهم السلام و انسان‌های قبل از ظهور، بستر برای تحقق کمال بشری آن‌چنان که باید آماده بشود آماده نشد و ائمه معصومین علیهم السلام هم به حاکمیت برای احقاق حق و اجرای عدالت الهی نرسیدند و زمام امور جامعه به دست ستمکاران و جائزین بوده، هنگامی که رجعت محقق شود این مرحمت برای انسان‌های شایسته‌ای که استعداد رسیدن به کمال را داشتند فراهم می‌شود و حق ائمه معصومین علیهم السلام و حاکمان عدل هم با پیاده کردن حکومت عدل الهی احقاق می‌شود و دسته‌ای از ستمکاران و ظالمان هم با رجعت به این دنیا، به جزای اعمالشان می‌رسند، به این خاطر رجعت تحقق پیدا می‌کند و به این مسائل رسیدگی می‌شود.

همان طوری که در مطالب هفته قبل با استناد به آیات قرآن کریم بر مبنای

تفاسیری که اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام بر آن داشتند، گفتیم که رجعت از اعتقادات ماست اما درباره رجعت گفتیم که بخشی از آن مربوط می شود به رجعت و بازگشت روح انسان ها به بدنشان در همین دنیا و در عصر امام زمان علیه السلام که در آن عده ای از انسان ها به دنیا برمی گردند.

قبلاً احادیثی را در مورد انتظار فرج خدمتتان عرض کردم، آنجا اشاره داشتم که اگر کسی در عصر غیبت امام زمان علیه السلام به عنوان یک منتظر در جهت ساختن و تربیت خودش تلاش کند و منتظر واقعی باشد، اما در زمان حیاتش امام زمان علیه السلام ظهور نکند، پس از آن که او از دنیا رفت و امام زمان علیه السلام ظهور فرمود، خداوند ممکن است این فرد منتظر واقعی را به دنیا برگرداند تا عصر ظهور حکومت امام زمان علیه السلام را درک کند. این مفهوم را گاهی از روایات و از بعضی از ادعیه و دعاها می فهمیم؛ از جمله، دعای عهد که مرحوم محدث قمی در کتاب شریف مفاتیح الجنان از امام صادق علیه السلام نقل می کند: هر کسی دعای عهد را ۴۰ صبح دائماً بخواند، خداوند توفیق رجعت را می دهد تا عصر ظهور امام زمان علیه السلام را درک کند. بعضی از آقایانی که در مورد دعای عهد، کتاب نوشتند، در کتاب خود متذکر شدند که امام خمینی علیه السلام به دعای عهد ملتزم بود و آن را زیاد می خواند، حتی در صفحه ای از کتاب دعایش که دعای عهد بود یادداشت کوچکی به خط خود گذاشت که من این دعا را تا امروز خواندم اگر توفیق ادامه این دعا را تا ۴۰ روز، پیدا نکردم و مرگ من حاصل شد، به جای من تا ۴۰ روز آن را بخوانید تا اربعین آن تکمیل شود.

منظور این که هم مرحوم قمی در کتاب شریف مفاتیح الجنان درباره دعای عهد، این حدیث شریف امام صادق علیه السلام را آورده است و هم بزرگانی مثل حضرت امام علیه السلام به این دعا ملتزم بودند.

موضوع رجعت در دعای عهد

در دعای عهد این جمله می فرماید: «اللَّهُمَّ إِنْ حَالَ بَيْنِي وَبَيْنَهُ الْمَوْتُ الَّذِي جَعَلْتَهُ

عَلَىٰ عِبَادِكَ حَتَّمًا مَّقْضِيًّا، فَأَخْرَجَنِي مِنْ قَبْرِي مُؤْتَزِرًا كَفَنِي، شَاهِرًا سَيْفِي، مُجَرِّدًا قَنَاتِي، مُلْتَبِيًّا دَعْوَةَ الدَّاعِي فِي الْحَاضِرِ وَالْبَادِي»؛^۱ پروردگارا! اگر بین من و امام زمان علیه السلام مرگ فاصله انداخت یعنی من زنده نماندم تا امام زمان علیه السلام بیاید و قبل از آن مرگی که برای بندگان خود قطعی قرار دادی بین ما فاصله شد، خدایا! مرا به هنگامی که امام زمان علیه السلام ظهور کرد از قبرم برانگیز در حالی که کفنم را به کمرم بستم، شمشیرم را کشیده، نیزه برافراشته و یک سرباز آماده به کاری که در خدمت امام زمان علیه السلام قرار می‌گیرد از قبرم برانگیز و مبعوثم کن تا اجابت کننده دعوت آن حضرت باشم؛ یعنی امام زمان علیه السلام که مردم را دعوت می‌کنند، برای احقاق حق و اجرای عدالت و پیاده کردن احکام شریعت، من از قبرم برخیزم و جزو جمعیتی باشم که از شهرنشینان و روستانشینان و بادیه نشینان هستند، من هم جزو محلق شوندگان به سربازان امام زمان علیه السلام باشم. پس این دعایی است که معتقدین امام زمان علیه السلام بر اساس نقلی که شد همیشه به خصوص ۴۰ روز پی در پی بعد از نماز صبح می‌خوانند و می‌خواهند که خدا آن‌ها را به این آرزوی بزرگ نایل فرماید.

پس می‌توان نتیجه گرفت که از جمله مصادیق رجعت، آن زمانی است که امام زمان علیه السلام ظهور می‌کند و عده‌ای از انسان‌های شایسته و خوب که لیاقت سربازی امام زمان علیه السلام را داشته باشند، از قبرشان مبعوث شده و زنده می‌شوند و در بعضی از نقل‌ها داریم که امام زمان علیه السلام بعضی از انسان‌های خبیث و ناپاک را هم از قبرشان بیرون می‌آورد. خدا آن‌ها را زنده می‌کند و حضرت از آن‌ها انتقام مظلومیت اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام را می‌گیرد.

در روایت دیگری از مفضل بن عمر از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند: وقتی امام زمان علیه السلام ظهور کند در میان یاران ایشان عده‌ای از زنان و مردانی که در گذشته زندگی می‌کردند حضور پیدا می‌کنند.

رجعت بعضی از زنان در عصر ظهور

من مفهوم این روایت را خدمتتان عرض می‌کنم درباره حضور زنان در جمع

اصحاب امام زمان علیه السلام در هنگام ظهور، مفضل می گوید، امام صادق علیه السلام فرمود: همراه امام زمان علیه السلام، ۱۳ نفر از زنان هم حاضر می شوند و در لشکریان امام زمان قرار می گیرند. گفتم: یا بن رسول الله! به چه منظور؟

امام صادق علیه السلام فرمود: به منظور مداوای مجروحین، همان گونه که در صدر اسلام در کنار پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله حضور پیدا می کردند و برای پرستاری بیمارانی که در آن جمع حضور دارند.

بعد امام صادق علیه السلام اسم بعضی از آنها را برد، مثلاً قنواد دختر رشید هجری یکی از صحابه بزرگ امیرالمؤمنین علیه السلام و ام ایمن پرستار حضرت رسول صلی الله علیه و آله و حبابه و البیه که از اصحاب امام حسن مجتبی علیه السلام است و در نقلی دیدیم که این خانم جزو معمرات است؛ یعنی سن زیادی کرده تا ۲۴۰ سال هم ثبت شده و عصر امام رضا علیه السلام را هم درک کرده است که در زمان ظهور امام زمان علیه السلام حاضر خواهد شد.

سمیه مادر عمار یاسر که اولین شهید زن پس از بعثت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله است او هم در زمان ظهور، حاضر خواهد شد.

فرد دیگری از میان خانم ها، به نام ام خالد احمیسه است که جزو کسانی است که دستش در زمان حجاج بن یوسف در دفاع از امیرالمؤمنین علیه السلام قطع شده، به تعبیر امروزی، جزو جانبازان دفاع از حریم امامت و ولایت محسوب می شود.

زبیده، زن هارون الرشید که خانمی شیعه مذهب بود و خدمات زیادی هم داشت از جمله این که برای رفاه حال حجاج، قناتی را در اطراف مکه حفر کرد و آن را به آب زمزم اضافه کرد که ظاهراً همچنان جاری است و از آن استفاده می کنند.

شخص دیگری به نام ام سعید حنیفه و فرد دیگری به نام صیانه ماشطه که در زمان فرعون، زن هزقیل بود و به عنوان آرایشگر یا مشاطه دربار فرعون بود، اما مخفیانه به خدای واحد یکتا معتقد بود و این امر موجب شد که اعتقادش بر ملا شود و فرعون او را در زیر شکنجه پس از آن که چند فرزندش را جلوی چشمانش کشت اما او ثابت قدم در راه ایمان به خدا و توحید بود سرانجام او را هم به شهادت رسانید

و بر اساس روایتی که مفضل بن عمر نقل می‌کند این خانم هم جزو کسانی است که در ظهور امام زمان علیه السلام رجعت می‌کند و در خدمت ایشان قرار می‌گیرد.^۱

رجعت بعضی از مردان در عصر ظهور

باز مفضل بن عمر از امام صادق علیه السلام نقل می‌فرماید که مردانی هم از گذشتگان در عصر ظهور امام زمان علیه السلام رجعت می‌کنند و جزو یاران امام زمان علیه السلام قرار می‌گیرند. اسامی این عده از شخصیت‌ها را مفضل بن عمر از قول امام صادق علیه السلام این‌گونه نقل می‌کند: هنگامی که امام زمان علیه السلام ظهور کند از پشت کعبه ۲۷ نفر از قوم موسای پیغمبر علیه السلام محشور و زنده شده و به ایشان می‌پیوندند. هفت نفر از اصحاب کهف که در قرآن کریم ماجرایشان در سوره کهف آمده، آن‌ها هم به سپاهیان امام زمان علیه السلام ملحق می‌شوند.

یوشع، وصی حضرت موسی - علی نبینا و آله و علیه الصلاة والسلام - جزو بازگشت کنندگان عصر ظهور است. مؤمن آل فرعون نیز جزو همین شخصیت‌هاست و دو نفر از مهم‌ترین شخصیت‌ها در عصر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و عصر امیرالمؤمنین علیه السلام یعنی یکی از مهم‌ترین صحابه رسول خدا صلی الله علیه و آله ابودجانه انصاری و سلمان فارسی و از مهم‌ترین اصحاب امیرالمؤمنین علیه السلام مالک اشتر جزو یاران امام زمان علیه السلام خوانده شده و در عصر ظهور، این بزرگواران رجعت خواهند کرد و در خدمت امام زمان علیه السلام و جزو سربازان ایشان خواهند بود.^۲

بر حسب این روایات در عصر ظهور امام زمان علیه السلام عده‌ای از شخصیت‌های برجسته الهی و کسانی که در عصر حیات خودشان به عنوان نخبگان از میان زنان و مردان مؤمن بودند، رجعت خواهند کرد. در نتیجه و براساس این باور به همدیگر توصیه می‌کنیم؛ باید در زمانی که زندگی می‌کنیم در صدد اصلاح اعمال و رفتار و عقاید و نیات خود برآییم، خودمان را اصلاح کنیم، به عنوان کسی که منتظر ظهور

۱. دلایل الامامة، ص ۲۹؛ اثبات الهداة: ۷۵/۳. ۲. روضة الواعظین: ۲۶۶/۲.

امام زمان علیه السلام است، خودسازی را در رأس همه امور خود قرار دهیم، اولاً: عقیده‌مان را پاک و بی‌اشتباه از مأخذ قابل اعتماد بگیریم. ثانیاً: در صدد اصلاح اخلاقی و رفتاری خود برآییم و ارتباط معنوی خود را با امام زمان علیه السلام بیشتر کنیم. بر دعاهایی که رابطه قلبی بین ما و امام زمان علیه السلام را زیاد می‌کند، مداومت داشته باشیم، دائماً آن‌ها را بخوانیم. دعاهایی که قبلاً هم در مورد بعضی از آن‌ها صحبت کردم، مانند دعای ندبه یا همین دعای عهد که بزرگان ما معمولاً با این‌ها محشور بودند را در دستور کارمان قرار بدهیم.

به هر حال بیش از هر چیز به یاد امام زمان علیه السلام باشیم، برای او دعا کنیم، به نام او صدقه بدهیم، به ذکر نام او مشغول باشیم، ان شاء الله همین حالات، ما را از ارتکاب معاصی و محرّمات و جدانشدن از معنویات کمک می‌کند و ان شاء الله جزو کسانی باشیم که در عصر ظهور امام زمان علیه السلام خداوند ما را جزو سربازان امام زمان علیه السلام قرار بدهد.

«بمنه و فضله»

بررسی رجعت و استمرار حکومت بعد از امام زمان علیه السلام

قسمت پایانی بحث مربوط به امام زمان علیه السلام را تقدیم شما مشتاقان ظهور آن حضرت می‌نمایم، باشد که ان شاء الله، خداوند همه ما را به عنوان ارادتمندان و مشتاقان ظهور پرنور آن حضرت قرار بدهد و به دعای شما ارادتمندان ساحت مقدس امام زمان علیه السلام این گفت و شنود را در دفتر مولایمان حضرت بقیه الله ثبت بفرماید. همان‌گونه که در قسمت گذشته توضیح دادم، بحث ما پیرامون رجعت بعد از امام زمان علیه السلام است. از نظر اجرای حکومت الهی، به این معنی است که حکومت عدالت الهی که توسط آن حضرت اجرا می‌شود، بر اساس آیات و روایات طبق نظر شیعه، با امامت و رهبری امامان معصوم علیهم السلام تداوم پیدا می‌کند.

در روایتی از قول وجود مقدس امام باقر علیه السلام وارد شده که فرمودند: «أیام الله ثلاثة یوم یقوم القائم ویوم الکره ویوم القیامة»؛^۱ روزهای خدا سه روز است، روزی که امام عصر علیه السلام قیام و ظهور می‌کند و روزی که مجدداً ائمه معصومین علیهم السلام به زمین بر می‌گردند و روز سوم، روز قیامت است.

دلایلی که در کتب معتبر و از شخصیت‌های برجسته اسلامی و از نظر مفسرین پیرامون بحث رجعت وجود داشت، به بخشی از آنها در خطبه‌های قبلی اشاره کردم. بحث امروز بحث پایانی است، می‌خواهم در این رابطه به این موضوع اشاره کنم که از نظر شیعیان، طبق روایات، رسول خدا صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین و حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام به این دنیا برمی‌گردند. این موضوع معمولاً در احوال عموم و جلسات عمومی کمتر مطرح می‌شود و در کتب اعتقادی بزرگان ما از قدا

۱. اثبات رجعت، ص ۳۵ به نقل از خصال شیخ صدوق علیه السلام.

و متأخرین به این مسأله پرداخته شده و آیات و روایاتی که حکایت از این عقیده می‌کند مطرح شده که ما به بخشی از آن اشاره می‌کنیم.

در روایتی از امام باقر علیه السلام نقل شده که فرمودند: «إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ وَعَلِيًّا سِيرَجَانًا»^۱ مرحوم محدث قمی رحمته الله در کتاب شریف «سفينة البحار» نقل می‌کند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام به زودی به این دنیا برمی‌گردند و از روایات دیگر هم بر می‌آید که آن‌ها حکومت الهی را اجرا خواهند کرد.

در روایت دیگری از امام صادق علیه السلام درباره آیه شریفه: «إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادُّكَ إِلَىٰ مَعَادٍ»^۲ گفته شده که درباره رجعت رسول خدا صلی الله علیه و آله به دنیا است.^۳ البته بنا به قولی نیز شبی که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله از مکه به سمت مدینه هجرت می‌کردند این آیه شریفه وارد شده که مفسرین می‌گویند یعنی همان کسی که قرآن را بر تو نازل کرده است مجدداً تو را پیروزمندانه به مکه بر می‌گرداند، اما وفق این روایت امام صادق علیه السلام می‌فرماید: مفهوم این آیه شریفه این است که خداوند مجدداً پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله را به این دنیا برمی‌گرداند تا مجدداً حکومت الهی و احکام خدا را اجرا کند. حالا این بازگشت را که در کتب مفصل نگاه می‌کنیم به دو گونه است: طبق روایات، اولین کسی که برای اجرای حکومت الهی بعد از امام زمان علیه السلام بر می‌گردد، حضرت اباعبدالله الحسین است. در گذشته هم خدمت شما عرض کردم پس از آن‌که امام زمان علیه السلام به شهادت می‌رسد، اباعبدالله الحسین ظاهر شده، به دنیا بر می‌گردد و عهده دار تجهیزات امام زمان علیه السلام می‌شود و حضرت را غسل داده و کفن نموده و بر پیکر امام معصوم علیه السلام نماز می‌گزارد و دفن می‌نماید.

روایت از قول امام صادق علیه السلام این‌طور می‌فرماید: «أَوَّلُ مَنْ يَرْجِعُ إِلَى الدُّنْيَا الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ فَيَمْلِكُ حَتَّىٰ يَسْقُطَ حَاجِبَاهُ عَلَى عَيْنِهِ مِنَ الْكِبَرِ»^۴ اول کسی که به جهان بر می‌گردد و به صورت طولانی حکومت برپا می‌کند حسین بن علی است، به گونه‌ای که ابروان امام حسین علیه السلام به خاطر زیادی سن بر روی چشمانش آویزان می‌شود.

۲. سوره قصص، آیه ۸۵

۴. همان.

۱. سفينة البحار: ۵۱۱/۱.

۳. اثبات رجعت، ص ۳۵.

باز در روایتی جابر جعفی از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند که حضرت فرمود: «والله ليملكن منا أهل البيت رجل بعد موته ثلاثة مائة و تزداد وتسعاً!»^۱ به خدا قسم از میان ما اهل بیت کسی است که بعد از مردنش مجدداً برمی‌گردد و ۳۰۹ سال حکومت می‌کند. بعد راوی از ایشان می‌پرسد که یعنی بعد از امام زمان علیه السلام و مدت حکومت امام زمان علیه السلام چند سال است؟ در جواب فرمود: مدت حکومت امام زمان علیه السلام ۱۹ سال ولی مدت حکومت امام حسین علیه السلام ۳۰۹ سال است که البته قبلاً درباره روایاتی که راجع به مدت حکومت امام زمان علیه السلام است اشاراتی داشتیم، منظور به نقل این روایت است که در ارتباط با حکومت و فرمانروایی امام حسین علیه السلام نکات صریحی دارد و القابی که برای امام حسین علیه السلام در موقع حکومتش ذکر کردند:

المستنصر: یعنی کسی که از خداوند یاری می‌طلبد و کمک خداوند شامل حالش می‌شود. پس از آن که اباعبدالله علیه السلام حکومتش پایان پذیرفت، وفق روایات امام علی بن ابیطالب علیه السلام حکومت می‌کند. این بحثی است که تقریباً غریب است و در جامعه مطرح نیست و کسانی که در ارتباط با امام زمان علیه السلام مطالعه می‌کنند می‌توانند در کتب مفصل راجع به این مباحث مطالعاتی داشته باشند. البته در بعضی از کتب و نشریات و حتی بعضی از محاورات و گفت و گوها و سخنرانی‌هایی که در رسانه‌های ما مطرح است، گاهی به این نکات به صورت مستدل و مبرهن اشاراتی هم دارند که ما باید به آنها و به دلایل قطعی از مستندات قابل اعتمادمان مراجعه کنیم.

در مورد این که رجعت جزو عقاید ما هست، امام صادق علیه السلام فرمود: «لیس منا من لم یقل بمتعتنا و لم یؤمن برجعتنا!»^۲ از ما نیست کسی که به متعه و رجعت عقیده نداشته باشد. جزئیات مطلب را باید از کتب معتبر دیگر مطالعه کرد. در روایت دیگری از امام صادق علیه السلام نقل شده: «مما کلم الله تعالی رسوله لیلۃ اسری به یا محمد! علی آخر من قبض روحه من الأئمة وهو دابة تکلمهم؛ از جمله سخنانی که در شب معراج خداوند با رسول اکرم صلی الله علیه و آله داشته است، فرمود: یا محمد! آخرین امام معصومی که قبض روح می‌شود

۱. اثبات رجعت، ص ۳۶.

۲. مهدی موعود، ص ۱۲۳۱.

امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام است». خوب منظور مطمئناً بازگشت مجدد امیرالمؤمنین علیه السلام به دنیا است؛ زیرا یک بار امیرالمؤمنین علیه السلام در هنگام شهادت در مسجد کوفه روح مقدسشان قبض شده است.

این روایت ناظر به معنای رجعت امیرالمؤمنین علیه السلام است.

در زیارت جامعه کبیره که از جمله زیارت‌های بسیار مهم و سند و دلالتش بسیار متقن و روشن است و از وجود مقدس امام هادی علیه السلام نقل شده، تصریح به رجعت و بازگشتن ائمه معصومین علیهم السلام شده که من به این فرازش اشاره می‌کنم.

امام هادی علیه السلام می‌فرماید: «معترف بکم، مؤمن بایابکم، مصدق برجعتکم، منتظر لأمرکم، مرتقب لدولتکم؛^۱ من اعتراف دارم به شما، نسبت به شما عقیده‌مندم و به بازگشت^۲ شما ایمان دارم به بازگشت شما؛ یعنی از این سفری که شما رفتید به وسیله مردن برمی‌گردید من به این ایمان و اعتقاد دارم. من رجعت شما را تصدیق می‌کنم، من به انتظار فرمانروایی شما هستم و شیفته و چشم‌انتظار دولت شما هستم. از این فرازهای زیارت جامعه کبیره که جزو معتبرترین زیارتنامه‌هاست که می‌توان رجعت را استفاده کرد.

این زیارت را و برای همه ائمه در همه اماکن می‌توان خواند و در آن داستان معروف مرحوم حاج علی بغدادی که مرحوم محدث قمی در کتاب شریف مفاتیح الجنان نقل می‌کند، امام زمان علیه السلام از جمله توصیه‌هایی که می‌فرماید، مکرراً باید به خواندن آن ملتزم باشیم که چه مفاهیم مهمی در آن هست.

در رادیوی معارف که از بهترین برنامه‌های مذهبی نظام مقدس جمهوری اسلامی است و از قم پخش می‌شود از جمله برنامه‌هایش شرح و تفسیر زیارت جامعه کبیره است که در آن بعضی از بزرگان در برنامه‌های خود دارند. این فراز از فرازهایی است که دلالت بر رجعت وجود مقدس ائمه معصومین علیهم السلام دارد.

۱. کلیات مفاتیح الجنان.

۲. ایاب به معنی بازگشت است و در محاورات هم استفاده می‌کنیم می‌گوییم ایاب و ذهاب، ذهاب رفتن و ایاب، بازگشتن.

آخرین نکته مورد بحث

تاکنون به دلیل محدودیت فرصت، برخی از دلایل و مدارک و اسناد روایات و آیاتی که پیرامون مسائل مربوطه به رجعت هست تقدیم حضور شما کردم. البته باز هم ممکن است بحث‌ها و سؤالاتی در ذهن ما مطرح باشد که خوب، بعد از حکومت امیرالمؤمنین علیه السلام دنیا به چه صورت خواهد شد؟ این سؤالات معمولاً در مجامع مطرح می‌شود. در بعضی از روایات هم دیدم بعضی از بزرگان این را نقل کردند که آیا این احتمال دارد که این عالم پس از قیامت مجدداً پابرجا شود. من این روایت را از کتاب شریف مهدی موعود دیدم که ترجمه جلد ۱۳ بحار الانوار است، با اضافات و شرح‌هایی که حضرت استاد دوانی دادند. در آنجا به روایتی از جابر پرداخته است^۱ که مفهومی این است: «بعد از این که حضرت اباعبدالله الحسین برگشت، حکومت حق را اجرا می‌کند، از ظالم‌ها انتقام می‌گیرد، چرا که بعضی از بدترین چهره‌های فاسد در عالم رجعت برمی‌گردند و قیامت برپا می‌شود. آن‌ها مراجعه می‌کنند و به عالم قیامت برمی‌گردند و آنجا با اصحاب فرعون مجبور می‌گردند و عذاب می‌شوند.» و آن روایت به گونه‌ای است که انسان می‌تواند این نکته را از آن بفهمد که رسول خدا صلی الله علیه و آله مجدداً مبعوث می‌شود و به دنیا می‌آید، لکن این بار به صورت بعثت آشکار است و همه مردم دنیا به حضرت رسول ایمان خواهند آورد و حضرت علی علیه السلام هم در کنارشان حضور دارند و همه ائمه معصومین علیهم السلام جزو کارگزارانش می‌شوند، تا مفهوم آیه شریفه **﴿لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ﴾** به صورت اتم و اکمل تحقق پیدا کند و شیطان رجیم نیز به دست رسول اکرم و امیرالمؤمنین علیه السلام نابود شود **«والله العالم بحقایق الأمور»**.

به هر حال در مسائلی که اعتقادی است باید به اهل نظر مراجعه کرد و به کتب معتبره و در این راه تحقیق و تفصیل و تلاش ادامه یابد و ما برای شناخت عقایدمان نباید به همان اطلاعات محدودی که به ما دادند اکتفا کنیم.

از جمله مسائل مهم؛ شناختن و معرفت درست امام است که من در ابتدای بحث امامت در ارتباط با امامت عامه، سپس امامت خاصه و اهمیت و شناخت امام اشاراتی داشتم.

شان و جایگاه روز جمعه بر اساس روز ظهور امام زمان علیه السلام است. بسیار لازم و ضروری بود که ما با هم در مورد امام زمان علیه السلام بحث و گفت و گو کنیم. که بحمد الله توفیق داشتیم که به همراهی نمازگزاران عزیز جمعه که مشتاقان ظهور امام زمان علیه السلام هستند در طول چهل هفته و طی چهل خطبه مطالب فوق را تقدیم محضر بنمایم و نام این مجموعه را «ذکر نور در حضور مشتاقان ظهور» نامیدم. به امید آن که خداوند آن را به لطف خود قبول فرماید و مورد عنایت حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه قرار گیرد.

به همین مناسبت سروده مختصری هم که در آخرین لحظات یادداشت مطالب آخرین خطبه پیرامون امام عصر بر ذهنم آمد، در رابطه با اظهار ارادت به ساحت مقدس امام زمان و در پایان بحث فوق تقدیم حضور شما می‌کنم:

روزی خیال یار من از ژرفنای دل	آمد به سر که تا بسرایم برای دل
محبوب عاشقان، همه مقصود عارفان	یعنی امام منتظر، آن روشنای دل
با بی‌بضاعتی که به آدینه سال‌ها	در جمع عاشقان ظهور از ورای دل
خواندم خطابه‌های فراوان و گونه‌گون	اما نبود هیچ یک از آن هم‌نوای دل
زیرا که جمعه هست زمان ظهور یار	آن منتظر که می‌نمود جز شفای دل
شکر خدای را که به تعداد اربعین	با نام دوست خطبه نمودم برای دل
یا رب عنایتی که سلیمان فاطمه	«فخذ جراد» را بپذیرد، زنای دل
از نوکری که هیچ ندارد به غیر حبّ	بر مهدی و محمد و آل از صفای دل

به امید آن که خداوند این بحث را از بنده حقیر و از همه شما مشتاقان ظهور به کرمش قبول فرماید.

پایان بحث امام زمان علیه السلام در ایام عاشورای حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام است که در ابتدا گفتم در پرچمی که امام زمان علیه السلام دارد در رأس شعار یالثارات الحسین علیه السلام را باید بگیرد.

«أَيْنَ الطَّالِبِ بِدَمِ الْمَقْتُولِ بِكَرْبَلَاءَ؟»

نقل است، سنت اعراب بود که اگر خونی از خانواده‌ای می ریخت و قدرت انتقام نداشت، پرچم سرخی را بر بالای بام آن خانه برمی افراشتند تا همه و آیندگان بدانند که آن خانواده مظلوم است و اگر قدرت انتقام دست داد انتقام مظلوم را از ظالمین بگیرند. اکنون پرچم سرخی که بیانگر مظلومیت ابا عبدالله الحسین علیه السلام و اهل بیت رسول خدا صلی الله علیه و آله است بر بالای گنبد ابا عبدالله الحسین علیه السلام برافراشته است؛ یعنی ای امام زمان! منتظریم که بیایی و انتقام خون جد مظلومت را بگیری.

«اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْغَبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةٍ كَرِيمَةٍ، تُعَزُّ بِهَا الْإِسْلَامَ وَأَهْلَهُ
وَتُذِلُّ بِهَا النِّفَاقَ وَأَهْلَهُ، وَتَجْعَلُنَا فِيهَا مِنَ الدُّعَاةِ إِلَى طَاعَتِكَ، وَالْقَادَةِ
إِلَى سَبِيلِكَ، وَتَرْزُقُنَا بِهَا كَرَامَةَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.»

آمین یا رب العالمین

فهرست منشورات مسجد مقدس جمکران

- | | |
|--|--|
| خط نیریزی / الهی قمش‌های | ۱- قرآن کریم / چهار رنگ - کلاسه رحلی |
| خط عثمان طه / الهی قمش‌های | ۲- قرآن کریم / نیم جیبی (کیفی) |
| خط عثمان طه | ۳- قرآن کریم / وزیری (بدون ترجمه) |
| خط عثمان طه / الهی قمش‌های | ۴- قرآن کریم / وزیری (ترجمه زیر، ترجمه مقابل) |
| خط نیریزی / الهی قمش‌های | ۵- قرآن کریم / (وزیری، جیبی، نیم جیبی) |
| انتشارات مسجد مقدس جمکران | ۶- کلیات مفاتیح الجنان / عربی |
| خط افشاری / الهی قمش‌های | ۷- کلیات مفاتیح الجنان / (وزیری، جیبی، نیم جیبی) |
| خط افشاری / الهی قمش‌های | ۸- منتخب مفاتیح الجنان / (جیبی، نیم جیبی) |
| خط خاتمی / الهی قمش‌های | ۹- منتخب مفاتیح الجنان / جیبی، نیم جیبی) |
| سید رضی <small>علیه السلام</small> / محمد دشتی | ۱۰- نهج البلاغه / (وزیری، جیبی) |
| ویرایش حسین وزیری / الهی قمش‌های | ۱۱- صحیفه سجاده |
| واحد پژوهش مسجد مقدس جمکران | ۱۲- ادعیه و زیارات امام زمان <small>علیه السلام</small> |
| حسین کریمی قمی | ۱۳- آئینه اسرار |
| علی اکبر صمدی | ۱۴- آثار گناه در زندگی و راه جبران |
| محمود ترجمی | ۱۵- آخرین پناه |
| واحد تحقیقات | ۱۶- آخرین خورشید پیدا |
| سید حمید رضا موسوی | ۱۷- آشنایی با چهارده معصوم (۱ و ۲) / شعر و رنگ آمیزی |
| محمد حسن سیف‌اللهی | ۱۸- آقا شیخ مرتضی زاهد |
| واحد پژوهش | ۱۹- آیین انتظار (مختصر مکالمات المکارم) |
| واحد تحقیقات | ۲۰- ارتباط با خدا |
| واحد تحقیقات | ۲۱- از زلال ولایت |
| علی اصغر رضوانی | ۲۲- اسلام‌شناسی و پاسخ به شبهات |
| واحد پژوهش | ۲۳- امامت، غیبت، ظهور |
| علم الهدی / واحد تحقیقات | ۲۴- امامت و غیبت از دیدگاه علم کلام |
| سید محمد حسین کمالی | ۲۵- امامت و ولایت در امالی شیخ صدوق |
| آلمات آیسالیکوف | ۲۶- امام رضا، امام مهدی و حضرت معصومه <small>علیها السلام</small> (روسی) |
| سهراب علوی | ۲۷- امام رضا <small>علیه السلام</small> در رزمگاه ادیان |
| علی اصغر رضوانی | ۲۸- امام‌شناسی و پاسخ به شبهات |

- ۲۹- انتظار بهار و باران
 ۳۰- انتظار و انسان معاصر
 ۳۱- اقامت اذان و اقامه
 ۳۲- یا اولین امام در آخرین پیام
 ۳۳- بامداد بشریت
 ۳۴- بهتر از بهار/کودک
 ۳۵- پرچمدار نینوا
 ۳۶- پرچم هدایت
 ۳۷- پیامبر اعظم ﷺ و تروریسم و خشونت طلبی
 ۳۸- پیامبر اعظم ﷺ و جهاد و برده‌داری
 ۳۹- پیامبر اعظم ﷺ و حقوق اقلیت‌ها و ارتداد
 ۴۰- پیامبر اعظم ﷺ و حقوق زن
 ۴۱- پیامبر اعظم ﷺ و صلح طلبی
 ۴۲- تاریخ امیرالمؤمنین ﷺ / دو جلد
 ۴۳- تاریخ پیامبر اسلام ﷺ / دو جلد
 ۴۴- تاریخچه مسجد مقدس جمکران / (فارسی، عربی، اردو، انگلیسی)
 ۴۵- تاریخ سیدالشهداء ﷺ
 ۴۶- تجلیگاه صاحب الزمان ﷺ
 ۴۷- تشریف یافتگان (چهار دفتر)
 ۴۸- جلوه‌های پنهانی امام عصر ﷺ
 ۴۹- چهارده گفتار ارتباط معنوی با حضرت مهدی ﷺ
 ۵۰- چهل حدیث / امام مهدی ﷺ در کلام امام علی ﷺ
 ۵۱- چهل حدیث برگزیده از پیامبر اعظم ﷺ
 ۵۲- حضرت مهدی ﷺ فروغ تابان ولایت
 ۵۳- حکمت‌های جاوید
 ۵۴- ختم سوره‌های یس و واقعه
 ۵۵- خزائن الأشعار (مجموعه اشعار)
 ۵۶- خورشید غایب (مختصر نجم الثاقب)
 ۵۷- خوشه‌های طلایی (مجموعه اشعار)
 ۵۸- دار السلام
 ۵۹- داستان‌هایی از امام زمان ﷺ
- واحد تحقیقات
 عزیزالله حیدری
 محمد محمدی اشتهاردی
 حسین ایزانی
 محمد جواد مروّجی طبسی
 شمسی (فاطمه) وفائی
 محمد محمدی اشتهاردی
 محمدرضا اکبری
 علی اصغر رضوانی
 علی اصغر رضوانی
 علی اصغر رضوانی
 علی اصغر رضوانی
 علی اصغر رضوانی
 شیخ عباس صفایی حائری
 شیخ عباس صفایی حائری
 واحد تحقیقات
 شیخ عباس صفایی حائری
 سید جعفر میرعظیمی
 میرزا حسین طبرسی نوری
 حسین علی پور
 حسین گنجی
 سید صادق سیدنژاد
 احمد سعیدی
 محمد محمدی اشتهاردی
 محمد حسین فهیم‌نیا
 واحد پژوهش
 عباس حسینی جوهری
 رضا استادی
 محمد علی مجاهدی (پروانه)
 شیخ محمود عراقی میثمی
 حسن ارشاد

- ۶۰- داغ شقایق (مجموعه اشعار) / علی مهدوی
- ۶۱- در انتظار منجی (روسی) / آلمات آپسالیکوف
- ۶۲- در جستجوی نور / صافی، سبحانی، کورانی
- ۶۳- در کربلا چه گذشت؟ (ترجمه نس المهموم) / شیخ عباس قمی / کمره‌ای
- ۶۴- دفاع از حریم امامت و ولایت (مختصر شب‌های پشاور) / کریم شنی
- ۶۵- دلشده در حسرت دیدار دوست / زهرا قزلقاشی
- ۶۶- دین و آزادی / محمد حسین فهم‌نیا
- ۶۷- رجعت یا حیات دوباره / احمد علی طاهری ورسی
- ۶۸- رسول ترک / محمد حسن سیف‌اللهی
- ۶۹- روزنه‌هایی از عالم غیب / سید محسن خرازی
- ۷۰- زیارت ناحیه مقدسه / واحد تحقیقات
- ۷۱- سحاب رحمت / عباس اسماعیلی یزدی
- ۷۲- سخنرانی مراجع در مسجد جمکران / واحد پژوهش مسجد مقدس جمکران
- ۷۳- سرود سرخ انار / الهه بهشتی
- ۷۴- سقا خود تشنه دیدار / طهورا حیدری
- ۷۵- سلفی‌گری (وهابیت) و پاسخ به شبهات / علی اصغر رضوانی
- ۷۶- سیاحت غرب / آقا نجفی قوچانی
- ۷۷- سیمای امام مهدی عج در شعر عربی / دکتر عبداللهی
- ۷۸- سیمای جهان در عصر امام زمان عج (دو جلدی) / محمد امینی گلستانی
- ۷۹- سیمای مهدی موعود عج در آئینه شعر فارسی / محمد علی مجاهدی (پروانه)
- ۸۰- شرح زیارت جامعه کبیره (ترجمه الشمس الطالعه) / محمد حسین نائینی
- ۸۱- شمس وراء السحاب / عربی / السید جمال محمد صالح
- ۸۲- صبح فرا می‌رسد / مؤسسه فرهنگی تربیتی توحید
- ۸۳- ظهور حضرت مهدی عج / سید اسدالله هاشمی شهیدی
- ۸۴- عاشورا تجلی دوستی و دشمنی / سید خلیل حسینی
- ۸۵- عریضه نویسی / سید صادق سیدنژاد
- ۸۶- عطر سبب / حامد حجتی
- ۸۷- عقد الدرر فی أخبار المنتظر عج / عربی / المقدس الشافعی
- ۸۸- علی عج مروارید ولایت / واحد تحقیقات
- ۸۹- علی عج و پایان تاریخ / سید مجید فلسفیان
- ۹۰- غدیرخم (روسی، آذری لاتین) / علی اصغر رضوانی

- ۹۱- غدیرشناسی و پاسخ به شبهات / علی اصغر رضوانی
- ۹۲- فتنه و هابیت / علی اصغر رضوانی
- ۹۳- فدک ذوالفقار فاطمه علیها السلام / سید محمد واحدی
- ۹۴- فرهنگ اخلاق / عباس اسماعیلی یزدی
- ۹۵- فرهنگ تربیت / عباس اسماعیلی یزدی
- ۹۶- فرهنگ درمان طبیعی بیماری‌ها (پخترا) / حسن صدری
- ۹۷- فوز اکبر / محمد باقر فقیه ایمانی
- ۹۸- فریادرس / حسن محمودی
- ۹۹- قصه‌های تربیتی / محمد رضا اکبری
- ۱۰۰- کرامات المهدی علیه السلام / واحد تحقیقات
- ۱۰۱- کرامت‌های حضرت مهدی علیه السلام / واحد تحقیقات
- ۱۰۲- کمال الدین و تمام النعمه (دو جلد) / شیخ صدوق علیه السلام / منصور پهلوان
- ۱۰۳- کهکشان راه نیلی (مجموعه اشعار) / حسن بیاتانی
- ۱۰۴- گردی از رهگذر دوست (مجموعه اشعار) / علی اصغر یونسیان (ملتجی)
- ۱۰۵- گفتمان مهدویت / آیت الله صافی گلپایگانی
- ۱۰۶- گنجینه نور و برکت، ختم صلوات / مرحوم حسینی اردکانی
- ۱۰۷- مام فضیلت‌ها / عباس اسماعیلی یزدی
- ۱۰۸- مشکاة الانوار / علامه مجلسی علیه السلام
- ۱۰۹- مفرد مذکر غائب / علی مؤذنی
- ۱۱۰- مکیال المکارم (دو جلد) / موسوی اصفهانی / حائری قزوینی
- ۱۱۱- منازل الآخرة، زندگی پس از مرگ / شیخ عباس قمی علیه السلام
- ۱۱۲- منجی موعود از منظر نهج البلاغه / حسین ایرانی
- ۱۱۳- منشور نینوا / مجید حیدری فر
- ۱۱۴- موعودشناسی و پاسخ به شبهات / علی اصغر رضوانی
- ۱۱۵- مهدی علیه السلام تجسم امید و نجات / عزیز الله حیدری
- ۱۱۶- مهدی منتظر علیه السلام در اندیشه اسلامی / العمیدی / محبوب القلوب
- ۱۱۷- مهدی موعود علیه السلام، ترجمه جلد ۱۳ بهار - در جلد / علامه مجلسی علیه السلام / ارومیه‌ای
- ۱۱۸- مهربان‌تر از مادر / نوجوان / حسن محمودی
- ۱۱۹- مهر بیکران / محمد حسن شاه‌آبادی
- ۱۲۰- میثاق منتظران (شرح زیارت آل‌یس) / سید مهدی حائری قزوینی
- ۱۲۱- ناپیدا ولی با ما / (فارسی، ترکی استانبولی، انگلیسی، بنگالی) / واحد تحقیقات

میرزا حسین نوری <small>رحمته</small>	۱۲۲ - نجم الثاقب
میرزا حسین نوری <small>رحمته</small>	۱۲۳ - نجم الثاقب (دو جلدی)
بنیاد غدیر	۱۲۴ - ندای ولایت
محمد خادمی شیرازی	۱۲۵ - نشانه‌های ظهور او
مهدی علیزاده	۱۲۶ - نشانه‌های یار و چکامه انتظار
علی اصغر رضوانی	۱۲۷ - نگاهی به مسیحیت و پاسخ به شبهات
واحد پژوهش مسجد مقدس جمکران	۱۲۸ - نماز شب
محمد رضا اکبری	۱۲۹ - نهج الکرامه گفته‌ها و نوشته‌های امام حسین <small>رحمته</small>
الهه بهشتی	۱۳۰ - و آن که دیرتر آمد
علی اصغر رضوانی	۱۳۱ - واقعه عاشورا و پاسخ به شبهات
واحد تحقیقات	۱۳۲ - وظایف منتظران
سید نورالدین جزائری	۱۳۳ - ویژگی‌های حضرت زینب <small>رحمته</small>
میرزا احمد آشتیانی <small>رحمته</small>	۱۳۴ - هدیه احمدیه / اجیبی، نیم جیبی
مهدی فتلاوی / بیژن کرمی	۱۳۵ - همراه با مهدی منتظر
محمد خادمی شیرازی	۱۳۶ - یاد مهدی <small>رحمته</small>
محمد حجتی	۱۳۷ - یار غائب از نظر (مجموعه اشعار)
عباس اسماعیلی یزدی	۱۳۸ - ینابیع الحکمة / عربی - پنج جلد

جهت تهیه و خرید کتاب‌های فوق، می‌توانید با نشانی:

قم - صندوق پستی ۶۱۷، انتشارات مسجد مقدس جمکران مکاتبه و یا با شماره
تلفن های ۰۲۵۱-۷۲۵۳۳۴۰، ۷۲۵۳۷۰۰، تماس حاصل نمایید.
کتاب‌های درخواستی بدون هزینه پستی برای شما ارسال می‌گردد.

سایر نمایندگی‌های فروش:

تهران: ۰۲۱-۶۶۹۲۸۶۸۷، ۶۶۹۳۹۰۸۳

یزد: ۰۳۵۱-۶۲۸۰۶۷۱-۲، ۶۲۴۶۴۸۹

فریدونکار: ۰۱۲۲-۵۶۶۴۲۱۲-۱۴